

فصلنامه علمی

راهبرد ۹۱

سال بیست و هشتم - شماره نود و یک - تابستان ۱۳۹۸

هیئت تحریریه

ابراهیم بیگ زاده / استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
جمشید پژویان / استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
حسین مهرپور محمدآبادی / استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
عزت ا... نادری / استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم
محمدامیر شیخ نوری / استاد دانشکده ادبیات دانشگاه الزهرا
علی بیگدلی / استاد دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی
علی اصغر پورعزت / استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
سهیلا پروین / دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
محمد نوفرستی / دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی
داوود دانش جعفری / استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

نشانی: تهران، خیابان آیت الله طالقانی، نرسیده به پل حافظ، پلاک ۳۷۶

کدپستی: ۱۵۱۹۸۱۶۹۱۱

تلفن: ۶۶۹۷۱۱۷۵

نمابر: ۶۶۴۹۹۱۲۱

وبسایت: <http://rahbord.csr.ir>

پست الکترونیک: Rahbord@csr.ir

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

به استناد نامه شماره ۲۱۱۴/۱۱/۳ مورخه ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ وزارت علوم،
تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد دارای مرتبه علمی - پژوهشی می باشد.

فصلنامه راهبرد در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

www.isc.gov.ir

www.sid.ir

www.magiran.com

www.csr.ir

www.ensani.ir

www.civilica.com

www.noomags.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

پرتال جامع علوم انسانی

مرجع دانش

پایگاه مجلات تخصصی نور

بلاغت



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

مدیر مسئول

دکتر محسن رضایی میرقاند

دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)

سردبیر

دکتر محمدرحیم عیوضی

استاد دانشگاه شاهد

مدیر اجرایی

عقیقه عابدی

ویراستار

محمد قیصری

صفحه آرا

نجمه قادری

ناظر چاپ

مصطفی اعلائی حیدری

شاپا: ۳۱۰۲-۱۰۲۸

شاپا الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

بسمه تعالی

راهنمای تدوین مقالات

● هدف

هدف از انتشار فصلنامه راهبرد، بسترسازی پژوهشی به منظور شناخت دقیق‌تری از سیاست‌گذاری و حکمرانی بنیادی راهبردی در جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، مقاله‌هایی با رویکرد بین‌رشته‌ای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، محیط زیست، فناوری‌های نو، حقوقی و قضایی و... که ماهیت پژوهشی اصیل و بدیع داشته باشند، برای بررسی و چاپ احتمالی پذیرفته می‌شوند.

● شیوه آماده‌سازی و ارسال

۱. مقاله باید ساختار علمی لازم را داشته باشد.
۲. مقاله ارسالی باید معیار مقاله علمی-پژوهشی را داشته و به‌گونه‌ای نسبت به مطالب موجود نوآوری داشته باشد.
۳. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش و مهم‌ترین نتایج تحقیق، به همراه فهرستی از واژگان کلیدی (حداکثر ۱۰ واژه)، به فارسی و انگلیسی ضمیمه مقاله شود.
۴. عناوین اصلی مقاله با اعداد ۱، ۲ و... مشخص گردد. عناوین فرعی در سطر مجزایی به صورت ۱-۱، ۱-۲، ... نشان داده شوند. عناوین جزئی‌تر از سر سطر آغاز شوند و با ارقام ۱-۱، ۱-۲، ... مشخص شوند.
۵. عناوین نگاره به‌صورت روشن و گویا در ابتدای نگاره ذکر شود. نشانی نگاره اقتباسی در ذیل آنها داده شود.
۶. تصاویر و یا نمودارها مجزا از جداول شماره‌گذاری شوند.
۷. ارجاع منابع در متن مقاله و به روش درون‌متنی در داخل پرانتز به شکل زیر آورده شود:
۱-۷. منابع فارسی: (نام‌خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه؛ مثال: مهرپور، ۱۳۹۰: ۱).
۲-۷. منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام‌خانوادگی مؤلف؛ مثال: Morgan, 1965: 71).
- ۳-۷. تکرار ارجاع یا اسناد مانند نوبت اول بیان شود و از کاربرد کلمات همان، پیشین و... (Ibid, ...) خودداری شود.
- ۴-۷. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۸. معادل انگلیسی اسامی خاص یا اصطلاحات در پایین هر صفحه آورده شود.
۹. توضیحات اضافی، در انتهای مقاله در بخش پی‌نوشت‌ها درج شود. ارجاع و اسناد مطالب در پانوشت‌ها مانند متن مقاله، مطابق روش درون‌متنی خواهد بود.

۱۰. فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین، به‌طور جداگانه و مطابق نگارش کتابنامه به‌صورت زیر ارائه شود:

- * کتاب: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ)، نام کتاب (ایتالیک و سیاه)، نام مترجم، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، جلد.
- * مقاله مجله: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ)، نام مقاله، نام مجله (ایتالیک و سیاه)، شماره مجله، صفحه.
- * مقاله دایرة المعارف: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ)، نام مقاله، نام دایرة المعارف (ایتالیک و سیاه)، جلد، صفحه، محل نشر: نام ناشر.
- * مقاله روزنامه: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ، روز، ماه، سال)، عنوان مقاله، نام روزنامه (ایتالیک و سیاه)، شماره صفحه.
- * مقاله وب‌سایت: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ)، نام مقاله (ایتالیک سیاه)، بایزایی شده در تاریخ (تاریخ بایزایی به ترتیب روز، ماه، سال)، نام ناشر سایت، آدرس سایت.

۱۱. بخش نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب جزء الزامی مقاله است.
۱۲. هر گونه سپاسگزاری از افراد یا مؤسسات در پایان مقاله قبل از پی‌نوشت‌ها آورده شود.
۱۳. حجم مقالات کمتر از ۱۶ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای و بیشتر از ۲۵ صفحه نباشد.
۱۴. نویسنده به همراه مقاله، یادداشتی مبنی بر اینکه مقاله خود را جهت چاپ به مجله دیگری نسپرده است، ارسال نماید. در غیر این صورت «راهبرد» از ارسال مقاله به داوری معذور خواهد بود.
۱۵. در صورتی که نویسنده دانشجو باشد، نامه همکاری استاد خود را در مقاله با امضای ایشان، به پیوست ارسال نماید.

● داوری و چاپ

۱. مقاله دریافتی نخست توسط هیئت تحریریه راهبرد مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورتی که مناسب چاپ تشخیص داده شود، برای ارزیابی به سه نفر از داوران صاحب نظر، ارسال خواهد شد.
۲. هیئت تحریریه راهبرد در قبول و یا رد و نیز حک و اصلاح مقالات آزاد و از عودت آنها معذور است.
۳. مسئولیت مطالب مقالات از هر نظر، بر عهده نویسنده است.

● نحوه ارسال

نویسندگان می‌توانند فایل word مقاله خود را به نشانی سایت فصلنامه (Rahbord.csr.ir) ارسال نمایند. ذکر مشخصات کامل شامل میزان تحصیلات، رتبه و پایه علمی، محل کار، شماره تماس، آدرس، صندوق پستی و پست‌الکترونیک الزامی است.

راهبرد

شماره ۹۱ - تابستان ۱۳۹۸
سال بیست و هشتم

جستاری در تحلیل رویکرد مطالعات آینده جامعه ایران در پرتو نگرش نسل‌های آینده پژوهی
فاطمه سادات رحمتی، طاهره میرعمادی / ۵

مروری انتقادی بر نظریه پول، دولت و بازار
محسن رضایی میرقائد / ۳۵

مدل‌یابی روابط ساختاری ویژگی‌های شخصیتی در چشم‌انداز مشارکت سیاسی با میانجی‌گری
روابط موضوعی
سیدفرزاد طباطبایی میر، محمدابراهیم مداحی و حسن احدی / ۵۳

ارائه رویکرد سناریوپردازی دوسطحی صنعت و بنگاه (مطالعه موردی: سناریوهای آینده کفش
در ایران)
محمدامین قلمبر، سیدمحمد مقیمی، سیدمحمد حسینی و فاطمه ثقفی / ۸۱

بررسی پژوهش‌های گردشگری در ایران با رویکرد سیستمی
سیدجلیل لاجوردی، علی رضاییان، حمیدرضا فرتوک‌زاده و شهاب طلایی شکری / ۱۰۹

طراحی مدل تحول نظام اداری ایران از منظر خط‌مشی‌های فرهنگی
سیداحمد حسینی گل‌افشانی، فتح شریف‌زاده، جمشید صالحی صدقیانی و مهدی وکیل‌پور / ۱۴۱

تحلیل محتوای مقالات فصلنامه راهبرد
عباس آخوندی / ۱۶۷

تحلیل زنجیره تأمین زیست‌توده زباله با بهره‌گیری از نقشه‌های شناختی فازی
مریم امانی، احمدرضا قاسمی، علی رجب‌زاده قطری و عادل آذر / ۱۹۷



داوران این شماره فصلنامه راهبرد

علی اصغر پورعزت/ استاد دانشگاه مدیریت دانشگاه تهران

احمد شعبانی/ استاد دانشگاه اصفهان

طاهر روشندل اربطانی/ دانشیار دانشگاه تهران

عبدالهادی دانشپور/ دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

ناصر پورصادق/ دانشیار دانشگاه دفاع ملی

محمد مهدی ذوالفقارزاده/ استادیار دانشگاه تهران

سعید قربانی/ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر

روح‌الله بیات/ استادیار اقتصاد و مدیریت دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

عین‌الله کشاورز ترک/ استادیار آینده نگاری راهبردی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

عبدالرحیم پدرام/ استادیار مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری های دفاعی

نبی اله دهقان/ استادیار دانشکده مدیریت راهبردی

امیر هوشنگ حیدری/ دکتری آینده پژوهی

محمد حسینی مقدم/ دکتری علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

تقی پارسامهر/ پژوهشگر آینده پژوهی

علیرضا کیقبادی/ دانشگاه عالی دفاع ملی

امیر صادقی/ کارشناسی ارشد دانشگاه عالی دفاع ملی

علی فلاح شیخلری/ کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت

جستاری در تحلیل رویکرد مطالعات آینده جامعه ایران در پرتو نگرش نسل‌های آینده‌پژوهی

فاطمه سادات رحمتی*

طاهره میرعمادی**

چکیده

مطالعات آینده در عصر جدید نخست با آینده‌پژوهی فناوری آغاز شد، اما اکنون چرخش‌های نظری زیادی را از سر گذرانیده است. در این رابطه، متفکران مفهوم «نسل‌های آینده‌نگاری» را مطرح کرده‌اند تا تغییر تدریجی محورها، حوزه‌های تمرکز، تفاوت بازیگران و اختلاف ابعاد را در قالب الگوهای متنوع با عنوان نسل‌های آینده‌نگاری نشان دهند. این گروه از صاحب‌نظران خاطرنشان می‌سازند که نسل اول آینده‌پژوهی با تمرکز صرف بر موضوع علم و فناوری تکوین یافته است، اما نسل‌های بعدی به تدریج بر زمینه‌های متنوع سیاستگذاری عمومی تغییر جهت داده‌اند. پرسش اساسی مقاله آن است که مشخصات پژوهش‌ها و برنامه‌های آینده‌پژوهی در ایران به‌طور عمده متناسب با چه نسلی از آینده‌پژوهی قرار دارد و نقاط ضعف آن در چیست. پرسش دوم آن است که آینده‌پژوهی چگونه می‌تواند به ابزاری برای حل چالش‌های عمومی جامعه تبدیل شود. مقاله در ساخت مدل مفهومی از رویکرد تناظری اندرسن استفاده می‌کند. جمع‌آوری داده با استفاده از روش مصاحبه عمیق و تحلیل اسنادی پروژه‌های آینده‌پژوهی انجام شده و یافته‌ها با روش تحلیل محتوا در چارچوب طبقه‌بندی برگرفته از طبقه‌بندی ساریتاش و اندرسن تحلیل شده‌اند. در پاسخ به دو پرسش پژوهشی، تحلیل‌های مقاله گویای آن است که نخست، رویکرد طرح‌ها و برنامه‌های آینده‌پژوهی در ایران، عموماً در نسل‌های اول و دوم بوده و از این جهت دچار ضعف منطقی و ابزاری برای رویارویی با چالش‌های فعلی است. دوم، رشد علمی ایران در عرصه آینده‌پژوهی، یک رشد نامتوازن بوده، بدین‌صورت

* دانشجوی دکتری سیاستگذاری علم و فناوری، پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

Rahmati.st@irost.ir

** دانشیار پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران (نویسنده

Miremadi@irost.ir

مسئول)

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۷

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نودویک، تابستان ۱۳۹۸، صص ۳۳-۵

که در دو دهه اخیر، ایران از حیث تکنیک و اجرای فنی طرح‌ها در آینده‌پژوهی رشد داشته، اما در عرصه ارتباط با فرایند برنامه‌ریزی از یک‌طرف و مشارکت‌پذیری فرایند از سوی دیگر، کم‌توسعه مانده است. از این جهت، ارتقای وضعیت آینده‌پژوهی در ایران برای ایفای نقش مؤثر در سیاستگذاری، در گرو ساخت چشم‌انداز واحد بر اساس اجماع نخبگان، توسعه ساختار و فرایند مناسب حکمرانی است.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، نسل‌های آینده‌پژوهی، سیاستگذاری، سیاست نوآوری

مقدمه

چالش‌های محیط‌زیستی، چالش‌های اقتصادی، تنش‌های بین‌المللی، چالش‌های اجتماعی اعم از تنش بین نسل‌ها، اقوام و امثال آن هریک به‌تنهایی کافی است که جامعه‌ای را درگیر بازشکافی و بازاندیشی بایسته‌های سیاستی خود کند. جامعه کنونی ایران، در بازه‌های زمانی گوناگون با همه یا بخشی از این چالش‌ها به‌طور هم‌زمان درگیر بوده و نیازمند مواجهه عالمانه و مؤثر با مسائل و چالش‌ها است.

اما در این مقطع، آنچه بیش از همه سزاوار بحث و گفتگو است، نه سیر تاریخی و تکوینی این چالش‌ها، بلکه نحوه حل آن و ساختن آینده بهتر برای جامعه است. حوزه این پژوهش، حوزه مطالعات آینده است و بحث اصلی آن است که چگونه مطالعات آینده در حل چالش‌های جامعه ایران می‌تواند مؤثر باشد. به یاد بیاوریم که تاکنون هفتاد سال از ورود برنامه‌ریزی بلندمدت و چند دهه از ورود مطالعات آینده و آینده‌پژوهی به ایران می‌گذرد و بحث در مورد آینده و چشم‌اندازهای بلندمدت، مدتی است که وارد حوزه دانشگاه شده و به یکی از دغدغه‌های جامعه دانشگاهی تبدیل شده است.

بهرامی (۱۳۹۳) اشاره می‌کند پس از انقلاب اسلامی، با توجه به مفاهیم جدید حکومتی، تغییر و تحولاتی که در ساختارها، آرمان‌ها و اهداف کلان و بلندمدت مطرح شد، توجه به آینده و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت آرام‌آرام مورد توجه قرار گرفت. با این حال نه‌تنها بر سر مسیر نیل به آینده که بر چالش‌های فعلی فائق آید، اجماع بنیادین در جامعه وجود ندارد، بلکه هنوز تصویر و تصور مشترکی از آنچه می‌تواند «آینده ایران» باشد، در بین نخبگان جامعه به چشم نمی‌خورد.

پرسش ما این است که مطالعات آینده با طیف وسیع خود اعم از آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری گرفته تا برنامه‌ریزی‌های مرکزی و منطقه‌ای در چه صورتی می‌تواند در عمل به‌عنوان ابزاری در خدمت هدایت و راهبری بازانديشانه برای حل چالش‌های جامعه درآید. از همین رهگذر باید به این پرسش پاسخ داد که مشخصات برنامه‌ها و طرح‌های آینده‌پژوهی در ایران با تمرکز بر این نگاه چگونه بوده است و چگونه می‌توان فرایندهای آینده‌پژوهی را به این منظور تقویت کرد؟ این پژوهش از چارچوب اندرسن که در آن الگوهای نوآوری، نظام نوآوری و نسل‌های آینده‌پژوهی (Andersen&Andersen, 2012) با عنوان آینده‌نگاری نظام‌مند، با هم هماهنگ شده‌اند، استفاده می‌کند. بر این اساس، مفروض ما آن خواهد بود که طرح‌های آینده‌پژوهی همانند نظام‌های نوآوری و همچنین مدل‌های نوآوری دارای یک روند تکاملی هستند. در این روند تکاملی، چند گونه آینده‌پژوهی که «نسل‌های آینده‌پژوهی» خوانده می‌شوند، قابل تشخیص هستند. مقاله حاضر تلاش می‌کند از طریق مفهوم‌پردازی تقسیم‌بندی نسلی آینده‌پژوهی، جایگاه برنامه‌ها و طرح‌های فعلی آینده‌پژوهی ایران را معین کند. در واقع برگردان پرسش اصلی مقاله، با توجه به تعریف نسل‌های آینده‌پژوهی آن می‌شود که جایگاه پروژه‌های آینده‌پژوهی ایران در بین نسل‌های مختلف کدام است؟ و ایران چگونه می‌تواند به نسل‌های پیشرفته‌تر آینده‌پژوهی گذر کند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، پیشینه و تعیین شکاف در ادبیات پژوهشی این موضوع به‌طور موجز بررسی می‌شود. پس از آن مدل مفهومی معرفی شده و بر آن مبنای مطالعه‌ای بر روی پروژه‌های آینده‌پژوهی ایران انجام می‌گیرد و به پرسش اصلی این مقاله در بخش تجزیه و تحلیل و بحث پاسخ داده می‌شود.

۱. پیشینه تقسیم‌بندی مطالعات آینده و تعیین شکاف پژوهشی

پروژه‌های آینده‌پژوهی بر اساس معیارهای متعددی دسته‌بندی شده‌اند. برخی به فرایندها و برخی به روش‌های آن توجه کرده‌اند، اما در تعدادی از پژوهش‌های داخلی و خارجی، به نوع یا رویکرد برنامه‌های آینده‌پژوهی در سطح ملی یا جهانی پرداخته شده است. یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین بررسی‌ها، دسته‌بندی

«سبک»‌های 'آینده‌پژوهی توسط کینان و پاپر (2008) است. در این مقاله، تقسیم‌بندی با عنوان «سبک‌های آینده‌پژوهی» ارائه شده و ۶ سبک آینده‌پژوهی مبتنی بر ۶ منطقه در جهان شناسایی و معرفی شده است. شرایط سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی تعیین‌کننده یک سبک به خصوص هستند. جورجیو (2001) و هاواس (2005) در دو مقاله جداگانه، فرایند تکوین برنامه‌های ملی آینده‌پژوهی را شناسایی کرده و آن را به نسل‌های مختلف آینده‌پژوهی تعبیر کرده‌اند. السان و اُئر (2004) بر مبنای مدل مدیریت یکپارچه آینده‌پژوهی چک لیستی ارائه کرده‌اند که در آن پروژه‌های آینده‌پژوهی ۸ کشور مقایسه شده و در نهایت بر این اساس، تعریف جدیدی از نسل‌های آینده‌پژوهی ارائه کرده‌اند. در دو مقاله اندرسن و اندرسن (۲۰۱۲) و اندرسن و راسموسن (۲۰۱۴) به تفاوت نسل‌های آینده‌پژوهی و سیر تاریخی آن پرداخته شده است. آن‌ها به همبستگی سیر تطور آینده‌پژوهی با سیر تغییرات در سیاست علم و فناوری اشاره کرده‌اند. مقاله اندرسن و راسموسن (۲۰۱۴) همچنین به تأثیر سنت‌ها، سبک‌ها یا فرهنگ‌های ملی در استفاده از آینده‌پژوهی در فرایندهای تصمیم‌گیری می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که دو بعد فرهنگ ملی یعنی فاصله قدرت و اجتناب از عدم اطمینان، به‌عنوان دو بعد زمینه‌ای نقش ایفا می‌کنند و ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر اساس این دو عامل شکل می‌گیرد.

سابقه توجه به آینده‌پژوهی در ایران به قبل از انقلاب بازمی‌گردد، اما ارتباط بین آن و سیاست‌گذاری‌های علم، فناوری و نوآوری روشن نبود. در سال ۱۳۴۷، با حمایت سازمان برنامه‌ریزی، طرحی با عنوان «آینده‌نگاری برنامه‌های رادیو و تلویزیون ایران: اهداف، ساختار، روش و جدول زمانی» تعریف شده بود که آن را می‌توان نخستین برنامه آینده‌پژوهی در ایران قلمداد کرد (بهرامی، ۱۳۹۳). اوایل دهه هفتاد و سپس در اواسط دهه هشتاد، موج‌های جدیدی از توجه به آینده‌پژوهی به راه افتاد. پروژه تدوین اسناد ملی و نیز تدوین نخستین سند ملی آینده‌پژوهی پامفا، در این برهه کلید خورد. پامفا در اوایل دهه ۷۰ در کمیته

تکنولوژی‌های نو، شورای پژوهش‌های علمی کشور مطرح شد و با همکاری مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی و دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سطح گسترده‌ای معرفی شد.

نگرش آینده پژوهی در فرصتی حدود یک دهه انتشار یافت و به ایجاد شرکت‌های خصوصی، واحدهای دانشگاهی، دولتی و انجمن‌های مختلف منجر شد. همچنین، اسناد بالادستی و میانی متعدد مانند سند چشم‌انداز توسعه، نقشه راه علمی کشور، اسناد تخصصی مانند نانوفناوری، هوافضا، فناوری زیستی، مهندسی فرهنگی و امثال آن تدوین شد.

علی‌رغم این که در دهه‌های اخیر گره‌خوردن آینده‌نگاری و سیاست‌گذاری هم‌زمان با رشد این دو مفهوم بیش‌ازپیش به چشم می‌خورد؛ و به‌خصوص از زمانی که طی سیری تاریخی آینده‌نگری و پیش‌نگری به مطالعات نظام‌مند آینده و آینده‌نگاری تبدیل شد و از سوی دیگر در سیاست‌گذاری (خصوصاً سیاست‌گذاری علم و فناوری) جنبه‌های دموکراتیک و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت، بیش‌ازپیش آینده‌نگاری در حوزه‌های مختلف سیاست عمومی، تحلیل سیاست، ارزیابی فناوری و مطالعات بخش‌ها و صنایع مختلف پذیرفته شده است (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴)، اما باوجود انتشار رویکرد آینده‌نگاری، بخشی در سال‌های اخیر و وجود سنت هفتاد ساله برنامه‌ریزی متمرکز، متأسفانه هنوز پروژه‌های آینده‌پژوهی پیوندی با جریان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ندارد. درواقع، رویکرد آینده‌محور در اغلب برنامه‌های کلان کشور وجود داشته، اما آینده‌نگاری و رویکردهای آن نه در فرایند و نه در محتوا، برنامه‌های کلان ملی را تحت تأثیر قرار نداده است. علت چیست؟

در مورد این پرسش، پایا و شرکا (2010) در مقاله‌ای فرایند اجرای پامفا نخستین پروژه پیش‌آینده‌نگاری را در سطح ملی تشریح کرده و به دلایل شکست آن پرداخته‌اند. از نظر آنان، عدم آشنایی با دانش و روش‌های آینده‌نگاری عامل چنین شکستی بوده است. حافظی و همکاران (۲۰۱۸) با بررسی اسناد و پروژه‌هایی که با رویکرد آینده‌پژوهانه در بازه سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ تدوین

شده‌اند، با بررسی مشخصات آن‌ها از نظر شاخص‌های رشته، مخاطب و تأمین‌کننده‌های مالی و دیگر عوامل پرداخته‌اند. میرعمادی (2018 a) در مقاله خود به مقایسه بین سیستم نوآوری سیاستی دو کشور ایران و کره دست زده و در آن با بهره‌گیری از همبستگی نسل‌های آینده‌پژوهی و نسل‌های سیستم نوآوری، تفاوت نظام‌های نوآوری دو کشور را مطالعه کرده است و از آن تفاوت نسل‌های آینده‌پژوهی را نتیجه گرفته است. وی تفاوت نسل‌های آینده‌پژوهی در ایران و کره را ناشی از تفاوت‌های نهادی و سطح توانمندی تحلیل سیستماتیک در این دو کشور می‌داند.

به جز مقاله اخیر، در هیچ‌یک از مقالات به تجزیه و تحلیل پروژه‌های آینده‌پژوهی در ایران بر اساس دسته‌بندی نسل‌های آینده‌پژوهی پرداخته نشده است. در دو مقاله میرعمادی که این بررسی در آن‌ها صورت گرفته (Miremadi, 2018 b) (Miremadi, 2018 a)، تعیین نسل آینده‌پژوهی از طریق مقایسه الگوهای نظام نوآوری کره جنوبی با ایران انجام شده است. به هر حال، شکاف پژوهشی در ادبیات مرتبط، مربوط به تعیین نسل‌های آینده از طریق مطالعه مستقیم پروژه‌های آینده‌پژوهی است. در مقاله حاضر، برعکس تلاش شده که جایگاه آینده‌پژوهی ایران از طریق مطالعه تجربی پروژه‌های آینده‌پژوهی روشن شود و به این ترتیب با تمرکز بر مطالعه تجربی و با مطالعه مستقیم پروژه‌های آینده‌پژوهی به پرسش‌های مطروحه پاسخ داده می‌شود. به همین منظور ۱۰ پروژه آینده‌پژوهی یا برنامه ملی که رویکرد آینده‌پژوهانه داشته‌اند، انتخاب شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد. معیار انتخاب برای بررسی این پروژه‌ها قلمرو آن‌ها بوده و همه پروژه‌ها در سطح ملی (با موضوع بخشی) انتخاب شده‌اند. ضمناً دسترسی به تیم اجرایی پروژه برای کسب اطلاعات دقیق و صحیح نیز معیار تسهیل‌کننده انتخاب بوده است. در این پژوهش مصاحبه با مدیران پروژه‌ها یا افراد کلیدی پروژه انجام شده و در خصوص ۴ پروژه، از اطلاعات موجود در مقالات و پژوهش‌های دیگر استفاده شده است. جهت تحلیل یافته‌ها مدلی ارائه شده که بر مبنای مرور ادبیات موضوع، ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های نسل‌های مختلف آینده‌پژوهی شناسایی و دسته‌بندی

شده است که در ادامه می‌آید. این تحقیق از حیث ماهیت، توصیفی بوده و استراتژی آن، کیفی است. روش جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوا است.

۲. مبانی نظری و مدل پژوهش در نسل‌های آینده‌پژوهی^(۱)

۲-۱. تعریف نسل‌های آینده‌پژوهی و تفاوت‌های آن‌ها

یکی از مشهورترین دسته‌بندی‌های آینده‌پژوهی را می‌توان از منظر جورجیو (۲۰۰۱) عنوان کرد. از دید جورجیو از اواسط قرن بیستم که آینده‌پژوهی با گذر از فاز پیش‌بینی فناوری، به بازار توجه کرد و توسعه فناورانه را از منظر سهم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از بازارها مورد توجه قرار داد، می‌توان گفت تفاوت در نسل‌های آینده‌پژوهی آغاز شد. در واقع، نسل اول عموماً مبتنی بر پیش‌نگری و نسل دوم تلاش برای انطباق فرصت‌های فناورانه با تحولات بازار توصیف می‌شود. پس از مدتی، با توجه به نوع پروژه‌های آینده‌پژوهی ژاپن، نسل جدیدی از آینده‌پژوهی به وجود آمد که در آن ذی‌نفعان و بازیگران وسیعی به همکاری طلبیده شدند. مباحث اجتماعی و نهادی نیز در همین نسل سوم آینده‌پژوهی مطرح و به آن آینده‌نگاری اطلاق شد. در این نسل شاهد تغییر نقش دولت هم هستیم که در آن بخش‌هایی از نظام سیاستی که مسئول حوزه علم هستند توسط وزارتخانه‌های مسئول تکمیل می‌شوند. در نسل سوم است که عدم‌کفایت نهادهای واسطه^۱ در سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی تشخیص داده می‌شود و آینده‌پژوهی ضرورتاً به ایجاد شبکه روی می‌آورد (Miles, Casingena, Georghiou, Keenan, & Popper, 2008). در نسل چهارم احتمالاً دامنه مشارکت‌کنندگان گسترش می‌یابد و آن را به سطحی فراتر از افرادی که معمولاً در یک فعالیت ملی سیاستی مشارکت دارند، تعمیم می‌دهد. شبکه‌های گسترده، نوآوری‌های باز و امثال آن در این نسل رخ می‌دهند. نسل پنجم آینده‌نگاری قلمرو کارشناسی مهم‌تر می‌شود و این کارشناسان در کنار ذی‌نفعان و افراد دارای مهارت‌های آینده‌نگاری کار می‌کنند. در این نسل، ترکیب فعالیت‌ها و برنامه‌های

1. Bridging organizations

آینده‌نگاری، میان مکان‌های مختلف توزیع می‌شود، اما این کار در ترکیب با دیگر عناصر تصمیم‌گیری راهبردی صورت می‌گیرد. ملاحظه اصلی این فعالیت‌ها؛ الف) ساختارها یا بازیگران نظام علم، فناوری و نوآوری یا ب) ابعاد علمی و فناورانه، مسائل گسترده‌تر اجتماعی یا اقتصادی است. در واقع، نسل چهارم و پنجم ساختارهای خود را با توجه به هدف تحلیل می‌سازند و این امر منجر به نوعی تنوع در مسیر سازمان‌دهی آینده‌نگاری در کشورهایی می‌شود که به این مراحل رسیده‌اند (مایلز، هارپر، جورجیو، کینان و پاپر، ۱۳۹۱). این موضوع گسترش ذی‌نفعان را، شامل سازمان‌های داوطلب، گروه‌های مصرف‌کننده، گروه‌های فشار و غیره نشان می‌دهد. همچنین افزایش تأکید بر حل مشکلات اجتماعی-اقتصادی بیش از فرصت‌های علمی مورد توجه قرار می‌گیرد. این تغییرات موجب حرکت به سمت «سیاست نوآوری» می‌شود (Miremadi, 2018 a).

در تبیینی که هاواس (۲۰۰۷) از نسل‌های نوآوری مبتنی بر کار جورجیو (۲۰۰۱) انجام داده است، برنامه‌ها و پروژه‌های آینده‌پژوهی را به سه نوع تقسیم می‌کند. هدف نوع اول را که نوع A می‌خواند و تمرکز آن بر علم و فناوری است، تشخیص اولویت‌های علم و فناوری و خردمایه آن را افزایش اعتبار ملی و دستیابی به پیشرفت علم و فناوری می‌داند و معتقد است این نوع آینده‌پژوهی در مدل خطی نوآوری ممکن است به صورت صریح یا ضمنی، مزایای اجتماعی و اقتصادی را نیز در نظر بگیرد. تمرکز نوع B، اجتماعی-فنی بوده و هدف آن تشخیص موضوعات تحقیقاتی در علم و فناوری است که برای فضای کسب‌وکار مفید هستند. خردمایه این نوع، منطق کسب‌وکار، بهبود فضای رقابتی، اصلاح شکست بازار، تقویت همکاری صنعت و دانشگاه و گسترش افق کوتاه‌مدت کسب و کارهاست. نوع C، تمرکز بیشتری بر مسائل اجتماعی دارد و هدف آن تشخیص موضوعات پژوهشی علم و فناوری برای حل چالش‌های اصلی اجتماعی و مشاوره به حوزه‌های دیگر سیاستی به منظور مواجهه با مسائل اقتصادی اجتماعی است. خردمایه نوع C افزایش کیفیت زندگی، اصلاح شکست‌های سیستمی و تقویت نظام ملی نوآوری است. بازیگران اصلی نوع اول، پژوهشگران و

سیاستگذاران (به‌طور مثال وزرای مالی و علم و فناوری) و نوع دوم، پژوهشگران، افراد حوزه کسب‌وکار و سیاستگذاران بوده و نوع سوم علاوه بر دسته‌های پیشین، ذی‌نفعان اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد.

از نگاه مایلز (۲۰۰۸) و اندرسن (۲۰۱۲)، این نسل‌ها به تکامل تفکر درباره نوآوری شباهت دارند. اندرسن و اندرسن (۲۰۱۲) به مقایسه‌ای بین سیر تاریخی نسل‌های سیاست علم، فناوری و نوآوری و نسل‌های آینده‌پژوهی پرداخته‌اند. مدل اولیه و خطی توسعه و انتقال فناوری شناسایی شده که در هنگام وجود نسل اول (دهه ۵۰ تا نیمه اول دهه ۶۰ میلادی) آینده‌پژوهی غالب بوده است. توجه آینده‌نگاری نسل‌های دوم (نیمه دوم دهه ۶۰ تا اوایل دهه ۷۰ میلادی) هم‌زمان به سیاست فناوری و بازار بوده است. از نسل سوم به بعد، سیاستگذاری نوآوری (از اوایل دهه ۷۰ میلادی به بعد) شکل گرفته است که در آن هم‌زمان به فشار علم و کشش بازار پرداخته شده است، حلقه بازخورد در آن وجود دارد و کمی پس از آن نسل سوم آینده‌پژوهی نیز (اواسط دهه ۷۰ میلادی) که طیف گسترده‌ای از ذینفعان دانشگاه، صنعت و بازار در آن مشارکت داده شده‌اند، ایجاد شده است. نسل چهارم سیاست علم، فناوری و نوآوری (نیمه دهه ۸۰ تا نیمه دهه ۹۰ میلادی) با یادگیری از نوآوری ژاپن شکل گرفته، فرایندهای موازی و همگرایی توسعه و نوآوری در آن وجود دارد و مستلزم تبادل شدید اطلاعات است. نسل چهارم به مفهوم زیست‌بوم صنعت یا نظام نوآوری باز شباهت دارد و طی همان سال‌ها نسل چهارم آینده‌نگاری نیز که شامل شبکه‌های وسیع همکاری و اطلاعات است، جریان پیدا می‌کند. درنهایت، از دهه ۹۰ میلادی به بعد نسل پنجم نوآوری با تشدید رشد مباحث مالی، تحقیق و توسعه و بازارهای جهانی ایجاد شده، یادگیری‌های داخلی و خارجی بسیار مهم می‌شوند. شبکه‌ها و سیستم‌های باز تقویت شده و نوآوری، به‌عنوان دانش چگونگی بهبود و یادگیری تلقی می‌شود. از اوایل قرن ۲۱ میلادی، آینده‌پژوهی تنوع‌بخشی به سطوح برنامه، بازیگران، روش‌ها و طراحی گسترده شده است و نکته مهمی که در تدوین برنامه‌های آینده‌نگاری

مورد توجه قرار گرفته، ابرچالش‌ها^۱ هستند. به علاوه در همه برنامه‌های آینده‌نگاری در حوزه‌های مختلف، پدیده‌ها بیش از پیش در بافتار تاریخی و اجتماعی خود بررسی می‌شوند (Andersen & Andersen, 2012). همان‌گونه که مشاهده می‌شود تغییر جهت آینده‌پژوهی و سیاست نوآوری از نسل سوم به بعد به سمت مسائل اجتماعی و گسترش نوع بازیگران است. در نسل اول و دوم آینده‌پژوهی و سیاست نوآوری تمرکز بر حل مسائل فناورانه بوده و تنها تغییر رویکرد از فشار علم به تقاضای بازار انجام شده است. اما در نسل‌های بعدی، علم، فناوری و نوآوری در خدمت حل مسائل اساسی اجتماعی و توسعه قرار گرفته و از همین رهگذر نوع بازیگران دخیل نیز گسترش یافته است.

۳. شاخص‌های سنجش نسل‌های آینده‌پژوهی

همان‌طور که مشخص شد، با تغییر در رویکردهای آینده‌پژوهی، ویژگی‌های برنامه‌ها و به‌کارگیری آن‌ها نیز دچار تغییر شد. تمرکز بر حوزه‌ای خاص یا بافتار زمینه‌ای، تأکید بر روش‌های کمی یا کیفی، میزان مشارکتی بودن برنامه‌ها، توجه به آینده‌های بدیل و امثال آن، همه در این چرخش‌های فنی تغییر کردند. آن‌چنان‌که پیش از این گفته شد، مطلوب این مقاله، تعیین رویکرد غالب برنامه‌های آینده‌پژوهی ایران است. به همین منظور برای شناسایی این رویکرد غالب، با بهره‌گیری از مقالات (Havas (2005؛ Miremadi (2017؛ Andersen & Rasmussen 2014؛ Havas & Weber, 2016؛ Keenan & Popper 2008 به احصای شاخص‌هایی برای تعیین جایگاه برنامه‌های ایران در میان نسل‌های آینده‌پژوهی پرداخته‌ایم و چند برنامه آینده‌پژوهی که قلمرو آن در سطح ملی بوده است، با این شاخص‌ها ارزیابی شده‌اند.

شاخص‌ها عبارتند از عملگر بودن^۱، مشارکت^۲، آینده‌های بدیل^۳، جامعیت

-
1. Grand Challenges
 2. Action-oriented vs. Contemplative
 3. Participatory
 4. Alternative futures

تمرکز^۱، سطح جغرافیایی تمرکز^۲، مشتری / حامی مالی^۳، کاربران بالقوه^۴، محصول یا فرایند^۵، تکنیک‌ها^۶، زمینه مطالعه و افق زمانی^۷ (Havas, 2005)، اندازه^۸، مدت زمانی^۹، تکرار اجرای آینده‌نگاری^{۱۰} (Miremadi, 2018 a)، فاصله بین قدرت جایگاه^{۱۱}،^(۳) توجه به عدم قطعیت^{۱۲}، فردگرایی^{۱۳}، گرایش به برنامه‌ریزی بلندمدت یا کوتاه‌مدت^{۱۴} (Andersen & Rasmussen, 2014)، گروه هدف^{۱۵}، حوزه پوشش داده شده^{۱۶}، نوع خروجی^{۱۷}، (Keenan & Popper, 2008) ساختار قدرت^{۱۸}، فرهنگ سیاسی اداری^{۱۹} (Havas & Weber, 2016). در بخش بعد منطقی برای دسته‌بندی شاخص‌ها ارائه خواهد شد که بر مبنای آن، این تحلیل‌ها انجام می‌شوند.

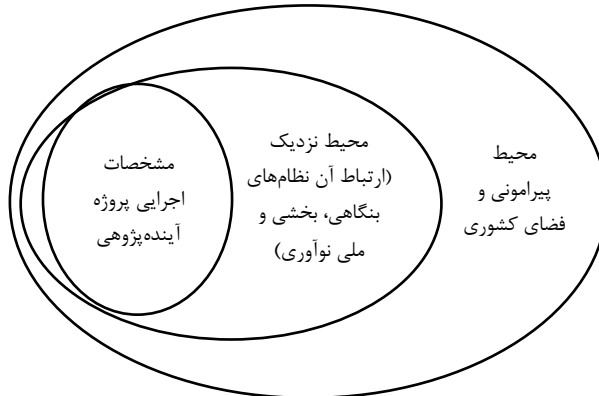
۳-۱. مدل مفهومی و منطق دسته‌بندی

شاخص‌های معرفی شده در مقالات در چارچوب طبقه‌بندی مختار محقق جای داده شده و پروژه‌های ملی یا بخشی توسط این شاخص‌ها اندازه‌گیری شده‌اند. در

-
1. Holistic or just concentrate on particular topic
 2. Geographical scope
 3. Clients/ sponsors
 4. Potential users
 5. Product-oriented or process-oriented
 6. Analytical and participatory methods
 7. Themes and time horizon
 8. Size
 9. Duration
 10. Repetition of foresight exercise
 11. Power distance
 12. Uncertainty avoidance
 13. Individualism
 14. Long-term or short-term orientation
 15. Target group
 16. Domain coverage
 17. Codified outputs
 18. Power structures
 19. Administrative culture

این طبقه‌بندی، پروژه آینده‌پژوهی ویژگی‌هایی درونی دارد که با توجه به فضای پیرامونی و محیط نزدیک آن که شامل سازمان سفارش‌دهنده پروژه است، ممکن است تغییر کنند. لایه بعدی محیط بیرونی یا همان فضای کشور یا منطقه است که بر نوع و رویکرد آینده‌پژوهی تأثیرگذار است.

شکل ۱. ابعاد تحلیل، ترسیم شده توسط نگارندگان با الهام از ساریتاش



(Saritas, 2013; Andersen&Andersen, 2012)

ما نیز به پیروی از تقسیم‌بندی هاواس و وبر (۲۰۱۶) محیط پیرامونی را با دو شاخص ساختار قدرت و فرهنگ سیاسی- اداری توصیف می‌کنیم، هرچند می‌دانیم علاوه بر این دو عامل، عوامل دیگر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در فرایند آینده‌پژوهی تأثیرگذار هستند. اما به لحاظ رعایت اختصار، به بررسی همین دو عامل بسنده شده است. ساختار قدرت حاکمیت از طیفی کاملاً مردم‌سالارانه تا خودکامه قابل ترسیم است و فرهنگ سیاسی اداری به نوع مواجهه حاکمیت با گروه‌های خارج از قدرت اشاره دارد که در آن یک سرطیف، بازی برنده- بازنده انجام می‌دهند. هاواس و وبر (۲۰۱۶) می‌گویند که این دو شاخص به‌طور مستقیم بر نوع اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های آینده‌پژوهی اثرگذار هستند. در لایه بعدی، ویژگی‌های سازمانی و سیستمی قرار دارد و در نهایت مختصات خود پروژه و برنامه آینده‌پژوهی است که مجموعاً تعیین‌کننده نوع آینده‌پژوهی از دیدگاه نسل‌ها هستند.

جدول ۱. مؤلفه‌های داخلی پروژه

ویژگی‌های داخلی پروژه								
جنس خروجی	تکنیک‌ها	نوع اجرا و جایگاه	مشتریان و گروه‌های هدف	افق زمانی، اندازه مالی، سطح جغرافیایی، حوزه تأثیر	تفکر بدیل	مشارکت	عمل‌گرایی	حوزه تمرکز

جدول ۲. مؤلفه‌های محیط نزدیک (ساختاری و سازمانی)

محیط نزدیک (ویژگی‌های سیستمی)								
زیرساخت‌های فنی (مشاوران، پروفایل‌های اطلاعاتی، دانش آب و...)	پارچه‌های برنامه‌ها	تیم‌های حامیان	میزان بلایگی	فاصله بین قدرت جایگاه	ساختار قدرت و امتد	جایگاه آینده‌پژوهی در فرایندهای سیاست‌گذاری	گرایش به برنامه‌ریزی بلندمدت یا کوتاه‌مدت	وجود تصویر مشترک
								اعتقاد به آینده‌پژوهی
								فرهنگ مشارکت‌جویی

جدول ۳. مؤلفه‌های محیط دور

محیط دور (ویژگی‌های کشوری)	
ساختار قدرت	فرهنگ سیاسی اداری

با تقسیم‌بندی سه بعد داخلی، محیط نزدیک و محیط دور و مؤلفه‌های احصا شده از ادبیات موضوع، به دسته‌بندی شاخص‌ها ذیل آن می‌پردازیم.

جدول ۴. شاخص‌های ترکیبی دسته‌بندی شده

توضیحات / گزینه‌ها	مؤلفه	لایه
ساخت آینده (ادغام در برنامه‌ریزی‌های ۵ ساله و ۱۰ ساله)	عملگرایی	محیط داخلی و سازمان‌دهی پروژه‌های آینده‌پژوهی
پیش‌بینی آینده (استفاده‌کردن نتایج)		
مشارکت‌کنندگان	مشارکت	
اطلاع‌رسانی		
در نظر گرفتن یک یا چند آینده	آینده‌های بدیل	
توجه به عدم قطعیت‌ها		
متمرکز بر علم/ فناوری	حوزه تمرکز	
جامع		
سطح جغرافیایی تمرکز	سطح جغرافیایی تمرکز	
بیرون	حوزه تأثیر و تأثر	

درون	مشتری / حامی مالی	محیط نزدیک (سازمانی و ساختاری)
راهبر		
سفارش دهنده		
کارفرما		
مجری		
تأمین کننده مالی		
محصول	نوع اجرا و جایگاه آن	
فرایند		
تعدد و پیچیدگی تکنیک‌ها	تکنیک‌ها	
فاصله زمانی تا چشم‌انداز	افق	
میزان و حجم برنامه‌ها به لحاظ افراد، منابع مالی و تعدد رشته‌ها	اندازه	
تعداد ماه‌ها و مدت‌زمان انجام پروژه	مدت‌زمان انجام پروژه	
واحد‌های تجاری، سمن‌ها، سازمان‌های میانی، پژوهشگران، محققان، شرکت‌ها و نماینده‌های دولتی	گروه‌های هدف	
توصیه سیاستی، سناریو، نقشه راه فناوری، تحلیل روند و پیشران، پیش‌بینی‌های کمی و کیفی، لیستی از فناوری‌های کلیدی و چشم‌انداز	خروجی	
مراحل فرایند شامل شناخت، تدوین چشم‌انداز، تحلیل، برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی تحقیق و بازخورد	جایگاه / کاربرد آینده‌پژوهی در فرایندهای سیاست‌گذاری و مدیریت فناوری و نوآوری	
وجود چرخه‌های بازخورد	میزان یادگیرندگی	
وجود سازوکار انتقال دانش		
حامی	تمایلات حامیان	
سفارش دهنده		
مجری		
ارتباط برنامه‌ها و آینده‌پژوهی	پابرجایی برنامه‌ها	
وجود پروفایل‌های اطلاعاتی	زیرساخت‌های فنی	
وجود کارگزاران توانمند آینده‌پژوهی		
وجود دانش آینده‌پژوهی		
وجود الزام در اجرای برنامه‌های آینده‌پژوهی		
سلسله‌مراتبی و ابلاغی	فاصله بین قدرت	

مشارکتی	جایگاه	
وجود تصویر مشترک	وجود تصویر مشترک	
مفید و کارآمد یا غیرمفید و انتزاعی	اعتقاد به آینده‌پژوهی	
بلندمدت یا کوتاه‌مدت	گرایش به برنامه‌ریزی بلندمدت یا کوتاه‌مدت	
میزان توزیع یا تمرکز قدرت حاکمیت	ساختار قدرت	محیط دور (کشور)
بهره‌گیری از مشارکت انواع گروه‌هایی از ذی‌نفعان که در قدرت نیستند	فرهنگ سیاسی اداری	

۴. بررسی داده‌ها و اطلاعات

۴-۱. ایران و پروژه‌های آینده‌پژوهی

همان‌طور که مردوخ (۱۳۹۱) اشاره می‌کند با آغاز اولین برنامه هفت‌ساله عمرانی (۱۳۲۷)، ایران برای نخستین‌بار، از حالت نگرش روزانه، ماهانه، یا یک‌ساله خارج شد و به حوزه آینده‌اندیشی، نظام تدبیر شایسته و هدایت آگاهانه اقتصاد کشور در دوران معاصر گام نهاد و این فرایند همچنان در قالب برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت عمران و توسعه تاکنون ادامه پیدا کرده است. اما آینده‌پژوهی که گام مهم‌تر و مرحله‌ای برتر نسبت به آینده‌اندیشی است، نخستین‌بار در مطالعات مجید تهرانیان با عنوان «نقش رسانه‌های گروهی در توسعه ملی ایران- طرح آینده‌نگری رادیوتلوویزیون ملی ایران» به‌گونه‌ای روش‌مند و با استفاده از روش دلفی که او آن را «سروش» نامید، در سال ۱۳۵۵ به اجرا درآمد. در سال ۱۳۷۵ نیز، سازمان برنامه‌وبودجه «ویژه‌نامه آینده‌پژوهی و آینده‌نگری» را به‌صورت ضمیمه شماره ۱۱ مجله برنامه‌وبودجه و به کوشش بایزید مردوخ منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. در تدارکات آغازین برنامه‌ریزی برای تهیه و تنظیم برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه، از سال ۱۳۸۱ در سازمان برنامه‌وبودجه، فکر تهیه و تنظیم چشم‌اندازی بیست‌ساله که راهنمای برنامه‌های پنج‌ساله باشد، به‌طورجدی مطرح شد که در میانه کار، در تعامل با اقدامات مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و دست آخر به‌صورت یک سند رسمی دولتی با عنوان «سند رسمی چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران- با ابلاغیه مقام معظم رهبری» در آذرماه ۱۳۸۲، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انتشار پیدا کرد (مردوخی، ۱۳۹۱).

در طول چند سال اخیر، با گسترش توجه به آینده‌پژوهی، نهادهای دولتی و خصوصی زیادی در ایران سفارش یا اجرای پروژه‌های آینده‌پژوهی را در دستور کار خود قرار دادند. نهادهای سیاستگذار، فرهنگستان‌ها، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی، پژوهشکده‌ها و نیز برخی انجمن‌ها در زمینه آینده‌پژوهی، فعالیت‌های مختلفی انجام داده‌اند و تعداد زیادی پروژه آینده‌پژوهی یا پروژه‌های تدوین اسناد توسعه یا اسناد راهبردی با رویکرد آینده‌پژوهانه انجام شده است.

۴-۲. بررسی پروژه‌های آینده‌پژوهی

با طراحی مدلی که در بخش قبل گفته شد، حال می‌توان پروژه‌های آینده‌پژوهی و برنامه‌های ملی را که رویکرد آینده‌پژوهانه داشته‌اند، با شاخص‌های احصا شده ارزیابی کرد. در این پژوهش ۶ پروژه آینده‌پژوهی و ۴ طرح در سطح ملی که رویکرد آینده‌پژوهانه داشته‌اند، انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به‌منظور جلوگیری از محدود شدن تحلیل در دایره آینده‌پژوهی فناوری (که عمده پروژه‌های آینده‌پژوهی در جهان و ایران در این حوزه است) تلاش شده پروژه‌ها و برنامه‌ها از حوزه‌های گوناگون علمی و فرهنگی انتخاب شوند. سطح همه پروژه‌ها ملی و موضوع آن‌ها بخشی بوده است و به‌تناسب ابعاد مالی پروژه‌ها، تعداد مشارکت‌کنندگان بین ۳۵ نفر الی ۱۳۰۰ نفر متغیر بوده است. برای بررسی بیشتر ابتدا به‌اجمال به معرفی پروژه‌ها می‌پردازیم:

جدول ۵. مشخصات پروژه‌های مورد بررسی

نام	سال شروع- سال پایان	کارفرما	روش‌های مورد استفاده	خروجی	میزان مشارکت
جوشگر بومی	۹۵-۹۶	مرکز تحقیقات مخابرات	پنل خبرگان، سناریو، تحلیل تأثیرات متقابل و نقشه راه	توصیه سیاستی، نقشه راه و چشم‌انداز	۱۰۰ نفر
آینده‌پژوهی رسانه	۹۵-۹۶	گروه مجلات همشهری	پویش محیطی، مصاحبه، پنل	توصیه سیاستی، نقشه راه و	۳۵ نفر

	سناریوهای آینده	خبرگان و برنامه‌ریزی بر پایه سناریو			
۳۵ نفر	نقشه راه فناوری	تحلیل پنتت، سناریو و پنل خبرگان	پژوهشگاه نیرو	۹۳-۹۴	نقشه راه میکروتوربین
۶۰ نفر	سناریوهای آینده	مصاحبه، پنل خبرگان و سناریونویسی	آستان قدس رضوی	۹۴	آینده‌پژوهی زیارت
۴۵ نفر	سناریوهای آینده	دلفی، پنل خبرگان و سناریوهای آینده	سازمان ملی بهره‌وری	۹۱	آینده بهره‌وری
-	توصیه‌های سیاستی، سناریوهای توسعه، نقشه راه، اولویت‌های تحقیقاتی و نیروهای پیشران و روند	سناریو و پرسشنامه	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	۸۹۰-۸۹۰	سند راهبرد امنیت فضایی تولید و تبادل اطلاعات کشور
۱۰۰ نفر	اولویت‌های تحقیقات و توصیه‌های سیاستی	مصاحبه و پنل خبرگان	وزارت نفت	۸۷-۸۹	نظام جامع راهبردی پژوهش، فناوری و نوآوری وزارت نفت
۱۰۰۰ نفر	توصیه‌های سیاستی، سناریوهای توسعه و اولویت‌های تحقیقاتی	مطالعه ادبیات و پنل خبرگان	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۸۹	نقشه جامع علمی کشور
۳۰۰ نفر	توصیه‌های سیاستی، اولویت‌های تحقیقاتی، روندها، پیشران‌ها و معرفی فناوری‌های کلیدی	پنل خبرگان	وزارت بهداشت	۸۶	نقشه علمی سلامت
۱۳۰۰ نفر	اولویت‌بندی فناوری	دلفی، سناریو، پنل خبرگان و برنامه‌ریزی پابرجا	با محوریت مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	۸۵-۸۶	پامفا: پایلوت آینده‌نگاری مهم‌ترین فناوری‌های ایران

۵. تحلیل و بحث

آینده‌پژوهی در ایران به اقتضای رویکرد سفارش‌دهندگان، بهره‌برداران و مجریان انواع متفاوتی از پروژه‌ها اجرا می‌شود و متناسب با ابعاد مالی و زمانی طرح، فاکتورهای کلیدی همچون میزان مشارکت و حوزه تمرکز تنظیم می‌شوند. پس از بررسی پروژه‌ها و برنامه‌های آینده‌پژوهی ایران، نتایج به شرح زیر استخراج شد:

(۱) در مؤلفه تفکر بدیل، عموماً با در نظر داشتن آینده‌های بدیل، پروژه انجام

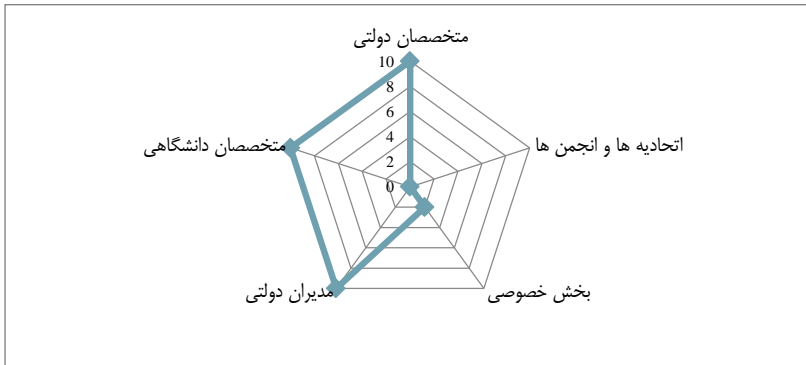
شده است.

۲) در مؤلفه عمل‌گرایی مشخص شد که عمده سفارش‌دهندگان پروژه‌ها، در حیطه نظر با رویکرد فعال ساخت آینده، پروژه را آغاز کرده ولی در عمل از خروجی پروژه‌های آینده‌پژوهی در برنامه‌های بعدی استفاده نمی‌کنند.

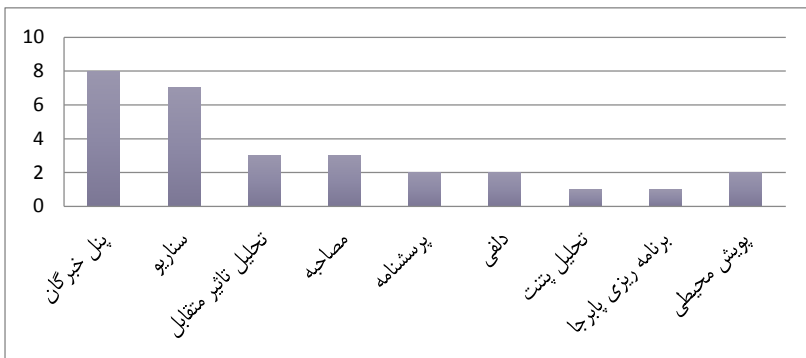
۳) نتایج بررسی مؤلفه حوزه تمرکز نشان‌دهنده آن است که در همه پروژه‌ها، در فاز شناخت بررسی محیط بیرونی تا حدی صورت گرفته است؛ اما در مراحل بعدی همچون طراحی، برنامه‌ریزی پابرجایی، برنامه‌ریزی اجرا و تعامل با ذی‌نفعان، تمرکز عموماً بر حوزه اصلی پروژه بوده است. تعداد مشارکت‌کنندگان با توجه به ابعاد و سطح پروژه از ۳۵ تا ۱۳۰۰ نفر متغیر بوده است. بررسی مؤلفه جایگاه استفاده از آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی نشان داد که اغلب پروژه‌ها در فاز شناخت و تحلیل از روش‌ها یا رویکردهای آینده‌پژوهانه استفاده کرده‌اند. عموماً پیش‌آیندنگاری و پس‌آیندنگاری انجام نشده است و همه پروژه‌ها دارای سفارش‌دهنده دولتی بوده‌اند. وضعیت کمی دیگر شاخص‌ها به شرحی است که در نمودارهای بعدی خواهد آمد. شکل نشان‌دهنده دسته‌های مختلف ذی‌نفعان مشارکت‌کننده در پروژه‌های آینده‌پژوهی است که نشان می‌دهد تقریباً هیچ‌یک از پروژه‌ها یا معدودی از آن‌ها، ذی‌نفعان بخش خصوصی، اتحادیه‌ها و انجمن‌ها را به مشارکت نطلبیده‌اند. شکل تواتر استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی را در هر پروژه و برنامه آینده‌پژوهی به نمایش گذارده است. در شکل تنوع گروه‌های هدف برنامه‌های آینده‌پژوهی را نمایش داده شده است، به این معنا که برنامه یا پروژه آینده‌پژوهی برای چه دسته‌ای از بهره‌برداران طراحی شده است. تواتر انواع خروجی پروژه‌های آینده‌پژوهی که به تناسب رویکرد و خواسته سفارش‌دهنده و مجری و ماهیت پروژه طراحی می‌شود، در شکل نشان داده است. در صورتی که به صورت عمومی مراحل هر نوع برنامه‌ریزی را شامل شناخت، تدوین چشم‌انداز، تحلیل، برنامه‌ریزی اجرایی، برنامه‌ریزی تحقق و بازخورد بدانیم، استفاده از رویکرد و روش‌های آینده‌پژوهی در هر یک از این مراحل در شکل تصویر شده است. رویکرد مجریان و بهره‌برداران پروژه‌های آینده‌پژوهی در قبال مشارکت، در شکل آمده است. دو رویکرد خبره‌محور و مشارکت گسترده در دو سر طیف و

استفاده از نظرات افراد بیرون سازمان و یا درون سازمان در دو سر پیوستاری دیگر قرار دارد که حاصل تقاطع این دو محور، چهارگونه مشارکت‌طلبی احصا می‌شود.

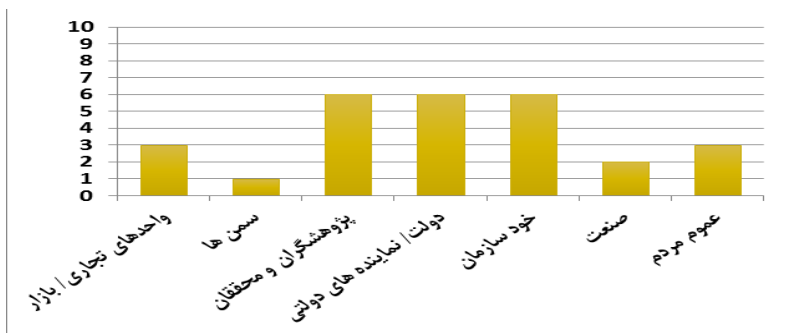
شکل ۲. میزان مشارکت دسته‌های مختلف ذی‌نفعان



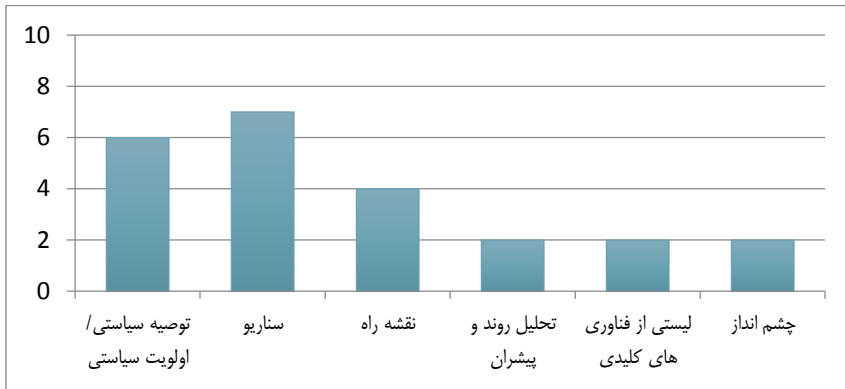
شکل ۳. تنوع استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی



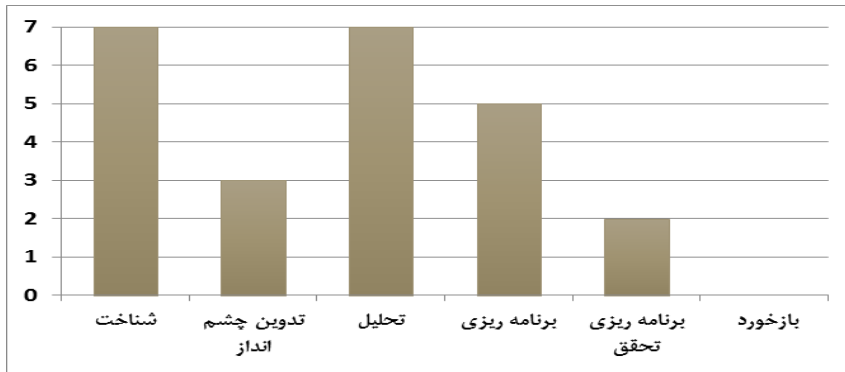
شکل ۴. گروه‌های هدف



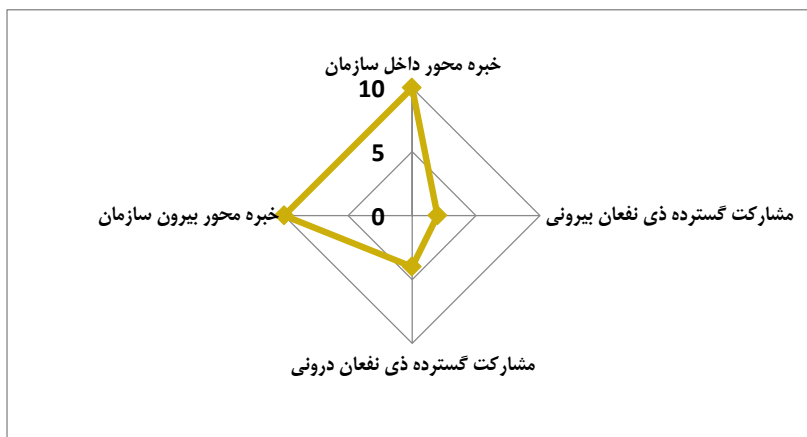
شکل ۵. خروجی‌های پروژه‌های آینده‌پژوهی



شکل ۶. استفاده از آینده‌پژوهی در مراحل برنامه‌ریزی



شکل ۷. گروه‌های مشارکت‌کننده



با توجه به اجزای مدل که تشریح شد، داده‌های حاصل از بررسی پروژه‌ها را می‌توان در جداول زیر به نحوی توصیف کرد که وضعیت هر شاخص از حیث جایگاه آن در میان نسل‌های آینده‌پژوهی مشخص شود. درنهایت، با جمع‌بندی کیفی از میزان غلبه جایگاه شاخص‌ها در هر کدام از نسل‌های آینده‌پژوهی، می‌توان وضعیت کلی پروژه‌ها را استنتاج کرد.

جدول ۶. تحلیل وضعیت پروژه‌های آینده‌پژوهی در لایه درونی

ردیف	مؤلفه‌ها	وضعیت	نسل
۱	تفکر بدیل	در عمده پروژه‌ها، آینده‌های مطلوب، محتمل، مرجح در نظر گرفته شده‌اند.	سوم به بعد
۲	عمل‌گرایی	همه پروژه‌ها جز یکی، با نگاه ساخت فعال آینده به‌عنوان بخشی از برنامه آینده سازمان یا بخش ذی‌ربط طراحی شده‌اند. اما در مرحله اجرا، قریب به اتفاق آن‌ها جز دو مورد، به چرخه برنامه‌ریزی سازمان وارد نشده‌اند.	اول و دوم
۳	تکنیک‌ها	عمده روش‌های مورد استفاده خیره‌محور بوده است، پل، دلفی متخصصان و مدیران، سناریونویسی و بعضاً نقشه راه بیشترین روش‌های مورد استفاده بوده‌اند.	اول و دوم
۴	افق زمانی	همه پروژه‌ها برای بازه ۱۰ تا ۲۰ سال تعریف شده‌اند. دو سند بازه میان‌مدت را نیز مورد توجه قرار داده‌اند.	سوم به بعد
۵	سطح جغرافیایی؛ سطح موضوع	سطح جغرافیایی پروژه‌ها همه ملی و یک مورد بین‌المللی بوده است. موضوع آن‌ها بخشی بوده است.	سوم به بعد
۶	حوزه تمرکز	علی‌رغم توجه همه پروژه‌ها به فاکتورهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اما حوزه تمرکز پروژه، موضوع اصلی پروژه بدون توجه به نقش‌آفرینی آن در حل مسائل بزرگ‌تر اجتماعی و توسعه‌ای یا اقتصادی بوده است.	اول و دوم
۷	مشتریان و حامیان؛ گروه‌های هدف	گروه‌های هدف به‌طور عمده خود سازمان، بخش دولتی، پژوهشگران و محققان بوده است. تنها در سه مورد واحدهای تجاری و بازار، سه مورد عموم مردم، دو مورد صنعت و یک مورد سمن‌ها، گروه هدف بوده‌اند.	اول و دوم
۸	مشارکت	کارفرمای تمام پروژه‌ها بخش دولتی بوده است، بازیگران متخصصان و مدیران دولتی و متخصصان دانشگاهی بوده‌اند. مشارکت داخلی در تدوین اسناد دیده می‌شود. به‌صورت کم‌رنگ، جلب مشارکت برخی نهادهای بیرونی همچون شرکت خصوصی به‌منظور بهره‌گیری از تجارب علمی ایشان دیده می‌شود، اما جریانی پایدار و مؤثر نیست. تنها سطح مشارکت مؤثر، اطلاع‌رسانی داخلی است.	اول و دوم
۹	تعداد مشارکت‌کنندگان	در دو سند ملی، بیش از ۱۰۰۰ نفر از «خبرگان» در تدوین اسناد مشارکت داده شده‌اند. در باقی ۸ پروژه به‌طور متوسط تعداد مشارکت‌کنندگان ۱۰۰ نفر بوده است.	سوم به بعد
۱۰	استفاده در چرخه برنامه‌ریزی	اغلب پروژه‌هایی که اطلاعات آن‌ها در دسترس قرار گرفت، در فاز شناخت و تحلیل از روش‌ها یا رویکردهای آینده‌پژوهانه استفاده کرده‌اند. درصد کم‌تری از	اول و دوم

	پروژه‌ها به ترتیب در مراحل برنامه‌ریزی و تدوین چشم‌انداز و در مرتبه آخر برنامه‌ریزی تحقق و بازخورد.		
۱۱	جنس خروجی	اغلب پروژه‌ها توصیه سیاستی/ اولویت‌سنجی و سناریو را در خروجی‌های خود داشته‌اند. نقشه راه، تحلیل روند و پیش‌بینی، لیستی از فناوری‌های کلیدی و چشم‌انداز در مرتبه بعدی، جزء خروجی‌های پرتکرار پروژه‌ها بوده‌اند.	-
۱۲	حجم فعالیت‌های پیش‌آینده‌نگاری و پس‌آینده‌نگاری	تنها دو پروژه فعالیت پیش‌آینده‌نگاری یا پس‌آینده‌نگاری داشته‌اند. نیمی از پروژه‌ها جلسه ارائه نتایج به ذی‌نفعان عموماً داخلی را برگزار کرده‌اند.	اول و دوم
۱۳	نوع اجرا و جایگاه	تمامی پروژه‌ها دولتی بوده؛ بیش از دوسوم پروژه‌ها توسط مشاور بیرونی آینده‌پژوهی و یک‌سوم توسط خود اعضای سازمان انجام شده است.	-

جدول ۷. تحلیل وضعیت پروژه‌های آینده‌پژوهی در لایه محیط نزدیک (سیستمی)

ردیف	مؤلفه‌های ارزیابی	وضعیت	نسل
۱	جایگاه آینده‌پژوهی در فرآیندهای سیاست‌گذاری	در تمامی پروژه‌ها آینده‌پژوهی با هدف ورود در سیاست‌گذاری تعریف شده و در همه آن‌ها جز یک مورد، این اتفاق رخ نداده است.	اول
۲	میزان یادگیرندگی	چرخه انتقال یادگیری و حلقه بازخورد میان سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی در هیچ‌یک از پروژه‌ها وجود نداشت.	اول
۳	پارچایی برنامه‌ها	برنامه‌های آینده‌پژوهی با توجه به راهبردهای سازمان تعریف شده‌اند، اما برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس خروجی‌های پروژه‌های آینده‌پژوهی صورت نمی‌گیرد و حلقه اتصال میان برنامه‌های سازمان و خروجی‌های پروژه آینده‌پژوهی وجود ندارد. بازخوردهای منظم از محیط و درون به‌منظور دریافت سیگنال‌های تغییر آینده انجام نمی‌شود.	اول
۴	زیرساخت‌های فنی (مشاوران، پروفایل‌های اطلاعاتی، دانش آپ و ...)	پروفایل‌های اطلاعاتی قدرتمند وجود ندارد. کارگزاران تکنیکی توانمند آینده‌پژوهی وجود دارند، اما هزینه‌های بالای انجام پروژه‌های مشارکتی آینده‌پژوهی و بودجه پایین پروژه‌ها اجازه انجام مشارکتی پروژه‌های آینده‌پژوهی را کاهش می‌دهد.	اول
۵	فاصله بین قدرت جایگاه	جمع‌بندی در این قسمت وجود ندارد. برخی سازمان‌ها سلسله‌مراتبی، متمرکز و برخی غیرمتمرکز و دارای تفویض اختیار بوده‌اند.	-
۶	وجود دانش آینده‌پژوهی	دانش آینده‌پژوهی پایین است.	اول
۷	وجود الزام در اجرای برنامه‌های آینده‌پژوهی	در برخی سازمان‌ها الزام دستوری وجود دارد؛ اما به‌صورت غیررسمی، کارآمدی پروژه‌های آینده‌پژوهی زیر سؤال است و ارتباط دوجانبه میان پروژه‌های آینده‌پژوهی و گروه‌های تخصصی برقرار نمی‌شود و در برخی سازمان‌های دیگر، حتی الزام دستوری نیز وجود ندارد.	اول
۸	وجود تصویر مشترک	تقریباً تصویری از آینده سازمان یا آینده حوزه بین ذی‌نفعان مختلف وجود ندارد.	اول و دوم

اول	اعتقاد به آینده‌پژوهی کمرنگ است. آینده‌پژوهی در حد پیش‌بینی و سند راهبردی برای آینده شناخته می‌شود.	اعتقاد به آینده‌پژوهی	۹
اول و دوم	تفکر آینده‌نگر در میان کارشناسان و مدیران کمرنگ است.	گرایش به برنامه‌ریزی بلندمدت یا کوتاه‌مدت	۱۰

جدول ۸. تحلیل وضعیت پروژه‌های آینده‌پژوهی در لایه محیط دور (کسور)

ردیف	مؤلفه‌های ارزیابی	وضعیت	نسل
۱	ساختار قدرت	ساختار قدرت در ایران در عین دموکراتیک‌بودن، مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی و سلسله‌مراتبی با دولتی بزرگ است که موجب کاهش قدرت بازیگری ذی‌نفعان مختلف می‌شود.	-
۲	فرهنگ سیاسی اداری	عموماً در برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاستی (رویکرد غالب) ذی‌نفعان دارای قدرت پایین مغفول واقع می‌شوند یا از صحنه بازی حذف می‌شوند.	-

حاصل این بررسی نقشه زیر را نمایان می‌کند که در آن جمع‌بندی وضعیت شاخص‌ها مشخص شده است.

شکل ۸. جمع‌بندی وضعیت شاخص‌ها از حیث جایگاه در نسل‌های آینده‌پژوهی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵		

همان‌طور که در جمع‌بندی مشاهده می‌شود از میان ۲۵ شاخص اصلی تنها ۵ شاخص در حوزه داخلی پروژه نمایانگر رویکرد نسل سوم به بعد در پروژه‌های آینده‌پژوهی ایران هستند. باقی شاخص‌ها همه حکایت از رویکرد نسل اول یا دوم این پروژه‌ها دارند. همان‌طور که در عمل نیز دیده می‌شود، بسیاری از پروژه‌های آینده‌پژوهی در ایران، با اجرا فاصله دارند و بسیاری از آنها تنها به خواست سفارش‌دهنده و بهره‌بردار انجام شده، ولی هرگز وارد چرخه سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی در سازمان نمی‌شوند. این موضوع ناشی از رویکرد ناکامل و فنی به

پروژه‌های آینده‌پژوهی است که در آن به دلیل محدودیت‌های بسیاری که مهم‌ترین آن ابعاد مالی پروژه‌هاست، امکان جلب مشارکت گسترده ذی‌نفعان سطوح و حوزه‌های مختلف وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

ایران هم‌اکنون در شرایط کاملاً پیچیده قرار دارد و با ابرچالش‌های اجتماعی و اقتصادی و محیط‌زیستی با ابعاد گسترده و دارای عدم قطعیت بالا روبه‌رو است. در این شرایط، بیش‌ازپیش برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به رویکردها، ساختارها و فرایندهایی نیاز دارند که توان مقابله با این شرایط پیچیده را داشته باشد. این تغییر نیاز و افزایش پیچیدگی، تحول در سیاست‌گذاری و به‌طور هم‌زمان گذار نگرش آینده‌پژوهی در پروژه‌ها را از نسل‌های ابتدایی به نسل‌های پیشرفته‌تر ملزم می‌سازد.

با تکیه بر بنیان‌های نظری این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که تنها پروژه‌های آینده‌پژوهی که برخوردار از مشخصات خاص نسل سوم به بعد باشند، می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای رویارویی با ابرچالش‌های فعلی در خدمت فرایند راهبری جامعه ما قرار گیرد. همان‌طور که دیدیم آینده‌نگاری از نسل سوم به بعد در پیوند ارگانیک با نظام‌های برنامه‌ریزی کلان قرار می‌گیرد که حامل نظام‌های نوآوری و سیاست‌های علم و فناوری می‌باشند.

پاسخ پرسش اول (جایگاه آینده‌پژوهی ایران در نسل‌های آینده‌پژوهی)، آن خواهد بود که در شرایط فعلی پروژه‌های آینده‌پژوهی عموماً در محدوده نسل‌های اول و دوم قرار می‌گیرد، از این جهت، دچار ضعف منطقی و ابزاری برای رویارویی با ابرچالش‌های فعلی جامعه امروز ایران از جمله بحران آب (هم‌زمانی خشک‌سالی و سیل)، بحران فلاکت (هم‌زمانی تورم و بیکاری) و امثال آن است.

با تحلیل داده‌ها، این مقاله نشان می‌دهد که بخش داخلی پروژه‌ها که لایه تکنیکی است، نسبت به لایه‌های دیگر بهترین وضعیت را از حیث جایگاه شاخص‌ها داراست و این موضوع نمایانگر این واقعیت است که قوت فنی و تکنیکی پروژه‌های آینده‌پژوهی در ایران نسبتاً قابل قبول است و محتوا و فرایند

پروژه‌های آینده‌پژوهی بسیار با دقت و خوب انجام می‌شود. اما در لایه ساختار-سیستم (محیط نزدیک) و (محیط دور و پیرامونی) که نیاز جدی به زیرساخت‌های مشارکتی و گسترده هست، جایگاه شاخص‌ها مطلوب نبوده و این موضوع نشان‌دهنده این واقعیت است که برای بهبود جایگاه آینده‌پژوهی در ایران لازم است از اصلاح لایه ساختاری - سیستمی آغاز شود.

در واقع باید گفت رشد علمی ایران در عرصه آینده‌پژوهی، یک رشد نامتوازن بوده، بدین صورت که در دو دهه اخیر، جامعه علمی آینده‌پژوهان، از نظر سازمان‌دهی پروژه‌های آینده‌پژوهی و تکنیک‌های مورد استفاده سطح دانش و آگاهی بالنسبه، رشد قابل توجهی پیدا کرده‌اند و به‌نوعی آنچه پایا و شرکا (۲۰۱۰)، در زمان پروژه پامفا در ده سال پیش، ضعف رویکرد آینده‌پژوهی در ایران می‌دیدند تا حدود زیادی از بین رفته و یا حداقل بسیار محدود شده است. اما ارتقای سطح پروژه‌ها و برنامه‌های آینده‌پژوهی در ایران در عرصه پیوند با سیستم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری، فرایند و برنامه‌ریزی و عطف به مشکلات واقعی جامعه بسیار کند بوده است. به‌عبارت‌دیگر، در اثر یک رشد نامتوازن در مطالعات آینده، این دانش از بعد دانش ابزاری و تکنیکی پیشرفت کرده، اما از نظر پیوند با دیگر برنامه‌ها و به‌طورکلی ارتباط با نظام برنامه‌ریزی کماکان در حال درجا زدن است.

از سوی دیگر، از بعد مشارکت‌پذیری وضعیت خوبی ندارد، درصد مشارکت ذی‌نفعان (بخش خصوصی در مقابل بخش دولتی) گسترده نیست و شاخص‌های اهداف پروژه‌ها با تمرکز عمده بر محور علم و فناوری و به‌صورت خیره‌محور و محدود انجام می‌شوند. همه این تحلیل‌ها تأییدکننده این واقعیت است که با وجود تعالی در ظرفیت‌های تحلیل داده، آینده‌پژوهی عمدتاً ویژگی‌های دو نسل نخست (توجه به علم و فناوری به‌عنوان پیشران توسعه، با رویکردی خیره‌محور در حل مسئله و نگاه خطی) حفظ کرده است.

از این جهت می‌توان در پاسخ به پرسش دوم گفت که آینده‌پژوهی در ایران، با نسل سوم آینده‌نگاری که سطح حداقل برای حل چالش‌های فراروی ایران

است، فاصله زیادی دارد. گذار از نسل‌های اول و دوم آینده‌پژوهی در ایران و رسیدن به نسل سوم و پس‌از آن نسل‌های چهارم و پنجم که به‌طور عمده مستلزم افزایش مشارکت و نیز محور قرار دادن مسائل اجتماعی به‌عنوان موضوع اصلی آینده‌پژوهی است، نیازمند تغییرات جدی در نگاه سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و نیز مجریان به برنامه‌های آینده‌پژوهی است. به‌علاوه این تغییرات در گرو افزایش سطح توانمندی مدیریت جامعه در برقراری ارتباط بین کنشگران مختلف نظام نوآوری در ذیل یک فرایند راهبری کلان و دورنگر است. ضمن این‌که اگر پروژه‌ها و برنامه‌های آینده‌نگاری که در قالب کوشش‌های بنگاهی، بخشی و منطقه‌ای صورت می‌گیرد، در پیوند با آینده‌نگاری ملی قرار گرفته و از ویژگی‌های نسل سوم به بعد برخوردار شوند، خود می‌تواند بستری برای تحقق نسل‌های جدید نوآوری و ارتقا جریان نوآوری در سطح ملی فراهم سازد، امری که سطح حداقل برای رویارویی با ابرچالش‌های جامعه است.

نتایج این پژوهش به‌نوعی نتایج هر دو مقاله میرعمادی (۲۰۱۸) و حافظی (۲۰۱۸) را تأیید می‌کند. از سوی دیگر، این پژوهش در مواردی نیز محدودیت داشته و باید در پژوهش‌های آتی تکمیل شود. ازجمله اینکه در بحث محیط پیرامونی و شاخص‌های کشوری تنها به عوامل فرهنگ سیاسی اداری پرداخته است. لازم است در پژوهش‌های آتی عوامل دیگر محیط بیرونی مانند نقش عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز به‌تفصیل شکافته شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این مقاله عبارت آینده‌پژوهی را به معنای عام مطالعات روشمند آینده استفاده کرده‌ایم و هر جا سخن از آینده‌نگاری به میان آمده است، مطالعات آینده با ویژگی‌های نسل سوم به بعد آینده‌پژوهی مراد شده است.
۲. مفهوم مشارکت در ادبیات آینده‌پژوهی به‌انحاء مختلف تعریف شده است. درگیربودن استفاده‌کنندگان از نتایج در فرایندهای تصمیم‌گیری، رویکردهای پایین به بالا، هرگونه تلاش برای ایجاد اجماع، ایجاد ارتباط میان استفاده‌کنندگان، تنظیم و هماهنگ‌سازی راهبردهای ذی‌نفعان، تعامل و هماهنگی، کاهش تعارضات، بسیج اقدامات مشترک همه از جمله فاکتورهای ذکرشده در مشارکت در ادبیات آینده‌پژوهی هستند. ضمناً در آینده‌پژوهی، مشارکت از اطلاع‌رسانی صرف به ذی‌نفعان، به ایجاد شبکه‌ها و فرایندهای تعاملی تبدیل می‌شود. در این پژوهش چند شاخص برای مشارکت در نظر گرفته شده است: یکی طیف اطلاع‌رسانی تا ایجاد مشارکت فعال در پروژه‌ها و برنامه‌های آینده‌پژوهی است و دیگری نوع مشارکت‌کنندگان که نشان‌دهنده وسعت گروه‌های دخیل در حل مسئله و میزان خبره‌محور یا مشارکت‌محور بودن پروژه‌ها است و در نهایت تعداد مشارکت‌کنندگان نیز مورد بررسی قرار گرفته است.
۳. در مقاله ساریتاش فاصله قدرت به وسعت پذیرش و انتظار کم قدرت‌ترین اعضای سازمان در قبال توزیع ناعادلانه قدرت تعریف شده است. برای تبدیل این مفهوم به شاخص‌های عملیاتی میزان سلسله‌مراتبی بودن یا مشارکتی بودن فرایندها و ساختارهای سازمانی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

منابع

- بنیاد توسعه فردا (۱۳۸۴). *روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی*، تهران: بنیاد توسعه فردا.
- بهرامی، محسن (۱۳۹۳). «آینده‌نگری در ایران، بخش‌های خصوصی و دولتی» در *درآمدی بر آینده‌پژوهی* (۱۲۳-۹۵)، اصفهان: پارس ضیاء.
- جورجیو، لوک (۱۳۹۱). *راهنمای آینده‌نگاری فناوری مفاهیم و شیوه کار*، ترجمه مسعود منزوی، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

- مردوخی، بابیزید (۱۳۹۱). روش‌شناسی آینده‌نگری. تهران: نی.
- Alsana, A. & Oner, M. A. (2004). "Comparison of national foresight studies by integrated foresight management model", *Futures*, Vol.36, No.8, 889-902.
- Andersen, A. D. & Andersen, P. D. (2012). Innovation-system foresight: explicating and systemizing the innovation-system foundations of foresight and exploring its implications, DTU Management Engineering Technology and Innovation Management Technical University of Denmark.
- Andersen, P. D. & Rasmussen, L. B. (2014). "The impact of national traditions and cultures on national foresight processes", *Futures*, Vol.59, 5-17.
- Georghiou, L. (2001). "Third Generation Foresight: Integrating the Socio-economic Dimension, The Proceedings of International Conference on Technology Foresight", *The approach to and potential for new technology foresight NISTEP research material*, No.77, March 2001.
- Georghiou, L. (Ed.). (2008). The handbook of technology foresight: concepts and practice, Edward Elgar Publishing.
- Hafezi, R. Malekifar, S. & Akhavan, A. (2018). "Analyzing Iran's science and technology foresight programs: recommendations for further practices", *foresight*, Vol.20, No.3, 312-331.
- Havas, A. & Weber, K. M. (2017). "The 'fit' between forward-looking activities and the innovation policy governance sub-system: A framework to explore potential impacts", *Technological forecasting and social change*, Vol.115, 327-337.
- Havas, A. (2005). "Terminology and methodology for benchmarking foresight programmes", Available at SSRN 1735023.
- Havas, A. (2007). "Locating foresight", *Foresight Summit*, Vol.27.
- Keenan, M. & Popper, R. (2008). "Comparing foresight "style" in six world regions", *foresight*, Vol.10, No.6, 16-38.
- Miremadi, T. (2018). "A Comparison of National Foresight Exercises of Iran and Korea", Available at SSRN 3116749.
- Paya, A. & Shoraka, H. R. B. (2010). "Futures Studies in Iran: Learning through trial and error", *Futures*, Vol.42, No.5, 484-495.
- Saritas, O. (2013). "Systemic foresight methodology", In *Science, technology and innovation policy for the future* (pp.83-117), Springer, Berlin, Heidelberg.

مروری انتقادی بر نظریه پول، دولت و بازار

محسن رضایی میرقائد*

چکیده

پول حامل ارزش است و در اثر یک فرایند دوطرفه تولید می‌شود که متأثر از بازار و دولت می‌باشد. از آنجایی که پول حامل ارزش است، کلیه متغیرهای اقتصادی که دارای ارزش هستند، می‌توانند توسط پول حمل یا نمایندگی شوند. از سوی دیگر، دولت بدون بازار و بازار بدون دولت نمی‌توانند پول خلق کنند. بنابراین پول پدیده‌ای ناشی از دو عامل است. این مقاله پس از مرور مطالعات پیشین بر روی ماهیت، نقش و کارکرد پول، به بررسی نظرات پولی موجود و ناتوانی آن‌ها در تفسیر تغییرات گسترده در انواع پول‌های به‌کاررفته در تاریخ اقتصادی می‌پردازد. مشاهده می‌شود که هم در تعریف، هم در شکل، هم در نقش و هم در منشأ پیدایش پول در اقتصاد، وحدت نظری نبوده است. سپس به ارائه یک نظریه ترکیبی با کمک نظریه ارزش برای پاسخ به این تغییرات پولی می‌پردازد که قادر است پراکندگی مباحث مربوط به پول را کاهش دهد و با معرفی یک مفهوم مرکزی برای پول، تعریف، نقش و منشأ آن را با وضوح بیشتری توضیح دهد. دو دیدگاه در خلق پول که یکی آن را ناشی از بازار و دیگری خلق پول را ناشی از دولت می‌داند در نظریه جدید ترکیب شده‌اند. پول خود را به سه صورت در اقتصاد نشان می‌دهد. یکی پول دولتی است که بانک مرکزی تولید می‌کند و دیگری پول درون‌زا یا پول بانکی است که بازارهای پولی آن را ایجاد می‌کنند و سومی پول مبادله‌ای یا پول محاسباتی است که در بازارهای حقیقی جریان می‌یابد که هرکدام از اشکال آن دارای ماهیت و کارکرد جداگانه‌ای هستند.

واژه‌های کلیدی: کالای پولی، نیازهای اقتصادی، انواع پول، ابزار پولی، دولت و بازار

طبقه‌بندی JEL: E42, E51, E52

مقدمه

به دلیل تغییراتی که در پول‌های مدرن پیش آمده است، مجدداً ماهیت و نقش پول مورد توجه قرار گرفته است؛ حتی برخی آن را زیر سؤال می‌برند (معینی، ۲۰۰۱). «هرچه که پول در شکل اطلاعات کد شده دیجیتالی افزایش یابد، این اعتقاد افزایش پیدا می‌کند که شاید پول نباشد و شاید هرگز به‌عنوان چیزی که وسیله مبادله باشد هم نبوده است». بنابراین دوباره فلسفه و نقش پول پس از سال‌ها مجدداً مطرح شده است. اینگام^۱ (۲۰۰۵) در این رابطه می‌گوید: «پس از سال‌های بسیاری که سؤال در مورد ماهیت پول مطرح نبود، دوباره مورد توجه قرار گرفته است».

در طول تاریخ ماهیت پول مورد بحث بوده ولی هنوز ابهاماتی در این رابطه وجود دارد. در واقع، شاید یکی از جعبه‌های سیاهی که در اقتصاد هنوز باز نشده مقوله پول است. هر کسی از یک بعد به آن نگاه کرده و تعریفی برای آن ارائه داده است. به گفته تورنتن^۲ (۲۰۰۰)، پول بستگی به مبادله دارد. برخی آن را برای پرداخت جریمه و برخی دیگر آن را وسیله مبادله می‌دانند (گودهارت^۳، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸). آیا پول یک عامل تولید یا ابزار مبادله است یا آن‌چنان‌که کالدور^۴ (۱۹۸۲) معتقد است، پول چیزی جز باقی‌مانده فرایند اقتصاد نیست. منگر^۵ (۱۸۷۱) آن را

-
1. Ingham
 2. Thornton
 3. Goodhart
 4. Kaldor
 5. Menger

وسیله پرداخت می‌دانست و میزس^۱ (۱۹۵۳) بر وسیله مبادله‌ای آن تأکید دارد. برخی دیگر مثل نیل^۲ (۱۹۷۶) و اینگام (۲۰۰۰) معتقدند که پول دارای ماهیت اجتماعی است.

از طرف دیگر، پول هیچ‌گاه در یک شکل معین یا کالای معینی در طول تاریخ ثابت نمانده است و از پست‌ترین اجناس (نمک) تا عالی‌ترین اشیا (سکه‌های طلا) را به خود اختصاص داده است. تأثیر پول در اقتصاد نیز مورد توافق نبوده است. اقتصاددانان کلاسیک آن را موجودی خنثی و صرفاً یک ابزار مبادله می‌دانند، درحالی‌که عده دیگری مثل فریدمن آن را یک عامل مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی قلمداد می‌کنند که کوچک‌ترین تغییر پیش‌بینی نشده یا خارج از قاعده پولی در آن، تمامی متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فریدمن معتقد بود که پول حتی در درازمدت هم خنثی نیست (وودفورد،^۳ ۱۹۹۹).

درباره منشأ پول نیز نظرات اقتصاددانان متفاوت است. برخی معتقدند که پول را بازار و مبادله پول به وجود آورده است، ولی عده‌ای دیگر این مسئله را رد می‌کنند و معتقد هستند که دولت، پول را خلق می‌کند. اگر بازار پول را خلق کرده است، آنگاه وظیفه پول تنها ابزار سنجش و مبادله است و خاصیت دیگری ندارد ولی اگر دولت خالق پول باشد، پول می‌تواند وسیله پرداخت و انتقال قدرت خرید در طی زمان و مکان باشد. در اینکه پول برای رفع نیازهای اقتصاد مبادله‌ای مورد استفاده بشر قرار گرفته است، جای شکی نیست، ولی در علل اولیه و پیدایش آن جای شک همچنان باقی است. آیا ابتدا دولت پول را برای مالیات‌گیری خلق کرده و بعد از آن در مبادلات مورد استفاده قرار گرفته است که در این صورت پول مقدم بر مبادله و بازار بوده است (اینگام، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۴). بنابراین هم در تعریف، هم در شکل، هم در نقش و هم در منشأ پیدایش پول در اقتصاد، وحدت نظری نبوده است.

با توجه به موارد بالا پرسش اصلی مورد بررسی در پژوهش حاضر این است

-
1. Mises
 2. Neale
 3. Woodford

که «آیا با توجه به دیدگاه‌های متفاوت می‌توان به یک مفهوم واحدی رسید که بتواند نظرات مختلف فوق را به وحدت برساند؟»

در پاسخ به این پرسش، این مقاله تلاش می‌کند که پراکندگی مباحث مربوط به پول را کاهش دهد و با معرفی یک مفهوم مرکزی برای پول، تعریف، نقش و منشأ آن را با وضوح بیشتری توضیح دهد. ابتدا به دیدگاه‌های فلزگرایان و چارتالیست‌ها می‌پردازد و سپس به ماهیت چندگانگی پول پرداخته می‌شود و سپس به انواع و ماهیت مختلف پول و در آخر هم به کارکردهای پول پرداخته شده است.

۱. دولت، بازار و پول

دو دیدگاه درباره علل و منشأ پیدایش و ماهیت پول وجود دارد. دیدگاه اول که پول را نتیجه رفتار عقلایی افراد در مبادلات می‌داند؛ بنابراین پول وسیله مبادله برای کاهش هزینه‌های مبادله است.

گروه دوم پول را وسیله پرداخت می‌داند. پرداخت مالیات و بدهی توسط پول صورت می‌گیرد.

گروه اول نقش بازار در پیدایش پول را مؤثر می‌داند. درحقیقت مبادله و بازار بوده است که پول را خلق کرده است. به گفته تورنتن^۱ (۲۰۰۰)، پول بستگی به مبادله دارد و به اعتقاد فون میس (۱۹۵۳) پول یک پدیده بازار است.

این گروه را فلزگرایان هم می‌گویند و معتقد هستند که پول باید ارزش ذاتی داشته باشد. آن‌ها معتقدند که بشر به مرور زمان در اثر مبادلات تهاتری به اهمیت وسیله‌ای برای کاهش هزینه‌های مبادله پی برد، ولی برای اینکه خود آن وسیله بتواند مبادله را انجام دهد، باید دارای ارزش ذاتی باشد. در همین راستا بود که بشر به فلزهای گران‌قیمت روی آورد. گودهارت^۲ (۱۹۹۸) فلزگرایان بر پول به‌عنوان وسیله مبادله متمرکز هستند و ارزش پول را از ویژگی ذاتی کالایی که آن را پشتیبانی می‌کند، می‌دانند.

1. Thornton

2. Goodhart

گروه دوم را چارتالیست می‌دانند که معتقدند پول مخلوق دولت است. آن‌ها پول را واحد ارزش و وسیله پرداخت به حساب می‌آورند و معتقدند که اساس انتشار پول وسیله‌ای برای پرداخت بدهی و مالیات است. لرنر^۱ (۱۹۴۷)، قدرت‌های قانونی و حاکم دولتی پول را به‌عنوان مخلوق دولت ارائه می‌کند یا آنکه ناپ که بیشتر اندیشه چارتالیسم را به او نسبت می‌دهند، معتقد است که وسایل پرداخت اعم از سکه یا اسنادی که ویژگی‌های پول را در خود دارند، آن‌ها وسایل پرداخت یا بلیط‌هایی هستند که به‌عنوان وسیله پرداخت مورد استفاده قرار می‌گیرند. شاید کلمه لاتین Charta بتواند ماهیت پول یا پرداختی‌ها را بیان کند و می‌توانیم یک مورد جدید با مفهومی قابل فهم ایجاد کنیم، ابزارهای پرداختی ما دارای این نشانه یا Chartal هستند. امروزه مردم متمدن می‌توانند پرداخت‌ها را فقط با بلیط یا قطعات Chartal انجام دهند.

این دو دیدگاه ماهیت‌ها و وظایف مختلفی را برای پول قائل هستند و آن‌ها را مقابل هم می‌دانند. در حالی که در عمل نشان داده می‌شود که هرچند دولت‌ها پول را منتشر می‌کنند، ولی بازار است که قیمت پول را تعیین می‌کند. از طرف دیگر ارزش پول اگر در بازار تعیین شود، دولت (بانک مرکزی) قادر است آن را تغییر دهد. بنابراین، هم بازار و هم دولت در خلق پول مؤثر هستند. از طرف دیگر پول هم وسیله مبادله است و هم برای پرداخت از آن استفاده می‌کنند. اگر قبول کنیم که پول یک کالای غیرمادی است که هم‌زمان می‌تواند چند نقش را بر عهده بگیرد، آنگاه احتمالاً این اختلافات رفع می‌شود. چرا نباید تصور کرد که پول بزار یا کالایی است که می‌تواند ماهیت‌های مختلف و وظایف مختلفی را بر عهده بگیرد. یعنی پول هم ابزار پرداخت و هم ابزار مبادله باشد. یا هم ذخیره ارزش و هم انتقال‌دهنده قدرت خرید باشد؟

۲. نقش و ماهیت پول

۲-۱. نقش چندگانه پول

پول یک ماهیت واحد ندارد، چنان‌که نیل (۱۹۷۶) معتقد است، بهتر است به‌جای پول به پول‌ها فکر کنیم، زیرا که روابط اجتماعی در جامعه بسیار تفاوت می‌کند. یا آنکه جان استوارت میل (۱۸۸۵) با قبول وظایف چندگانه پول می‌گوید. همان‌طور که پروفیسور جونز بیان می‌کند پول سه خدمت متمایز را ارائه می‌دهد و به‌صورت ذهنی قابل تفکیک هستند:

۱. واحد شمارش؛

۲. وسیله مبادله؛

۳. ارزش استاندارد.

یا آنکه فون میس به جنبه مهمی از پول توجه دارد. پول دارای یک ویژگی دوگانه است: به این مفهوم که یک جنبه آن فردی است و جنبه دیگر آن به‌صورت یک سیستم برای پرداخت به‌صورت کلی است. هرچند که پرفیسور جونز ثابت کرده است، وظیفه پول وسیله مبادله است و می‌گوید که پول یک ویژگی دوگانه دارد یا آنکه کینز^۱ از عبارت خود پول و پول حسابداری استفاده می‌کند یا جان استوارت میل^۲ معتقد به ماهیت دوگانه پول است که پول یا مواد تشکیل‌دهنده آن در بریتانیا و بیشتر کشورهای دیگر یک کالای خارجی است (استوارت میل، ۱۸۵۵). پس می‌توان گفت که پول می‌تواند با ماهیت‌های متفاوت یا با کارکردهای متفاوتی وجود داشته باشد. در این صورت باید پول یک ویژگی خاصی داشته باشد که به آن چنین خاصیتی را بدهد. به نظر می‌رسد که مفهوم مشترکی بین همه این تعاریف، ماهیت‌ها و کارکردها وجود داشته باشد. آیا چنین مسئله‌ای ضرورت دارد و می‌تواند وجود داشته باشد؟

1. Keynes

2. John Stewart Mill

۲-۲. ماهیت و نقش پول

به نظر می‌رسد که ماهیت پول به انتقال دادن ارزش برمی‌گردد (رضایی، ۲۰۱۴)، یعنی پول کالایی است که ارزش را حمل می‌کند. برخی بر این نظریه صحه گذاشتند، ولی دقیقاً معلوم نیست که چه کسی نخستین بار این مسئله را مطرح کرده است. شاید قدیمی‌تر و روشن‌تر از سیمل^۱ (۱۹۷۸) کسی نتوانسته ارزش مجردی که توسط پول حمل می‌شود را بیان کرده باشد. سیمل معتقد است که پول دارای ارزش است؛ زیرا ارزش اشیاء بدون وجود آن‌ها است. او در جایی از کلمه حمل ارزش اقتصادی توسط پول نام می‌برد. پول ماده‌ای است که ارزش اقتصادی انتزاعی را با خود حمل می‌کند. پول ماده‌ای است که مظهر ارزش انتزاعی است؛ اما برای ما فقط در حالتی که نماد یا حاوی ارزش‌هایی که با خود دارد، معنی پیدا می‌کند. همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «پول یک نماد مستقلی از ارزش انتزاعی است... پول تحقق مشخص آن چیزی است که مشترک در اشیاء اقتصادی است». همان‌طور که پیداست سیمل، پول را حامل ارزش مجرد اقتصادی می‌بیند. ولی می‌بینیم در همان زمان منگر در کتاب *اصول اقتصاد سیاسی* می‌گوید که: «فرضیه پول به‌عنوان انتقال ارزش از زمان حال به زمان آینده باید به‌عنوان یک اشتباه تلقی شود». استدلال منگر در این رابطه ضعیف است، زیرا که او می‌گوید اگرچه پول فلزی، به دلیل ماندگاری دوام و هزینه پایین نگهداری، بی‌شک برای این هدف مناسب است، با این وجود روشن است که هنوز کالاهای دیگری برای آن مناسب است. آیا اینکه ممکن است اشیاء دیگری هم بتوانند حامل ارزش باشند دلیل بر این است که پول حامل ارزش نیست؟ از آنجایی که این ادعا را نتوانسته به اثبات برساند، می‌توانیم نتیجه بگیریم که این استدلال برای رد نظریه حامل بودن ارزش ضعیف است. به پیروی از منگر، فون میزس هرچند این ماهیت را جزیی از وسیله مبادله‌ای بودن پول می‌داند به دیدگاه نیز اشاره می‌کند (فون میزس، ۱۸۸۵). به عبارت دیگر «امروزه پول هنوز نقش وسیله انتقال ارزش را دارد». در پی نوشت همین صفحه نیز اشاره شده است که «کینز به‌طور اخص تأکید را روی کارکرد

1. Simmel

نقش پول به‌عنوان انتقال‌دهنده ارزش بین محلی قرار داده است». فون میس نیز غیرمستقیم این فرضیه را تأیید می‌کند، زیرا می‌گوید: «این خاصیت پول نیز جزئی از همان وسیله مبادله بودن آن است». درحالی‌که اگر پول حامل ارزش نباشد، نمی‌تواند وسیله مبادله باشد. یا اینگام (۲۰۰۵) به ارزش مجرد پول و دوگانگی آن در انتقال قدرت خرید پول در طی زمان و مکان اشاره کرده است: «اینجا طبیعت پول دو قسم است: وسیله اندازه‌گیری و ذخیره ارزش انتزاعی قدرت خرید عمومی و انتقال آن در زمان و مکان». ولی اینگام به‌جای ارزش از قدرت خرید استفاده کرده است. درحالی‌که اگر پول حامل ارزش نباشد، نمی‌تواند حامل قدرت خرید باشد. از طرف دیگر، قدرت خرید بدون مفهوم ارزش در همه کالاهای اقتصادی وجود دارد.

شاید علت آنکه حامل ارزش بودن پول، مورد قبول برخی از اندیشمندان قرار نگرفته است، به این دلیل باشد که کیفیت و چگونگی این خاصیت تبیین نشده است. ولی اگر قبول کنیم اقتصاد نتیجه تقسیم‌کار و مبادله است. آنگاه یک واقعیت دیگری که خارج از افراد است، به وجود می‌آید. فضای سومی بین افراد مبادله‌گر شکل می‌گیرد. این فضا می‌تواند از مفاهیم خاص یعنی مفاهیم اجتماع برخوردار باشد که تمامی افراد یک گروه بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. ارزش یک مفهوم اجتماعی است. کالاها بر اساس یک معیار اجتماعی محاسبه و مقایسه می‌شوند. برای مبادلات نیاز به یک وسیله مورد توافق همه برای نمایندگی ارزش‌های یکسان، مورد نیاز خواهد بود. توافق اجتماعی بر یک شی که ارزش اقتصادی کالاها را بتواند محاسبه کند، ضرورت اجتناب‌ناپذیر اقتصاد مبادله‌ای است. لازمه این کار این است که خود آن شی قابلیت حمل ارزش اقتصادی را داشته باشد تا بتواند در محاسبه ارزش کالاها مورد استفاده قرار گیرد. البته این حمل چون از جنس غیرمادی است مثل رنگ، یک شی قابل‌تصور نیست. زیمل (۱۹۰۷) معتقد است که «حقیقت و ارزش دو زبان متفاوت است که منطقاً توسط مضامین و محتواها به هم مرتبط‌شده دنیا که در حوزه خود معتبر هستند در یک روح واحد مفهوم‌پذیر می‌شوند». این دو نوع تألیف از طریق درک و ارزش‌گذاری ممکن

است کم و بیش در یک وحدت متافیزیکی با یکدیگر آورده شود. واقعیت و ارزش دو زبان جداگانه هستند که از لحاظ منطقی مفاهیم را در جهان به هم مربوط می‌کنند. به این ترتیب ارزش مثل رنگ و حرارت به اشیا الصاق نمی‌شود که برای همه افراد از یک درجه برابری برخوردار باشد. در رابطه با شی، هر دو نظم واقعی و ارزش کاملاً جدا و مستقل از هم هستند.

پول ارزش اقتصادی یا مبادله‌ای را با خود حمل می‌کند، لذا هم از قدرت خرید برخوردار است و هم وسیله مبادله و هم وسیله پرداخت است؛ چنین ماهیتی به پول اجازه می‌دهد که کارکردهای متفاوتی داشته باشد. از طرف دیگر کلیه فعالیت‌های دنیای مالی و پولی را که به موازات دنیای واقعی کالاها و خدمات وجود دارد، انجام می‌دهد. اگر فعالیت‌های پولی و مالی از قبیل پس‌انداز و دارایی، اعتبار، سرمایه مالی، درآمد، مخارج، مالیات و یارانه از مهم‌ترین آن‌ها باشد، هر کدام از این فعالیت‌ها دربرگیرنده مقداری ارزش اقتصادی است. چون پول حامل ارزش است، پس پول قادر است که تمامی این فعالیت‌ها را به نیابت از آن‌ها یا با حمل کردن آن‌ها در شکل پول انجام دهد. در این صورت دیگر پول به‌عنوان پول مطرح نیست، بلکه پول حامل این موضوعات است. بنابراین پول حامل متغیرهای پولی است (رضایی، ۲۰۱۴). هر متغیر پولی از قبیل دارایی یا اعتبار یا درآمد که بیانگر ارزش اسمی باشند، به شکل پول درمی‌آیند. هر متغیر پولی در شکل خاصی مثل سرمایه یا اعتبار دارای نقشی است. بنابراین، پولی مستقل از متغیرهای پولی وجود ندارد که نقش مجزایی از یکی از متغیرهای پولی را برعهده داشته باشد. لذا پول در نقش هر کدام از متغیرهای پولی نقشی را برعهده دارد. در یک شکل نقش قدرت خرید دارد و در شکل دیگر، نقش ذخیره ارزش و در نقش سوم به‌عنوان تسهیل‌کننده تولید و تقسیم‌کار عمل می‌کند.

۲-۳. منشأ پول

ارزشی که پول حمل می‌کند یک قضاوت و باور اجتماعی است؛ ولی باوری که در واقع به کار گرفته می‌شود. بنابراین، هم عینیت و هم ذهنیت اجتماعی در نسبت دادن این ارزش به پول مؤثر است. بازار جایی است که عینیت ارزش‌ها را منعکس

می‌کند و از سوی دیگر نماینده‌ای از طرف جامعه لازم است که بر این ارزش مهر تأیید بزند؛ این نماینده همان دولت است. بنابراین منشأ ارزشی که پول حمل می‌کند، هم از بازار است و هم از سوی دولت است. ارزش واقعی در بازار شکل می‌گیرد و توسط دولت (بانک مرکزی) تأیید می‌شود. کالاهای خاصی که در ارزش‌گذاری و در هزینه‌های مبادله‌ای مناسب‌تر باشد، به‌عنوان پول انتخاب می‌شوند. از آنجایی که پول یک پدیده اجتماعی است و باید مورد اعتماد جامعه قرار گیرد، باید توسط یک مقام تأیید شود. پول می‌تواند توسط دولت تعیین شود، ولی توسط بازار تعیین ارزش واقعی صورت می‌گیرد. در حقیقت دولت و بازار هر دو در تعیین ارزش پول مؤثر هستند. بازار بخشی از فرایند اقتصادی است (رضایی، ۲۰۱۴ ب) که ارزش اضافی و منفعت را از طریق پول بالفعل می‌سازد یا به تعبیر دیگر، ارزش را بر پول بار می‌گذارد؛ البته پول هم کالاها را در بازار ارزش‌گذاری می‌کند. به همین دلیل پول اولیه‌ای که در دست مردم می‌چرخد و خود موجب پول‌سازی مجدد می‌شود، توسط دولت تأیید می‌شود؛ یعنی بانک مرکزی آن را می‌سازد، ولی در بازار به چرخش درمی‌آید یا در بازار شکل می‌گیرد و به تأیید دولت می‌رسد و مجدداً در بازار به چرخش درمی‌آید. لذا منشأ پول دوطرفه است. اگر از بازار شروع شود باید به تأیید دولت برسد و اگر از دولت شروع شود، باید در بازار به محک ارزش زده شود، بنابراین پول‌سازی یک فرایندی از بازار تا دولت را شامل می‌شود. این فرایند موجب می‌شود که خلق پول یک مجموعه سه مرحله‌ای را طی کند. در هر مرحله پولی با یک ماهیت جداگانه‌ای شکل می‌گیرد که با مرحله و پول بعدی مرتبط است. به همین دلیل پولی را که دولت منتشر می‌کند تا پولی که در بازار به چرخش درمی‌آید، متفاوت خواهد بود. واسطه بین این دو پول، پول درون‌زا است که در بازارهای پولی و مالی به وجود می‌آید. بنابراین، ما از چند نوع پول در جامعه برخوردار هستیم که هر کدام دارای ماهیتی جداگانه و کارکردهای جداگانه است.

۲-۴. ماهیت‌های پول و بازارهای آن

پول با سه ماهیت در اقتصاد ظاهر می‌شود:

۱. پول دولتی که توسط بانک مرکزی تولید می‌شود و شامل سکه و اسکناس است که در دست اشخاص یا در بانک‌ها و واسطه‌گران مالی نگهداری می‌شود. این پول تعهد بانک مرکزی به دارنده آن محسوب می‌شود، این پول را پول دولتی می‌نامیم. این پول وسیله تولید دو نوع پول دیگر است.

۲. پول درون‌زا که در اثر پس‌انداز و اعتبار به وجود می‌آید. این پول در نظریه عمومی پول کاملاً توضیح داده شده است (رضایی، ۲۰۱۴).

۳. پول در شکل درآمد و مخارج اسمی شامل تمام دریافتی‌های ناشی از عرضه عوامل تولید یا مخارج روی کالاها و خدمات می‌شود و به آن پول مبادلاتی گفته می‌شود. پول‌های درون‌زا که وارد بازارهای حقیقی می‌شوند، تبدیل به پول مبادلاتی می‌شوند. شاید منظور کینز از پول حسابداری همین پول بوده است. بنابراین پول یک ماهیت واحد ندارد، آن‌چنان‌که نیل (۱۹۷۶) معتقد است: «بهتر است به جای پول به پول‌ها فکر کنیم، زیرا که روابط اجتماعی در جامعه بسیار تفاوت می‌کنند». بازار مستقلی برای پول به‌عنوان پول وجود ندارد، بلکه برای هر نوع پولی بازارهای خاص آن وجود دارد.

۳. انواع پول و کارکردهای آن

اگر اقتصاد بشر معیشتی می‌ماند که هر کسی برای خودش تولید می‌کرد، پول به وجود نمی‌آمد. در اقتصاد مبادله‌ای چون بشر برای دیگری فعالیت می‌کند، لذا فعالیت‌ها از هم‌زمانی خارج می‌شوند. از طرف دیگر، هزینه‌های مبادله نیز از دغدغه‌های او خواهد شد. در اقتصاد مبادله‌ای سه نوع نیاز به پول به وجود آمده است:

۱. نیاز به مبادله کالاها و خدمات توسط وسیله‌ای که هزینه مبادله را کاهش دهد. پول به دلیل ویژگی‌های خاص خود این نقش را برعهده می‌گیرد.

۲. افراد برای تصمیم‌گیری‌های خود نیازمند مقایسه‌پذیری و محاسبه اقدامات خویش هستند. در اقتصاد مبادله‌ای چون افراد برای یکدیگر کار می‌کنند، لذا آنچه به دست می‌آورند، باید بیشتر از آنچه از دست می‌دهند، باشد. در این صورت در زندگی مبادله‌ای نسبت به زندگی معیشتی منافع بیشتری کسب می‌کنند، یعنی

از یک طرف هزینه‌هایی را انجام می‌دهد تا کالایی را به دست آورد و در مبادله آن کالا با دیگران منافع بیشتر از هزینه را کسب کند. لذا وسیله‌ای مورد نیاز آن‌ها است که این موقعیت‌ها را بسنجد و با یکدیگر مقایسه کند. بنابراین پول وسیله سنجش و حسابداری است.

۳. از آنجایی که اقدامات انسان‌ها در اقتصاد مبادله‌ای هم‌زمان صورت نمی‌گیرد، لذا مخارج، درآمد، هزینه‌ها و منافع باید توسط ابزاری که نمایندگی این نوع نتایج را داشته باشد، قابل نمایندگی باشد. لذا پول در شکل متغیرهای پولی، نمایندگی فعالیت‌های پولی را برعهده می‌گیرد.

بنابراین اقتصاد مبادله‌ای نیازهایی را به وجود می‌آورد که پول برای رفع این نیازها به وجود می‌آید. پول از یک طرف وظیفه مبادله را برعهده می‌گیرد و از طرف دیگر وظیفه ذخیره ارزش و وظیفه پرداخت را انجام می‌دهد؛ در حقیقت اقتصاد مبادله‌ای بدون پول شکل نمی‌گیرد. عدم هم‌زمانی فعالیت‌ها و ضرورت کاهش هزینه مبادله ایجاب می‌کند که وسیله‌ای به نام پول به وجود آید تا اقتصاد مبادله‌ای را شکل دهد. بنابراین علت منشأ پول، اقتصاد مبادلاتی و نیازهای آن است.

۳-۱. پول‌های سه‌گانه: دولتی، درون‌زا و پول مبادلاتی

همان‌طور که گفته شد پول دولتی، پولی است که توسط دولت منتشر می‌شود. ولی تا این پول درون‌زا نشود به صورت پول مبادلاتی در نمی‌آید و در دسترس مردم قرار نمی‌گیرد. پول درون‌زا پولی است که در اثر کارکردهای ذخیره ارزش و وسیله پرداخت به وجود می‌آید، یعنی در اثر عدم هم‌زمانی فعالیت‌ها در یک موقعیتی نیاز به ذخیره ارزش پیش می‌آید و در موقعیت دیگری، نیاز به قرض شکل می‌گیرد. برآیند این کارکردها به تولید پول درون‌زا منجر می‌شود (رضایی، ۲۰۱۴). ولی این پول از همان پول دولتی شکل می‌گیرد؛ یعنی پولی را که دولت منتشر می‌کند در اثر ضریب فزاینده و یا ضریب بهره‌وری به پول درون‌زا تبدیل می‌شود. این رویداد در بازارهای پولی و مالی شکل می‌گیرد که منجر به خلق پول درون‌زا می‌شوند. سپس پول درون‌زا در دسترس مردم قرار می‌گیرد و در مبادلات به کار می‌رود. پول درون‌زا در اثر سرعت پول به پول مبادلاتی تبدیل می‌شود. پول دولتی در بازار

بین بانک مرکزی و دیگران تشکیل می‌شود. بانک مرکزی با دادوستد پایه پولی با بانک‌ها یا در بازارهای مالی و پولی، پایه پولی را منتشر و عرضه می‌کند. نرخ بهره آن توسط سیاست پولی تعیین می‌شود. پول دولتی در بازارهای پولی و توسط نهادهای پولی، مالی و خانوارها در شکل سپرده و اعتبار به پول درون‌زا تبدیل می‌شوند.

بازار پول مبادلاتی همان بازارهای حقیقی هستند که به تعبیر کلاور^۱ (۱۹۹۴) کالا پول می‌خرد و پول کالا می‌خرد. پول درون‌زا از طریق سرعت پول در بازارهای حقیقی به صورت درآمد، مخارج اسمی و پولی تبدیل به پول درآمدی می‌شود. پول مبادلاتی ارزش پولی کالاها و خدمات در طی یک دوره اقتصادی است و برابر پول‌های مبادله‌شده در بازارهای حقیقی است. ممکن است یک پول درون‌زا در طول یک دوره اقتصادی چند بار به خلق پول درآمدی منجر شده باشد. بنابراین پولی که در جامعه به چرخش درمی‌آید، ضمن آنکه پول دولتی است، ولی بخشی از پول درون‌زا و بخشی از پول درآمدی هم است. به تعبیر دیگر، آن پول مراحل خلق پول‌های سه‌گانه را پشت سر گذاشته است.

۴. کارکردهای پول

۴-۱. پول یک شی اقتصادی

برای روشن‌تر کردن روابط این سه نوع پول بهتر است که ما پول را نیز یک شی اقتصادی بدانیم یا می‌توانیم آن را یک کالای اقتصادی در نظر بگیریم. در اقتصاد به هر شی مفید و قابل مبادله‌ای، کالا یا شی اقتصادی گفته می‌شود، لذا مفیدبودن و رغبت داشتن و مبادله‌پذیری ویژگی‌های کالاست، یعنی از یک سو کمیابی و از سوی دیگر مفیدبودن، ویژگی‌های کالا را تشکیل می‌دهد، هر شی که ویژگی‌های عام بالا را دارا باشد و ضمناً ناظر بر رفع نیاز خاصی از انسان باشد، کالا است.

نیازهای بشر دو نوع هستند، به همین دلیل دو نوع فعالیت در اقتصاد شکل می‌گیرد. نیازهای بشر به دو گروه رفاهی و اقتصادی تقسیم می‌شود. نیازهای

1. Clower

رفاهی نیازهای جسمی و روانی بشر را مشخص می‌کند و برای رفع آن‌ها نیاز به کالاها و خدماتی است که متناسب با آن نیازها است، نیازهای اقتصادی در اقتصاد مبادله‌ای به وجود می‌آید که ناظر بر محاسبه‌گری و مقایسه‌پذیری و کاهش هزینه مبادله از یک طرف و تشکیل ثروت و همچنین کمک به تقسیم‌کار و تخصیص بهینه عوامل تولید است. مجموعه این نیازهای اقتصادی باعث شده است که پول اختراع شود. بنابراین، اختراع پول برای رفع نیاز اقتصادی است.

پول یا کالای پولی یا شی اقتصادی یک کالای خاصی است که نیازهای اقتصادی انسان را تأمین می‌کند. در اثر ضرورت‌های ناشی از زندگی اجتماعی و مبادله‌ای نیازهای اقتصادی برای بشر به وجود آمد از جمله نیاز به وسیله مبادله و محاسبه ارزش اقتصادی کالاها و خدمات و همچنین ذخیره‌کردن ارزش‌های اقتصادی یا قرض‌گرفتن از دیگران، بشر به خلق کالای خاصی به‌نام پول روی آورد. کالای پولی قادر است که ارزش‌های اقتصادی را حمل کند و لذا نیازهای اقتصادی بشر را برطرف نماید، بنابراین پول از هر نوع آن یک نوع کالای پولی به حساب می‌آید که به صورت ذاتی یا اعتباری یا الکترونیکی، نیازهای اقتصادی انسان را تأمین می‌کند. به صورت درآمد، دارایی، مخارج، قرض و سرمایه درمی‌آید و هر کدام از این کالاهای پولی دارای حکم خاص خود است؛ برای مثال کالای پولی در حکم قرض و سرمایه دارای احکام خاص خود است.

۴-۲. پول به‌عنوان ذخیره ارزش

پول به دلیل آن‌که حامل ارزش است می‌تواند به صورت دارایی درآید و تبدیل به ثروت شود. این کار در بازارهای دارایی‌های پولی و مالی صورت می‌گیرد. بخشی از درآمدهای پولی و اسمی جامعه پس‌انداز می‌شود و در بازارهای دارایی تبدیل به دارایی‌های مالی، پولی یا ثروت مالی می‌شود. در اینجا پول در شکل پس‌انداز و دارایی وظیفه ذخیره ارزش را برعهده دارد. از طرف دیگر، دارایی‌های مالی می‌توانند از ذخایر مالی به صورت اعتبار به فعالیت‌های اقتصادی به صورت سرمایه درآید. در این صورت پول باید از خاصیت قدرت خرید برخوردار باشد.

۴-۳. پول به عنوان وسیله پرداخت

پول به عنوان وسیله پرداخت به دولت یا بابت بدهی‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت تأیید دولت در تولید پول به آن خاصیت وسیله پرداخت می‌بخشد و به همین دلیل می‌توان پول دولتی را وسیله پرداخت در نظر گرفت. بانک‌ها و اشخاص برای دادن مالیات یا بابت بدهی، نیاز به ابزاری دارند که مورد قبول و اعتماد باشد. پولی که مورد تأیید دولت باشد یا توسط دولت منتشر شود، برای پرداخت به کار گرفته می‌شود.

۴-۴. ابزار پولی

ابزار پولی در طول تاریخ به شدت تغییر کرده است. از پست‌ترین کالا تا گران‌ترین کالا نقش پول را پذیرا شده‌اند. امروزه که پول‌های الکترونیکی باب شده است، ارزان‌تر از پول‌های کاغذی مبادلات را انجام می‌دهند. ولی تمامی ابزار پولی از ماهیت‌های مختلف پولی و کارکردهای آن می‌توانند کم‌وبیش برخوردار باشند. پول‌هایی که بتوانند به صورت درون‌زا و مبادلاتی درآیند، بیشترین کارکرد را خواهند داشت و پول‌هایی که در یکی از وظایف پول محدودیت پیدا کنند، از قابلیت پولی کمتری برخوردار هستند. لذا پول‌های فلزی بیش از پول‌های کاغذی و آن‌هم به نوبه خود بیش از پول‌های الکترونیکی از قابلیت پولی برخوردار هستند.

۴-۵. ارزش پول

ارزش پول از یک طرف در بازارهای واقعی تعیین می‌شود که عکس قیمت‌ها ارزش هر واحد پول را مشخص می‌کند. از یک طرف در بازارهای پولی و مالی توسط نرخ بهره مشخص می‌شود و از سویی در مقابل پول‌های خارجی و توسط نرخ مبادله خارجی تعیین می‌گردد. بنابراین هر پولی از پول‌های سه‌گانه دارای قیمتی است، ولی به دلیل ارتباط همه بازارهای پولی با یکدیگر قیمت هر متغیر پولی مثلاً قیمت قرض از سایر قیمت‌های دیگر مثل قیمت پول مبادلاتی یا سطح عمومی قیمت‌ها متأثر می‌شود. به همین دلیل روابطی مانند معادله فیشر می‌تواند ارتباط بین ارزش‌های پول‌های مختلف را نشان دهد.

نتیجه‌گیری

ماهیت پول و منشأ تولید آن و کارکردهای پولی برای فهم اقتصاد پولی و مبادله‌ای که در جوامع بشری به یک فضای مسلطی تبدیل شده است، امری ضروری است. پول در اثر یک فرایند پولی دوطرفه و توسط بازار و دولت به وجود می‌آید. پول حامل ارزش است؛ لذا این حاملگی در بازار شکل می‌گیرد و زیانده می‌شود، ولی دایه این زایش، دولت و مقام پولی است که بتواند نمایندگی جامعه را برعهده بگیرد. اعتماد مردم به پول لازمه پذیرش آن است و قدرت خرید آن در بازار تعیین می‌شود. چون پول حامل ارزش است، کلیه متغیرهای اقتصادی که دارای ارزش هستند می‌توانند توسط پول حمل شوند یا نمایندگی گردند.

منابع

- Clower, R. W. (1986). *Money and Markets: Essays* by Robert W. Clower, edited by Donald A. Walker, CUP Archive.
- Clower, R. W. (1994). "Economics as an inductive science", *Southern Economic Journal*, Vol.60, No.4, 805-814.
- Goodhart, Charles A. E. (1998). "The Two Concepts of Money: implications for the analysis of optimal currency areas", *European Journal of Political Economy*, Vol.14, No.3, 407-432.
- Ingham, G. (2004) "The Nature of Money", *Economic sociology: European Electronic Newsletter*, Vol.5, No.2, 18-28.
- Ingham, G. (2006). "Further reflections on the ontology of money: responses to Lapavitsas and Dodd", *Economy and Society*, Vol.35, No.2, 259-278.
- Kaldor, N. (1975), "What is wrong with economic theory", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol.89, No.3, 347-357.
- Keynes, J. M. (2013), *The Collected Writings of John Maynard Keynes* (Vol.14), *The General Theory and After; Part 2: Defence and Development*, Cambridge University Press for the Royal Economic Society.
- Knapp, G.F. (1924), *The State Theory of Money*, McMaster University Archive for the History of Economic Thought.
- Lerner, A. P. (1947), "Money as a Creature of the State", *The American Economic Review*, Vol.37, No.2, 312-317.
- Menger. K. (1994), "Principles of economics by the (Institute for Humane Studies Series in Economic Theory)", Published by Libertarian.
- Mill, J. S. (1885), *The Principles of Political Economy*, Vol.2, Batoche Books.
- Moini, M. (2001), "Toward a General Theory of Credit and Money", *The Review of Austrian Economics*, Vol.14, No.4, 267-317.

- Neale, Walter C. (1976). *Monies in Societies*, Chandler & Sharp Pub.
- Nell, E. J. (1996), “Transformational Growth and the Long-Period Method”, *Review of Political Economy*, Vol.8, No.4, 379–401.
- Rezaee, M. (2014), “The general theory of money”, working paper.
- Simmel, G. (2004), *The Philosophy of Money*, Routledge.
- Thornton, D. L. (2000), “Money in a Theory of Exchange”, *Economic Research*, Vol.82, No.1, 35-62.
- Von Mises, L. & Batson, H. E. (1953), “The Theory of Money and Credit”, Vol.2, New Haven: Yale University Press.
- Woodford, M. (1999), “Revolution and Evolution in Twentieth-Century Macroeconomics”, In presentado en la Conferencia Frontiers of the Mind in the Twenty-First Century, Washington, Library of Congress, 14-18.
- Woodford, M. (2003), *Interest & Prices, Foundations of a Theory of Monetary Policy*, Princeton University Press.

مدلیابی روابط ساختاری ویژگی‌های شخصیتی در چشم‌انداز مشارکت سیاسی با میانجی‌گری روابط موضوعی

* سیدفرزاد طباطبایی میر

** محمدابراهیم مداحی

*** حسن احدی

چکیده

استواری نظام‌های سیاسی بر پایه میزان مشارکت افراد جامعه است و این میزان مشارکت افراد تابع بسیار مهمی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد شخصیتی و تعاملی است. از این‌رو، این پژوهش با هدف بررسی تعیین چشم‌انداز مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی با نقش میانجی‌گری روابط موضوعی در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات صورت پذیرفت. این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی مبتنی بر روش مدلیابی معادلات ساختاری است. در این پژوهش تعداد ۵۰۰ دانشجوی به‌عنوان حجم نمونه با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه شخصیتی نئو، پرسشنامه روابط موضوعی بل و همکاران (۲۰۰۸)، پرسشنامه مشارکت سیاسی فرج‌زاده استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدل پژوهش تأیید شد و به‌طور کلی تقریباً نیمی (۴۳٪) از مشارکت سیاسی توسط ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی قابل تبیین است. همچنین متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی اثر مستقیم معنادار دارند و مسیر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری روابط موضوعی اثر غیرمستقیمی بر مشارکت سیاسی نشان دادند. نتایج این پژوهش بر ضرورت الگوهای ارتباطی موضوعی در زمینه‌ای از ویژگی‌های سرشتی افراد در فعالیت‌های کلان اجتماعی و ملی تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی، روابط موضوعی

* سیدفرزاد طباطبایی میر دکترای تخصصی روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

Farzad.tabatabai@gmail.com

اسلامی، تهران، ایران

Maddahi.phd@gmail.com

** محمدابراهیم مداحی استادیار دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

Ahadi.dr@gmail.com

*** حسن احدی استاد دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۸

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نودویک، تابستان ۱۳۹۸، صص ۵۳-۸۰

مقدمه

امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم که گذار از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند به شکلی حساس‌تر خود را نشان می‌دهد (امینی‌کسبی و نرگسیان، ۱۳۹۴). دولت‌ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن در دهند و از طرف دیگر میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه‌یافته و توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد (Wang and Shalaby, 2018). از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی، ضروری و ارزشی مطلوب برای دانشجویان و عموم جامعه است (نظری، ۱۳۹۰).

در این بین ویژگی‌های شخصیت مجموعه‌ای پایدار از ویژگی‌ها که مشابهت و تفاوت‌های رفتار روان‌شناختی افراد (افکار، احساسات و اعمال) را که دارای تداوم زمانی بوده و ممکن است به واسطه فشارهای اجتماعی و زیست‌شناختی موقعیت‌های بلاواسطه شناخته شوند، مشخص می‌کند (Gallgo & Oberski, 2012). می‌توان بین تفاوت‌های فردی در خصوصیات شخصیتی، پنج بُعد عمده را منظور کرد. روان رنجورخویی^۱ (N) بر تجربه اضطراب، ترحم‌جویی، خصومت و تکانش‌وری اشاره می‌کند، در حالی که برون‌گرایی^۲ (E) به تمایل فرد برای

1. Gordon

2. Extroversion

مثبت بودن، جرئت‌طلبی و صمیمی بودن اشاره می‌کند. پذیرش^۱ (O) تمایل فرد برای کنجکاوی، هنرمندی و خردورزی اطلاق می‌شود، درحالی‌که سازگاری^۲ (A) تمایل فرد برای مهربانی، سخاوت، همدلی و اعتمادورزی را نشان می‌دهد (Weinschenk, 2017). سرانجام به تمایل فرد برای منظم بودن و اینکه وظیفه‌شناسی^۳ (C) به کارا بودن، قابلیت اعتماد، خود نظم‌بخشی و منطقی بودن اطلاق می‌شود، می‌پردازیم (Zhang et al, 2017).

روابط موضوعی و واقعیت آزمایی کارکردهای ایگو هستند که در کانون زندگی روان‌شناختی سلامت قرار دارند و در آسیب‌شناسی روانی مهم تلقی می‌شوند و تعارض میان سطوح ناهشیار و هشیار ذهن است و سانسور در سطح نیمه‌هشیار اعمال می‌شود (Russo and Amna, 2016). اما تعارض در مدل ساختاری میان ساختارهای روان‌شناختی ذهن در سطح ناهشیار است و سرکوبی نیز در همان سطح ناهشیار رخ می‌دهد و در مدل ساختاری، تعارض میان اید و سوپرایگو یا اید و واقعیت با میانجی‌گری ایگو رخ می‌دهد (Gallego & Oberski, 2012). با این تغییر، ایگو به جای اید، نقش حیاتی در عملکرد روان‌شناختی ذهن را برعهده می‌گیرد، سلامتی و بیماری شخصیت تابعی از توانایی ایگو برای اداره مناسب فشار آرزوهای متأثر از غرایز برای تخلیه است، به گونه‌ایی که در تضاد شدید با محدودیت‌های دنیای واقعی و سوپر ایگو نباشد (Ha, Kim, & Jo, 2013). توانمندی ایگو به ظرفیت ایگو برای اداره تقاضاهای متعارض سوپر ایگو و مقتضیات واقعیت بیرونی بستگی دارد و به میزانی که ایگو قادر به ایجاد تعادل کارکردی نباشد، شخصیت درگیر بیماری خواهد بود. نظریه‌های روابط موضوعی بخشی از یک جنبش بزرگ‌تر است که هدف آن جایگزینی نظریه غریزه با یک مدل روانکاوی ارتباطی است (Caspi, Liviatan & Roccas, 2016).

به طور کلی بررسی نقش، جایگاه و کارکردهای دانشجویان در نظام سیاسی و ضرورت بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های دانشجویان در اداره امور می‌تواند یکی

-
1. Openness
 2. Agreeableness & Lyness
 3. Conscientiousness

از شرایط اجتناب‌ناپذیر توسعه سیاسی و اجتماعی باشد. سیاسی‌بودن دانشجوی در حدی که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشد، نسبت به مسائل داخلی، خارجی و جریان‌های موجود از بینش و تحلیل سیاسی برخوردار باشد؛ ازجمله ضرورت‌های حیات سیاسی دانشجویان و لازمه توسعه سیاسی است (پناهی، ۱۳۸۸). مطالعات متعددی درباره مشارکت و فعالیت‌های سیاسی، چگونگی تغییر و تحول آن در نسل‌های مختلف و نیز علل کاهش آن در چند سال گذشته انجام شده است و این یافته‌ها نشان می‌دهد که از دو دهه گذشته انگیزه مشارکت سیاسی (به‌ویژه در غرب) کاهش یافته است (Page, 2017). ضرورت مطالعه انگیزه مشارکت سیاسی و عوامل تشکیل‌دهنده آن را بیشتر از پیش ساخته است و به‌رغم علاقه آشکار به ویژگی‌های نسل کنونی دانشجویان و نیز سطوح نگرش و مشارکت سیاسی آن‌ها، پژوهش‌های کمی در این باره وجود دارد (امینی‌کسبی و نرگسیان، ۱۳۹۴). در این میان، توافق عمومی و گسترده‌ای می‌توان کشف کرد که با شناخت مدلی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی افراد فعالیت‌های سیاسی و گرایش آن‌ها را به گروه‌های سیاسی و نیز نوع فعالیت‌ها را با وضوح بیشتری تبیین و انحراف از معیار جلوگیری کرد. باوجوداین، مطالعه درباره ویژگی‌های شخصیتی و نقش آن‌ها در مشارکت سیاسی هنوز به‌خوبی روشن نشده و نیازمند پژوهش‌های بیشتری است (Dins, Waldschmidt, Sturm and Karačić, 2017)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد با اجرای این پژوهش در دو زمینه مبانی نظری شناخت علل گرایش‌ها، مشارکت‌ها و نیز راهکارهای عملی حاصل از یافته‌های علمی و تجربی به‌منظور برنامه‌ریزی بهتر در توسعه سیاسی، نتایج قابل‌ملاحظه‌ای به دست آید. همچنین تبیین کارکردهای دانشگاه به‌عنوان یکی از بخش‌های ساختار فرهنگی کشور و نقشی که دانشجوی در این زمینه به عهده دارد، به خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان است. بر پایه مطالب بالا مسئله اساسی پژوهش، کشف مدل‌یابی مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی بر اساس مؤلفه‌های روان‌شناختی که در پژوهش حاضر شامل خصوصیات شخصیتی و روابط موضوعی است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مشارکت سیاسی

مشارکت واژه‌ای عربی است از ریشه «شرک» و «شرکت» به معنای «انبازی» و حصه‌برداری. در زبان انگلیسی، از مشارکت به «Participation» تعبیر شده که به معنای شریک‌شدن، دخالت‌کردن و شریک‌کردن است. واژه «مشارکت» در اصطلاح علوم سیاسی معانی گوناگونی دارد. بر همین اساس، در کتاب‌های گوناگون با تعاریف متفاوتی آمده است. آنچه از اجمال همه تعاریف به دست می‌آید، این است که دخالت مردم یا دست‌کم درگیر شدن آن‌ها در سیاست به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه یا حتی اختیاری و غیراختیاری را مشارکت نام نهاده‌اند. برخی از تعاریف‌ها نیز فقط به شعار آگاهانه‌بودن و برخی به اختیاری‌بودن اهمیت داده و مشارکت سیاسی را در آن قالب تفسیر کرده‌اند. البته تعاریف گوناگونی برای «مشارکت سیاسی» ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. مشارکت سیاسی مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی، سیاسی و تأثیرگذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت است.

ب. مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است.

ج. مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی است (Dynes, Hassell and Miles, 2016).

به‌طورکلی و با توجه به تعاریف‌های ارائه‌شده باید گفت: «مشارکت سیاسی فعلی است که فقط با اراده نفسانی محقق نمی‌شود، بلکه اراده معطوف به تأثیر و نفوذ در نظام سیاسی از کمترین درجه تا درجات بالای تأثیر را شامل می‌شود» (Joly, Hofmans and Loewen, 2018).

۱-۱-۱. مبادی و مبانی مشارکت سیاسی

درباره مبانی و مبادی رفتار مشارکتی شهروندان، چهار رویکرد اساسی وجود دارد

که موجب چهار منبع متمایز در تولید کنش سیاسی مشارکتی می‌شود (Russo and Amna, 2016).

نخستین دیدگاه قابل اشاره، ریشه روان‌شناختی دارد. این رویکرد که به نظریه نخبه‌گرایی مشهور است، مبتنی بر آرای پارتو، موسکا و دیگر نخبه‌گرایان است. «نظریه نخبه‌گرایی عمدتاً مشارکت سیاسی را به نخبگان محدود نموده و از توده‌ها، تصویری غیرفعال و ابزار دست نخبگان ارائه می‌دهد» (Alam, 2018). در حالی که نخبه‌گرایان، مشارکت سیاسی را به عقاید فعالان نخبه سیاسی محدود کرده و در ورای قانون الیگارشی، هیچ نظم سیاسی را نمی‌پذیرند. رویکرد دوم به جامعه‌شناسی فرهنگی تکیه دارد. آلموند و وربا، چند کشور پیشرفته و کالیفورنیا، فرهنگ‌های آفریقایی و آسیایی را با توجه به این دیدگاه مورد مطالعه قرار دادند. در این دیدگاه، بین مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی، لزوماً رابطه علی و ساختاری برقرار می‌شود. رویکرد سوم که به جامعه‌شناسی اقتصادی تمسک بسته است، هرگونه رفتار و کنش سیاسی را در چارچوب خشک روابط، شیوه تولید و تحولات اقتصادی جستجو می‌کند. بدین لحاظ، مشارکت سیاسی در رویکرد مارکسیستی به معنای آگاهی طبقاتی از وضعیت خود است که سرانجام آن، سیاسی شدن طبقه استثمارشده و انقلاب علیه طبقه حاکم است (Ha, Kim and Jo, 2013).

دیدگاه چهارم که در مقابل سه دیدگاه بالا قرار دارد، به تقدم نظام سیاسی بر فرهنگ و عقاید سیاسی نظر دارد. این رویکرد که به ماکیاولی نسبت داده می‌شود، عظمت هر ملتی را در آزادی و فضیلت شهروندانش می‌داند؛ اما این پرسش مطرح می‌شود که چه کسی می‌تواند آزاداندیشی و فضیلت را در جامعه ایجاد کند؟ توده مردم که فضیلت ندارد، رهبران والامنش که بر اساس بخت، در لحظات حساس تاریخی ظهور می‌نمایند، همیشه ممکن نیست، پس چه باید کرد؟ ماکیاولی برای فرار از بن‌بست بالا، دو راه حل (قانون خوب و دین کارآمد) را پیشنهاد می‌دهد. اگرچه بازگشت ماکیاولی به دین با رویکرد ابزاری است، ولی به هر حال ایشان راز موفقیت و عظمت جمهوری‌های رومی را نقش فعال و مثبت نهادهای مذهبی

می‌داند که فضیلت و خیر عمومی را در جامعه منتشر و نهادینه می‌کردند.
(Brandstätter and Opp, 2014).

۱-۲. مفهوم شخصیت

کوب شخصیت^۱ به نقابی اشاره دارد که هنرپیشه‌ها در نمایش استفاده می‌کردند. پرسونا (نقاب) به ظاهر بیرونی، ظاهر علنی که افراد به دور و بر خود نشان می‌دهند، اشاره دارد؛ بنابراین بر اساس ریشه شخصیت، شخصیت به ویژگی‌های بیرونی و قابل‌رؤیت ما اشاره دارد (Block and Block, 2006)؛ اما شخصیت تنها به نقابی که بر چهره می‌زنیم و نقشی که بازی می‌کنیم، اشاره ندارد. هنگامی که از شخصیت سخن می‌گوییم ویژگی‌های متعدد فرد، کلیت یا مجموعه خصوصیات گوناگون که از ویژگی‌های جسمانی فراتر می‌رود را به حساب می‌آوریم. این واژه تعداد زیادی از خصوصیات ذهنی و هیجانی را دربر می‌گیرد، خصوصیات که ممکن است نتوانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم و فرد شاید سعی کند آن‌ها را از ما مخفی کند یا شاید ما از دیگران مخفی کنیم. در لغت‌نامه وارن تعریف شخصیت چنین آمده است: شخصیت به جنبه‌های عقلی، عاطفی، انگیزشی و فیزیولوژیک یک فرد گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر به مجموعه مؤلفه‌هایی که انسان را سر پا نگه می‌دارد، شخصیت گفته می‌شود. در این تعریف مجموعه عوامل در کنار هم قرار داده شده، اما اشاره‌ای به یکپارچگی این عوامل و پویایی آن‌ها نشده است (Ribeiro & Borba, 2016).

۱-۲-۱. نظریه‌های شخصیت

الف) نظریه گوردن آلپورت

شخصیت آمادگی‌هایی برای پاسخ‌دادن به شیوه یکسان یا مشابه به محرک‌های مختلف است؛ به عبارت دیگر، ویژگی‌های شیوه‌های باثبات و بادوام واکنش نشان‌دادن به محیط هستند. آلپورت در فرهنگ کامل ویژگی‌های خود، بیش از ۴۵۰۰ صفت شخصیتی را برمی‌شمرد. او برای سامان‌دادن اصطلاحات مختلفی که

برای توصیف شخصیت می‌شد، ویژگی‌های شخصیتی را به سه دسته اصلی تقسیم کرد که عبارتند از (۱) ویژگی‌های اصلی: ویژگی‌های اصلی از ویژگی‌های دیگر قوی‌تر و غالب‌ترند. این ویژگی‌ها بر شخصیت آدم‌ها سایه می‌افکنند؛ اما به نظر آپورت، عده کمی از آدم‌ها عملاً واجد ویژگی‌های اصلی هستند. (۲) ویژگی‌های مرکزی: این ویژگی‌ها نیز کم هستند. آپورت معتقد بود مردم ۶ تا ۱۲ صفت مرکزی دارند. برای مثال، شخص می‌تواند مهربان، شوخ‌طبع، شلخته یا حسرت‌خوری باشد. (۳) ویژگی‌های ثانویه: ویژگی‌های ثانویه هم تعداد معینی دارند ولی در شناخت شخصیت، از همه کم اهمیت‌ترند. این ویژگی‌ها، نگرش‌ها و ترجیحات خاصی مثل سلايق غذایی یا موسیقایی را پوشش می‌دهند (Nauta, 2004).

(ب) نظریه ریموند کتل

ویژگی‌ها را به صورت گرایش‌های نسبتاً دائمی و اکنش نشان دادن که واحدهای ساختاری بنیادی شخصیت هستند، تعریف کرد. او ویژگی‌ها را به چند طریق طبقه‌بندی کرد: ویژگی‌های مشترک و ویژگی‌های منحصربه‌فرد؛ ویژگی‌های توانشی، خلقی و پویشی؛ ویژگی‌های سطحی و عمقی؛ ویژگی‌های سرشتی و ویژگی‌های محیط ساخته.

ویژگی‌های مشترک و منحصربه‌فرد: صفت مشترک، صفتی است که هر کس تا اندازه‌ای از آن برخوردار است. هوش، برون‌گرایی و معاشرتی بودن نمونه‌هایی از ویژگی‌های مشترک هستند. هرکسی از این ویژگی‌ها برخوردار است، ولی برخی افراد بیشتر از دیگران از آن‌ها برخوردارند. هوش می‌تواند نمونه‌ای از صفت توانشی باشد. ویژگی‌های خلقی به زندگی هیجانی فرد و سبک‌رفتاری او مربوط است (Nauta, 2004).

ویژگی‌های سطحی و عمقی: ویژگی‌های سطحی ویژگی‌های شخصیتی هستند که با یکدیگر همبستگی دارند، ولی یک عامل را تشکیل نمی‌دهند؛ زیرا منبع واحدی آن‌ها را تأمین نمی‌کند. برای مثال، چند عنصر رفتاری مانند اضطراب، تردید و ترس غیرمنطقی با هم ترکیب می‌شوند تا صفت سطحی به نام روان‌رنجور

خوبی را تشکیل دهند. ویژگی‌های عمقی، بیانگر ارتباط و پیوند بین رفتارهایی است که باهم تغییر می‌کنند تا یک بعد واحد و مستقل شخصیت را به وجود آورند (حسینی و میرآقایی، ۱۳۹۱).

پ) نظریه هانس آیزنک

آیزنک در نتیجه تلاش‌هایش، نظریه شخصیت که مبتنی بر سه بعد است و به صورت ترکیبات ویژگی‌ها یا عوامل توصیف می‌شوند را ارائه داد. این سه بعد شخصیت عبارتند از: E برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی؛ N بی‌ثباتی (روان‌رنجورخویی) در برابر ثبات هیجانی؛ P روان‌پریش خوبی در برابر کنترل‌تکانه؛ یعنی تعامل بعد درون‌گرایی / برون‌گرایی با بعد ثبات / بی‌ثباتی. آیزنک معتقد بود ترکیب‌های مختلف این ابعاد، ویژگی‌های شخصیتی معینی ایجاد می‌کنند (حسینی و میرآقایی، ۱۳۹۱).

ت) نظریه رابرت مک‌کری و پل کاستا

مدل پنج عاملی رابرت مک‌کری و پل کاستا از تحلیل عوامل برای دستیابی به نظریه پنج عاملی استفاده کردند. این پژوهشگران با ترکیب تمام یافته‌های پژوهشی پیشین و فهرست طولانی صفت‌های شخصیت احتمالی دریافتند که حتی اگر آزمون‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرند، غالباً صفت‌های مشخصی به دست می‌آیند. این پنج بعد عمده شخصیت که اغلب «پنج عامل عمده» نامیده می‌شوند عبارتند از: ۱) روان‌رنجور خوبی: افرادی که در سطح بالای روان‌رنجور خوبی قرار می‌گیرند، از نظر هیجانی ناستوار و مستعد ناامنی، اضطراب، احساس گناه، نگرانی و نوسان خلق هستند. افرادی که در انتهای دیگر این عامل قرار می‌گیرند، از نظر هیجانی استوار، آرام، یکنواخت، آسان‌گیر و آسوده هستند. ۲) برون‌گرایی: این عامل از یک‌سو، بین افرادی که اجتماعی، خونگرم، پرحرف، خوش‌گذران و عاطفی هستند و از سوی دیگر، افراد درون‌گرایی که گوشه‌گیر، آرام، منفعل و خوددار هستند، فرق می‌گذارد. ۳) گشودگی نسبت به تجربه: افرادی که در این عامل در سطح بالایی قرار می‌گیرند، خیال‌پرداز، کنجکاو و گشوده نسبت به افکار تازه و علاقه‌مند به امور فرهنگی هستند. در مقابل، افرادی که نمره‌های پایینی

کسب می‌کند، سنت‌گرا، واقع‌بین، دارای علایق محدود و غیر هنرمندانه هستند. (۴) وظیفه‌شناسی: این عامل از یک‌سو، با صفت‌هایی مانند مسئول، خویشتن‌دار، منظم و موفق و از سوی دیگر، با صفت‌هایی مانند غیرمسئول، بی‌توجه، تکانشی، تبیل و غیرقابل‌اعتماد در ارتباط است. (۵) خوشایندی: افرادی که در این عامل در سطح بالایی قرار می‌گیرند، خوش‌طینت، گرم، نجیب، دارای حس همکاری، خوش‌بین و خیرخواه هستند، درحالی‌که افرادی که در این عامل نمره‌های پایینی می‌گیرند، تحریک‌پذیر، اهل بحث‌وجدل، بی‌رحم، بدگمان، فاقد حس همکاری و کینه‌جو هستند (Russo and Amna, 2016)؛ حسنی و میرآقایی، (۱۳۹۱). این عوامل از طریق فنون ارزیابی از جمله پرسشنامه‌های خودسنجی، آزمون‌های عینی و گزارش‌های مشاهده‌گران تأیید شدند. پژوهشگران بعدها آزمون شخصیتی را به نام پرسشنامه شخصیت نیو ساختند که از سرواژه‌های به‌دست‌آمده از حروف اول سه عامل اول برای اسم آن استفاده شده است. یافته‌های باثبات عوامل یکسان از روش‌های ارزیابی مختلف، حکایت از آن دارند که می‌توان روی این عوامل به‌عنوان جنبه برجسته شخصیت حساب کرد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶).

با این دید، ویژگی‌های شخصیت بیشتر متأثر از عوامل زیستی است تا محصول تجربه‌های زندگی و شکوفایی تمایلات اساسی به‌وسیله محیط. به‌عکس، این تمایلات در طول زندگی فرد، هم بر خودپنداره و هم بر ویژگی‌های مربوط به سازگاری تأثیر می‌گذارد که شامل نگرش‌ها، اهداف شخصی، باورهای خودکارآمدی و ویژگی‌های دیگری است. هم صفت سازگاری و انطباق و تصمیم‌هایی را که فرد در زندگی اتخاذ می‌کند، تحت تأثیر قرار می‌دهند و زندگی‌نامه واقعی وی منعکس می‌شوند (جان و پروین، ۱۳۹۴).

۱-۳. مفهوم روابط موضوعی

نظریه‌های روابط موضوعی از نظر مفاهیم کلیدی، مفروضه‌ها و اصول، متفاوت و اغلب سردرگم‌کننده هستند و هضم آن‌ها بسیار دشوار است، در نتیجه ما نمی‌توانیم در مورد یک نظریه روابط موضوعی واحد صحبت کنیم. در کل تفسیرهای زیادی در مورد گرایش نظریه‌های روابط موضوعی داده شده است. گرینبرگ و میچل

(۱۹۸۳)، نظریه‌های روابط موضوعی را بخشی از یک حرکت وسیع‌تر در جهت جابه‌جا کردن نظریه سائق با یک مدل ارتباطی روان‌تحلیلی در نظر می‌گیرند، کرنبرگ (۱۹۸۴) و وینی‌کات (۱۹۶۰) مفاهیم روابط موضوعی را چیزی بیشتر از نظریه سائق و قابل کاربرد برای اختلالات هیجانی ابتدایی‌تر می‌دانند و بکال و نیومن (۱۹۹۰)، نظریه‌های روابط موضوعی را پلی به سمت روان‌شناسی خود در نظر می‌گیرند (Fominaya, 2016).

نظریه‌پردازان روابط موضوعی وجوه اشتراک مختلفی دارند. همه آن‌ها بر تأثیر مشتقات مراحل رشدی اولیه بر شکل‌گیری دستگاه روانی تمرکز می‌کنند. آن‌ها به رشد و تحول نرمال و آسیب‌شناختی خود و شکل‌گیری هویت علاقه‌مند هستند و همه آن‌ها یک جهان درونی‌شده روابط موضوعی را به‌عنوان بخشی از مفهوم‌سازی‌شان از دستگاه روانی پذیرفته‌اند. این نظریه‌ها، رشد و آسیب‌شناسی را محصول درونی‌سازی روابط بین فردی اولیه در نظر می‌گیرند. در نتیجه، درمان بر ظاهر شدن این درونی‌سازی‌ها در شکل رابطه با موضوع تأکید می‌کند (Fominaya, 2016). از طرفی نظریه‌های روابط موضوعی متفاوت هستند؛ به طوری که هر نظریه روابط موضوعی دیدگاه متفاوتی در مورد عوامل محوری در رشد و آسیب‌شناسی و اینکه هر نظریه تا چه اندازه با نظریه سنتی سائق‌محور فروید هماهنگ یا با آن در تضاد است؛ یعنی چقدر این نظریه‌ها، سائق‌ها را به‌عنوان سیستم انگیزشی رفتار انسان در نظر گرفته و چقدر از این مسئله فاصله می‌گیرند. از این دیدگاه، کلاین، همچنین ماهرل و جیکوبسن در یکسر این قطب قرار می‌گیرند که نظریه سائق‌محور فروید را با یک رویکرد روابط موضوعی ترکیب کرده‌اند. در سوی دیگر این قطب، فربرن و سالیوان قرار می‌گیرند که روابط موضوعی را به‌عنوان سیستم انگیزشی عمده، جایگزین سائق‌های فروید کرده‌اند. وینی‌کات، لئووالد و سندلر، یک وضعیت میانه را دنبال کردند؛ آن‌ها ساختار عاطفی رابطه مادر-نوزاد را به‌عنوان یک عامل حیاتی در شکل‌گیری رشد سائق‌ها در نظر گرفتند (Khan et al, 2016).

نظریه‌پردازان مختلف همچنین در رابطه با این مسئله که تا چه اندازه انتقال را

فعال‌شدن تعارض‌های درونی بیمار تفسیر کنند یا اینکه تا چه حد انتقال متقابل و شخصیت درمانگر را در شکل‌گیری انتقال دخیل بدانند، متفاوت هستند. مکتب بین‌فردی، رابطه دونفره درمانگر و بیمار را به‌عنوان یک تجربه جدید و رشددهنده در نظر می‌گیرند که سهم مهمی در تحلیل تعارض‌های ناخودآگاه بیمار دارند. کلاین، جیکوبسن، ماهر و کرنبرگ، رویکردی نزدیک به حالت کلاسیک دارند که بر جنبه‌های تعارضی درون‌روانی انتقال و استفاده محدود از عناصر انتقال متقابل تأکید دارند. روان‌تحلیل‌گران بین‌فردی، افرادی چون گانترب (کسی که از فربرن و وینی‌کات تأثیر پذیرفته است)، گرینبرگ و میچل تأکید زیادی بر تأثیر دوجانبه انتقال و انتقال متقابل و جنبه واقعی تعامل‌های درمانی که از شخصیت درمانگر ریشه می‌گیرند، کرده‌اند (Khan et al, 2016).

نظریه روابط موضوعی از دید کرنبرگ عموماً عبارت است از مطالعه روانکاوانه روابط بین شخصی و بررسی چگونگی رشد ساختارهای درون‌روانی بر مبنای روابط پیشین درونی‌شده فرد با دیگران. او این تعریف عمومی را هم در معنای وسیع و هم در معنای محدودتر آن مورد استفاده قرار می‌دهد. به‌طورکلی، نظریه روابط موضوعی ناظر بر نظریه‌ای عمومی درباره ساختارهایی ذهنی است که از تجارب بین شخصی تأثیر می‌پذیرند. بر اساس این تعریف کلی، روانکاوی به‌مثابه یک نظریه عمومی می‌تواند نظریه روابط موضوعی را دربر گیرد؛ بدین ترتیب دیگر به نظریه‌ای جداگانه در باب روابط موضوعی نیازی نخواهد بود. در معنایی محدودتر، نظریه روابط موضوعی رهیافتی محافظه‌کارانه در دل سنت روانکاوی است که بر شکل‌گیری و تکوین ساختارهای روانی بر اساس موضوع‌های درونی (به عبارتی، بازنمایی‌های خود که با بازنمایی‌های موضوع‌گه خورده‌اند) تأکید و تمرکز دارد (Gerber et al, 2011).

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات علمی و تجربی درباره ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی در مشارکت سیاسی بسیار اندک و اغلب نیز محدود به نقش برخی ویژگی‌های خاص

است (گالگو و اوبرسکی^۱، ۲۰۱۲). جولی، هافمنز و لویون^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که ایدئولوژی‌ها و ویژگی‌های مرتبط با شخصیت افراد با میزان تعاملات و ارتباطات سیاسی می‌تواند رابطه بسیار نزدیکی را سبب گردد. رسو و آما^۳ (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی به‌طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده تعاملات و مشارکت سیاسی می‌تواند باشد و این ویژگی‌ها نشان‌دهنده‌ای از وظیفه‌شناسی و ارتباطات اجتماعی دارا است. ها، کیم و جو^۴ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی و مشارکت سیاسی روابط بسیار تعیین‌کننده‌ای را با یکدیگر دارا می‌باشند و در این میان شواهدی از وجود سطوح و سبک‌های ارتباطی از خویشتن می‌توان به‌عنوان عوامل تسهیلگر در نظر گرفته شوند. وانگ و شلابی^۵ (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه با مشارکت سیاسی در افراد با استفاده از چارچوب درک از روابط بین فردی و پیش‌زمینه‌های درک از هویت رابطه وجود دارد.

به باور بسیاری از صاحب‌نظران (برن اشتاتر و اوپ^۶، ۲۰۱۴، داینس، هاسل و مایلز^۷، ۲۰۱۶، سینگدو و فالت^۸، ۲۰۱۷، پرسون^۹، ۲۰۱۲، کم^{۱۰}) سطح مشارکت و فعالیت‌های سیاسی در دو دهه گذشته کاهش داشته و نوعی عدم احساس مسئولیت نسبت به امور و فرایندهای سیاسی و نیز بی‌مسئولیتی نسبت به مسائل سیاسی جامعه به وجود آمده است؛ اما کمتر پژوهشی به مبانی روان‌شناختی این پدیده توجه و تلاش کرده است تا آن را بر پایه مبانی روان‌شناختی رفتار، به‌ویژه ساختار شخصیت و روابط اولیه توصیف و تبیین کند.

-
1. Gallego & Oberski
 2. Joly, Hofmans & Loewen
 3. Ha, Kim & Jo
 4. Brandstätter & Opp
 5. Dynes, Hassell & Miles
 6. Swyngedouw & Phalet
 7. Michel Person
 8. Kam

۳. روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف آن از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها به صورت مقطعی و تحلیل آن‌ها به روش توصیفی و از نوع طرح‌های همبستگی مبتنی بر روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) به‌طور خاص، معادلات رگرسیونی بود. این روش یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل ساختار داده‌های پیچیده و یکی از روش‌های بررسی روابط علت و معلولی است به معنی تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلفی است که در یک ساختار مبتنی بر تئوری، تأثیرات هم‌زمان متغیرها را باهم نشان می‌دهد (هومن، ۱۳۹۳). جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تشکیل می‌دهد. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و تخصیص ضریب ۲۰ برای هر متغیر (هومن، ۱۳۹۳) و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص ۵۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب خواهند شد. پس از تعیین تعداد نمونه، نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

۳-۱. ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه شخصیتی نئو NEO: سؤالی (فرم تجدیدنظرشده) ساخته مک‌کری و کاستا، (۱۹۹۲) می‌باشد و این آزمون دارای ۶۰ سؤال است که پنج عامل روان‌رنجورگرایی، برون‌گرایی، گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه، مقبولیت و وجدانی بودن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (McCrae and Costa, 2004). نئو دارای دو فرم خودگزارش‌دهی^۱ (S) و فرم درجه‌بندی مشاهده‌گر^۲ (R) است. در فرم ۶۰ گویه‌ای برای هر زیرمقیاس ۱۲ ماده (توصیف‌کننده رفتار) است که در مقیاس ۵ امتیازی (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. کلید سؤالات روان‌آزردگی: ۱ و ۶ و ۱۱ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۶ و ۴۱ و ۴۶ و ۵۱ و ۵۶، برون‌گرایی: ۲ و ۷ و ۱۲ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۷ و ۳۲ و ۳۷ و ۴۲ و ۴۷ و ۵۲ و ۵۷،

1. Self-Report

2. Rating Observer

انعطاف‌پذیری: ۳ و ۸ و ۱۳ و ۱۸ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۳ و ۳۸ و ۴۳ و ۴۸ و ۵۳ و ۵۸، سـازگاری: ۴ و ۹ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۴ و ۳۹ و ۴۴ و ۴۹ و ۵۴ و ۵۹، وجدان‌گرایی: ۵ و ۱۰ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و ۳۵ و ۴۰ و ۴۵ و ۵۰ و ۵۵ و ۶۰ است. ضرایب همسانی درونی برای نسخه ۶۰ گویه‌ای بین ۰/۷۹ (روان‌رنجورخوبی) تا ۰/۸۳ (باوجدان بودن) گزارش شده است (McCrae and Costa, 2004). مطالعه شری و دیگران^۱ (۲۰۰۷) نشان داد ضرایب همسانی درونی فرم کوتاه‌شده بین ۰/۶۸ (گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه) تا ۰/۸۵ (روان‌رنجورگرایی) قرار دارد. ضرایب همسانی درونی برای نسخه ۶۰ گویه‌ای بین ۰/۷۹ (روان‌رنجورخوبی) تا ۰/۸۳ (باوجدان بودن) گزارش شده است (همان). مطالعه شری و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد ضرایب همسانی درونی فرم کوتاه شده بین ۰/۶۸ (گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه) تا ۰/۸۵ (روان‌رنجورگرایی) قرار دارد.

پرسشنامه روابط موضوعی (BORRTI): این پرسشنامه که توسط بل^۲ و همکاران (۱۹۸۶) ساخته شده است، در سنجش کارکرد ایگو (کیفیت روابط موضوعی و واقعیت‌آزمایی) ریشه دارد که پیش‌تر توسط بلک^۳ و همکاران (۱۹۷۳) شکل گرفته بود. این آزمون در بسیاری از زمینه‌های پژوهشی در آسیب‌شناسی روانی و رفتار بهنجار کاربرد یافته است (Li and Bell; 2008). پرسشنامه بالا ۹۰ گویه دارد که به صورت بله/خیر پاسخ داده می‌شود، ۴۵ گویه آن، چهار عامل بیگانگی (۱۴، ۸، ۵، ۸۹، ۳۲، ۵۴)، دل‌بستگی ناایمن (۴۸، ۵۹، ۶۸، ۸۰)، خودمیان‌بینی (۲۸، ۶۲، ۶، ۷۱) و بی‌کفایتی اجتماعی (۷۳، ۲۵، ۶۶، ۶۱، ۳۹، ۳۶، ۲۲، ۲۰، ۱۶، ۷۸) برای روابط موضوعی و ۴۵ گویه دیگر سه عامل تحریف واقعیت (۸۳، ۸۴، ۹۰)، عدم قطعیت ادراک (۷، ۳۵، ۷۵، ۸۶) و هذیان و توهم (۱۰، ۴۶ و ۶۷) برای واقعیت‌آزمایی را پوشش می‌دهد. ضرایب پایایی بازآزمایی را ۰/۶۵ و ۰/۸۱ گزارش کردند. ضرایب پایایی بازآزمایی

1. Sherry et al

2. Bell et al

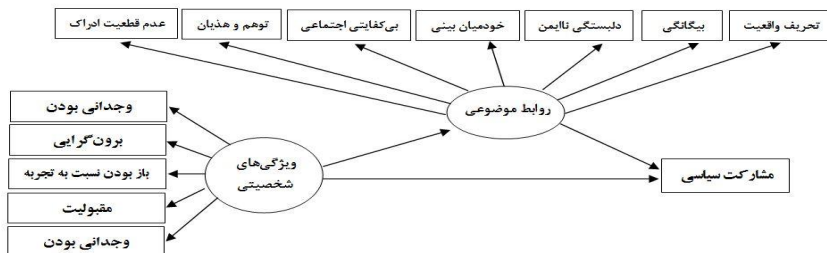
3. Bellak

واقعیت‌آزمایی ۰/۶۳ و ۰/۶۴ به دست آمد و تمامی خرده‌مقیاس‌ها و شاخص اعتباری BORRTI از همسانی درونی (به روش آلفای کرونباخ) و پایایی بازآزمایی مناسب برخوردار بودند (هادی‌نژاد، طباطبائیان و دهقانی، ۱۳۹۳).

پرسشنامه استاندارد مشارکت سیاسی: دارای ۲۶ پرسش است و در مجموع سطوح زیر را می‌توان برای مشارکت سیاسی در اهداف این ابزار برشمرد: حق رأی و شرکت در انتخابات؛ حق فعالیت‌های سیاسی و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی؛ حق کاندیداتوری در انتخابات و دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان و تغییرات ساختاری. این پرسشنامه دارای یک نمره کلی است و از طریق طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. به‌منظور بررسی روایی این پرسشنامه ابتدا طی جلسات متعدد با کمک استاد راهنما به انتخاب معتبرترین شاخص‌های گردآوری‌شده از بین شاخص‌های حاضر در پرسشنامه‌های موجود و آزمون‌شده قبلی اقدام شد. علاوه بر آن، تمامی گویه‌های استخراج‌شده در اختیار چند تن از اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. اشتراک نظر آن‌ها بر گویه‌ها مبنی بر معتبر بودن سنجش مورد نظر بود. در پژوهش فرج‌زاده (۱۳۹۳)، پایایی این پرسشنامه در پژوهش مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان با آلفای کرونباخ $\alpha = 0/86$ محاسبه شده است. با توجه به این‌که معمولاً پایایی فراتر از ۰/۷۰ مطلوب است، می‌توان استنباط کرد که پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش، پایایی نسبتاً بالایی دارند (فرج‌زاده، ۱۳۹۳).

بر اساس مفاهیم بیان‌شده مدل زیر بر اساس مبنای نظری موجود و نتایج پژوهش‌های قبلی که به آن‌ها اشاره شد، به‌عنوان مدل مفروض ترسیم می‌شود.

شکل ۱. مدل پژوهش



۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ۱۸ و AMOS ۲۳ استفاده شد.

۴-۱. یافته‌های توصیفی پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه از طریق دو پرسش جنسیت و وضعیت تحصیلی مورد سنجش قرار گرفت که تعداد و درصد فراوانی آن‌ها در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک (جمعیت‌شناختی)

متغیرها	عوامل جمعیتی	تعداد	درصد
جنسیت	مؤنث	۳۱۰	۶۲
	مذکر	۱۹۰	۳۸
وضعیت تحصیلی	لیسانس	۳۵۱	۷۰/۲
	فوق‌لیسانس	۱۰۵	۲۱
	دکتری	۴۴	۸/۸

با توجه به جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه نمونه در حیطه سنی و جنسیتی نشان داده می‌شود.

۴-۲. یافته‌های استنباطی

در ابتدا با بررسی پیش‌فرض‌های آماری با استفاده از آزمون‌های کشیدگی و چولگی، جعبه‌ای، کولموگروف-اسمیرنوف داده‌های پرت شناسایی، سپس با استفاده از آزمون ماهالانوبیس^۱ داده‌های پرت حذف شد و با تعداد ۴۸۲ نمونه نهایی گردید. همچنین پس از بررسی نرمالیتی داده‌ها، مدل اندازه‌گیری دو متغیر پژوهش بررسی و تأیید شد. همچنین نتایج میانگین واریانس‌های استخراجی^۲ (AVE) نشان می‌دهد تمامی زیرمقیاس‌های مشارکت سیاسی، ویژگی‌های

1. Mahalanobis test

2. Average extraction variances

شخصیتی و روابط موضوعی در مدل اندازه‌گیری مقادیر به‌دست‌آمده آن از حد معیار ۰/۵ بزرگ‌تر است که نشان‌دهنده روایی از نوع همگرا است، همچنین اعتبار مرکب (اعتبار سازه) نشان‌دهنده آن است که مقادیر به‌دست‌آمده از مؤلفه‌ها از حد معیار ۰/۰۷ بیشتر است و بنابراین موضوع AVE و CR (پایایی سازه)^۱ پرسشنامه‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای مشارکت سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
روان‌رنجوری	۳۶/۵۰	۷/۲۲	۱												
برون‌گرایی	۳۳/۷۰	۶/۱۸	-.۳۳**	۱											
انعطاف‌پذیری	۳۷/۶۲	۶/۸۰	-.۱۹**	.۵۶**	۱										
سازگاری	۳۶/۸۰	۷/۳۷	-.۲۸**	.۴۹**	.۳۷**	۱									
وجدانی‌بودن	۲۸/۴۴	۶/۹۷	-.۳۱**	.۱۴*	.۳۸**	.۳۴**	۱								
بیگانگی	۲۹/۷۴	۴/۲۸	.۱۷**	-.۱۷**	-.۱۷**	-.۳۴**	-.۲۹**	۱							
دل‌بستگی ناایمن	۳۱/۷۳	۳/۹۰	.۲۰**	-.۲۴**	-.۲۲**	-.۳۴**	-.۲۱**	.۳۷**	۱						
خودمیان‌بینی	۲۷/۸۷	۴/۸۴	.۲۱**	-.۱۸**	-.۱۹**	-.۲۴**	-.۱۶**	.۴۵**	.۵۱**	۱					
بی‌کفایتی اجتماعی	۳۵/۳۵	۷/۸۹	.۱۸**	-.۳۱**	-.۲۰**	-.۱۹**	-.۱۴**	.۴۹**	.۶۰**	.۵۷**	۱				
تحریف واقعیت	۳۷/۴۵	۵/۵۶	.۲۲**	-.۲۹**	-.۲۴**	-.۲۳**	-.۱۶**	.۳۸**	.۴۴**	.۵۴**	.۴۴**	۱			
عدم قطعیت ادراک	۳۱/۰۳	۶/۷۲	.۲۶**	-.۲۰**	-.۱۹**	-.۲۱**	-.۲۴**	.۵۷**	.۳۹**	.۴۸**	.۵۴**	.۵۷**	۱		
هذیان و توهم	۳۰/۷۹	۶/۲۱	.۲۹**	-.۱۷**	-.۲۸**	-.۱۸**	-.۲۷**	.۵۱**	.۴۸**	.۳۹**	.۶۱**	.۴۵**	.۵۴**	۱	
مشارکت سیاسی	۷۵/۶۶	۳۴/۱۴	-.۱۷**	.۱۶**	.۱۹**	.۲۱**	.۲۴**	-.۱۹**	-.۱۷**	-.۲۴**	-.۱۸**	-.۱۷**	-.۲۰**	-.۱۷**	۱

P<0/05 ** P<0/01 *

نتایج مندرج در جدول ۲ همبستگی معناداری بین ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی با مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد و در سطح ۰/۰۱ وجود دارند.

جدول ۳. شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها پس از یک مرحله اصلاح

نام آزمون	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده قبل از تصحیح	مقدار به دست آمده پس از تصحیح
χ^2/df	< ۳	۳/۷۱	۲/۸۸
χ^2	-	۳۳۴/۵۲۱	۲۵۴/۰۴۱
DF	-	۹۰	۸۸
RMSEA	< ۰/۱	۰/۰۵۲	۰/۰۴۷
GFI	> ۰/۹	۰/۹۰۶	۰/۹۶۶
NFI	> ۰/۹	۰/۸۹۸	۰/۹۵۷
CFI	> ۰/۹	۰/۸۹۲	۰/۹۴۱

مطابق جدول ۲ مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۷ می‌باشد، لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان‌دهنده میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب و قابل قبول می‌باشد. همچنین مقدار کای دو به درجه آزادی (۲/۸۸) بین ۱ و ۳ است و میزان شاخص GFI، CFI و NFI نیز تقریباً برابر و بزرگ‌تر از ۰/۹ می‌باشد که نشان می‌دهند مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی مناسب است.

جدول ۴. برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی (ML)

متغیر	b	β	R ²	معناداری
روان‌رنجوری بر مشارکت سیاسی	-۰/۲۱	-۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۰۳۱
برون‌گرایی بر مشارکت سیاسی	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۰۶	۰/۰۰۲
انعطاف‌پذیری بر مشارکت سیاسی	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۰۲۸
سازگاری بر مشارکت سیاسی	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۱۰	۰/۰۰۰
وجدانی‌بودن بر مشارکت سیاسی	۰/۶۷	۰/۱۷	۰/۱۱	۰/۰۰۰
روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۴۴

با توجه به جدول ۴ مسیرهای تیپ ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی با اثر مستقیم معناداری بر مشارکت سیاسی دارا هستند.

جدول ۵. برآورد غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت استرپ^۱

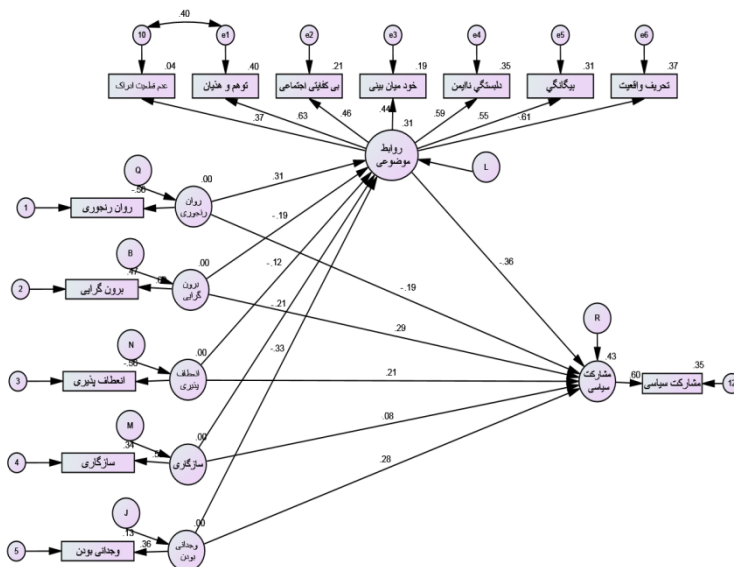
معناداری	حد بالا	حد پایین	B	متغیر
۰/۰۰۲	-۰/۲۲۳	-۰/۱۴۲	-۰/۱۹۶	روان‌رنجوری با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۳۷۹	۰/۲۹۴	۰/۳۴۱	برون‌گرایی با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی
۰/۰۰۴	۰/۲۷۱	۰/۱۸۶	۰/۲۳۶	انعطاف‌پذیری با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی
۰/۰۳۱	۰/۴۱۰	۰/۳۰۴	۰/۳۹۷	سازگاری با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۲۲۷	۰/۱۵۹	۰/۱۸۳	وجدانی‌بودن با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد، از مسیر غیرمستقیم در نظر گرفته‌شده با توجه به مقادیر استاندارد شده (β)، استاندارد نشده (b) و (R^2) به‌دست آمده، مسیر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی، با توجه به مقدار به‌دست‌آمده دارای اثرات معنی‌داری می‌باشند و با توجه به روش برآورد بوت استرپ مورد تأیید واقع شد.

لازم به ذکر است که در مدل نهایی برای ایجاد متغیرهای نهفته، ضروری است نشانگرهای چندگانه از هرکدام از متغیرها وجود داشته باشد. معمولاً از زیرمقیاس‌های سنج‌ها به‌عنوان نشانگرهای جداگانه معرف سازه استفاده می‌شود، اما در برخی موارد، زیرمقیاس‌های چندگانه معرف سازه خاص وجود ندارد. در آن صورت از بسته‌های آیتم^۲ که توسط راسل، کاهن، اپوت و آلت‌میر^۳ (۱۹۹۸) توصیف شده است، استفاده می‌گردد و در این پژوهش نیز از این روش برای تحلیل متغیر ویژگی‌های شخصیتی با توجه به اینکه به همبستگی معکوس بین خرده‌مقیاس‌های آن امکان قرارگرفتن در یک متغیر پنهان را دارا نبودند، درنهایت جهت بهبود واریانس کلی مدل با توجه به روش راسل در متغیر پنهان قرار داده شدند.

1. Bootstrap
2. Item Parcels
3. Russell, Kahn, Spoth and Altmeier

نمودار ۱. مدل نهایی مسیرهای آزمون شده به همراه آماره‌های پیش‌بینی استاندارد شده



نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین چشم‌انداز مشارکت سیاسی بر اساس نقش ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی بود و این پژوهش گویای آن است که ویژگی‌های شخصیت با میانجی‌گری روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی اثر غیرمستقیم دارا است. با توجه به مدل نهایی تحقیق به‌طور کلی متغیر برون‌زا توان پیش‌بینی درصدی متغیر مشارکت سیاسی را دارا است و به‌طور کلی مدل پژوهش مورد تأیید واقع شد. مقدار اثر ویژگی‌های شخصیتی بر مشارکت سیاسی در این مسیر به ترتیب برابر با ۰/۴۳ است که بسیار قابل توجه و اثرگذار بر مشارکت سیاسی است که از یک طرف می‌تواند بسیار تحت تأثیر مؤلفه‌هایی باشد که ویژگی‌های شخصیتی شامل آن می‌گردد. این ویژگی‌ها دارای ابعاد مختلفی هستند و مقوله‌هایی چون وجدانی بودن برون‌گرا، بازبودن نسبت به تجربه، مقبولیت و وجدانی بودن را دربر می‌گیرند. این نتایج در جهت روابط این متغیرها با یکدیگر همسو با یافته‌های رجب‌لو و حسین پناهی (۱۳۹۶)، نظری (۱۳۹۰)، وانگ و شلابی (۲۰۱۸)، جولی، هافمنز و لویون (۲۰۱۸)، وینشنک و داوس (۲۰۱۷)،

وینشنک (۲۰۱۷)، رسو و آما (۲۰۱۶)، برن اشتاتر و اوپ (۲۰۱۴)، داینس، هاسل و مایلز (۲۰۱۶)، کراندوک و ورمیولن (۲۰۱۸)، مازونی و همکاران (۲۰۱۸)، آلام (۲۰۱۸)، سینگدو و فالت (۲۰۱۷)، دینز، والداشمیت، استورم و کاراسیچ (۲۰۱۷)، ماسویکوا، گووس و گوردون (۲۰۱۷)، گریمز (۲۰۱۷)، توامس (۲۰۱۷)، جول، هافمنز و لویون (۲۰۱۸) است. ارتباطات میان فردی و رسانه‌ها دو جریان اصلی در آگاهی‌بخشی درباره مسائل سیاسی و شکل‌گیری اطلاعات، نگرش و ارزش‌های سیاسی و در نتیجه کنش و مشارکت سیاسی هستند. اگر قدرت ارتباطات میان فردی را با قدرت رسانه‌ها در مسائل سیاسی مقایسه کنیم، باید گفت که بر اساس برخی نظریه‌های ارتباطی و نیز تلقی عمومی با توجه به کم‌شدن نقش ارتباطات میان فردی و اتمیزه‌شدن انسان‌ها در جوامع مدرن، رسانه‌های جمعی قدرت بیشتری یافته‌اند و منبع اصلی کسب اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی و جهت‌دهی به افکار عمومی شده‌اند. در عین حال، همین رسانه‌های به‌ظاهر قدرتمند در بسیاری از مواقع مغلوب جریان «ارتباطات میان فردی» می‌شوند.

از میان نظریه‌هایی که به مشارکت سیاسی پرداخته‌اند، در این پژوهش نظریه‌های اجتماعی-اقتصادی انتخاب شده‌اند. بر اساس این نظریه‌ها، موقعیت اجتماعی-اقتصادی افراد، مانند جنسیت، سن، تحصیل، شغل، طبقه و درآمد، گروه و ارتباطات اجتماعی تعیین‌کننده میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی است، البته تأکید ما بر عواملی همچون گروه و ارتباطات اجتماعی است. بعضی از نظریه‌های مهم این دسته به شرح زیر است: بر پایه این نظریه‌ها، بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه مثبت وجود دارد. و ربا و نای در مطالعه خود در زمینه اثر پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد بر مشارکت آنان در صحنه-سیاست در آمریکا به این نتیجه رسیدند که هرچه افراد به لحاظ اقتصادی-اجتماعی از پایگاه بالاتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آنان-هم بیشتر است. به این اعتبار، متغیرهایی مانند میزان سواد، وضعیت خانواده، میزان دسترسی به اطلاعات، محل زندگی، ارتباطات اجتماعی، گروه‌های اولیه و ثانویه، فرهنگ سیاسی محیط، مذهب، وضعیت تأهل، قومیت و غیره از جمله عواملی

هستند که بر میزان مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند.

موقعیت گروهی افراد نیز از عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی است. این موقعیت‌ها که شامل گروه‌های دوستی، خانوادگی، حرف‌ها و غیره می‌شوند شبکه روابط نسبتاً پایداری را می‌سازند که در شکل‌دادن به نگرش و رفتار سیاسی افراد نقش مهمی بازی می‌کنند. در این دیدگاه، انسان‌ها ساخته و پرداخته گروه‌هایی تلقی می‌شوند که در میان آن‌ها زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر، مردم عادی صرفاً تحت تأثیر آگاهی سیاسی وارد صحنه مشارکت سیاسی نمی‌شوند یا عوامل فردگرایانه مانند تعقل و محاسبه سود و زیان، رفتار سیاسی آنان را مشخص نمی‌کند، بلکه شبکه روابط اجتماعی گروه‌های غیررسمی تعیین‌کننده‌تر هستند. بنا بر نظر هامیلتون، دیدگاه مبتنی بر گروه، تعریف مطلوب‌ها را محصول زندگی گروهی می‌داند و گروه‌های غیررسمی که فرد عضو آن‌هاست، در این فرایند تعیین‌کننده جهت‌گیری‌ها هستند. فرد در این تحلیل‌ها تا حد زیادی محصول گروه تلقی می‌شود؛ بنابراین تعریف، نقش گروه بیشتر حفظ اعضای خود در برابر تبلیغات رسانه‌ای است. «رهبران فکری» تعیین‌کننده نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد هستند. براین اساس، افراد به واسطه پیوندهای میان فردی و عضویت در گروه‌ها که در بطن آن‌ها جامعه‌پذیر می‌شوند و دانش، دیدگاه‌ها و نحوه قضاوت خود را از این گروه‌ها کسب می‌کنند، در برابر پیام رسانه‌ها محافظت می‌شوند. «هاکفلد (۱۹۷۹) و گیلز (۱۹۸۲) نیز نشان می‌دهند که مشارکت فردی در سیاست، تابعی از تعاملات اجتماعی روابط میان فردی در شبکه افراد است. کینی (۱۹۹۲) روشن می‌کند که داشتن دوستانی که مشارکت می‌کنند، افراد را به مشارکت کردن بیشتر علاقه‌مند می‌کند، ضمن آنکه تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که اندازه و گرایش سیاسی شبکه افراد می‌تواند مشارکت انتخابات را پیش‌بینی کند». بنا بر نظر پژوهشگران صاحب‌نظر در مطالعه شبکه بین فردی در ارتباط سیاسی، مردم درک اولیه خود از مسائل را از طریق ارتباط بین فردی بررسی و تشریح می‌کنند. به اعتقاد این دسته از پژوهشگران، این موضوع مشارکت سیاسی را گسترش می‌بخشد؛ چراکه مشارکت سیاسی نیازمند دریافت اطلاعات درباره سیاست است.

مکلود، شفه و موی نیز رابطه گفت‌وگوهای میان فردی و مشارکت سیاسی را تأیید و بیان می‌کنند: «ارتباطات میان فردی به جای اینکه با ارتباطات جمعی رقابت کند، آن‌ها را تقویت می‌کند» و این نقش تقویت‌کننده ارتباطات میان فردی، تأثیر کل رسانه بر کنش اجتماعی را قوی‌تر می‌کند و این تأثیر از طریق مشارکت سیاسی مشخص می‌شود.

در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

● با توجه به اثر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی تبدیل محیط دانشگاه‌ها به محیطی سالم و مساعد برای برگزاری همایش‌ها، بحث‌ها و مناظرات سیاسی و فعالیت تشکل‌های سیاسی.

● با توجه به اثر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی فراهم‌ساختن زمینه‌های برخورداری از بینش و درک سیاسی دانشجویان در قبال سرنوشت خود و تصمیم‌گیری‌های جامعه.

● با توجه به اثر ویژگی‌های شخصیتی بر مشارکت سیاسی آموزش فرهنگ سیاسی مشارکتی از طریق رسانه‌ها و آموزه‌های دانشگاهی به منظور ارتقاء سطح آگاهی دانشجویان.

● داشتن برنامه مدون و سازمان‌یافته برای بحث و گفتگو و تبادل نظر میان دولت‌مردان و دانشجویان به منظور افزایش تعامل بین مراکز دانشگاهی و سیاسی.

منابع

- امینی کسبی، حسین و عباس نرگسیان (۱۳۹۴). «تأثیر شخصیت برند سیاسی بر مشارکت سیاسی»، *تحقیقات بازاریابی نوین*، سال پنجم، شماره ۲، ۱۶۲-۱۴۷.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۸). «بررسی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی دانشجویان (مورد: دانشجویان دانشگاه قم)»، *کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی*، دانشکده علوم اجتماعی.
- جان، الیور و لارنس پروین (۱۳۹۴). *شخصیت: نظریه و پژوهش*، ترجمه پروین کدیور و محمدجعفر جوادی، چاپ ششم، تهران: آیتز.
- حسینی، جعفر و علی محمد میرآقایی (۱۳۹۱). «رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده‌پردازی خودکشی»، *روانشناسی معاصر*، سال هفتم، شماره ۱، ۷۲-۶۱.
- شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز (۱۳۸۶). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی، چاپ ششم، تهران: ارسباران.
- فرج‌زاده، مهدیه (۱۳۹۳). «نقش شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان بی‌بی‌سی در مشارکت سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی و تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، پردیس آموزش‌های نیمه‌حضور.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۰). «برآورد حجم بهینه نمونه در مدل‌های معادله ساختاری و ارزیابی کفایت آن برای پژوهشگران اجتماعی»، *جامعه‌شناسی ایران*، سال دوازدهم، شماره ۴، ۱۶۱-۱۳۸.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰). «احزاب سیاسی و هویت ملی تأملی در کارکردها و چشم‌اندازها»، *مطالعات ملی*، سال دوازدهم، شماره ۱، ۹۸-۷۳.
- هادی‌نژاد، حسن، مریم طباطباییان و مریم دهقانی (۱۳۹۳). «بررسی مقدماتی روایی و پایایی پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت‌آزمایی بل»، *روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال بیستم، شماره ۲، ۱۶۹-۱۶۲.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۳). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*، تهران: سمت.

- of the Indian diaspora in the US”, *World Affairs: The Journal of International Issues*, Vol.22, No.1, 62-79.
- Block, J. & Block, J. H. (2006). “Nursery school personality and political orientation two decades later”, *Journal of Research in Personality*, Vol.40, No.5, 734-749.
- Brandstätter, H. & Opp, K. D. (2014). Personality traits (“Big Five”) and the propensity to political protest: Alternative models, *Political Psychology*, Vol.35, No.4, 515-537.
- Caspi, A. Liviatan, I. & Roccas, S. (2016). “The role of motivational processes in the relationship between national identification and political participation: or1656”, *International Journal of Psychology*, Vol.51, 921.
- Dynes, A. M. Hassell, H. J. & Miles, M. R. (2016). “Personality Traits, Candidate Emergence, and Political Ambition: How Personality Affects Who Represents Us”, In *Annual Meeting of the American Political Science Association*, Philadelphia, PA.
- Gallego, A. & Oberski, D. (2012). “Personality and political participation: The mediation hypothesis”, *Political behavior*, Vol.34, No.3, 425-451.
- Gerber, A. S. Huber, G. A. Doherty, D. & Dowling, C. M. (2011). “The big five personality traits in the political arena”, *Annual Review of Political Science*, Vol.14, 265-287.
- Ha, S. E. Kim, S. & Jo, S. H. (2013). “Personality Traits and Political Participation: Evidence from South Korea”, *Political Psychology*, Vol.34, No.4, 511-532.
- Joly, J. K. Hofmans, J. & Loewen, P. (2018). “Personality and party ideology among politicians, A closer look at political elites from Canada and Belgium”, *Frontiers in psychology*, Vol.9, 552.
- Karačić, A. Sturm, A. Waldschmidt, A. & Dins, T. (2017). “Identity and political participation throughout the life course: The experience of persons with disabilities in European countries”, In *Understanding the Lived Experiences of Persons with Disabilities in Nine Countries* (pp.83-101), Routledge.
- Khan, S. S. Hopkins, N. Reicher, S. Tewari, S. Srinivasan, N. & Stevenson, C. (2016). “How collective participation impacts social identity: A longitudinal study from India”, *Political Psychology*, Vol.37, No.3, 309-

325.

- Li, S. & Bell, M. D. (2008). BORRTI journal articles and annotated bibliography, In *Western Psychological Services*, http://portal.wpspublish.com/portal/page?pageid=53,70155&_dad=portal&_schema=PORTAL.
- McCrae, R. R. & Costa Jr, P. T. (2004). “A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory”, *Personality and individual differences*, Vol.36, No.3, 587-596.
- Nauta, M. M. (2004). “Self-efficacy as a mediator of the relationships between personality factors and career interests”, *Journal of Career Assessment*, Vol.12, No.4, 381-394.
- Page, D. (2018). “When Does Sexuality Based Discrimination Motivate Political Participation?”, *Political Psychology*, Vol.39, No.5, 1013-1030.
- Ribeiro, E. A. & Borba, J. (2016). “Personality, political attitudes and participation in protests: The direct and mediated effects of psychological factors on political activism”, *Brazilian Political Science Review*, Vol.10, No.3.
- Russo, S. & Amnå, E. (2016). “The personality divide: Do personality traits differentially predict online political engagement?”, *Social Science Computer Review*, Vol.34, No.3, 259-277.
- Wang, C. H. & Shalaby, M. M. (2018). “Examining the Relationships between Personality Traits and Political Participation Using the Rational Choice Framework”, *台灣政治學刊*, Vol.22, No.1, 187-234.
- Weinschenk, A. C. (2017). “Big five personality traits, political participation, and civic engagement: Evidence from 24 countries”, *Social Science Quarterly*, Vol.98, No.5, 1406-1421.
- Zhang, Y. Guizhi, L. U. Liu, Y. & Zhou, Y. (2017). “Mediating effect of self-identity on relationship between interpersonal adaptation and mobile phone addiction tendency in college students”, *Chinese Mental Health Journal*, Vol.31, No.7, 568-572.

ارائه رویکرد سناریوپردازی دوسطحی صنعت و بنگاه (مطالعه موردی: سناریوهای آینده کفش در ایران)

محمدامین قلمبر*

سیدمحمد مقیمی**

سیدمحمد حسینی***

فاطمه تقفی****

چکیده

برنامه ریزی برای آینده صنایع در شرایط عدم قطعیت، نیازمند تدوین سناریوی آینده پژوهانه است. این کار نیازمند دانش، هزینه و زمان است و انجام آن برای همه بنگاه‌های کوچک و بزرگ امکان پذیر نیست. از طرف دیگر، گاهی سناریوهای موجود تدوین شده در سطوح مختلف و با رویکردهای مختلف، می‌تواند برای ذینفعان این حوزه قابل استفاده باشد. هدف از این تحقیق آن است که نحوه ارتباط بین سناریو سطح صنعت و سطح بنگاه را در قالب مطالعه موردی صنعت کفش استخراج کند. ابتدا رویکردهای مختلف ادغام سناریوها شناسایی شد. سپس با روش PESTEL و پورتر و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نظر خبرگان صنعت ۳۰ عامل مؤثر بر صنعت شناسایی شد و ۱۱ عامل بااهمیت و دارای عدم قطعیت تشخیص داده شد و در نهایت با ابزار میک مک دو عدم قطعیت مهم اندازه بنگاه و توان رقابت شناسایی شد و با روش GBN، چهار سناریوی فیل‌های پرنده، گیوه بابانوئل، عصر دایناسورها و آل استار کدخدا برای صنعت کفش استخراج شد. در گام بعدی با استفاده از رویکرد زورک در اتصال سناریوها و استفاده از نظر خبرگان، سناریوهای سطح صنعت به سناریوهای باورپذیر در سطح بنگاه در دو اندازه بنگاه بزرگ و کوچک تعمیم داده شد تا باعث تصمیم‌گیری بهتر مدیران این بنگاه‌ها شود. نتایج این تجربه می‌تواند گامی برای توسعه و اتصال سناریوها باشد.

واژه‌های کلیدی: سناریوپردازی چندسطحی، صنعت، بنگاه، GBN، تحلیل اثرات متقابل

* دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران Aminghalambor@gmail.com

** استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران Moghimi@ut.ac.ir

*** دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی SM-Hosseini@sbu.ac.ir

**** دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) Fzaghafi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۷

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نودویک، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۷-۸۱

مقدمه

امروزه محیط کسب و کار، مرتباً تغییر می‌کند و این امر باعث پیچیدگی زیاد شرایط محیطی و پرمخاطره‌شدن و افزایش شدید عدم قطعیت است. بنابراین، در این محیط شرکت‌ها تنها در تعامل با محیط کسب و کار خود قادر به ادامه حیات هستند (Chesbrough, 2010) در شرایط ابهام و عدم قطعیت برنامه‌ریزی آینده‌نگر برای شرکت‌ها دشوار است. لذا باید با آینده‌پژوهی سناریوهایی برای آینده تدوین شود تا شرکت‌ها بتوانند وضعیت خود را در سناریوهای آینده مشاهده کرده و با چشم‌انداز آینده‌نگر به تدوین برنامه خود بپردازند و منابع، شایستگی‌ها و قابلیت‌های کنونی خود را برای کسب جایگاه برتر توسعه دهند (Parrett, 2017).

سناریوها نحوه تعامل بین پیشران‌های داخلی و خارجی را در قالب روایت داستانی یکپارچه به تصویر می‌کشد. سناریوها با برنامه‌ریزی اقتضایی متفاوتند، زیرا این برنامه‌ها تفسیرهای خود را بر پایه یک انتظار خاص در یک مطالعه موردی قرار می‌دهد و با تحلیل حساسیت به آزمون اثر تغییرات در یک متغیر می‌پردازد. سناریوها بر درک بهتر عدم قطعیت‌های آینده تمرکز دارند، ولی پیش‌بینی بر بررسی تخمینی برای روندی واحد متمرکز است. متخصصان سناریوها را به‌عنوان تحلیل دورنگری از آینده‌های چندگانه قبل از اینکه ارزیابی عملکردشان ظاهر شود، تعریف می‌کنند (Palermo, 2018). بنابراین نوشتن سناریو از نوع اکتشاف آینده است، اما آیا استفاده از سناریوهای موجود می‌تواند پاسخگوی نیاز شرکت‌ها و بنگاه‌ها برای شناخت وضعیت پرابهام آینده باشد؟ آیا در دست داشتن سناریوهایی در سطح بین‌المللی در یک حوزه فرضی می‌تواند برای برنامه‌ریزی در

سطح ملی در آن حوزه استفاده شود؟ یا اگر سناریوهایی در سطح ملی در حوزه‌ای موجود باشد می‌تواند برای سطح بخش و محلی مورد استفاده قرار گیرد؟ تدوین سناریو و ترسیم آینده کاری زمان‌بر بوده و نیازمند تخصص و بصیرت در حوزه آینده‌پژوهی است. انجام این فرایند برای شرکت‌های کوچک یا بزرگ هزینه‌هایی را دربر دارد. بی‌توجهی به عوامل تأثیرگذار بر آینده در انجام برنامه‌ریزی‌های استراتژیک می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را بر شرکت‌ها وارد کند.

مطالعات حاکی از آن است که متخصصانی مانند زورک (Zurek, 2007)، استراتیگا (Stratigea, 2012)، فولس (Folhes, 2015)، شوئیتر و همکاران (Schweizer, 2016) مفاهیم و روش‌هایی برای توسعه سناریوها در سطوح مختلف را توسعه دادند ولی هنوز توسعه و ادغام سناریوها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و روش شفافی برای ادغام و توسعه آن‌ها وجود ندارد. در این زمینه جستجو در منابع داخل کشور نتیجه‌ای را دربر نداشت.

در این مقاله هدف اصلی، ارائه رویکردی برای سناریوپردازی دوسطحی در سطح صنعت و بنگاه است. پرسش اصلی این است که وقتی سناریوهایی در سطح صنعت تدوین شده است، شرکت‌های زیرمجموعه صنعت چگونه می‌توانند از دانش ایجادشده استفاده کرده و سناریوهایی برای خود در این حوزه توسعه دهند؟ به این منظور ابتدا مطالعات نظری حوزه سناریوهای چندسطحی مرور شد. سپس برای ساده‌سازی کار از یک‌سو و استفاده از دانش تخصصی موجود از سوی دیگر حوزه صنعت کفش به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب شد. زیرا این حوزه علی‌رغم پیشرفت‌هایی که در گذشته در کشور داشته است، در حال اضمحلال است و نیازمند بازآفرینی است. در ادامه با روش‌های موجود، سناریوهایی برای آینده صنعت کفش تدوین شد و سپس با نظر خبرگان روش‌هایی برای توسعه این سناریوها و به‌کارگیری آن‌ها در سطح بنگاه به‌کار گرفته شد. برای این کار سناریو در دو بنگاه یکی بنگاه‌های بزرگ و دیگری بنگاه‌های کوچک توسعه داده شد. توسعه مدل سناریوپردازی چندسطحی می‌تواند امکان تحقق سیاست‌های کلان را افزایش داده و بستری مناسب‌تر جهت جاری‌سازی اقدامات راهبردی ایجاد کند.

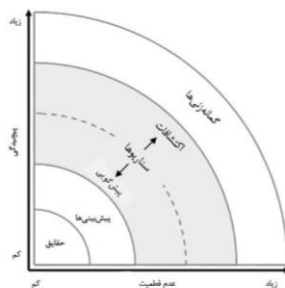
۱. چارچوب نظری سناریوهای چندسطحی و پیشینه پژوهش

پیش‌بینی یک آینده محتمل و برنامه‌ریزی بر مبنای آن در شرایط پیچیده اغلب مشکل و دارای ریسک بسیار است. با این حال، تصمیم‌گیرندگان باید به فشارهای جاری پاسخ داده و برای مواجهه با عدم قطعیت‌های آینده نیز راهبردی پابرجا و منعطف که بتواند در طیفی از آینده قابل اجرا باشد را اتخاذ نمایند (Mason-D'Croz, 2016). سناریوپردازی روشی است که به صورت کارایی قابلیت ارزیابی عدم قطعیت‌ها را ایجاد می‌کند (Ghalambor, 2012). تحلیل سناریویی، ابزار مدیریت استراتژیک برای کشف تغییرات آینده به منظور حمایت از تصمیمات در شرایط عدم قطعیت است (Kebede, 2018).

نخستین کار حوزه سناریوپردازی در مقیاس‌ها و سطوح متفاوت در مقاله زورک و هنریچ (Zurek and Henrichs, 2007) یافت شد. ایشان با طرح موضوع به ارائه چارچوبی برای رفع چالش چگونگی ارتباط بین سناریوها در سطوح متفاوت پرداخته است.

ایده اتصال سناریوها از طریق اجزا و دستاوردهای آن بستگی به سه عامل (۱) مسئله اصلی یا همان موضوع کانونی که هدف نگارش سناریو است؛ (۲) میزان عدم قطعیت‌ها و (۳) میزان پیچیدگی محیطی بستگی دارد. سناریوها در شرایطی که عدم قطعیت و پیچیدگی زیاد ولی در حد معقول و قابل درک باشند، کاربرد دارند. در شرایط عدم قطعیت زیاد باید از گمانه‌زنی استفاده کرد.

شکل ۱. جایگاه سناریو در شرایط عدم قطعیت



شاید بتوان مقاله زورک را بهترین و مبدأ تبیین نظام‌مند سناریوهای چندمقیاسی دانست. زورک بیان می‌کند که ارزیابی توسعه سناریوها در محیط بین‌المللی نه تنها طیفی از اطلاعات در مورد توسعه آینده موجه در مقیاس جهانی ارائه می‌کند، بلکه نکاتی برای توسعه منطقه‌ای نیز ارائه می‌نماید. در واقع، برخی سناریوهای توسعه‌یافته منطقه‌ای و محلی با سناریوهای جهانی مرتبط هستند و در برخی موارد مستقیماً از همان توسعه یافته‌اند (Zurek & Henrichs, 2007).

دلایل زیادی برای اتصال سناریوها در سطوح و مقیاس‌های متفاوت وجود دارد. اتصال سناریوها به صورت عمومی زمانی مفید است که فرایندها در مقیاس‌های متفاوت (جهانی، ملی، منطقه‌ای، محلی، ...) مستقیماً به یکدیگر وابسته باشند. به طور مثال، تغییر اقلیمی در سطح جهانی بسیار محتمل است که بر فرایندهای بیوفیزیک در همان مسیر اثر بگذارد. توسعه‌های اقتصادی اجتماعی منطقه‌ای بر فاجعه‌های اقلیمی در وسعت بزرگ‌تری اثر خواهد گذاشت. به علاوه در بسیاری از مسائل محیطی زمینه‌های جهانی به اندازه توسعه‌های منطقه‌ای حائز اهمیت است. به عبارتی، یک تصمیم‌گیرنده در سطح منطقه‌ای یا محلی باید بداند چگونه می‌تواند در آینده اثرگذار بوده و مؤثر باشد و در کدام توان تأثیرگذاری نداشته و باید خود را با شرایط تطبیق دهد. درک این مسئله که کدام عوامل و پیش‌ران‌های جهانی خارج از کنترل در سطح منطقه‌ای یا محلی هستند برای تشخیص مرز سیستم به منظور توسعه گزینه‌های تصمیم بسیار مهم است. همچنین اتصال سناریوها با مقیاس‌های متفاوت از دو طریق (۱) اجزا و دستاوردها و (۲) ترکیب فرایندهای ساخت سناریوها می‌تواند به نزدیک‌کردن ذینفعان، محققان و تصمیم‌گیرندگان در ارزیابی مسئله کمک کند.

دو دیدگاه برای اتصال سناریوها در مقیاس‌های مختلف وجود دارد (Zurek and Henrichs, 2007: الف) در فرایند توسعه سناریوها ۵ روش (طبق شکل ۳) برای اتصال سناریوهای متفاوت پیشنهاد شده است: (۱) اتصال^۱ (۲) موازی^۲ (۳)

1. Joint

2. Parallel

تقابلی^۱ (۴) متوالی^۲ (۵) مستقل^۳. از طریق اجزاء سناریوها، پنج روش (شکل ۴) برای اتصال سناریوها در مقیاس‌های متفاوت از طرق اجزاء سناریوها با توجه به درجه ارتباط با آن‌ها پیشنهاد شده است: (۱) معادل^۴ (۲) سازگار^۵ (۳) مرتبط^۶ (۴) قابل قیاس^۷ (۵) مکمل^۸. چارچوب اتصال سناریوها توسط زورک طبق جدول ۱ تعریف شده است.

جدول ۱. ارتباط بین اجزا و فرایند سناریوها در مقیاس‌های متفاوت

فرایند مستقل	فرایند متوالی	فرایند تقابلی	فرایند موازی	فرایند اتصالی	
بسیار غیرمتمثل - هیچ تناسب و هماهنگی میان سناریو ۱ و ۲ نیست	متمثل - اگر سناریو ۱ منابع داده یا ورودی سناریو ۲ را تأمین کند	امکان پذیر - با تجمع میان سناریو ۱ و ۲ و بخش‌ها و مدل‌ها	غیرمتمثل - نیازمند هماهنگی بسیار دقیق بین سناریو ۱ و ۲	بسیار متمثل - اگر یک تقسیم‌کننده برای سناریو ۱ و ۲ وجود داشته باشد	معادل
غیرمتمثل - اگر سناریو ۱ و ۲ متوالی باشند	بسیار متمثل - اگر سناریوهای ۱ مرزهای اتصال سناریو ۲ را شکل دهد	بسیار متمثل - به شرطی که سناریو ۱ یا ۲ ورودی‌های مربوطه را وارد کنند	امکان پذیر - اما فقط به شرطی که هر دو سناریو هدف روشنی داشته باشند	امکان پذیر - به شرطی که هدف سناریوهای ۱ و ۲ با گروه‌های مشابه وجود داشته باشد	سازگار
غیرمتمثل - اگر دو سناریو فقط متوالی باشند	بسیار متمثل - به شرطی که سناریو ۱ نقطه شروع سناریو ۲ را فراهم کند	متمثل - به شرطی که سناریوها از پارادایم یکسانی پیروی کنند	متمثل - به شرطی که سناریوها نقطه آغاز یکسانی داشته و بعد منحرف شوند	امکان پذیر - به شرطی که سناریوهای ۱ و ۲ بر مسائل مختلفی تأکید کنند	مرتبط
امکان پذیر - اگر سناریوهای ۱ و ۲ از چارچوب یکسانی متفاوت اما چارچوب یکسانی داشته باشند	متمثل - اگر تمرکز سناریوهای ۱ و ۲ متفاوت اما چارچوب مفهومی یکسانی استفاده کنند	امکان پذیر - به شرطی که سناریوهای ۱ و ۲ به نیازهای متفاوتی پاسخ دهند	بسیار متمثل - سناریوهای ۱ و ۲ با چارچوب مفهومی یکسانی سازگار شوند	امکان پذیر - به شرطی که سناریوهای ۱ و ۲ در حالت موازی توسعه یافته باشند	قابل قیاس
بسیار متمثل - اگر مساله ۱ و ۲ سناریو یکسانی را به دو صورت متفاوت نشان دهند	امکان پذیر - اگر تنها ۱ سناریو اطلاعات برای فراهم ۲ سناریو آورد	غیرمتمثل - این دلالت بر تکرار شکست دارد	متمثل - اگر ۱ و ۲ سناریوهای موازی و مستقل باشند	غیرمتمثل - چون به ۲ و ۱ سناریوهای لحاظ مفهومی مستقل از یکدیگرند	مکمل

Zurek and Henrichs, 2007

1. Iterative
2. Consecutive
3. Independent
4. Equivalent
5. Consistent
6. Coherent
7. Comparable
8. Complementary

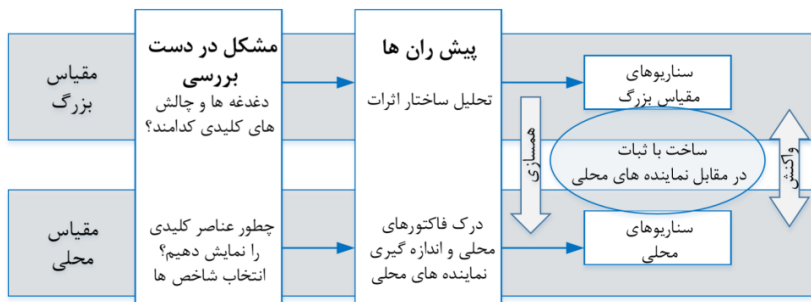
آلکامو^۱ و هنریچ^۲ برای نخستین بار کاربرد سناریوهای چند مقیاسی را به عنوان روشی برای بهبود پایداری و ارتباط سناریوها مطرح کرده‌اند. مسئله مهمی که در سناریوهای چند مقیاسی مطرح است، چگونگی ارتباط بین مقیاس‌ها و فرایند سناریوپردازی است. ارتباط بین مقیاس‌ها می‌تواند از بالا به پایین (سناریوهای جهانی - منطقه‌ای، زمینه‌سازی برای سناریوهای محلی) یا از پایین به بالا (سناریوهای محلی به عنوان ورودی سناریوهای جهانی - منطقه‌ای) باشد (Alcamo & Henrichs, 2008).

استراتیگا و جیاوتزی (Stratigea & Giaoutzi, 2012)، به صورت مبسوط به بحث پیرامون سناریوهای جهانی تا محلی پرداخته‌اند و ضمن تبیین چالش ارتباط بین مقیاس‌های متفاوت سناریوها، به لزوم ارائه راهکاری مناسب برای حل این مسئله پرداخته‌اند. آنها بیان می‌کنند که فضای مقیاس مرتبط با مطالعات سناریویی می‌تواند تنوعی از فضای جهانی به ملی یا حتی منطقه‌ای/ محلی را شامل شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد سناریوهای جهانی معمولاً فعالیت‌های بلندمدتی هستند که با هدف کشف عدم قطعیت‌های بحرانی آینده، دستاوردهای آینده ممکن را برای حمایت از تصمیم‌سازی و تحلیل خط‌مشی‌گذاری مهیا می‌سازند. یک تفاوت کلیدی بین سناریوهای جهانی و منطقه‌ای/ محلی در تمرکز مطالعات سناریو است. در سناریوهای جهانی تمرکز بیشتر بر دستاوردهای^۳ مطالعه بر پایه دانش خبرگان است، در حالی که در سناریوهای منطقه‌ای تمرکز بر فرایند ساخت سناریوها^۴ بر پایه طیفی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان تصمیم‌گیر است (Stratigea & Giaoutzi, 2012). او بر اساس یافته‌هایش، ادعا می‌کند ارتباط بین فضای سناریوهای چندگانه می‌تواند در دو سر طیف بر اساس اهداف قرار گیرد که یک سر آن سناریوهای مقیاس‌های متقاطع^۵ و جفت‌های به هم پیوسته و یک سر آن

-
1. Alcamo (2008)
 2. Henrichs
 3. Outcome
 4. Scenario building process
 5. Tightly coupled' cross-scale scenarios

سناریوهای چند مقیاسه گسسته^۱ است. در سناریوهای مقیاس متقاطع به هم پیوسته، روایت‌ها به صورت به هم پیوسته و تکرارشونده توسعه می‌یابند، به طوری که مقیاس‌های متقاطع پایدار، دارای بازخورد هستند. ارتباطات معمولاً به صورت روبه جلو و با یک فرایند تکرارشوندگی رو به پایین مقیاس‌ها و رو به بالای مقیاس‌ها صورت می‌پذیرد، در فرایند رو به پایین، مقیاس‌ها طیف زیادی از سناریوها به تعداد کمتری از سناریوها تبدیل می‌شوند. سناریوهای مقیاس بزرگ اغلب به صورت بالا به پایین توسعه می‌یابند، زیرا گستردگی و پایداری عناصر روایت در سناریوهای پایین‌تر نسبت به سناریوهای بالاتر بیشتر است، به همین دلیل است که پیشران‌های سطح منطقه‌ای طبق (شکل ۲) بر سطح محلی اثر می‌گذارد تا اینکه برعکس آن اتفاق افتد (Stratiga & Giaoutzi, 2012).

شکل ۲. طبقه‌بندی سناریوها در مقیاس‌های متفاوت



Stratiga & Giaoutzi, 2012

فولس یک گونه‌شناسی از رویکردهای سناریوپردازی ارائه کرد. او طبقه جدیدی به نام سناریوهای منفرد و چندمقیاسی را تعریف کرد (Folhes, 2015: ۱) سناریوی کیفی و کمی؛^۲ سناریوی هنجاری و اکتشافی؛^۳ سناریوی مشارکتی یا خبره محور؛^۴ سناریوی منفرد یا چندمقیاسی.^۱ سناریوهای محیطی اغلب در

1. Loosely linked' multi-scale scenarios
2. Qualitative and quantitative scenarios
3. normative and exploratory scenario
4. participatory or developed by specialist scenarios

مقیاس‌های متفاوت زمانی و قلمرویی ایجاد شده و از مقیاس جهانی تا محلی را دربر می‌گیرند. بازه زمانی سناریوی جهانی ۱۰۰-۵۰ سال و سناریوی منطقه‌ای یا محلی ۳۰-۲۰ سال است. شوئیزر و همکاران با استفاده از تحلیل اثرات متقابل و ارتباط بین سلول‌های ماتریس، روشی برای توسعه سناریوهای چندسطحی مطرح کردند (Schweizer et al, 2016).

هنگام استفاده از روش تحلیل اثرات متقابل می‌توان با استفاده از اجزای ماتریس، تعداد زیادی سناریوی ممکن ایجاد کرد که با لحاظ آن‌ها به یک مجموعه جامع رسید. روش ارائه‌شده به یکی از چالش‌های کلیدی رویکرد سناریوهای چندمقیاسی می‌پردازد که بیان می‌کند چرا سناریوهای مقیاس‌های پایین‌تر باید به‌عنوان مکمل، سازگار با سناریوهای سطح بالاتر باشند.

جدول ۲. جمع‌بندی مطالعات انجام شده در حوزه سناریوهای چندمقیاسی

نویسنده	نوع تحقیق	نقاط قوت	نقاط ضعف
زورک و هنریچ (Zurek and Henrichs, 2007)	توصیفی	تعریف سناریوی چندمقیاسی - روش اتصال سناریوها ارائه چارچوب	شفاف نبودن چارچوب نبود مطالعه موردی و مثال پیشنهادی بودن چارچوب
آلکامو و هنریچ (Alcamo & Henrichs, 2008)	توصیفی	کاربرد سناریوهای چندمقیاسی برای پایداری و ارتباط سناریوها.	نبود چارچوب نبود مطالعه موردی و نمونه کاربردی
استراتیگاو جیاوتزی (Stratigea & Giaoutzi, 2012)	توصیفی و ارائه مورد مطالعه	تبیین چالش ارتباط بین مقیاس‌های متفاوت سناریوها ارائه یک مورد مطالعه	توصیف نکردن شرایط مورد مطالعه برای فهم دقیق مطالعه و نبود چارچوب
فولس (Folhes, 2015)	توصیفی	طبقه‌بندی سناریوها و افزودن دسته سناریوهای منفرد و چندمقیاسی	توضیح ناکافی در مورد سناریوها عدم ارائه چارچوب
شوئیزر و همکاران (Schweizer et al. 2016)	روشی ترکیبی کیفی و کمی	راهکار توسعه سناریوهای چند سطحی با تحلیل اثرات متقابل	شفاف نبودن روش نبود مثال کاربردی شفاف نبودن شرایط اتصال سناریو
مطالعه حاضر	مطالعه موردی	ایده زورک به‌عنوان مبنا تدوین سناریو برای صنعت نیازسنجی سناریو برای بنگاه‌های زیرمجموعه تدوین سناریو در سطح بنگاه	نبود چارچوب نیاز به مطالعه موردی و استخراج چاشمهای عملی و توسعه چارچوب زورک

جدول ۲ به جمع‌بندی مطالعات بالا پرداخته است. مطالعه زورک جامع‌ترین مطالعه در این حوزه بوده که علاوه بر طرح موضوع و تبیین اهمیت پرداختن به

چالش سناریوهای چندمقیاسی، چارچوبی برای چگونگی پردازش سناریوها ارائه کرده است. بعد از زورک، مقالات اندکی در این زمینه منتشر شده است، ولی هیچ کدام به صورت جامع، روشی نظام مند برای حل چالش ادغام و پیوستن و توسعه سناریوهای چندسطحی ارائه نداده اند و بیشتر به صورت شهودی و تجربی در برخی مطالعات راه کارهایی اقتضایی ارائه شده است. همچنین علی رغم مطرح شدن این چالش در برخی مقالات سناریوهای چندمقیاسی / چندسطحی همچنان مغفول مانده اند.

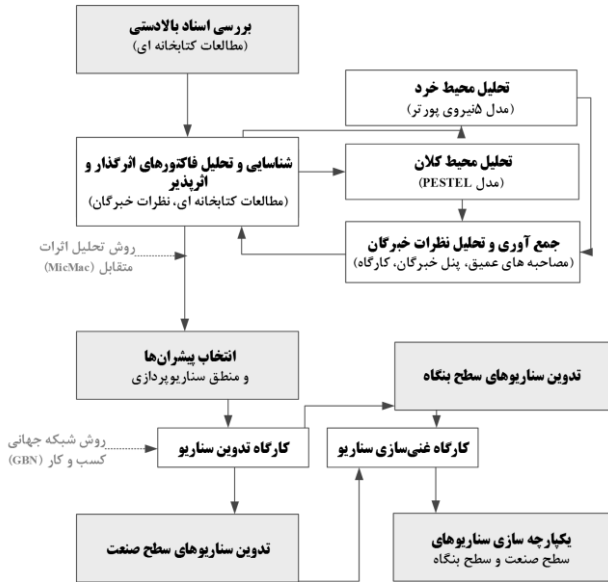
مرور مطالعات داخل کشور نمونه ای که ارتباط بین سطوح سناریوها را برقرار کرده باشد پیدا نشد، ولی در مطالعات خارجی استراتیگا و جیاوتزی (Stratigea & Giaoutzi, 2012). مطالعه موردی سناریوهای سطح اتحادیه اروپا و سطح منطقه ای ترسیم شده و اجزای سناریوها هنگام نگارش با هم مرتبط شده اند. تحقیق حاضر به منظور شناخت نظریه زورک و هنریچ (Zurek and Henrichs, 2007) و نظریه استراتیگا و جیاوتزی (Stratigea & Giaoutzi, 2012) انجام می شود. در این دو نظریه تأکید دارند که سناریوی مقیاس بالاتر بر سناریوی مقیاس پایین تر تأثیرگذار است و برای توسعه سناریوهای سطح پایین تر می توان از پیشران های سطح بالاتر کمک گرفت.

۲. روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر بر اساس مدل پیاز تحقیق، یک تحقیق از لایه های مختلفی تشکیل شده است (Saunders, Lewis and Thornhill, 2016): از منظر فلسفه تحقیق تفسیری؛ از منظر رویکرد تحقیق، استقرایی و قیاسی؛ از منظر نوع تحقیق، کاربردی؛ از منظر هدف پژوهش اکتشافی و تجویزی؛ از منظر افق زمانی پژوهش، مقطعی و از منظر روش گردآوری اطلاعات، مطالعه اسناد، مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه استفاده شده است. در زمینه استراتژی پژوهش از مطالعه موردی صنعت کفش استفاده و از روش کیفی استفاده شده است، در اینجا فرایند تحقیق مرور می شود. لازم به ذکر است با توجه به اینکه تأکید مقاله بر ارتباط بین سناریوها است، از پرداختن به جزئیات سناریوپردازی خودداری شده و بر نحوه ارتباط بین

سناریوها تأکید شده است.

شکل ۳. فرایند اجرای پژوهش



توسعه سناریوی این تحقیق با رهیافت GBN با ۷ پیاده‌سازی شده است. گام نخست، تشخیص و شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی است. در این بخش اهداف سناریوپردازی تعیین شد و منابع مورد نیاز برای اجرای سناریوها برآورد شد. هدف این مرحله تعیین مسئله مورد نظر با بحث در مورد مهم‌ترین چالش‌های صنعت کفش شروع و با مشخص کردن فرضیات در مورد چالش‌های یافت‌شده و نقشی که می‌توانند در آینده بازی کنند، ادامه یافت. گام دوم، شناسایی عوامل کلیدی و مؤثر در صنعت با مرور ادبیات و گام سوم، تعیین فهرست نیروهای پیشران از مرور ادبیات. در این تحقیق، در تحلیل محیط نزدیک صنعت از نیروهای بازار پورتر (Porter, 2008) مشتریان، تأمین‌کنندگان، رقبا به‌عنوان ذینفعان در نظر گرفته شدند (Gnatzy, & Moser, 2012). عوامل کلیدی هم می‌توانند به‌صورت عوامل قابل پیش‌بینی و هم عدم قطعیت باشند.

گام سوم، رتبه‌بندی عوامل کلیدی و پیشران‌ها بر اساس درجه تأثیرگذاری و عدم قطعیت است. در این بخش برای گروه‌بندی عوامل استخراج‌شده از ادبیات از

روش تحلیل محتوای کیفی عرفی (ایمانی و نوشادی ۱۳۹۳) استفاده شد. گام چهارم، تعیین منطق حاکم بر سناریو با تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی است. در این مرحله، عوامل شناخته‌شده، جداسازی شد و نیروهای مؤثر را بر اساس دو عامل (۱) درجه اهمیت و تأثیر بر روی پرسش یا مسئله کانون و (۲) درجه عدم قطعیت عوامل کلیدی، اولویت‌بندی شد. گام پنجم، پررنگ کردن محتوای سناریوها که با پندل خبرگان و جمع‌بندی نظرات آن‌ها و دریافت تأیید آن‌ها انجام شد. گام ششم، کندوکاو مضامین سناریوها است. گام هفتم، انتخاب شاخص‌های راهنما به‌عنوان معیاری برای تحقق سناریوها است.

قابلیت اعتبار تحقیق کیفی به توانایی و تلاش پژوهشگر بستگی دارد، هرچند در مطالعات کمی با روایی و پایایی به‌طور مجزا برخورد می‌شود، ولی در تحقیق کیفی این اصطلاحات به‌طور مجزا نیست و شاخصه‌ای دیگری نظیر قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال و قابلیت اعتماد دارد (دانایی‌فرد و همکاران ۱۳۸۸). بنابراین طبق ممیزی پژوهش کیفی دانایی‌فرد و همکاران، تحقیق حاضر به دلایل زیر اعتبار دارد. (۱) دقت در جمع‌آوری داده‌ها؛ (۲) پیاده‌سازی مصاحبه بدون سوگیری؛ (۳) استفاده از نظر خبرگان برای تعیین عدم قطعیت؛ (۴) انتخاب افراد خبره به‌صورت صحیح و با دقت، با معرفی فرد برجسته این حوزه و در ادامه با روش گلوله برفی انجام شده است؛ (۵) انجام چند مرحله جمع‌آوری و پایش داده؛ (۶) کسب تأیید خبرگان برای جامعیت پرسش‌ها و افزودن موارد تکمیلی خبرگان؛ (۸) قضاوت استادان و کارشناسان نسبت به پرسش‌های مصاحبه‌ها و روش انجام مراحل تحقیق؛ (۹) تدوین سناریوها با کمک خبرگان صنعت و اساتید و تأیید مجدد آن‌ها.

تا اینجا سناریوهای سطح صنعت نوشته شد، اکنون باید سناریوها را به سطح شرکت تعمیم داد. برای این کار سناریوهای سطح صنعت در اختیار مدیران، برنامه‌ریزان شرکت قرار گرفت. آن‌ها بیان کردند علی‌رغم اینکه این سناریوها دید کلانی به آن‌ها می‌دهد، ولی زوایای پنهان آن مشخص نیست. طبق نظریه زورک و هنریچ (Zurek and Henrichs, 2007) ارتباط بین دو سطح سناریویی امکان‌پذیر است. طبق جدول ۱ مسئله سناریوی صنعت کفش در ارتباط با سناریوی بنگاه‌های

زیرمجموعه از منظر درجه ارتباط بین اجزاء یا دستاوردهای سناریوها از نوع سازگارند و از نظر نوع، فرایند متوالی هستند، پس مقیاس‌بندی سناریویی، اگر سناریوهای ۱ مرزهای اتصال سناریو ۲ را شکل دهد؛ بسیار محتمل است. لذا سناریوی سطح صنعت کفش را می‌توان به‌عنوان شکل‌دهنده مرز سناریوی بنگاه در نظر گرفت. استراتیگا و جیاوتزی (Stratigea & Giaoutzi, 2012)، دو سطح بزرگ و کوچک سناریویی باهم ارتباط دارند و سطح بزرگ‌تر مشرف بر سطح کوچک‌تر است، لذا با این نظریه هم سازگار است. در ادامه، سناریوهای صنعت کفش ایران در دو سطح صنعت و بنگاه ترسیم می‌شود.

۳. بررسی اسناد بالادستی

در این مرحله با بررسی و مطالعه این اسناد و جایگاه صنعت در چشم‌انداز وزارت صنعت، معدن و تجارت مسیر تحقیق مشخص شد. زنجیره تأمین و ارزش این صنعت برای نخستین بار به‌دقت شناسایی و ترسیم شد و مطالعات الگوبرداری از کشورهای پیشرو و رقیب همچون چین، ترکیه، تایوان، برزیل و ایتالیا صورت پذیرفت.

۴. شناسایی و تحلیل عامل‌های اثرگذار و اثرپذیر

مطالعات این مراحل که به همراه برگزاری یک سمینار (با حضور ۵۰ نفر از مدیران صنعت)، یک کارگاه (با حضور ۱۴ نفر از متخصصان صنعت) و یک پنل (با حضور ۱۱ نفر از متخصصان صنعت) به استخراج ۳۸ عامل مؤثر بر صنعت منتهی شد که در دو گروه عامل‌های درون و برون صنعت طبق جدول ۳ طبقه‌بندی شدند.

جدول ۳. عامل‌های شناسایی‌شده حاصل از مطالعات خرد و کلان صنعت کفش ایران

عامل	ردیف	عامل	ردیف	طبقه‌بندی
طراحی و نوآوری در تولید	۹	گردش مالی	۱	درون صنعت
کیفیت تولیدات	۱۰	هزینه انرژی	۲	
توانمندی فناوریانه	۱۱	نیروی متخصص	۳	
ارتباط میان اصناف و انجمن‌ها	۱۲	مواد اولیه	۴	
شبکه توزیع فیزیکی	۱۳	حق بیمه	۵	

۶	برند و هویت سازمانی	۱۴	شبکه توزیع مجازی
۷	قیمت‌گذاری	۱۵	توانمندی مدیریت
۸	بازاریابی و تبلیغات	۱۶	هزینه آموزش
۱۷	تسهیلات بانکی	۲۸	هدم‌سازی پارانه‌ها
۱۸	کیفیت دسترسی به شرکت خدماتی	۲۹	قدرت خرید مردم
۱۹	تعرفه گمرکی	۳۰	وضعیت اقتصاد جهانی
۲۰	مالیات	۳۱	روابط سیاسی با عراق و افغانستان
۲۱	واردات قانونی	۳۲	روابط سیاسی با کشورهای همسایه
۲۲	قاچاق	۳۳	روابط سیاسی با سایر کشورهای دنیا
۲۳	تحریم بانکی	۳۴	امنیت کشورهای منطقه
۲۴	تحریم فناوری	۳۵	پیرشدن جمعیت
۲۵	تحریم صادرات و واردات	۳۶	فرهنگ و تغییر سبک زندگی
۲۶	نرخ تورم	۳۷	مد
۲۷	نرخ ارز	۳۸	تغییرات آب و هوایی

۵. انتخاب پیشران‌ها و تدوین سناریوها

پس از استخراج ۳۸ عامل مؤثر بر صنعت کفش، عامل‌ها با استفاده از دو شاخص عدم قطعیت و اهمیت وضعیت مطابق شکل ۹ بررسی شد و در نهایت به کمک نظرات خبرگان ۱۱ عامل کلیدی دارای عدم قطعیت به شرح جدول ۴ استخراج شدند.

شکل ۴. ماتریس اهمیت-عدم قطعیت برای تعیین عامل‌های دارای عدم قطعیت مؤثر بر صنعت کفش

ایران



جدول ۴. عامل‌های کلیدی دارای عدم قطعیت برای تدوین سناریوهای صنعت کفش ایران

ردیف	عامل	ردیف	عامل
۱	نوع تولیدات	۷	گردش و هزینه مالی
۲	هزینه آموزش	۸	توانمندی فناورانه
۳	سایز بنگاه	۹	طراحی و نوآوری
۴	توانمندی مدیریت	۱۰	برند و هویت سازمانی
۵	رقابت در کلاس جهانی	۱۱	نرخ تورم
۶	شبکه توزیع		

۶. وضعیت کلی صنعت کفش از نظر متغیرها

نحوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکندگی، حاکی از وضعیت ناپایدار سیستم است. اکثر متغیرها در اطراف محور قطری صفحه پراکنده هستند که نشان می‌دهند دارای تأثیرگذاری بالایی در سیستم هستند، بقیه متغیرها از وضعیت تقریباً مشابهی نسبت به همدیگر برخوردارند که فقط شدت و ضعفشان متفاوت است.

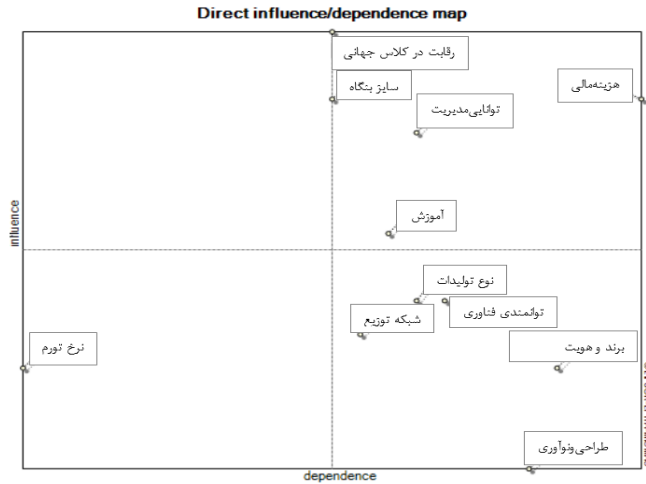
۷. انتخاب عدم قطعیت‌های کلیدی

از میان ۱۱ عامل مورد بررسی در این تحقیق، با استفاده از روش تأثیرات متقابل و نظر خبرگان، عدم قطعیت‌های کلیدی شناسایی شد. در این تحقیق با توجه به اینکه تنها دو عامل رقابت در کلاس جهانی و اندازه بنگاه‌های صنعت کفش در گروه متغیرهای تعیین‌کننده و همچنین اثرگذارترین متغیرها می‌باشد، انتخاب مطمئنی است. خبرگان ۱۷ نفر از متخصصان صنعت کفش ایران شامل تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، رئیس اتحادیه صنعت کفش و کارشناس وزارت صنعت، معدن و تجارت بودند.

جدول ۵، شکل ۱۰ و ۱۱ نتایج تحلیل میک مک را نشان می‌دهد. نتایج نشان داد از میان ۱۱ عامل کلیدی دارای عدم قطعیت از نظر خبرگان که عبارتند از سایز بنگاه، نوع تولیدات، رقابت در کلاس جهانی، توانایی مدیریت، هزینه مالی، توانمندی‌های فناوری، آموزش، طراحی و نوآوری، برند و هویت سازمانی، نرخ تورم و شبکه توزیع، دو عامل رقابت در کلاس جهانی و سایز بنگاه، در جایی قرار گرفتند که بیشترین اثرگذاری و کمترین تأثیرپذیری را بر روی سیستم صنعت کفش ایران دارند. پس به‌عنوان عدم قطعیت بحرانی شناخته می‌شوند. همچنین

هزینه مالی و توانایی مدیریت به عنوان عامل های دوگانه، آموزش، طراحی شبکه توزیع، توانمندی های فناوری و نوع تولیدات به عنوان عامل های تنظیمی، نرخ تورم به عنوان عامل مستقل و در نهایت طراحی، نوآوری، برند و هویت سازمانی به عنوان عامل های تاثیرپذیر از سیستم مشخص شدند.

شکل ۵. نحوه پراکندگی متغیرها در ماتریس اثرگذاری و اثرپذیری



جدول ۵. تحلیل اولیه داده های ماتریس و تأثیرات متقابل

ارزش	شاخص
۱۱	ابعاد ماتریس
۲	تعداد تکرار
۱۶	تعداد صفر
۵	تعداد یک
۳۰	تعداد دو
۴۰	تعداد سه
۱۰۵	جمع کل
۸۶,۷۷۶۸۶٪	درجه پرشدگی

۸. تدوین سناریوها

سناریوها به عنوان دستاورد نهایی پروژه آینده پژوهی موجب وحدت بخشی به تمامی روش های استفاده شده در یک بررسی آینده پژوهانه هستند. سناریوها به خوبی کل فضای عدم قطعیت و ابهام پیش روی تصمیم گیران را پوشش داده و بصیرت هایی

جهت یاری‌رساندن به مدیران به‌منظور درک آینده فراهم می‌سازند (Bell, 2009). با توجه به منطق سناریوپردازی ماتریسی دو عامل کلیدی در دو سر طیف یک محور قرار گرفته و چهار سناریو را تشکیل خواهند داد. توان رقابت صنعت کفش در دو سر طیف توان بالا و توان پایین قرار گرفته و سائز بنگاه به شکل ساختار بنگاه‌های بزرگ تا کوچک و متوسط قرار می‌گیرد. بر این مبنا، چهار سناریوی فیل‌های پرنده، گیوه بابانوئل، آل استار کدخدا و عصر دایناسورها به شکل ۱۲ از تعامل محورهای ماتریس ایجاد شد.

شکل ۶. سناریوهای سطح صنعت برای صنعت کفش ایران



۸-۱. سناریوی آل استار کدخدا

در این سناریو از یک‌سو توان رقابتی، به‌ویژه در کلاس جهانی پائین و اندازه بنگاه‌های ما کوچک است. این فضا نمایانگر عدم شکل‌گیری ساختار جامع صنعت کفش ایران است و کارگاه‌های کوچک متنوع، متعدد و پراکنده در برخی قطب‌های تولید کفش مانند تهران، قم، تبریز و مشهد با مقیاس تولید پائین مشغول فعالیت هستند؛ این کارگاه‌ها تنها به بازارهای محدود سنتی خود توجه دارند. آل استار کدخدا نماد بازارهای ازدست‌رفته ملی است که با واردات دیگر کشورها تسخیر شده است. در این روزگار، صنعت کفش از نداشتن ساختار بنگاه‌های بزرگ رنج برده و علاوه بر نداشتن رهبری توانمند در داخل از مزیت‌های تولید به مقیاس نیز بی‌بهره است. بنگاه‌های متوسط و کوچک باقی‌مانده در صنعت کفش اکثراً با کپی‌برداری از برندها و مدهای جامعه به گذران محدود کسب‌وکار خود مشغول

می‌باشند. همچنین موفقیت در این فضا منوط به بالاماندن قیمت دلار و غیررقابتی شدن واردات کفش است؛ هرچند ظهور کارگاه‌های کفش حاشیه‌ای مهاجران غیر ایرانی نیز زنگ خطری محسوب می‌شود.

۸-۲. سناریوی عصر دایناسورها

در این سناریو بنگاه‌های بزرگ و خوشه‌های صنعتی در صنعت کفش ایران توسعه یافته و تعداد و تنوع بالایی از ساختار صنعت را به خود اختصاص داده‌اند. در این فضا برخی فعالان صنعت کفش، اصناف و اتحادیه‌ها توانسته‌اند با ایجاد یک مدیریت واحد، SME‌های پراکنده موجود در بازار تولید کفش کشور را زیر چتر یک مدیریت واحد یکپارچه نماید و هزینه‌های تولید، بازاریابی و پخش را کاهش دهد، اما نتوانستند به‌درستی از مزیت‌های موجود در زنجیره تأمین و ارزش صنعت بهره‌برداری کنند. با توجه به روند الحاق کشورهای منطقه به WTO هر روز بازار و مشتریان خارجی ایران کاهش خواهد یافت. حجم بالای سرمایه‌گذاری و اشتغال بالا در این ساختار بدون توجه به افزایش رقابت‌پذیری جهانی، این صنعت را در ایران با چالش‌های بزرگی مواجه ساخته است. عصر دایناسورها نمادی است از بنگاه‌های بزرگی که توانایی انعطاف‌پذیری و چالاکی مورد نیاز عصر نوین را ندارد، عصری که بر پایه مد، سبک زندگی و تنوع بسیار پویا و سریع تغییر می‌کند. در این روزگار احتمال فروپاشی بنگاه‌های بزرگ زیاد است که علاوه بر ایجاد موجی از بیکاری و ناامیدی، صنعت را از مزیت‌های صرفه به مقیاس، داشتن رهبر و تحقیق و توسعه بی‌بهره خواهد کرد.

۸-۳. سناریوی گیوه بابانوئل

در این سناریو ساختار بنگاه‌های ایران به شکل بنگاه‌های متوسط و کوچک است، از مهم‌ترین ویژگی‌های این ساختار چابکی و انعطاف‌پذیری بالای آن‌ها است. بنگاه‌های کوچک با الگوبرداری از کشورهای پیشرو بر پایه SME‌ها به مزیت‌های رقابتی قابل توجهی دست یافته‌اند، به طوری که در سطح جهانی البته به شکلی محدود به رقابت می‌پردازند. گیوه بابانوئل نماد این سناریو نشان می‌دهد که گیوه،

به‌عنوان یکی از پایپوش‌های ایرانی قابل‌تولید در بنگاه‌های کوچک به‌قدری توانمند شده است که در دیگر کشورها نیز برای آن تقاضا وجود دارد. توان بالای تغییر و تطابق با مد و سلاقی مشتریان و استفاده بهینه از مزیت‌های زنجیره تأمین (مانند چرم) منجر به تولید پایپوش‌هایی با برندهای ایرانی شده است؛ به طوری که نه تنها بازار کشورهای ثروتمند عربی را تسخیر نموده، بلکه بازاری در کشورهای توسعه‌یافته نیز برای خود ایجاد کرده است. ثبات مالکیت معنوی، ایجاد برندهای ایرانی در بنگاه‌های متوسط و کوچک از جمله مسائلی است که توانایی رقابت در حوزه‌هایی محدود و خاص را برای ساختار صنعت کفش در این سناریو فراهم ساخته است.

۸-۴. سناریوی فیل‌های پرنده

در این سناریو علاوه بر آنکه بنگاه‌های بزرگ موفق‌تر در صنعت کفش ایران ظهور یافته‌اند؛ توان رقابتی به‌ویژه در کلاس جهانی نیز پدید آمده است. تعداد و حجم تولیدات، تولیدکنندگان بزرگ و خوشه‌های صنعتی در این سناریو قابل‌ملاحظه است، به طوری که علاوه بر تصاحب اکثریت سهم بازار داخلی به بازارهای جهانی نیز نفوذ کرده‌اند. در این زمان تنوع تولیدات و برندهای ایرانی شکل گرفته‌اند و مردم نه تنها برای خرید کفش‌های با پرستیز، برندهای ایرانی را خریداری می‌کنند؛ بلکه سایر تولیدات نیز در طیف درآمدی مردم مورد استقبال قرار می‌گیرد. فیل‌های پرنده استعاره‌ای از به‌کارگیری توانمندی‌های ناشی از بزرگ‌بودن بر پایه مزیت‌هایی مانند صرفه به مقیاس، ریسک‌پذیری و توان ایجاد شبکه‌های توزیع گسترده و به‌روز همراه با توانایی‌های انعطاف‌پذیری و چابکی است که با رهبریت بازار سایر بنگاه‌های متوسط و کوچک را نیز به تحرک واداشته‌اند. در این سناریو بنگاه‌های بزرگ با توانایی رقابت در کلاس جهانی امکان سرمایه‌گذاری‌های خارجی، انعقاد قراردادهای همکاری با برندهای معتبر جهانی را نیز فراهم ساخته‌اند.

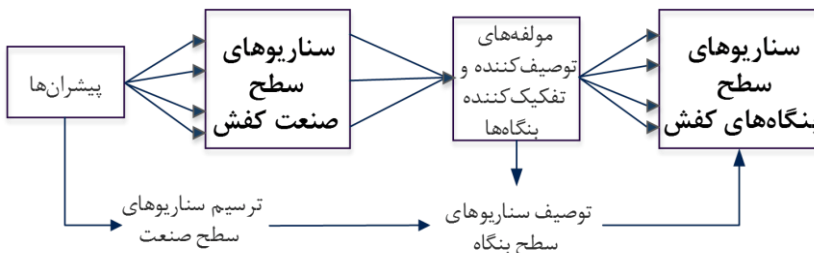
۹. یکپارچه‌سازی سناریوهای سطح صنعت و بنگاه

از آنجایی که ساختار صنعت کفش متشکل از ۹۵ درصد بنگاه‌های خرد و کوچک و ۵ درصد متوسط و بزرگ است در این بخش با استفاده از رویکرد زورک دستاوردهای سناریوپردازی در دو سطح صنعت و بنگاه با یکدیگر مرتبط شدند. برای اتصال دستاوردها در سطح بنگاه با توجه به ساختار صنعت کفش دو بنگاه بزرگ و کوچک برای روایت سناریوهای سطح بنگاه انتخاب شد، سپس با مدیران و خبرگان آن‌ها مصاحبه شد. از میان ۳۰ عامل استخراج شده در سطح صنعت در جدول ۴، این مدیران ۶ عامل را در سطح بنگاه تأثیرگذار دانسته‌اند، ولی اثر آن را مانند اثر صنعت ندانستند و گفتند باید نحوه اثر آن در بنگاه شفاف‌تر شود.

این امر نشان‌دهنده آن است که دیدگاه فرایندی زورک بر این سناریوی دو مقیاسی حاکم است. از طرف دیگر، از منظر نحوه ارتباط این دو سطح باهم سازگار هستند؛ زیرا عامل جدیدی اضافه نشد ولی همان عامل‌ها باید شفاف‌تر شود.

برای هر کدام از مؤلفه‌های اصلی که قابلیت این بنگاه‌ها را در سطح بنگاه نشان دهد، انتخاب و سناریوهای سطح صنعت در سطح بنگاه روایت شد. تسری سناریوهای سطح صنعت کفش به بنگاه‌ها، به‌خصوص بنگاه‌های کوچک علاوه‌بر بهبود کارایی سناریوها به درک بهتر فعالان صنعت از آینده‌های بدیل خود کمک قابل توجهی کرد. در زیر سناریوهای سطح صنعت به تفکیک بنگاه‌های بزرگ و کوچک روایت شده است.

شکل ۷. مدل مفهومی توسعه سناریوهای چندسطحی صنعت کفش ایران



همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود به‌منظور تشریح وضعیت سناریوهای سطح بنگاه با استفاده از نظرات خبرگان و مطالعات انجام‌شده ۶ مؤلفه اصلی که قابلیت تفسیر و ترسیم وضعیت بنگاه‌های صنعت کفش را داشته باشند، انتخاب شدند. سپس وضعیت این مؤلفه‌ها در هر سناریو و با توجه به سایز بنگاه که مشخصه اصلی ساختار صنعت کفش است در کارگاهی به‌منظور غنی‌تر کردن سناریوها و با حضور متخصصان تعیین شد. در هر سناریو به دلیل غالب بودن یک نوع از سایز بنگاه مطابق جدول ۶ وضعیت ساختار غالب مشخص شد. برای مثال، در سناریوی فیل‌های پرنده از آنجاکه غالب بنگاه‌های تشکیل‌دهنده بنگاه‌های بزرگ هستند وضعیت این نوع از بنگاه‌ها مشخص شد و در روایت سناریوها به وضعیت بنگاه‌های کوچک نیز توجه شد.

جدول ۶. عوامل اصلی مؤثر بر سناریوهای سطح صنعت و مؤثر بر سطح بنگاه

ردیف	مؤلفه	بنگاه بزرگ		بنگاه کوچک	
۱	گردش مالی	بالا	بالا	متوسط	پایین
۲	شبکه توزیع	گسترده	گسترده اما نامناسب	مناسب	محدود
۳	توانمندی فناوریانه	بهره‌مند از فناوری روز دنیا	بی‌توجه به فناوری	رصدکننده فناوری	ناآشنا با فناوری روز
۴	هزینه برای آموزش	مشخص و مناسب	نامناسب	مناسب	بی‌توجه
۵	توان ریسک‌پذیری	بالا و معقول	ریسک‌پذیری پایین	پایین و معقول	ریسک‌پذیری پایین
۶	توانمندی مدیریتی	مدیریت کارآمد	مدیریت ناکارآمد	مدیریت کارآمد	مدیریت ناکارآمد
	وضعیت در سناریویی غالب	فیل‌های پرنده	عصر دایناسورها	گیوه بابانوئل	آل‌استار کدخدا

۹-۱. ترسیم وضعیت بنگاه‌ها در سناریوی آل‌استار کدخدا

در این حالت تعدد بنگاه‌های کوچک و شرکت‌های استارت‌آپی که روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، به دلیل ظرفیت تولید پایین، چابکی زیاد و نیروی کار ارزان و آماده‌به‌کار در داخل کشور خواهند توانست در یک فضای رقابتی، نوآوری‌های جدید برای مشتریان ایجاد کنند و در این فضا پیوسته در پی ایجاد ارتباط بهتر با فروشندگان، خرید و تأمین مواد اولیه ارزان‌تر و حفظ کارگران ماهر

خود باشند. این کارگاه‌ها اغلب برای کاهش هزینه‌ها در فضای رقابتی مجبور به استفاده از ظرفیت کسب‌وکارهای خانگی خواهند شد. توجه به مد و نظر مشتریان تنوع‌طلب از یک‌سو و نیاز به تولید کفش‌های با ارزش افزوده بالا از مهم‌ترین ویژگی‌های بنگاه‌های کوچک موفق در این سناریو است. همچنین رشد بنگاه‌های بزرگ، مسائل بیمه و افزایش توجه به فروش اینترنتی از مخاطرات بقاء کارگاه‌های کوچک خواهد بود. در این سناریو، بنگاه‌های بزرگ در مرحله شکل‌گیری اولیه هستند؛ لذا باید بتوانند به‌خوبی خود را با قواعد کسب‌وکار در فضای ایران و رسوخ در بازارهای سنتی و ایجاد یک بازار مشخص برای محصولات خود آشنا سازند. تثبیت جایگاه این بنگاه‌ها باید با شکل‌گیری ساختار صنعت کفش کشور همراه شود. مسیر بزرگ‌شدن بنگاه‌ها در این فضا به دو صورت متصور است: یا از طریق تجمیع کارگاه‌های کوچک زیر چتر یک مدیریت واحد در قالب خوشه‌های صنعتی و سهامی یا از طریق احداث کارخانه‌های مجهز به فناوری روز دنیا. نشانگر تحقق این سناریو، روند کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال در بخش خصوصی است.

۹-۲. ترسیم وضعیت بنگاه‌ها در سناریوی عصر دایناسورها

در این سناریو بنگاه‌های کوچک توان رقابت با محصولات وارداتی در بازار مشتریان عادی از دست خواهند داد، گران‌شدن مواد اولیه به دلیل تحریم، از دست دادن شبکه‌های توزیع سنتی به دلیل رو آوردن به مد، عدم کسب حمایت‌های دولتی از استارت‌آپ‌ها و ناتوانی در جلب سرمایه‌گذاری موجب زیان‌ده شدن بنگاه‌های کوچک در فضای سناریو آل استار کدخدا خواهد بود. لاجرم این کارگاه‌ها به صورت پخش‌کننده محصولات خارجی یا ارائه‌دهندگان خدمات کفش برای بنگاه‌های بزرگ داخلی ادامه حیات خواهند داد. بنگاه‌های بزرگ داخلی مشروط به به‌کارگیری ظرفیت‌های استفاده از مالکیت معنوی تولیدات سنتی یا تولیدات دانش‌بنیان و جلب حمایت دولتی و کاهش هزینه با بهره‌وری و تعدیل نیروی انسانی ناکارآمد خواهند توانست سهمی از بازار را حفظ کنند و گام‌هایی را در راستای افزایش توانمندی‌های رقابتی بردارند. ولی در ساختار کلی این بنگاه‌ها

جایگاه خود را از دست داده و تنها از مزیت‌های نسبی همچون داشتن فروشگاه‌های زنجیره‌ای به منظور توزیع محصول به سایر بنگاه‌ها برخوردار خواهند شد.

نشانگر تحقق این سناریو کاهش حمایت قانونی از استارت‌آپ‌ها، کاهش اشتغال در بخش خصوصی و تمایل به تعطیلی استارت‌آپ‌ها و استخدام در بخش دولتی است.

۹-۳. ترسیم وضعیت بنگاه‌ها در سناریوی گیوه بابانوئل

فعالان هوشمند بنگاه‌های کوچک به مرور زمان با مشاهده خروج همکاران خود از صنعت به دلیل ورشکستگی، به فکر بازآفرینی کسب‌وکار خود خواهند افتاد و با سرمایه‌گذاری بر روی تولیداتی با ارزش افزوده بالا مانند کفش‌های چرمی یا طبی یا توجه به بخش‌های خاص بازار مانند کفش شکار، کفش استخر سعی در ایجاد و حفظ بازاری خاص برای خود هستند. بنگاه کوچک در این سناریو توانسته برند و شهرتی برای خود کسب کرده و دهک‌های بالای جامعه را مخاطب اصلی خود قرار دهد. این بنگاه‌ها به صورتی بهینه توانسته‌اند از مزیت‌های ملی و منطقه‌ای شامل دسترسی به مواد اولیه و دهک‌های ثروتمند جامعه حاشیه سود مطلوبی برای خود فراهم آورند.

بنگاه‌های بزرگ مشروط به به‌کارگیری ظرفیت‌های استفاده از مالکیت معنوی تولیدات سنتی یا تولیدات دانش‌بنیان و جلب حمایت دولتی خواهند توانست سهمی از بازار را حفظ کنند، ولی توانایی رقابت در کلاس جهانی را نخواهند داشت. این بنگاه‌ها به دلایل متعدد مانند افق دید کوتاه‌مدت مدیرانشان، عدم سرمایه‌گذاری بر روی آموزش، طراحی، نوآوری، برند، فناوری در طول زمان دارایی‌ها، شایستگی‌ها و مزیت‌های خود را از دست داده یا تغییر کاربری داده‌اند.

نشانگر تحقق این سناریو، افزایش شاخص نوآوری در کشور و افزایش صادرات محصولات لوکس و خاص است.

۹-۴. ترسیم وضعیت بنگاه‌ها در سناریوی فیل‌های پرنده

در این سناریو اکوسیستم نوآوری باز تحقق می‌یابد و بنگاه‌های کوچک و بزرگ برای کسب بازارهای جهانی دانش خود را تسهیم کرده و باهم به مشارکت می‌پردازند. شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های کوچک به‌عنوان بخش تحقیق و توسعه و دیده‌بان شرکت‌های بزرگ عمل می‌کنند. بنگاه‌های کوچک به‌واسطه رهبری بنگاه‌های بزرگ، توانایی رقابت و کسب بخشی از بازار مصرف را خواهند داشت. بنگاه‌های کوچک ایرانی با کپی‌برداری و پیروی از تولیدات به‌روز و باکیفیت بنگاه‌های بزرگ و خوشه‌های صنعتی از حداقل مزایای این سناریو بهره خواهند برد و در بهترین حالت با ایجاد برند و تولیدات سفارشی و خاص حاشیه سود خود را بالا خواهند برد. نکته مهم در این سناریو تثبیت کفش‌های ایرانی در سبد خرید دهک‌های متفاوت مردم است، به‌طوری‌که در تمامی دهک‌های بالا، متوسط و پایین حجم بالایی از بودجه کفش خانوار صرف خرید کفش‌های ایرانی می‌شود. بنگاه‌های بزرگ در طی زمان با یک پارادایم شیفت مدیریتی متحول شده و علاوه بر استفاده از مزیت‌های بزرگ بودن خود از مزیت‌های زنجیره تأمین کشورمان بهره‌برداری خواهند کرد. این بنگاه‌ها با ایجاد واحدهای تحقیق و توسعه توانایی رقابت خود را با رقبای جهانی بالا برده و واحدهای بازاریابی بین‌الملل آن‌ها فعالیت چشمگیری خواهد داشت. انعقاد قراردادهای همکاری با برندهای مطرح دنیای کفش، یکی دیگر از اقدامات بنگاه‌های بزرگ در این سناریو خواهد بود. جذب نخبگان صنعت، فارغ‌التحصیلان دوره‌های کفش و متخصصان از جمله ویژگی‌های مدیریت منابع انسانی بنگاه‌های بزرگ در این فضا خواهد بود.

نشانگر تحقق این سناریو، ایجاد اکوسیستم نوآوری و افزایش اعتماد اجتماعی و توجه به سرمایه اجتماعی داخل کشور است.

نتیجه‌گیری

میل به ارتقاء، خواسته ذاتی و طبیعی انسان‌ها است. در محیط پرتلاطم و دارای ابهام، کسب این دانش بسیار پیچیده و هزینه‌بر است. لذا استفاده از منابع دانشی موجود و تعمیم عقلایی آن بهترین راهکار خواهد بود. این راهکار اساس نظریه

ارتباط بین سناریوهای چند سطحی را شکل می‌دهد. در این مقاله ارتباط بین یک سناریوی دوسطحی در سطح صنعت و بنگاه‌های کفش برقرار شد. این کار با بررسی روندهای گذشته صنعت، محیط خرد، محیط کلان، الگوبرداری از بهترین‌ها و بهره‌گیری از نظرات خبرگان سناریوهای اکتشافی صنعت کفش ایران انجام شد. با جمع‌آوری ۳۸ عامل اولیه از مطالعات کتابخانه‌ای و تکمیل آن با نظر خبرگان و فعالان صنعت، ۱۱ عامل کلیدی انتخاب شد. در گام بعدی با تحلیل عامل‌های کلیدی ۲ عدم قطعیت کلیدی، رقابت در کلاس جهانی و سایز بنگاه که بیشترین اثر را بر روی سیستم صنعت کفش ایران داشتند، برگزیده شد و ۴ سناریوی پیش روی صنعت تدوین شد. در ادامه به دلیل اهمیت ارتباط فرایندی بین صنعت کفش و بنگاه‌های زیرمجموعه آن از یک‌سو و سازگار بودن مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سطح صنعت و مؤلفه‌های مؤثر بر بنگاه، با استفاده از نظریه زورک، انتقال مفاهیم و تصاویر ایجادشده از صنعت کفش برای بنگاه‌های این صنعت انجام شد. سناریوهای صنعت در قالب سناریوهای بنگاه‌های بزرگ و کوچک صنعت کفش تدوین و با سناریوهای اصلی یکپارچه شد و مشخص شد در هر سناریوی کلان صنعت، چه سناریو و بدیلی برای بنگاه با سایز کوچک یا بزرگ وجود دارد. از آنجایی که بیش از ۹۵ درصد بنگاه‌های صنعت کفش ایران خرد و کوچک هستند و توانایی دانشی و مالی تدوین سناریو ندارند، تبدیل سناریوهای سطح صنعت به بنگاه خرد و کوچک برای آن‌ها بسیار ملموس و کاربردی بود، ضمن اینکه از اتلاف منابع برای نگارش مجدد سناریوها در سطح بنگاه بزرگ نیز تا حدود زیادی جلوگیری شد. تمرکز اصلی بنگاه‌ها به سمت تدوین راهبردهای آینده‌نگرانه جلب شد تا بتوانند راهبردها و راهکارهای عملیاتی خود را ارتقاء و بهبود بخشند.

منابع

- الوانی، سیدمهدی، عادل آذر و حسن دانایی‌فرد (۱۳۹۴). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال ششم، شماره ۲، ۴۴-۱۵.
- Alcamo, J. & Henrichs, T. (2008). "Chapter two towards guidelines for environmental scenario analysis", *Developments in integrated environmental assessment*, Vol.2, 13-35.
- Balarezo, J. & Nielsen, B. B. (2017). "Scenario planning as organizational intervention: an integrative framework and future research directions", *Review of international business and strategy*, Vol.27, No.1, 2-52.
- Bell, W. (2011). *Foundations of futures studies: Human science for a new era: Values, objectivity, and the good society*, Transaction Publishers.
- Chesbrough, H. (2010). "Business model innovation: opportunities and barriers", *Long range planning*, Vol.43, No.2, 354-363.
- D'Croz, M. D. Vervoort, J. Palazzo, A. Islam, S. Lord, S. Helfgott, A. ... & van Soesbergen, A. (2016). "Multi-factor, multi-state, multi-model scenarios: Exploring food and climate futures for Southeast Asia", *Environmental modelling & software*, Vol.83, 255-270.
- Folhes, R. T. de Aguiar, A. P. D. Stoll, E. Dalla-Nora, E. L. Araújo, R. Coelho, A. & Do Canto, O. (2015). "Multi-scale participatory scenario methods and territorial planning in the Brazilian Amazon", *Futures*, Vol.73, 86-99.
- Ghalambor, M. A. Latifi, M. M. Sadeghian, N. S. & Aghabagher, Z. T. (2012). "Developing Expert Scenarios Facing Iran's Petroleum Industry", *Advances in Petroleum Exploration and Development*, Vol.4, No.1, 28-48.
- Gnatzy, T. & Moser, R. (2012). "Scenario development for an evolving health

- insurance industry in rural India: INPUT for business model innovation”, *Technological Forecasting and Social Change*, Vol.79, No.4, 688-699.
- Gordon, T. J. Becker, H. S. & Gerjuoy, H. (1974). *Trend impact analysis: a new forecasting tool*, Futures Group.
- Kebede, A. S. Nicholls, R. J. Allan, A. Arto, I. Cazcarro, I. Fernandes, J. A. ... & Macadam, I. (2018). “Applying the global RCP–SSP–SPA scenario framework at sub-national scale: A multi-scale and participatory scenario approach”, *Science of The Total Environment*, Vol.635, 659-672.
- Oliver, J. J. & Parrett, E. (2017). “Managing uncertainty: harnessing the power of scenario planning”, *Strategic Direction*, Vol.33, No.1, 5-6.
- Palermo, T. (2018). “Accounts of the future: A multiple-case study of scenarios in planning and management control processes”, *Qualitative Research in Accounting & Management*, Vol.15, No.1, 2-23.
- Porter, M. E. (2008). “The five competitive forces that shape strategy”, *Harvard business review*, Vol.86, No.1, 25-40.
- Saunders, M. Lewis, P. & Thornhill, A. (2016). *Research Methods for Business students* (ed.7th) Harlow.
- Scarce, D. & Fulton, K. (2004). *What if? The art of scenario thinking for nonprofits*, Global Business Network.
- Schweizer, V. J. & Kurniawan, J. H. (2016). “Systematically linking qualitative elements of scenarios across levels, scales, and sectors”, *Environmental modelling & software*, Vol.79, 322-333.
- Stratigea, A. & Giaoutzi, M. (2012). “Linking global to regional scenarios in foresight”, *Futures*, Vol.44, No.10, 847-859.
- Trutnevyte, E. Guivarch, C. Lempert, R. & Strachan, N. (2016). “Reinvigorating the scenario technique to expand uncertainty consideration”, *Climatic change*, Vol.135, No.3-4, 373-379.
- Vervoort, J. M. Thornton, P. K. Kristjanson, P. Förch, W. Ericksen, P. J. Kok, K. & Wilkinson, A. (2014). “Challenges to scenario-guided adaptive action on food security under climate change”, *Global Environmental Change*, Vol.28, 383-394.
- Zurek, M. B. & Henrichs, T. (2007). “Linking scenarios across geographical scales in international environmental assessments”, *Technological forecasting and social change*, Vol.74, No.8, 1282-1295.

بررسی پژوهش‌های گردشگری در ایران با رویکرد سیستمی

سیدجلیل لاجوردی*

علی رضاییان**

حمیدرضا فرتوک‌زاده***

شهاب طلایی شکری****

چکیده

توسعه گردشگری به علت وجود بازیگران و ذینفعان مختلف دارای پیچیدگی‌های زیادی است. این پیچیدگی و کنشگری بازیگران مختلف موجب شده است که جهت‌گیری پژوهش‌های حوزه گردشگری در یک دهه گذشته با رویکرد سیستمی روند رو به رشدی داشته باشد و تبیین پویایی‌های سیستم گردشگری در کشور، جایگاه خود را در بین مطالعات مختلف بازنماید. پرسش اصلی که در این مطالعه به دنبال آن بوده‌ایم، این است که انباشت تحقیقات صورت گرفته با این رویکرد سیستمی چگونه بوده و به دنبال پاسخ به کدام مسائل بوده‌اند؟ و دانش انباشته‌شده از چه روش‌هایی استفاده کرده و چه محتوایی را تولید کرده است؟ برای این منظور مجموع پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با گردشگری و رویکرد سیستمی در فاصله سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفتند. این مطالعه از جنس مطالعات ثانویه بوده و به روش نظام‌مند انجام شده است و با مراجعه به پایگاه‌های علمی معتبر داخلی به بررسی مقالات، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی در این زمینه پرداخته است. این مطالعه نشان می‌دهد که غالب پژوهش‌های گردشگری انجام‌شده در کشور با زمینه دانش جغرافیا تهیه شده‌اند و همچنان بررسی صنعت گردشگری با رویکرد سیستمی در مراحل ابتدایی قرار دارد. همچنین حجم کارهای علمی در این زمینه بسیار اندک بوده و تاکنون تولید ادبیات جامعی که بتواند عناصر و بازیگران سیستم گردشگری را تبیین نماید، صورت نگرفته است.

واژه‌های کلیدی: گردشگری، رویکرد سیستمی، فراتحلیل

Jalililajevardi@yahoo.com

* استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه شهید بهشتی تهران

A-rezaian@sbu.ac.ir

** استاد دانشکده مدیریت دانشگاه شهید بهشتی تهران

Hr.fartokzadeh@gmail.com

*** دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

**** دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه شهید بهشتی تهران (نویسنده مسئول)

S_talaie@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۱

فصلنامه راهبرد، سال بیست و هفتم، شماره نودویک، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۹-۱۰۹

مقدمه

صنعت گردشگری یکی از بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین صنایع در دنیا محسوب می‌شود و بسیاری از کشورها این صنعت پویا را به‌عنوان منبع اصلی توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ساختارهای زیربنایی خود می‌دانند (سمیعی و غیاثیان، ۱۳۹۴: ۲).

گردشگری صنعتی است که وابستگی متقابل عوامل آن، در حد قابل‌توجهی بالا بوده و ایجاد روابط مبتنی بر همکاری بین این عناصر، بیش از آنکه امری دلخواه باشد، الزامی مدیریتی است (اسکات و همکاران، ۲۰۰۸: ۷۰).

صنعت گردشگری سیستمی است که در آن ارتباطات متقابل از اهمیت زیادی برخوردار بوده و در واقع همکاری و هماهنگی بین بازیگران مختلف یک مقصد گردشگری است که محصول گردشگری را پدید می‌آورد (بیورک و ویرتانن، ۲۰۰۵: ۲۳۰-۲۱۲).

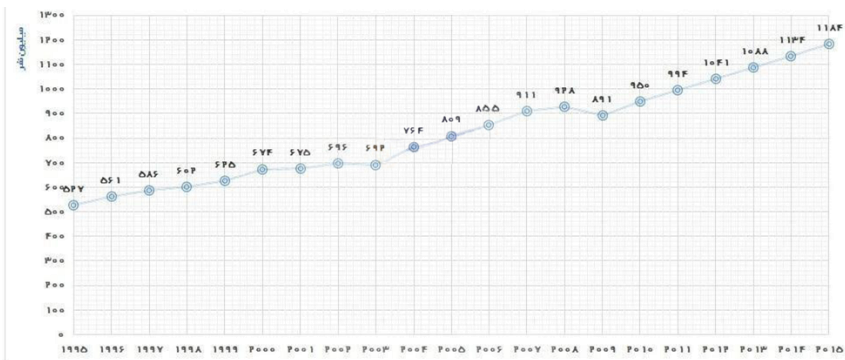
در طی شش دهه گذشته، گردشگری به گسترش و تنوع خود ادامه داده تا تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین و سریع‌ترین بخش‌های دارای رشد اقتصادی در جهان شود. در این میان بسیاری از مقصدهای جدید، علاوه بر مقصدهای سنتی مورد علاقه در اروپا و آمریکای شمالی نیز در این مدت ظهور پیدا کرده‌اند.

رشد بی‌وقفه گردشگری در طول زمان به‌رغم شوک‌های اقتصادی و امنیتی گاه‌وبیگاه، نشان‌دهنده قدرت و انعطاف‌پذیری این بخش بوده است؛ به‌طوری‌که گردشگران بین‌المللی از ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به بیش از ۲۷۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰، ۶۷۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ و ۱،۲۳۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۶

افزایش یافته است.

به همین ترتیب، درآمدهای گردشگری بین‌المللی از طریق مقصد در سراسر جهان از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به ۱۰۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰، ۴۹۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ و ۱۲۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. گردشگری بخش عمده‌ای از تجارت بین‌المللی در حوزه خدمات است. علاوه بر دریافتی در مقاصد، گردشگری بین‌المللی همچنین ۲۱۶ میلیارد دلار صادرات را از طریق خدمات حمل‌ونقل مسافری بین‌المللی که به گردشگران بین‌المللی (غیرساکنان) ارائه می‌شود، در سال ۲۰۱۶ ایجاد کرده است که مجموع ارزش صادرات گردشگری را تا ۱,۴ تریلیون دلار یا به‌طور متوسط ۴ میلیارد دلار در هر روز افزایش داده است.

نمودار ۱. وضعیت گردشگری برون‌مرزی از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵



منبع: بارومتر ۲۰۱۵ سازمان جهانی جهانگردی، ۲۰۱۶ (شماره ۱۴)

پس از افزایش یک‌درصدی از ۶ درصد در سال ۲۰۱۵، گردشگری بین‌المللی ۷ درصد از صادرات جهان را در کالاها و خدمات تشکیل می‌دهد. گردشگری در طول پنج سال گذشته سریع‌تر از تجارت جهانی در حوزه‌های مختلف رشد کرده است.

گردشگری به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم صادرات جهانی، پس از سوخت و مواد شیمیایی رتبه سوم صادرات جهانی را برعهده دارد که به‌این‌ترتیب پیش از صنعت خودروسازی و غذا قرار دارد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه،

گردشگری مهم‌ترین بخش صادرات محسوب می‌شود (سازمان جهانی جهانگردی، ۲۰۱۷).

یکی از رویکردهای درک صنعت گردشگری این است که آن را به‌عنوان یک سیستم در نظر بگیریم که شامل نه تنها کسب‌وکارها و گردشگران، بلکه جوامع و محیط‌ها نیز می‌شود. برخی از محققان این مؤلفه‌های مختلف صنعت گردشگری را به‌صورت به‌هم‌پیوسته تفسیر می‌کنند که در نتیجه یک «سیستم گردشگری» را تشکیل می‌دهند. به‌عنوان مثال، گان (۱۹۹۴) از گردشگری به‌عنوان یک نظام تفسیر می‌کند. وی عنوان می‌کند که هر بخشی از گردشگری به بخش دیگر مربوط می‌شود و هیچ مدیر یا مالکی درگیر در سیستم گردشگری، کنترل کامل سرنوشت خود را ندارد. به همین دلیل، مدیران درگیر در هر بخش از این سیستم نیاز به درک پیچیدگی آن و داشتن یک دیدگاه تقلیل‌دهنده تقریباً جامع از عملیات تجاری خود دارند.

تصمیمات و اقدامات انجام‌شده توسط اجزاء کسب‌وکار، عواقبی برای اجزای دیگر سیستم خواهد داشت. به‌عنوان مثال، تصمیم یک تور اپراتور به مقصد خاص از برنامه خود، عواقب اقتصادی و اجتماعی برای کسب‌وکار و جامعه محلی در آن مقصد دارد که به تجارتشان وابسته است (هولدن^۱، ۲۰۰۸: ۷).

این پژوهش سعی دارد با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند آثار علمی و پژوهشی منتشر شده حوزه گردشگری در ایران را که با رویکرد سیستمی انجام شده است، مورد بررسی قرار داده و خواهان آن است که سطوح ورود به بحث ارتباط بین رویکرد سیستمی و صنعت گردشگری را بررسی کند. به عبارتی می‌توان گفت که هدف اصلی این پژوهش، آن است تا با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در کشور به تحلیل و تبیین این امر پردازد که میزان ورود تحقیقات حوزه گردشگری به نظریه‌های سیستمی به چه میزان بوده و اصولاً صنعت گردشگری تا چه حد و با استفاده از چه روش‌هایی با رویکردهای سیستمی اعم از

1. UNWTO

2. Holden

سخت و نرم، به تجزیه و تحلیل گردشگری در ایران پرداخته است. با توجه به اینکه صنعت گردشگری ماهیتاً یک صنعت بین‌رشته‌ای (در بعد علمی) و بین‌سازمانی (در بعد اجرایی) است، بنابراین از پیچیدگی‌های فراوانی در تحلیل و تبیین برخوردار است. لذا بررسی این امر که در ایران به این صنعت تا چه حد از زاویه نگاه سیستمی پرداخته است، می‌تواند گامی مؤثر در بهبود پژوهش‌های آتی باشد.

۱. رویکرد سیستمی

رویکرد سیستمی (تفکر سیستماتیک)، فرایند شناخت مبتنی بر تحلیل (تجزیه) و ترکیب آن در جهت دستیابی به درک کامل و جامع یک موضوع، در محیط پیرامون خویش است. این نوع تفکر درصدد فهم کل سیستم و اجزاء آن، روابط بین اجزا و کل و روابط بین کل با محیط آن (فراسیستم) است. رویکرد سیستمی که برخورد سیستمی با موضوعات را در پی دارد، به دنبال تشخیص عناصر تشکیل‌دهنده موضوع و پیوندهای موجود میان این عناصر است نه در جستجوی مجموعه‌ای از ویژگی‌های موضوع (مرعشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸).

۲. تعریف گردشگری از منظر سیستمی

از آنجاکه عناصر و بازیگران متنوع و گوناگونی در زنجیره صنعت گردشگری به فعالیت می‌پردازند تا خدمت نهایی و مطلوب به گردشگر ارائه شود، لذا می‌توان گفت که گردشگری مجموعه‌ای از فرایندها، فعالیت‌ها و ستانده‌های خروجی از تعامل و ارتباط بین گردشگران، عرضه‌کنندگان خدمات و محصولات گردشگری، دولت، جامعه میزبان و محیط پیرامونی است که گردشگران را جذب کرده و پذیرای آن‌ها است (گلدنر و ریچی، ۲۰۰۳: ۵).

برخی از محققان، گردشگری را پدیده‌ای چندوجهی می‌دانند که به بررسی جابه‌جایی (حرکت) انسان به سمت مقصدی غیر از محل سکونت معمولش و اقامت وی در آنجا می‌پردازد که از این نظر پدیده‌ای متشکل از عناصر پویا و ایستا است (ضیایی و تراب احمدی، ۱۳۹۱: ۱۳).

۳. سیستم گردشگری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ورود جدی رویکرد سیستمی به پدیده گردشگری از دهه ۱۹۹۰ بوده است، هرچند که سابقه رویکرد سیستمی به گردشگری به دهه ۶۰ میلادی برمی‌گردد. از این دهه به بعد ملاحظه می‌شود که محققان و پژوهشگران مختلفی به بررسی پدیده گردشگری با بهره‌گیری از دیدگاه سیستمی می‌پردازند. یکی از اولین تعاریفی که از گردشگری با رویکرد سیستمی بیان شده است توسط کورو^۱ در سال ۱۹۶۷ بوده است. ایشان گردشگری را به‌عنوان «مجموعه‌ای از روابط تعریف‌شده، خدمات و تسهیلاتی که به علت حرکات خاص انسانی ایجاد می‌شود، توصیف می‌کند». او بیان می‌کند که گردشگری یک مجموعه بزرگ از موارد زیر است:

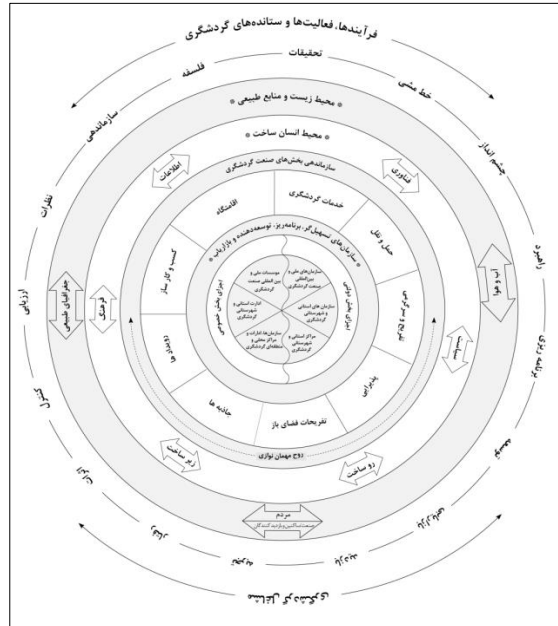
- ۱) حمل‌ونقل: هوایی، ماشین، راه‌آهن، دریا، رودخانه و غیره؛
 - ۲) خانه‌های اجاره‌ای، هتل‌ها، متل‌ها و خوابگاه‌ها؛
 - ۳) آژانس‌های مسافرتی؛
 - ۴) راهنمای تور؛
 - ۵) رستوران‌ها، کافی‌نت‌ها و سایر مؤسسات؛
 - ۶) مؤسسات تجاری اختصاص داده‌شده به فروش سوغات، اقلام سفر و کالاهای دیگر که معمولاً مسافران مصرف می‌کنند؛
 - ۷) تولیدکنندگان سوغات و کالاهای دیگر که معمولاً توسط مسافران مصرف می‌شوند؛
 - ۸) هنرمندان تولیدکننده صنایع دستی؛
 - ۹) مراکز تفریحی. هر یک از این زیرمجموعه‌ها را می‌توان به زیرمجموعه‌های دیگر تقسیم کرد (لومان^۲ و نتو^۳، ۲۰۱۶: ۴).
- محققان و پژوهشگران زیادی با الگو گرفتن از دیدگاه سیستمی به بررسی

1. Cuervo
2. Lohmann
3. Netto

اجزا و عناصر گردشگری پرداخته‌اند. زاویه نگاه این افراد به پدیده گردشگری موجب شده است که گردشگری با رویکرد سیستمی از دیدگاه‌های گوناگون بررسی و تبیین شود.

گردشگری یک پدیده پیچیده است که توصیف مختصر آن بسیار دشوار است. هر مدل گردشگری باید بتواند ترکیب اجزای سیستم گردشگری را دربر گیرد و همچنین فرایندهای کلیدی و نتایجی که در گردشگری رخ می‌دهد را نشان دهد. این فرایندها و نتایج شامل ماهیت گردشگری، تجربه سفر و ابزارهای حمایت‌کننده که از طریق امکان گردشگری به وجود می‌آید، است. گلندر و ریچی تلاش کرده‌اند که به توصیف پیچیدگی و روابط میان مؤلفه‌های پدیده گردشگری بپردازند. مدل گلندر و ریچی و بررسی عناصر گردشگری با رویکرد سیستمی توسط ایشان یکی از جامع‌ترین رویکردها به گردشگری از منظر سیستمی است و به‌نوعی می‌توان گفت تمام عناصر سیستم گردشگری را ترسیم و تشریح کرده‌اند.

شکل ۱. اجزا سیستم گردشگری از دیدگاه گلندر و ریچی



عناصر اصلی در این مدل عبارتند از:

گردشگر: قلب مدل پدیده گردشگری، به طور واضح گردشگران و تجارب سفری است که آن‌ها در هنگام بازدید از یک مقصد گردشگری کسب می‌کنند. برای اینکه یک مقصد جهت‌انگیزه‌ها و تجربه‌های باکیفیت بالا فراهم شود، مهم است که هم سیاستگذاران و هم مدیران قادر به درک انگیزه گردشگران برای سفر لذت‌بخش باشند و همچنین عوامل متعددی که بر انتخاب یک مقصد، شیوه سفر و انتخاب نهایی برای سفر تأثیر می‌گذارد را درک نمایند. زمانی این امر محقق خواهد شد که ما گردشگر را به طور کامل درک کنیم و بتوانیم امکانات، رویدادها، فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را توسعه دهیم که یک مقصد مشخص را انتخاب کنند (گلدنر و ریچی، ۲۰۱۲: ۹).

منابع طبیعی و محیط‌زیست: یک بعد اساسی از مدل-درواقع، اساس گردشگری-منابع طبیعی و مؤلفه‌های محیطی است. هر مقصد خاصی در درجه اول و به طور قابل توجهی توسط فیزیوگرافی (طبیعت و ظاهر چشم‌انداز آن) و آب‌وهوای آن (نوع آب و هوای آن در طول سال، یعنی شرایط گرما و سرما، رطوبت و خشکی و باد) مشخص می‌شود. در نهایت سومین بخش از محیط طبیعی، مردم هستند. در مورد مردم، ما باید بین دو دسته بسیار مهم از افراد تمایز قائل شویم: ۱) کسانی که متعلق به مقصد (ساکنان آن) هستند و ۲) کسانی که بازدیدکننده فعلی یا بالقوه مقصد هستند (بازار گردشگری).

محیط ساخته‌شده توسط انسان: بعد دیگر پدیده گردشگری، محیطی است که توسط انسان ایجاد شده است. این محیط ساخته‌شده در درجه اول شامل فرهنگ ساکنان منطقه میزبان است. فرهنگ مردم نشان‌دهنده ابعاد مختلف توسعه گذشته و شیوه زندگی فعلی آن‌هاست. فرهنگ یک ویژگی دائمی از یک مقصد است که نمی‌تواند (و نباید) به سادگی تغییر کند تا توسعه گردشگری را افزایش دهد.

زیرساخت‌های مقصد گردشگری: یکی دیگر از ابعادی است که الزاماً برای گردشگری ایجاد نشده‌اند؛ مانند جاده‌ها، شبکه‌های فاضلاب، شبکه‌های ارتباطی و بسیاری از امکانات تجاری (سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های خرده‌فروشی) که برای

پاسخگویی به نیازهای ساکنان محلی ساخته شده است (گلندر و ریچی، ۲۰۱۲: ۱۰). فناوری: یکی از جدیدترین و درعین حال بانفوذترین ابعاد محیط ساخته شده است که ماهیت محصولات/ خدمات گردشگری و تجارب سفر را شکل می‌دهد. علاوه بر این به موفقیت یک مقصد توسط توانایی آن برای جمع‌آوری، تفسیر و استفاده از اطلاعات به شیوه‌ای مؤثر تعیین می‌شود.

در نهایت، یک بعد از گردشگری که اغلب مورد توجه قرار نگرفته است، سیستم کلی حکومتی است که در آن نظام گردشگری عمل می‌کند.

بخش‌های عملیاتی صنعت گردشگری: بخش‌های عملیاتی صنعت گردشگری نشان‌دهنده چیزی است که بسیاری از عموم مردم آن را «گردشگری» می‌دانند. بخش حمل‌ونقل شامل شرکت‌های هواپیمایی، شرکت‌های اتوبوس و غیره، بخش اقامت که شامل بسیاری از برندهای شناخته شده مانند هیلتون، ماریو، هوارد جانسون، بست وست و غیره است. بخش خدمات غذا شامل طیف وسیعی از برندها و نشان‌ها است. بخش جاذبه‌ها و فضای تفریحی و همچنین آژانس‌های مسافرتی خرده‌فروشی و تور اپراتورهای عمده‌فروش از مهم‌ترین اجزاء این بخش هستند (گلندر و ریچی، ۲۰۱۲: ۱۲).

روح مهمانداری: بخش‌های عملیاتی گردشگری مسئول ارائه تجربیات به یادماندنی باکیفیت بالا هستند. با این حال، باید مراقب بود که این تجربیات در روحیه گرم و مهمان‌نوازی قرار گیرد. بازدیدکنندگان تمایل طبیعی برای پذیرش گرم را دارند، آن‌ها در تلاش برای لذت بردن از طیف وسیعی از تجارب مقصد هستند. بنابراین چالش مواجهه با مقصد، ارائه تجربیات خود به روشی است که بازدیدکنندگان را قادر می‌سازد باور کنند که مورد استقبال قرار می‌گیرند و واقعاً مهمان هستند (گلندر و ریچی، ۲۰۱۲: ۱۳).

سازمان‌های برنامه‌ریز، توسعه‌دهنده و تسهیل‌کننده: این امر مورد تأیید همگان است که موفقیت گردشگری در نهایت به صلاحیت و توانایی تمام بخش‌های عملیاتی مورد بحث در بالا (یعنی خط مقدم گردشگری) بستگی دارد تا یک تجربه باکیفیت بالا برای هر یک از گردشگران - یک نفر در یک زمان - ارائه شود.

یک جزء پنهانی گردشگری وجود دارد که در تعیین موفقیت یک مقصد گردشگری به همان اندازه مهم است. این جزء با نام سازمان‌های برنامه‌ریزی، توسعه‌دهنده و تسهیل‌کننده شناخته می‌شوند.

این سازمان‌ها به‌نوعی سازمان‌های مدیریت مقصد هستند که در سطح ملی و محلی توسط سیاست‌ها و برنامه‌هایشان بر گردشگری اثر می‌گذارند (گلدنر و ریچی، ۲۰۱۲: ۱۳).

اهمیت برنامه‌ریزی و توسعه همکاری مشترک: یک بُعد از شکل که ضرورت دارد تا مورد توجه قرار گیرد، خط موجی است که ارتباط کاربردی بین بخش‌های عمومی و خصوصی را در تمام سطوح ایجاد کند. هدف از این خط، انتقال اهمیت برنامه‌ریزی یکپارچه یا مشارکتی است. از آنجایی که هر دو بخش دولتی و خصوصی هر یک بخش‌های مهمی از امکانات، رویدادها و برنامه‌های گردشگری را کنترل و اغلب آن‌ها را اداره می‌کنند، مهم است که تلاش‌های سیاسی، برنامه‌ریزی و توسعه به‌طور مداوم در چارچوب سازمانی مشترک، همکاری و همراهی انجام شود. عدم درک اهمیت این واقعیت منجر به دشمنی و نزاع در برنامه‌ریزی و توسعه استراتژیک می‌شود. بنابراین، هر مقصد باید تلاش کند سازمان‌هایی را ایجاد کند که در آن بر اساس همکاری مشترک طراحی شده باشند. نام واقعی سازمان (به‌عنوان یک مقام گردشگری، شورای گردشگری یا مشارکت گردشگری) اهمیت چندانی ندارد، آنچه مهم است کیفیت همکاری است که رخ می‌دهد.

فرایندها، فعالیت‌ها و نتایج گردشگری: یکی دیگر از ابعاد شکل که نیاز به درک دارد، ماهیت فرایندها و فعالیت‌هایی است که در سیستم گردشگری رخ می‌دهد و در نهایت نتیجه‌هایی را ایجاد می‌کند که به آن گردشگری گفته می‌شود.

در موضوع سازمان‌دهی اجزای گردشگری باید این اجزا با یکدیگر همکاری اثربخش داشته باشند. همان‌طور که اشاره شد، نتیجه مشترک این تلاش‌های سازمانی ایجاد یک سازمان مدیریت مقصد است. برای گردشگری موفق، سازمان مدیریت مقصد، باید با همکاری همه ذینفعان، فلسفه گردشگری مقصد را تعریف کند و یک سیاست، دیدگاه و استراتژی حمایتی را تعریف نماید. این عوامل،

به نوبه خود، جهت و دستورالعمل‌هایی را برای طرح‌های دقیق برنامه‌ریزی و توسعه ارائه می‌دهند که در نهایت ماهیت و کیفیت تجربیاتی را که مقصد قادر به ارائه آن است، تعیین می‌کند (گلدنر و ریچی، ۲۰۱۲: ۱۴).

مشاغل در گردشگری: تمام اجزا، بخش‌ها و سازمان‌های بالا به افرادی نیاز دارند تا فرایندهای مختلف را به کار گیرند و طیف وسیعی از فعالیت‌ها و تجارب را برای مسافران فراهم کنند. این تجارب محصول گردشگری و نتیجه پدیده گردشگری است. افراد در صنعت گردشگری که این تجربیات را ارائه می‌دهند، مانند هر صنعت، باید تعداد زیادی وظایف سازمانی را انجام دهند. این وظایف از شغل‌های نسبتاً ساده تا وظایف بسیار پیچیده و سخت را دربر می‌گیرد که همه آن‌ها در ارائه تجربه موفق مهم هستند.

صنعت گردشگری اغلب با تعداد زیادی از مشاغل که خط مقدم این صنعت هستند، مشخص می‌شود. تمامی بخش‌های گردشگری برای ارائه یک تجربه موفق به گردشگر نیازمند داشتن افراد متخصص و آموزش‌دیده هستند که بتوانند به نحو احسن این مهم را انجام دهند (گلدنر و ریچی، ۲۰۱۲: ۱۵).

۴. مرور نظام‌مند در حوزه گردشگری

در زمینه مرور نظام‌مند و فراتحلیل، آثار فراوانی وجود دارد که شاید بتوان گفت مهم‌ترین آن‌ها کتاب *مرور نظام‌مند و فراتحلیل اثر لیتل*^۱ و همکاران (۲۰۰۸)، *مقدمه‌ای بر مرور نظام‌مند اثر گاف*^۲ و همکاران (۲۰۱۷) و کتاب *مرور نظام‌مند اثر تورگرسون*^۳ (۲۰۰۳) باشد. این مطالعات در حوزه گردشگری در ایران بسیار نوپا بوده و آثار قابل‌دسترس بسیار کمی در این حوزه وجود دارد.

بستان و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان *مرور نظام‌مند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گردشگری در ایران با هدف بررسی اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی حاصل از توسعه گردشگری بر کشور ایران* به بررسی مطالعات

1. Littell

2. Gough

3. Torgerson

انجام‌شده در این حوزه پرداخته‌اند. بدین منظور ۱۶۴ مقاله در حوزه پیامدهای گردشگری در ۶۰ مجله با استفاده از روش مرور نظام‌مند مورد بررسی قرار گرفته است. یافته تحقیق نشان داده است که گردشگری در ایران عمدتاً پیامدهای اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی مثبت به دنبال داشته است، درحالی‌که بیشترین پیامدهای منفی گردشگری در حوزه زیست‌محیطی بوده است. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که عمدتاً پیامدهای گردشگری در سطح روستاها مورد بررسی قرار گرفته است که این امر نشان از اهمیت یافتن روستاها به‌عنوان مقاصد گردشگری است که محققان را در بررسی پیامدهای گردشگری در اجتماعات کوچک برانگیخته است (بستان و همکاران، ۱۳۹۶).

پژوهش دیگری که در ایران با روش مرور نظام‌مند در حوزه گردشگری انجام شده است، نیز به کوشش عظیمی و همکاران بوده است. این پژوهش با عنوان *مرور نظام‌مند مقالات پژوهشی در حوزه مطالعات اجتماعی گردشگری شواهدی از تحلیل محتوای نشریات علمی پژوهشی کشور صورت گرفته است*. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند آثار علمی و پژوهشی مطالعات اجتماعی گردشگری در ایران با هدف آشکارسازی بینش و تفکر اجتماعی در مورد گردشگری بررسی شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مهم‌ترین موضوع اجتماعی مورد توجه محققان گردشگری در ایران، ساختار و کارکردهای گردشگری بوده و بعد از آن عمده مقالات به گردشگر پرداخته‌اند و پیامدهای گردشگری و روابط گردشگر و میزبان به ترتیب در مراتب سوم و چهارم اهمیت قرار داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موضوع گردشگری چندان مورد اقبال جامعه‌شناسان در ایران نبوده است و جغرافی دانان تفوق بیشتری در تولید و انتشار مسائل اجتماعی گردشگری داشته‌اند. یافته‌های پژوهش، شواهدی از رشد مطالعات بین‌رشته‌ای در موضوع گردشگری در ایران را نشان نداده است و بیشتر مؤید پژوهش‌های چندرشته‌ای است که عمدتاً با بهره‌گیری از روش‌های کمی و با نظرسنجی از ذینفعان و کارشناسان انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است خلأهای مفهومی و روشی زیادی برای توسعه دانش

بین‌رشته‌ای گردشگری و تأثیرگذاری آن در مسائل سیاست‌گذاری، توسعه و مدیریت گردشگری تجاری در ایران وجود دارد (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۶).

بیات و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «گردشگری روستایی در ایران؛ ارائه تحلیل اسنادی از مقالات انتشار یافته فارسی»، به بررسی پژوهش‌های صورت گرفته با محوریت گردشگری روستایی پرداخته‌اند. این محققان مطالعات را به پنج بخش برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، آثار و پیامدهای گردشگری، ارزش‌گذاری اقتصادی گردشگری، تحلیل گسترش جغرافیایی و سنجش پایداری گردشگری تقسیم‌بندی نموده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد کل مطالعات انجام شده از روش‌های کمی استفاده کرده‌اند و گردشگری خانه‌های دوم و طبیعت‌گردی مهم‌ترین محورهای مطالعاتی بوده است (بیات و همکاران، ۱۳۹۲).

در تحقیقات خارجی در حوزه گردشگری استفاده از مرور نظام‌مند سابقه بیشتری دارد. گومزلیج^۱ با هدف شناسایی وضعیت تحقیقات دانشگاهی در زمینه نوآوری در صنعت گردشگری با بررسی منظم ادبیات، رویکردهای تحقیقاتی مختلف و دیدگاه‌های نوآوری گردشگری را ارائه می‌دهد. این مقاله ۱۵۲ مقاله منتشر شده را بررسی کرده است که نشان از تلاش‌های عمده در گسترش تحقیقات در مورد نوآوری در مهمان‌نوازی و گردشگری است (گومزلیج، ۲۰۱۶).

در مطالعه‌ای دیگر، کیم^۲ و همکاران به مرور نظام‌مند ادبیات گردشگری و مهمان‌نوازی می‌پردازند. هرچند که تعداد مطالعات انجام شده در این حوزه طیف وسیعی از موضوعات را مورد بررسی قرار می‌دهند، اما پژوهشی در مورد گرایش‌ها و تأثیرات چنین مطالعاتی ارائه نشده است. این مطالعه با طبقه‌بندی که انجام داده است، ۱۷۱ پژوهش منتشر شده در مجلات اصلی گردشگری را مورد بررسی قرار داده است و در واقع به‌نوعی خواهان آن بوده است که راه‌های پژوهشی کشف نشده را برای آینده آشکار نماید (کیم و همکاران، ۲۰۱۸: ۴۹-۵۸).

در مطالعه دیگری یانگ^۳ و همکاران یک مرور نظام‌مند در زمینه تحقیقات

1. Gomezelj

2. kim

3. Yang

ریسک و جنسیت در گردشگری انجام داده‌اند. این مطالعه به‌طور سیستماتیک ادبیات ریسک گردشگری را از منظر جنسیتی بررسی می‌کند و هدف آن ترسیم نقشه دانشی در مورد ریسک‌های سفر جنسیتی و الزامات کاوش‌های بیشتر در این زمینه است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثر مطالعات ریسک و جنسیت موجود، تجربه مسافران غربی را اولویت‌بندی کرده‌اند. همچنین یافته‌های کمبود تحقیق با تمرکز بر جنسیت، ریسک و چارچوب نظری، کمبود رویکرد تفسیری و انعکاسی را نشان می‌دهد. همچنین شواهد فراوانی از تفاوت جنسیتی در تجربه ریسک گردشگری شناسایی شده‌اند (یانگ، ۲۰۱۷: ۱۰۰-۱۸۹).

راب لو^۱ و همکاران در پژوهشی به مرور نظام‌مند تحقیقات پیرامون گردشگران خروجی چین می‌پردازد. هدف این پژوهش، شناسایی تغییرات و بررسی وضعیت و موضوعات مربوط به توسعه گردشگری خروجی چین بوده است. محقق با بررسی پایگاه‌های داده‌ای مانند گوگل اسکولار و ساینس دایرکت بیش از ۱۲۲ مقاله تجربی و سیاست‌گذاری درخصوص گردشگری خروجی چین، آن‌ها را طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌کند و درنهایت یک چارچوب نظری برای مطالعات آینده در مورد گردشگری خروجی در چین را ارائه می‌دهد. یافته‌های عمده نشان می‌دهد که موضوعات اصلی مربوط به گردشگری خارج از چین شامل تقسیم بازار، انگیزه سفر و رفتار مسافرت است. شایع‌ترین روش‌های گردآوری اطلاعات مصاحبه و پرسشنامه بوده است (لو و همکاران، ۲۰۱۶).

۵. روش تحقیق

گلاس^۲ (۱۹۸۱) و کنت^۳ (۱۹۹۶) مرور نظام‌مند را یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌ها برای مرور تحقیقات گذشته می‌دانند که درواقع جستجوی ساخت‌یافته‌ای است که بر اساس قوانین و ضوابط از قبل تعیین‌شده انجام می‌شود. مرور نظام‌مند، دو خصیصه اصلی دارد؛ نخست آنکه پایایی آن بالاست، یعنی تکرارپذیر است و

-
1. Rob Law
 2. Glass
 3. Kenneth

دوم آنکه در چند مرحله انجام می‌شود. در ابتدا جستجوی بسیار گسترده و با حساسیت بالاست و در مراحل آخر اختصاصی می‌شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

مرور نظام‌مند عبارت است از اقدام هماهنگ برای شناسایی سیستماتیک کلیه پژوهش‌های اولیه در دسترس، ارزیابی نقادانه این پژوهش‌ها و سنتز داده‌های مطالعات با کیفیت مطلوب (و در بعضی وارد آنالیز کمی آن‌ها) با یک روش استاندارد و نظام‌مند که برای پاسخ‌دادن به یک سؤال مرتبط انجام می‌شود. مرور متون از آن جهت مهم است که تلاش می‌کند تا متون موجود مرتبط با موضوع مورد نظر را خلاصه کند. مرور سیستماتیک و نظام‌مند متون در واقع مشتمل بر چهار گام اساسی است: ۱. تصمیم‌گیری درخصوص نوع متونی که قرار است، مرور شوند. ۲. مطالعه و درک آنچه نویسندگان در آثارشان آورده‌اند. ۳. ارزیابی ایده‌ها، روش‌های پژوهشی و نتایج هر کدام از آثار. ۴. جمع‌بندی محتوای متون یا اسناد یا شواهد مرور شده (علی‌محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳).

جامعه آماری این مطالعه نظام‌مند شامل تمامی مقالات علمی- پژوهشی است که به مطالعه و پژوهش در حوزه گردشگری با رویکرد سیستمی پرداخته‌اند. بر این اساس سعی بر آن شده تا تمامی مقالاتی که در مجلات معتبر علمی و پژوهشی فارسی‌زبان منتشر شده‌اند را مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

۶. استراتژی جستجوی مقالات و پژوهش‌های مربوط

پژوهش حاضر علاوه بر مقالات علمی و پژوهشی به بررسی پروژه‌های دانشجویی (در سطح کارشناسی ارشد و دکتری) نیز پرداخته است، لذا به غیر از بررسی پایگاه داده‌ای مقالات مانند پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز)، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگ‌ایران) و پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (سید) به بررسی پژوهش‌هایی که در سامانه پژوهشگاه علوم فناوری اطلاعات ایران (ایران داک) نمایه شده‌اند، نیز توجه کرده و با کلیدواژه‌های مرتبط با سیستم و گردشگری تحقیقاتی که در این حوزه و با این رویکرد تدوین شده‌اند را بررسی کرده است.

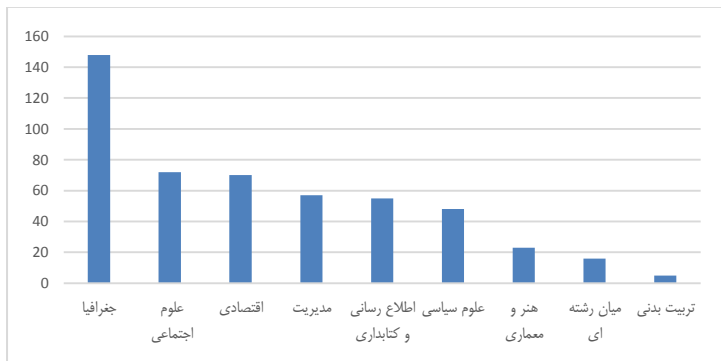
۷. معیارهای انتخاب مقالات و پژوهش‌های مربوط

در این پژوهش سعی بر آن شد تا تمامی کارهای علمی و پژوهشی که به صورت مقاله در نشریات علمی و پژوهشی به چاپ رسیده‌اند و همچنین تحقیقاتی که در دانشگاه‌ها در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۶ منتشر شده‌اند، مورد بررسی قرار گیرند. از مهم‌ترین معیارهای انتخاب کارهای علمی پژوهشی، استفاده از تفکر سیستمی و متدولوژی‌های سیستمی (اعم از سخت و نرم) در انجام تحقیقات بود به این صورت که این امر در عنوان کار پژوهشی یا در چکیده آن اثر ذکر شده باشد.

لذا با جستجوی واژه‌های «گردشگری و رویکرد سیستمی / رویکرد سیستمی و گردشگری» تعداد ۴۹۸ متن که در آن‌ها از این واژگان استفاده شده بود، یافت گردید. بررسی‌ها نشان می‌دهد توزیع این متون در میان مجلات حوزه علوم انسانی متفاوت بوده و مجلات حوزه جغرافیا با اختلاف بالا در صدر این مجلات قرار دارند.

نمودار ۲. سهم متون گروه مجلات مختلف در استفاده از واژه‌های «گردشگری و رویکرد سیستمی» و

«سیستم گردشگری»



منبع: یافته‌های محقق

همچنین در جستجوی مقالات و پژوهش‌های مختلفی که از واژه «سیستم گردشگری» در متون خود بهره‌مند شده‌اند، مشخص گردید که الگوی بالا در مورد این کلیدواژه نیز صدق می‌کند. به عبارتی، مجلات حوزه جغرافیا بیشترین تعداد را دارند.

جدول ۱. پژوهش‌های گردشگری با رویکرد سیستمی بین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۶

ردیف	عنوان	پایان‌نامه/ مقاله	نویسنده	سال	دانشکده/ مجله	کلیدواژه	چکیده
۱	شناسایی اجزای سیستم چند بازیگر گردشگری جمهوری اسلامی ایران و تعیین اثرات متقابل آن‌ها	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	آسیه سخی	۱۳۹۰	دانشگاه علامه طباطبایی	سیاست‌گذاری گردشگری، سیستم گردشگری، نگرش سیستمی، توسعه گردشگری، نرم‌افزار و نسیم	در این تحقیق، پژوهشگر سعی کرده است تا لزوم داشتن نگرش سیستمی در مسائل برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه گردشگری کشور نشان داده شود. تفکر سیستمی ابزاری قدرتمند برای شناسایی پیچیدگی‌های صنعت گردشگری و تعاملات آن با اقتصاد، محیط‌زیست و ساختارهای بومی است. فعالیت‌های انجام‌شده در این تحقیق را می‌توان به دو مرحله اصلی تقسیم کرد: • در مرحله اول با بهره‌گیری از ادبیات موجود و نظر خبرگان گردشگری کشور بخش‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده سیستم گردشگری کشور را شناسایی کرده است. • در مرحله دوم به‌وسیله روش پویایی‌شناسی سیستم، روابط مطلوب بین اجزای شناسایی‌شده در گام اول شناسایی شده و پس از اعمال نظرات خبرگان به‌وسیله نرم‌افزار و نسیم، جهت توسعه گردشگری ایران چارچوب نهایی مورد نظر ترسیم شده است تا نقشه راهی را برای توسعه گردشگری کشور در اختیار مدیران و سیاست‌گذاران این عرصه قرار دهد.
۲	مدلسازی پویایی‌های صنعت گردشگری ایران جهت ارائه راهکارها و استراتژی‌های توسعه و تأثیر آن بر امنیت ملی	پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد	سیما اسفندیارپور بروجنی	۱۳۹۲	دانشگاه صنعتی مالک اشتر	تحلیل پویایی‌های سیستم، گردشگری، مدل‌سازی، شبیه‌سازی، سیاست‌گذاری و ارزیابی	در این پژوهش با استفاده از مدل‌سازی دینامیکی در قالب روش تحلیل پویایی‌های سیستم، مسئله عدم توفیق گردشگری ایران، به‌خصوص از منظر جذب گردشگر خارجی، در ابعاد کلان و استراتژیک مدل شده و با استفاده از شبیه‌سازی رفتاری در محیط نرم‌افزار و نسیم مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته است. درنهایت به مدلی دست یافته که صنعت گردشگری ایران را توصیف کرده و با استفاده از شبیه‌سازی رفتار آن را در افق زمانی بیست‌سال آینده پیش‌بینی می‌کند. با آزمون راهکارهای مختلف در محیط شبیه‌سازی، سیاست‌ها و راهکارهایی جهت بهبود وضعیت گردشگری در ایران ارائه شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: بهره‌گیری بیشتر از گردشگران موجود، برندسازی، استانداردسازی، تبلیغات و بازاریابی، حفاظت از محیط‌زیست، ایجاد توافق راهبردی در ذهن جامعه ایرانی نسبت به گردشگری، توسعه دیپلماسی رسانه، تقویت ذهنیت مثبت جهان نسبت به ایران و ایجاد اعتماد برای سرمایه‌گذاران توسط دولت. بنا بر نتایج شبیه‌سازی مدل دینامیکی ارائه‌شده، با اعمال بسته سیاستی پیشنهادی می‌توان به توسعه صنعت گردشگری کشور در سال‌های آینده امیدوار بود.
۳	گردشگری به‌عنوان یک سیستم (نمونه: مشهد)	مقاله علمی پژوهشی	محمد قاسمی	۱۳۹۰	مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای	سیستم گردشگری، عناصر، کلیت، ارتباط متقابل، عرضه و تقاضا، مدیریت یکپارچه گردشگری، نهادهای فرادست.	هدف اصلی این پژوهش، آن است تا دریچه‌ای نو برای پژوهشگران و مدیران و دست‌اندرکاران گردشگری کشور ایجاد کند و ضمن پرهیز از بخشی‌نگری گردشگری بتواند با ایجاد مدیریت یکپارچه در راستای پویایی گردشگری شهر و منطقه، انطباقی بین عرضه و تقاضا ایجاد نماید. همچنین پژوهش حاضر از مبانی نظری بر پایه نظریه سیستمی است و روش تحقیق به کار گرفته شده توصیفی-تحلیلی از کل به‌جز است. همچنین روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای-اسنادی و نیز میدانی است. در این مقاله ابتدا ضمن بیان مسئله و دیدگاه‌های ارائه‌شده توسط سازمان جهانی جهانگردی و سایر نظریه‌پردازان مشهور جهان راجع به‌نظام گردشگری به بررسی و تحلیل گردشگری کلان‌شهر مشهد پرداخته شده و درنهایت راهحلی جهت پویایی آن ارائه گردیده است.

۴	ارائه مدلی پویا جهت توسعه گردشگری تاریخی (مورد مطالعه: استان یزد)	مقاله علمی پژوهشی	میرمحمد اسعدی سعید سعیدا اردکانی	۱۳۹۴	دوفصلنامه کاوش‌های مدیریت بازرگانی	گردشگری تاریخی، توسعه گردشگری تاریخی، پویایی سیستم	<p>پس از مرور پیشینه تحقیقات انجام شده و شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری تاریخی، مهم‌ترین عوامل مشخص و با استفاده از رویکرد پویایی سیستم، مدلی از این عوامل و روابط عملی بین آن‌ها ترسیم و شبیه‌سازی شده است</p> <p>در این پژوهش مدلی پویا از عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری تاریخی ارائه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ضرورت جذب گردشگران تاریخی چالشی در سال‌های آینده و در پی آن جلب رضایت گردشگران، عاملی کلیدی در این عرصه خواهد بود. با استفاده از این مدل، رفتار متغیرهای کلیدی، حلقه‌های علی و حساسیت متغیرها بررسی شده است.</p>
۵	امکان‌سنجی توسعه گردشگری با رویکرد سیستمی در روستاهای حاشیه کویر میقان اراک	مقاله علمی پژوهشی	محمدرضا رضوانی و مهرنوش مرادی	۱۳۹۱	فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی	امکان‌سنجی، سیستم گردشگری، عرضه و تقاضا، گردشگری روستایی، کویر میقان اراک	<p>در این راستا، هدف تحقیق حاضر امکان‌سنجی توسعه گردشگری بر اساس سیستم تشکیل‌دهنده آن است. جامعه آماری سه گروه شامل گردشگران، ساکنان روستاها و مدیران محلی است که با استفاده از روش تصادفی ۲۷۴ نفر از ساکنان، ۱۵۰ نفر گردشگر و ۳۰ نفر از مسئولان به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری گردید و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی از جمله آزمون T مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد به دلیل عدم شناخت گردشگران و نیز فقدان برنامه بازاریابی و تبلیغات، تقاضای گردشگری در وضع موجود در منطقه در حد ضعیف است. همچنین عناصر تشکیل‌دهنده عرضه گردشگری از دیدگاه خانوار و مسئولان محلی، شامل شاخص‌های جاذبه‌ها، حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها و خدمات، پیشبرد فروش و مشارکت در حد خوب است ولی شاخص اطلاعات برخلاف سایر شاخص‌ها در حد ضعیف ارزیابی شد. به‌رحال روستاهای منطقه از جاذبه‌های بالقوه داخلی و فرصت‌های بیرونی مناسبی برای توسعه گردشگری برخوردار هستند. در نتیجه با برنامه‌ریزی و مدیریت یکپارچه، فعالیت‌های گردشگری از جمله تبلیغات و بازاریابی، توسعه و تجهیز زیرساخت‌ها و خدمات گردشگری، می‌توان تقاضا برای توسعه گردشگری در سطح روستاهای منطقه را افزایش داد و از نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی در جهت توسعه گردشگری استفاده کافی به عمل آورد.</p>
۶	طراحی یک مدل دینامیک برای صنعت گردشگری در ایران با استفاده از رویکرد پویایی [شناسی سیستم برای افق ایران ۱۴۰۴	پایان‌نامه ارشد / دانشگاه شیراز	علی‌حسین صمدی، علی نقی مصلح شیرازی، آناهیتا روحی	۱۳۹۱	فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی	تفکر سیستمی، پویایی شناسی سیستم، گردشگری خارجی ایران، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	<p>در این مطالعه یک مدل دینامیکی برای گردشگری ایران طراحی و با شبیه‌سازی آن طی سال‌های ۱۴۰۴-۱۳۸۶ به پیش‌بینی وضعیت این صنعت در آینده و بررسی شرایط لازم برای دستیابی به اهداف آن در ۱۴۰۴ پرداخته است. نتایج حاصل از شبیه‌سازی مدل پایه با استفاده از نرم‌افزار و نسیم نشان می‌دهد که با ادامه وضعیت کنونی، در سال ۱۴۰۴ شاهد ورود حدود پنج و نیم میلیون گردشگر خواهیم بود. این در حالی است که ورود بیست‌میلیون گردشگر خارجی یکی از اهداف صنعت گردشگری در آن سال است. بنابراین، به‌منظور بررسی شرایط لازم جهت دستیابی به این هدف، پیش‌نوشته‌های متفاوتی طراحی و شبیه‌سازی شده است. نتایج حاصل از شبیه‌سازی پیش‌نوشته‌های مختلف نشان می‌دهد که لازم است برای رسیدن به این هدف علاوه بر هماهنگی در عملکرد زیرسیستم‌ها به طور هم‌زمان، تلاش‌هایی در زمینه بهبود اثرگذاری تبلیغات بر جذب گردشگران، آموزش هر چه سریعتر کارکنان این صنعت و افزایش ظرفیت‌های موجود صورت گیرد.</p>

بررسی پژوهش‌های گردشگری در ایران با رویکرد سیستمی ۱۲۷

۷	تحلیل سیستمی اثرات مثبت و منفی توسعه گردشگری ایران با رویکرد آینده‌پژوهی	مقاله علمی پژوهشی	امین فرجی، محمد نعمت‌پور، امید عشریه	۱۳۹۶	فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری	اثرات اقتصادی، گردشگری، اثرات زیست محیطی، اثرات اجتماعی فرهنگی	گسترش صنعت گردشگری علاوه بر ابعاد مثبت می‌تواند ابعاد منفی بسیاری نیز در زمینه‌های- اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی در پی داشته باشد. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل ساختاری، به مرور و تجزیه و تحلیل پژوهش‌های پیشین و نظرات کارشناسان پرداخته است. هدف اصلی این مقاله شناسایی و اولویت‌بندی اثرات مثبت و منفی گردشگری در مقیاس ملی و در جریان روند توسعه گردشگری ایران است. این اثرات شامل اثرات اقتصادی (افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، افزایش هزینه‌های زندگی، ایجاد تورم و غیره)، اثرات اجتماعی- فرهنگی (افزایش مشارکت و سرمایه اجتماعی، احیای ارزش‌های محلی، افزایش شکاف اجتماعی، مصرف‌گرایی و غیره) و اثرات زیست محیطی (بهبود کیفیت محیط، ترویج معماری سبز، کاهش سطح سرانه‌های طبیعی، کاهش ظرفیت تحمل فیزیکی و غیره) است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل سیستمی در محیط نرم‌افزار Micmac استفاده شده است. پژوهش حاضر ضمن ارائه و تنظیم مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر در ابعاد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی- فرهنگی، حاکی از آن است که برای رسیدن به یک سیستم پایدار در گردشگری توجه به اثرات منفی تأثیرگذار به ویژه در حوزه زیست محیطی در درجه اول اهمیت قرار دارد و در مرحله دوم می‌باید بر کاهش اثرات دو وجهی و ریسک به جهت غیرقابل پیش‌بینی بودن تمرکز شود.
۸	بررسی اثرات اقتصادی اجتماعی گردشگری روستایی با استفاده از رویکرد سیستمی (مطالعه موردی: در روستای فرجین در همدان)	مقاله علمی- پژوهشی	مسعود سامیان، حمید بلالی	۱۳۹۲	فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری	توسعه پایدار، گردشگری روستایی، شهرستان همدان، رویکرد تفکر سیستمی	اگرچه توسعه گردشگری از طریق ارتقای سطح و کیفیت زندگی، اشتغال و بهبود شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی به عنوان یکی از راه‌های بهبود اقتصاد کشور و رفاه اجتماعی دیده شده است، اما اگر این توسعه به صورت پایدار و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد آن صورت نپذیرد، می‌تواند آثار نامطلوب متعددی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و طبیعی از جمله تهدید تخریب محیط زیست را به همراه داشته باشد. روش تحقیق در این مطالعه بر اساس رهیافت تلفیقی کمی و کیفی شامل شبیه‌سازی دینامیکی با بهره‌گیری از نرم‌افزار I Think و روش تحلیلی- توصیفی می‌باشد که در آن داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه و مصاحبه از ساکنان روستای فرجین در سال ۱۳۹۱ جمع‌آوری شده است. بررسی‌های حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرپذیر از گردشگری روستایی بوده؛ به طوری که حدود ۷۰ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کند.
۹	ارائه ی یک مدل تحلیل محیط با رویکرد سیستمی در برنامه‌ریزی گردشگری؛ (مطالعه ی موردی: شهرستان ماکو)	مقاله علمی- پژوهشی	میرنجف موسوی، مهدی عبدالله‌زاده، امید زینالپور، علی باقری کشکولی	۱۳۹۵	پژوهش‌های جغرافیایی انسانی	رویکرد سیستمی، ماکو، تحلیل محیط، برنامه‌ریزی گردشگری	هدف این پژوهش، ارائه مدل تحلیل محیط با رویکرد سیستمی برای برنامه‌ریزی گردشگری در شهرستان ماکو بوده است. با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی و ماهیت موضوع، رویکرد این پژوهش توصیفی- تحلیلی و هدف آن کاربردی است. در این پژوهش، ضمن شناسایی عامل‌های مؤثر بر برنامه‌ریزی توسعه گردشگری در شهرستان با استفاده از ماتریس SWOT، تأثیرهای متقابل آن‌ها نیز به روش کمی و با استفاده از روش دیماتل بررسی شد و در نهایت عملکرد نهایی این عامل‌ها، بر اساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، تفکیک و رتبه‌بندی شد و شکاف موجود بین آن‌ها مشخص شد. در نهایت، با توجه به شرایط حاکم بر گردشگری منطقه، راهبردهایی نیز ارائه شده است. نتایج پژوهش بیانگر وجود قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در عرصه صنعت گردشگری ماکو است، اما ضعف‌های موجود در عرصه گردشگری شهرستان، بر قوت‌ها غالب است و مانع استفاده از فرصت‌ها و پتانسیل‌ها موجود شده است؛ بنابراین، گردشگری شهرستان ماکو، آنچنان که باید نتوانسته است از پتانسیل‌ها و قوت‌های موجود در زمینه توسعه گردشگری بهره گیرد.

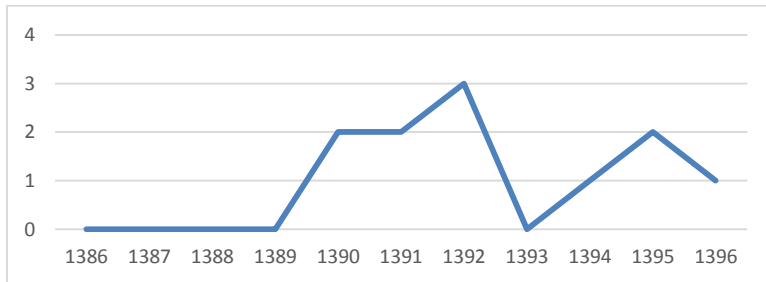
۱۰	ارزیابی سطح ریسک در فرایند توسعه سیستم‌های گردشگری (مطالعه موردی: شهرستان خرم‌آباد)	مقاله علمی - پژوهشی	حسن علی فرجی سیکبار، محمد سلمانی، اطهره عیاشی	۱۳۹۲	فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی	ریسک، ارزیابی ریسک، سیستم‌های گردشگری، شهرستان خرم‌آباد	این پژوهش درصدد شناسایی ریسک‌ها، از طریق فرایند ارزیابی و مدیریت ریسک و همچنین در تلاش برای بررسی وضعیت ریسک‌های گردشگری و تخمین سطح و طبقه‌بندی آن‌ها در شهرستان خرم‌آباد است. در این مطالعه از دیدگاه سیستم گردشگری برای بررسی ریسک‌ها استفاده شده است. برای این منظور با بررسی ادبیات نظری و تکمیل پرسشنامه توسط دو گروه مدیران و گردشگران در سیستم گردشگری شهرستان خرم‌آباد استفاده شد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که در بین ریسک‌های شناسایی شده در منطقه مورد مطالعه که عبارتند از: ریسک‌های سیاسی، ریسک‌های حقوقی، ریسک‌های اقتصادی و مالی، ریسک‌های اجتماعی- فرهنگی، ریسک‌های بهداشتی و محیطی، ریسک‌های تکنولوژیکی، ریسک‌های ساختاری، عملکردی و ریسک‌های ایمنی و امنیت و ریسک‌های تکنولوژیکی بیشترین احتمال وقوع را دارند. بیشترین مقدار شدت، مربوط به ریسک‌های ساختاری و عملکردی است. همچنین از طبقه‌بندی ریسک‌ها که در ساختار سیستماتیک گردشگری شهرستان خرم‌آباد مشخص شد، سطح ریسک در این محدوده، نسبتاً بالاست و مهم‌ترین سطح ریسک مربوط به ریسک‌های ساختار مدیریتی و عملکردی می‌باشد.
۱۱	نقش رویکرد سیستمی در گسترش گردشگری با تأکید بر مناطق روستایی (هدف گردشگری: استان کردستان)	مقاله علمی پژوهشی	سعدی محمدی، بدریه تابا، سیوان اسدی	۱۳۹۵	فصلنامه فضای گردشگری	گردشگری روستایی، سیستم گردشگری، تکنیک سوات	این پژوهش با هدف ترسیم دیدگاه جامع و مبتنی بر رویکرد سیستمی از منطقه مورد نظر برای آسیب‌شناسی وضع موجود و ارائه راهبردهای عملی برای برون‌رفت و رسیدن به وضع مطلوب تدوین شده است. با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و پرسشنامه در میان ۱۰۰ نفر از خبرگان به تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و سایر آزمون‌های آماری مانند آزمون T و فریدمن و استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Expert choice پرداخته است و با استفاده از تکنیک سوات به بررسی ابعاد عرضه و تقاضا در منطقه هدف پرداخته است و در نهایت نیز راهبردهایی را برای برون‌رفت از وضعیت فعلی به مطلوب ارائه داده‌اند.

منبع: یافته‌های محقق

۸. روند مطالعات انجام شده

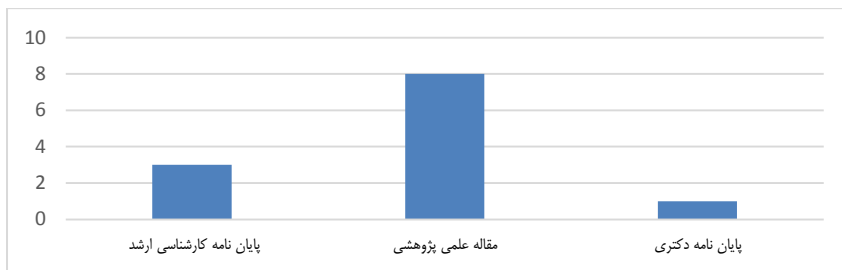
بررسی‌های محقق نشان می‌دهد که پرداختن به موضوع گردشگری در ایران با رویکرد سیستمی و تحلیل این پدیده پیچیده و چندوجهی با استفاده از دیدگاه سیستمی بسیار کم‌فروغ بوده و به نوعی می‌توان گفت نخستین پژوهش‌ها در سال ۱۳۹۰ به کوشش قاسمی که به بررسی گردشگری شهر مشهد و ترسیم فضای حاکم بر آن به عنوان یک سیستم، برمی‌گردد. پژوهش آسیه سخی در مقطع کارشناسی ارشد مدیریت گردشگری در دانشگاه علامه طباطبائی از نخستین کارهایی است که به صورت منطقی و جامع از رویکرد سیستمی استفاده کرده است. نمودار زیر به نوعی نشان‌دهنده همه پژوهش‌های صورت گرفته اعم از مقالات علمی-پژوهشی و پروژه‌های تحقیقاتی دانشجویان در مقاطع تحصیلات تکمیلی است.

نمودار ۳. روند مطالعات انجام شده در حوزه گردشگری با رویکرد سیستمی



منبع: یافته‌های محقق

نمودار ۴. تعداد پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته به تفکیک سطوح انتشار



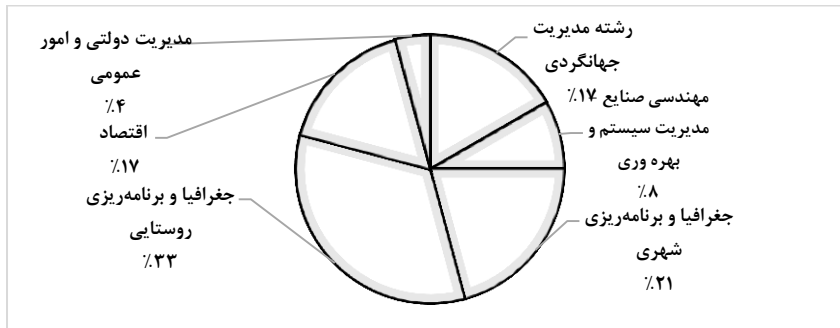
منبع: یافته‌های محقق

نکته‌ای که در ارتباط با نمودار بالا باید گفت این است که غالب پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه به صورت مقالات علمی-پژوهشی چاپ شده در نشریات بوده، هرچند این مقالات با پایان‌نامه‌ها هم‌پوشانی داشته و بسیاری از آن‌ها خروجی از این پایان‌نامه‌ها بوده است. ولی در مجموع می‌توان گفت که تاکنون فقط یک پایان‌نامه در سطح دکتری و تنها سه پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشد در رابطه با موضوع گردشگری با استفاده از رویکرد سیستمی انجام شده است؛ و به عبارتی می‌توان گفت در این حوزه واقعاً فقر وجود دارد. چراکه باوجود اینکه صنعت گردشگری ذاتاً پدیده‌ای با پیچیدگی بالاست و در آن بازیگران و ذینفعان مختلفی وجود دارند، ولی تبیین این صنعت در ایران با استفاده از رویکرد سیستمی هنوز به صورت کافی مورد پژوهش نبوده است.

۹. ویژگی‌های پژوهشگران مقالات حوزه گردشگری با رویکرد سیستمی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که غالب پژوهشگرانی که در حوزه ارتباط بین صنعت گردشگری با رویکرد سیستمی به تحقیق پرداخته‌اند، افرادی بودند که در حوزه جغرافیا (برنامه‌ریزی شهری و روستایی) فعالیت دارند. به عبارتی می‌توان گفت نیمی از کسانی که در تحقیقات خود در حوزه گردشگری از رویکرد سیستمی بهره برده‌اند، این افراد هستند. هر چند که بررسی‌های پژوهشگر نشان می‌دهد که در یک دهه اخیر نیز بیشترین پژوهش‌هایی که در ایران در حوزه گردشگری به چاپ رسیده‌اند در مجلاتی بوده است که به نوعی مربوط به جغرافیا و حوزه‌های نزدیک به آن بوده است. درنهایت می‌توان گفت که هم مجلات حوزه جغرافیا و هم محققان رشته‌های جغرافیا در حوزه تحقیقات گردشگری در ایران پیشگام بوده‌اند که این امر در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر نیز صدق می‌کند.

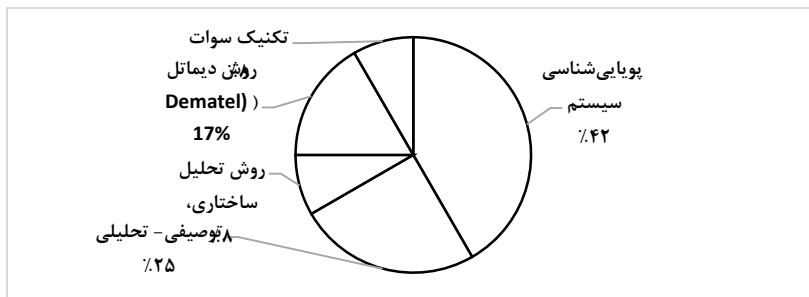
نمودار ۵. رشته تحصیلی پژوهشگران حوزه گردشگری و سیستم



منبع: یافته‌های محقق

۱۰. روش‌شناسی پژوهش‌های حوزه گردشگری و رویکرد سیستمی

بررسی روش‌های استفاده‌شده توسط محققان و پژوهشگران این حوزه نشان می‌دهد که استفاده از روش پویایی‌شناسی سیستم، بیشترین کاربرد را در بین روش‌های مورد استفاده داشته است. این روش با استفاده از سازوکاری که دارد هم روندهای گذشته را را ارزیابی می‌کند و هم با استفاده از داده‌ها و داشته‌های پژوهشگر می‌تواند سناریوهایی را نیز برای آینده پیش‌بینی کند. نکته‌ای که باید بیان نمود این است که پژوهش‌های استفاده‌کننده از این روش، بیشتر صنعت گردشگری در ایران را مورد بررسی قرار داده و فضای کلی حاکم بر آن و پیچیدگی‌ها و ذینفعان آن را شناسایی کرده‌اند. آمار ۴۲ درصد روش پویایی سیستم نشان می‌دهد که پژوهش‌های این حوزه هنوز ورودی به روش‌های دیگری که می‌تواند تبیین‌کننده سیستم گردشگری کشور باشد، نداشته‌اند و فضا برای استفاده از دیگر روش‌ها مانند متدولوژی سیستم‌های نرم و نظریه بازی‌ها و غیره که به نوعی از تحلیل سیستمی استفاده می‌کنند، وجود دارد. نکته‌ای که باید یادآوری کرد اینکه تقریباً در همه پژوهش‌های صورت‌گرفته مصاحبه‌ها یا پرسشنامه‌هایی طراحی شده است که توسط آن با کارشناسان و متخصصان حوزه گردشگری ارتباط برقرار کرده و توانسته‌اند که نظرات بازیگران مختلف را گردآوری و جمع‌بندی نمایند.

نمودار ۶. روش‌شناسی پژوهش‌های حوزه گردشگری و رویکرد سیستمی


منبع: یافته‌های محقق

۱۱. مهمترین کلید واژه‌های تحقیقات گردشگری با رویکرد سیستمی

بررسی تحقیقات گردشگری با رویکرد سیستمی نشان می‌دهد که واژه «سیستم گردشگری» و «نگرش سیستمی» پرکاربردترین واژه‌هایی هستند که در این تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین «پویایی‌های سیستم»، «سیاستگذاری گردشگری» و «گردشگری» از واژه‌هایی هستند که در مراتب بعد قرار دارند. درواقع، می‌توان گفت ترسیم نقشه واژگان مورد استفاده در این پژوهش‌ها، ما را به این مهم رهنمون می‌کند که این پژوهش‌ها چه مسائلی از گردشگری را مدنظر قرار داده‌اند و درواقع استفاده از رویکرد سیستمی و تجزیه و تحلیل صنعت گردشگری با این رویکرد، حول چه موضوعات و مسائلی بوده است. این نقشه هدایتگر این موضوع است که درواقع دغدغه محققان از پرداختن به موضوع گردشگری از دریچه سیستمی چه مواردی را شامل شده و چه اهدافی را دنبال کرده‌اند.

نمودار ۷. مهم‌ترین کلیدواژه‌های تحقیقات گردشگری با رویکرد سیستمی

سیستم گردشگری	پویایی‌های سیستم	سیاستگذاری گردشگری		توسعه گردشگری	عناصر	کلیت	ارتباط متقابل	مدیریت یکپارچه
		گردشگری	نرم‌افزار و نسیم	نهادی فرادست	امکان‌سنجی	گردشگری خارجی ایران	سند چشم‌انداز	اثرات اقتصادی
			شبه‌سازی	گردشگری تاریخی	الزامات زیست‌محیطی	توسعه پایدار	برنامه‌ریزی گردشگری	ریسک
نگرش سیستمی	گردشگری روستایی	عرضه و تقاضا	مدل‌سازی	توسعه گردشگری تاریخی	اثرات اجتماعی فرهنگی	تحلیل محیط	ارزیابی ریسک	تکنیک سوات

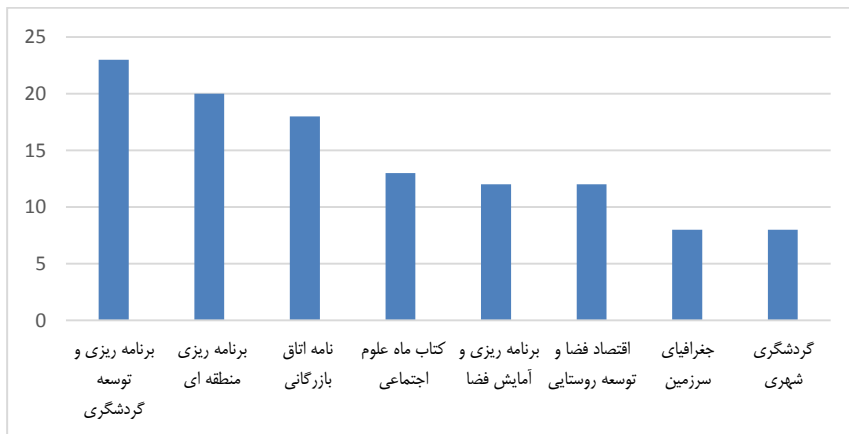
منبع: یافته‌های محقق

۱۲. وضعیت مجلات در ارتباط با استفاده مقالات از واژه گردشگری و

رویکرد سیستمی

در بررسی‌های محقق از وضعیت کاربرد واژه «گردشگری و رویکرد سیستمی» مشخص شد که تعداد ۴۹۸ متن از مقالات از این واژه یا تشابهات آن استفاده کرده‌اند و ۸ مجله اصلی که بیشترین استفاده از این واژه را داشته‌اند، مشخص شد. پس از گروه جغرافیا که در تعداد مقالات در حوزه گردشگری و همچنین سیستم گردشگری سرآمد است مجلاتی که در گروه علوم اجتماعی، اقتصاد و مدیریت منتشر شده‌اند، رتبه‌های بعدی را دارند. این را می‌توان ناشی از این امر دانست که گردشگری در ساختار آکادمیک کشور در دانشگاه‌های مختلف زیرمجموعه دانشکده‌ها و گروه‌های گوناگونی تأسیس و تشکیل شده است و به گردشگری از دریچه‌های متفاوتی پرداخته شده است. باید توجه کرد که دانش حوزه گردشگری در کشور بسیار نوپا و سطحی است و هنوز بسیاری از تولیدات علمی در این حوزه زایش درونی نبوده و جوابگو و حل‌کننده‌ها مسائل گردشگری ایران نیستند. از طرف دیگر، غالب مجلات حوزه گردشگری نیز توسط افرادی اداره می‌شود که به نوعی تخصصی با یکی از شاخه‌های علم جغرافیا ارتباط دارند.

نمودار ۸. مهم‌ترین مجلات در استفاده از واژه «گردشگری و رویکرد سیستمی»



منبع: یافته‌های محقق

نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی جهت‌گیری و جریان پژوهش‌های هر رشته گویای مسائل ذهنی، پارادایم‌ها و روش‌هایی است که پژوهشگران آن حوزه به آن پرداخته‌اند و نشان‌دهنده روندها و سطوح دانش تولیدی در آن رشته است.

نگاه سیستمی به پدیده‌ای مانند گردشگری با ویژگی‌های چندوجهی و بازیگران و ذینفعان مختلف می‌تواند ابعاد این حوزه را شفاف‌تر نماید. با وجود سابقه بسیار زیاد استفاده از رویکرد سیستمی در تجزیه و تحلیل پدیده گردشگری در کشورهای توسعه‌یافته در این صنعت، اما همچنان در کشور ما ضعف بسیار زیادی در این امر ملاحظه می‌شود. غالب پژوهش‌های صورت‌گرفته در کشور، در حوزه گردشگری و رویکرد سیستمی در سطح محلی بوده و منجر به گزاره راهبردی قابل اجرا نشده است. هرچند می‌توان گفت که ضعف پرداختن با رویکرد سیستمی مختص حوزه گردشگری نیست، با این وجود دانش تولیدی در این حوزه با رویکرد سیستمی بسیار ضعف دارد. عدم ورود دانشگاه‌های معتبر در مقاطع تحصیلات تکمیلی یکی از عواملی است که حرکت به سمت تولیدات علمی با این رویکرد را کند کرده است. پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه از مبانی و چارچوب نظری ضعیفی برخوردار بوده و نتوانسته‌اند با نگاه علمی و تحلیلی صحیح به شناسایی بازیگران مختلف این صنعت در سطح کلان بپردازند. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد محققانی که به پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند از پایه دانشی جغرافیا بهره‌مند بوده‌اند و این امر هم می‌تواند از دلایلی باشد که منجر به عدم تولید دانش علمی دقیق حوزه گردشگری با رویکرد سیستمی باشد.

با وجود اینکه بسیاری از پژوهش‌ها به سیستم گردشگری اشاره نموده‌اند و اذعان کرده‌اند که این پدیده نیازمند یک بررسی سیستمی است، ولی پژوهش‌های صورت‌گرفته نتوانسته‌اند بازیگران این حوزه را شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل نمایند. صنعت گردشگری به واسطه بین‌بخشی بودن تصمیمات و سیاست‌گذاری‌هایش نیازمند فهم دقیق از قدرت و اثرگذاری بازیگران مختلف آن

دارد. وجود این حجم از بازیگران و هماهنگی بین آن‌ها برای توسعه شاید در هیچ‌یک از حوزه‌های دیگر ضرورت نداشته باشد، اما این امر در توسعه صنعت گردشگری یک ضرورت و الزام است.

از جهتی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد گونه‌های مختلف گردشگری مانند گردشگری فرهنگی - تاریخی، گردشگری طبیعی، گردشگری سلامت، گردشگری تفریحی و ورزشی و... بازیگران مختلف و متفاوتی دارند و بسته به اینکه کدام یک از گونه‌های گردشگری با دیدگاه سیستمی بررسی و ارزیابی شود، می‌تواند نتایج متفاوتی را دربر داشته باشد. تحلیل پژوهش‌های صورت گرفته هم در سطح ملی و هم محلی نشان از تشابه راهکارهای ارائه شده دارد. به عنوان مثال، «بازاریابی گردشگری» یکی از توصیه و راهبردهای پیشنهادی در غالب این پروژه‌ها است؛ همچنین اکثر پیشنهادها ارائه شده سیاست کلی هستند نه راهکار اجرایی و پشتوانه آن‌ها نیز عموماً مباحث نظری است تا تجربی.

در نهایت می‌توان این گونه بیان کرد که آثار علمی در حوزه گردشگری با رویکرد سیستمی هنوز هویت دانشی پیدا نکرده و نتوانسته است در میان تحقیقات مرتبط با گردشگری برای خود جایگاهی داشته باشد. از طرفی هنوز مجله تخصصی در کشور با این رویکرد وجود نداشته که بتواند آثاری که در حوزه‌های مختلف با این رویکرد نگاشته می‌شوند، را منتشر کند. همچنین هنوز بررسی گردشگری با رویکرد سیستمی نتوانسته است به عنوان یکی از سرفصل‌های آموزشی این رشته در مقاطع مختلف قرار گیرد و ضعف پرداختن به این حوزه و صنعت با دید سیستمی ادامه دار خواهد بود. از طرف دیگر نیز، هیچ‌کدام از دستگاه‌ها و نهادهای مسئول در امر گردشگری تاکنون به اهمیت پرداختن به این صنعت با رویکرد سیستمی پی نبرده‌اند و تقاضایی از جانب آن‌ها صورت نگرفته است؛ چراکه بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پروژه‌ای با این رویکرد توسط هیچ‌یک از نهادهای درگیر در امر گردشگری سفارش داده نشده یا به انجام نرسیده است.

پیشنهاد نگارندگان بر این است که اساتید، محققان و پژوهشگران حوزه

گردشگری با قرار دادن این رویکرد در محور تحقیقات خود به تولید ادبیات و دانش روز همت گمارند و جنس پژوهش‌ها ناظر به مسائل اصلی گردشگری در سطح ملی و سیاستگذاری کلان باشد تا بتوان به ترسیم محیط کلان و نظام حاکم بر این صنعت پرداخت. از طرف دیگر، نهادهای درگیر در امر گردشگری مانند سازمان متولی این امر در کشور، هم مسیری را هموار نمایند تا محققان بیشتری ترغیب گردند که با استفاده از این رویکرد به چاره‌جویی برای حل مسائل و مشکلات این حوزه به تحقیق و پژوهش بپردازند.

منابع

- اسعدی، میرمحمد و سعید سعیدا اردکانی (۱۳۹۴). «ارائه مدلی پویا جهت توسعه گردشگری تاریخی (مورد مطالعه: استان یزد)»، *کاوش‌های مدیریت بازرگانی*، سال هفتم، شماره ۱۴.
- اسفندیارپور بروجنی، سیما (۱۳۹۲). «مدل‌سازی پویایی‌های صنعت گردشگری ایران جهت ارائه راهکارها و استراتژی‌های توسعه و تأثیر آن بر امنیت ملی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مالک اشتر.
- بستان، زهرا، مژگان عظیمی‌هاشمی، حسین میرزایی و هادی اصغری (۱۳۹۶). «مرور نظام‌مند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گردشگری در ایران»، *میراث و گردشگری*، سال دوم، شماره ۵، ۱۸۸-۱۶۷.
- بیات، ناصر، سیدعلی بدری، محمدرضا رضوانی و حسنعلی فرجی‌سبکیار (۱۳۹۲). «مطالعات گردشگری روستایی در ایران: ارزیابی تحلیلی اسنادی از مقالات انتشاریافته فارسی»، *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، شماره ۶، ۱۲۸-۱۰۹.
- رضوانی محمدرضا و مهرنوش مرادی (۱۳۹۱). «امکان‌سنجی توسعه گردشگری با رویکرد سیستمی در روستاهای حاشیه کویر میقان اراک»، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال اول، شماره ۲، ۴۰-۱۵.
- سخی، آسیه (۱۳۹۰). «شناسایی اجزای نظام گردشگری ایران جمهوری اسلامی ایران و تعیین اثرات متقابل آن‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سمیعی سحر و مریم‌سادات غیاثیان (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان مدیران و نخبگان کشور درباره صنعت گردشگری در ایران»، *مطالعات مدیریت گردشگری*، سال دهم، شماره ۳۱، ۱۸-۱.
- صمدی، علی حسین، علی نقی مصلح شیرازی و آناهیتا روحی (۱۳۹۱). «طراحی یک مدل دینامیک برای صنعت گردشگری در ایران با استفاده از رویکرد پویایی‌شناسی سیستم برای افق ایران ۱۴۰۴»، *مدلسازی اقتصادی*، سال ششم، شماره ۱، ۸۹-۶۵.
- ضیایی، محمود و مژگان تراب‌احمدی (۱۳۹۱). *شناخت صنعت گردشگری با رویکرد سیستمی*، تهران: علوم اجتماعی.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان، زهرا بستان و هادی اصغری (۱۳۹۶). «مرور نظام‌مند مقالات

- پژوهشی در حوزه مطالعات اجتماعی گردشگری شواهدی از تحلیل محتوای نشریات علمی پژوهشی کشور»، *مطالعات اجتماعی گردشگری*، سال پنجم، شماره ۹، ۵۷-۹۵.
- علی محمدزاده، خلیل، سیده فاطمه محبی و طاهره لباف (۱۳۹۲). «مرور نظام مند سه دهه مقالات پژوهشی و راهبردهای مدیریت سلامت جمعیت «علل سزارین»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال شانزدهم، شماره ۶۱، ۵۷-۷.
- قاسمی، محمد (۱۳۹۰). «گردشگری به عنوان یک سیستم (نمونه: مشهد)»، *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، سال نهم، شماره ۱۷، ۱-۳۵.
- کلانتری عبدالحسین، پیام روشنفکر و جلوه جواهری (۱۳۹۰). «مرور سه دهه تحقیقات «علل طلاق» در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهارم، شماره ۵۳، ۱۶۲-۱۲۹.
- محمدی سعدی، بدریه تابا و سیوان اسدی (۱۳۹۶). «نگرش سیستمی در گسترش گردشگری با تاکید بر مناطق روستای هدف گردشگری در استان کردستان»، *فضای گردشگری*، سال ششم، شماره ۲۲، ۶۱-۸۶.
- مرعشی، سیدجعفر، وحیده بلیغ و علی غیاث‌آبادی (۱۳۹۱). *تفکر سیستمی و ارزیابی کارآمدی آن در مدیریت جامعه و سازمان*، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- موسوی میرنجف، مهدی عبدالله‌زاده، امید زینالپور و علی باقری‌کشکولی (۱۳۹۵). «ارائه یک مدل تحلیل محیط با رویکرد سیستمی در برنامه‌ریزی گردشگری (مطالعه موردی: شهرستان ماکو)»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، سال چهل‌وهشتم، شماره ۱، ۱-۱۸.
- Chloe Shinae Kim, Blake Hui Bai, Peter Beomcheol Kim, KayeChon (2018). "Review of reviews: A systematic analysis of review papers in the hospitality and tourism literature", *International Journal of Hospitality Management*, Vol.70, 49-58.
- David Gough, Sandy Oliver, James Thomas (2017), *An Introduction to Systematic Reviews*, SAGE.
- Elaine Chiao LingYang, CatherynKhoo-Lattimore, Charles Arcodia, (2017). "A systematic literature review of risk and gender research in tourism", *Tourism Management*, Vol.58, 89-100.
- Glass, Gene V; McGaw, Barry; & Smith, Mary Lee (1981). *Metaanalysis in Social Research*, Beverly Hills, CA: SAGE.
- Goeldner, C. R. & Ritchie J. R. (2009). *Tourism Principles, Practices, Philosophies*, JOHN WILEY & SONS, INC.
- Gomezelj, D. O. (2016). "A systematic review of research on innovation in hospitality and tourism", *International Journal of Contemporary*

- Hospitality Management*, Vol.28, Issue.3, 516-558.
- Guilherme Lohmann, Alexandre Panosso Netto (2016). *Tourism Theory: Concepts, Models and Systems*, illustrated, CABI.
- Holden, Andrew. (2008). *Environment and Tourism*, Second Edition, Routledge
- Julia H. Littell, Jacqueline Corcoran, Vijayan Pillai (2008). *Systematic Reviews and Meta-Analysis*, illustrated, Oxford University Press, USA.
- Kenneth D. (1996). *Statistical Methods in Education & Psychology*, Third Edition, Boston: Allyn & Bacon.
- Rob Law, Sunny Sun, Davis Ka Chio Fong, Lawrence Hoc Nang Fong, Hui Fu, (2016). "A systematic review of China's outbound tourism research", *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, Vol.28, Issue.12, 2654-2674.
- Scott, N. Cooper, N. S. R. B. C. & Baggio, R. (2008). *Network analysis and tourism: From Theory theory to practice*, Channel View Publications.
- Torgerson, C. (2003). *Systematic Reviews (Continuum Research Methods)*, illustrated, A&C Black.
- Virtanen, H. and Björk, P. (2005). "What tourism project managers need to know about co-operation facilitators", *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*, Vol.5, No.3, 212-230.

طراحی مدل تحول نظام اداری ایران از منظر خطمشی‌های فرهنگی

سیداحمد حسینی گل‌افشانی*

فتاح شریف‌زاده**

جمشید صالحی صدقیانی***

مهدی وکیل‌پور****

چکیده

نظام اداری ابزاری اساسی در پیشبرد اهداف و آرمان‌های مورد نظر نظام جمهوری اسلامی ایران است. لذا شاهد آن هستیم که با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، اسناد بالادستی و سیاستگذاری کشور شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلان ابلاغی و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل هستند و جهت‌گیری کلی آن‌ها به‌سوی نقطه مطلوب و تعالی نظام اداری است. هدف اصلی پژوهش، طراحی مدلی برای تحول نظام اداری از منظر خطمشی‌های فرهنگی است. پژوهش حاضر برحسب هدف از نوع تحقیقات توسعه‌ای و برحسب نتیجه از نوع کاربردی است. جامعه آماری پژوهش را خبرگان علمی و اجرایی کشور تشکیل داده‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری شبکه‌ای، هیئت خبرگان علمی ۱۴ نفر و هیئت خبرگان اجرایی ۱۶ نفر تعیین شد. در ادامه با انجام روش دلفی در سه مرحله با تعیین فراوانی پاسخ‌های جمع‌آوری‌شده، ابعاد و شاخص‌های تحول نظام اداری از منظر خطمشی‌های فرهنگی شامل ابعاد مؤثر بر تحول نظام اداری (فرهنگی، سیاسی، اداری و اقتصادی)، اجزای نظام اداری (مدیریتی، سیاسی، قانونی و حرفه‌ای)، سطوح نظام اداری (فردی، سازمانی و فراسازمانی)، فرایندهای تحول (ساختار، ارزش‌ها، کارکردها و منابع انسانی) و رویکرد دولت‌ها در مواجهه با تحول (یادگیری، رقابت و تقلید) شناسایی شد.

واژه‌های کلیدی: نظام اداری، تحول نظام اداری، خطمشی‌گذاری، خطمشی فرهنگی

* استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)

Sa_hosseini@azad.ac.ir

F_sharifzade@azad.ac.ir

Salehisedghyani@srbiau.ac.ir

Mahdi.vakil@gmail.com

** استاد گروه مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی

*** استاد گروه مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی

**** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۷

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نودویک، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۶۶-۱۴۱

مقدمه

نقطه مطلوب نظام اداری جمهوری اسلامی در اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران و قانون مدیریت خدمات کشوری ترسیم شده است. در این اسناد، بیان شده که نظام اداری جمهوری اسلامی باید سازمانی انسانی، اسلامی، کارآمد، عدالت‌محور، چابک و چالاک، نوآور، خدمتگزار به مردم و مسئولیت‌پذیر شود. اگرچه نظام اداری روند تکاملی خود را طی کرده است، اما از دهه ۱۹۷۰ میلادی در کشورهای مختلف «اصلاح نظام اداری و بهبود مدیریت» به‌عنوان یک هدف و پیش‌نیاز توسعه مطرح شده و در طول دهه ۱۹۹۰ میلادی، تأکید بر خارج‌شدن از شکل سنتی مدیریت دولتی و حرکت به سمت مدیریت دولتی جدید معطوف شده بود (مایر، ۲۰۰۰: ۵۳۴) و رویداد جهانی بزرگی در مدیریت بخش دولتی به وقوع پیوست و آن حرکت از پارادایم سنتی مدیریت دولتی به پارادایم جدید مدیریتی بوده است (گرامبرگ، ۲۰۰۰: ۴۷۶).

در متون مدیریت دولتی، تحول با مفاهیم گوناگون مطرح شده است که از بهبود و اصلاح مختصر تا مهندسی مجدد نظام اداری در چارچوب تحقق هدف‌های گوناگون از اثربخش‌سازی نظام اداری تا ارتقاء کارایی و سرعت عمل در خدمت‌رسانی عمومی تا انقلاب اداری در راستای انقلاب یا تحولات عمده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی را می‌تواند شامل شود (رضایی و شادالویی، ۱۳۹۲: ۱). رسالت دولت در قبال فرهنگ که خود را عمدتاً به شکل خط‌مشی‌گذاری نشان می‌دهد از یک‌سو و تعهد نظام جمهوری اسلامی به

آموزه‌های شرع مقدس اسلام از سوی دیگر، ضرورت بررسی و نحوه تعامل آموزه‌های اسلامی با فرهنگ و فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را دوچندان می‌سازد. حرکت رو به رشد و بالنده انقلاب اسلامی در ارائه الگویی بی‌بدیل از مدیریت سازمان‌های کارآمد و بهره‌وری در گرو تأکید و ارج نهادن به مؤلفه‌های فرهنگی است که ریشه در آموزه‌های متعالی دین مبین اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی دارد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۳).

نظام اداری هر کشوری باید با توجه به جنبه‌های بارز فرهنگی همان جامعه بررسی شود، زیرا این نظام در بستر فرهنگی همان جامعه توسعه می‌یابد (ریگز ۱۹۸۰؛ هدی، ۲۰۰۱ و الوانی، ۱۳۸۸). همچنان‌که فرهنگ هر جامعه به بهبود نظام اداری و توسعه کشور کمک می‌کند، می‌تواند مانعی برای بهبود و توسعه عملکرد سازمان‌های دولتی نیز باشد (هارونا، ۲۰۰۸: ۱۴۳) در پژوهش پیش‌رو مدل تحول نظام اداری ایران را از منظر خط‌مشی‌ها و سیاست‌های فرهنگی موجود مورد بررسی قرار دادیم. بنابراین، در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش هستیم که مدل تحول نظام اداری در ایران از منظر خط‌مشی فرهنگی، چگونه مدلی است؟

پرسش‌های تحقیق

- مدل تحول نظام اداری در ایران از منظر خط‌مشی فرهنگی، چگونه مدلی است؟
- عناصر و ابعاد تشکیل‌دهنده مدل تحول نظام اداری ایران کدامند؟
- خط‌مشی‌های فرهنگی چه تأثیری بر مدل تحول نظام اداری ایران دارند؟

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. پیشینه و سوابق پژوهش

مطالعاتی که تاکنون پیرامون تحول نظام اداری انجام پذیرفته، متعدد و متنوع است. در اینجا تلاش می‌شود تا از منظر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی به موضوع تحول نظام اداری پرداخته شود و تا حد امکان در این جهت گامی جدید برداشته شود.

- شریف‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی

خط‌مشی‌های فرهنگی مراکز استانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» انجام دادند. در این پژوهش با استفاده از مدل‌های مختلف خط‌مشی‌گذاری و به کمک شاخص‌هایی که از مدل‌های مورد تأکید استادان دانشگاهی مرتبط با رسانه، علوم ارتباطات و همچنین کارشناسان رسانه به دست می‌آید، الگوی خط‌مشی فرهنگی مراکز استانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران حاصل می‌شود؛ سپس با استفاده از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی شاخص‌های مدل ایجادشده اولویت‌بندی می‌شوند. در ادامه با روش دلفی در چند مرحله با تعیین فراوانی پاسخ‌های جمع‌آوری‌شده، عوامل آسیب‌فرایند جاری خط‌مشی‌های فرهنگی مراکز صداوسیما شناسایی می‌شود. نتایج روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی نشان داد که «توجه نکردن به دستیابی و دریافت اطلاعات مرتبط با مراکز صداوسیما» توسط معاونت مجلس و استان‌های صداوسیما، در زمان تدوین خط‌مشی‌های فرهنگی برای مراکز، مهم‌ترین آسیب است.

- محمدی و دیگران (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «طراحی و تبیین الگوی اثربخش نظام اداری ایران» انجام دادند. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار مصاحبه و روش دلفی به منظور شناسایی و کسب نظر خبرگان بهره‌برده شده است. نتایج بیان‌کننده آن است که بین وضع موجود و مطلوب ابعاد مدیریتی، حرفه‌ای و سیاسی، اختلاف معناداری وجود دارد و بین وضع موجود و مطلوب بعد قانونی، اختلاف معناداری مشاهده نمی‌شود.

- بارانی و دیگران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «موانع تحول نظام اداری ایران: مطالعه‌ای در فرهنگ سازمانی» بر فرهنگ اداری به‌عنوان بستر تحولات توجه کرده‌اند. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی موانع تحول اداری از منظر فرهنگ اداری است. بر اساس یافته‌های تحقیق، ۱۰۰ مانع در قالب یازده دسته از موانع در سه سطح فردی، سازمانی و فراسازمانی شناسایی شدند.

- درخشه و اسماعیلی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران» می‌کوشند ضمن توضیح مفاهیم سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری فرهنگی و سیاست‌گذاری بین‌المللی با

مرور پیشینه این مقوله در جمهوری اسلامی ایران، اسناد مربوط به آن را در دو قالب کلان و خرد بررسی کرده و با تبیین گفتمان‌های حاکم بر سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، موضوع سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان پرسش اصلی مقاله مورد مذاقه و واکاوی قرار دهند. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که داده‌های آن از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی و مدارک علمی استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

- ایون گی یون (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ و نام اداری در شرق آسیا، اروپا و آمریکا: تحول نظام اداری از طریق فرهنگ‌های متقابل آمیخته در کشور کره جنوبی» ارتباط و شبکه‌ای که میان فرهنگ و نظام اداری در کشورهای شرق آسیا، اروپا و ایالات متحده وجود دارد را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس این پژوهش، تحول دارای یک زمینه دموکراتیک فرهنگی است که علاقه‌مند به توسعه احساس همبستگی، انسجام فردی و مانعی در برابر فساد اداری است.

- راول تامکو^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «اصلاحات یک دولت در حال شکل‌گیری: درس‌هایی از دو دهه اصلاحات نظام اداری در کامرون» رابطه پویای میان نتایج اصلاحات نظام اداری را از طریق تجزیه و تحلیل مکانیسم‌ها و فرایندهایی که از اواخر دهه ۱۹۸۰ تاکنون منجر به اصلاحات اداری شده، مورد مطالعه قرار داده است. بنابراین، اصلاحات اداری در طول این سال‌ها به‌عنوان یک دانش تخصصی و چارچوبی عینی برای اقدامات عمومی شناخته شده است. همچنین اصلاحات اداری به دلیل نمود بیرونی آن به‌عنوان یک هنر اقدام نیز شناخته می‌شود.

۲. نظام اداری^۳

نظام اداری به مجموعه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی اطلاق می‌شود که خدمات و کالاهای عمومی را ارائه می‌دهند (صالحی‌امیری و شادالویی، ۱۳۹۲):

-
1. Eun Gee Yun
 2. Raoul Tamekou
 3. Administrative

۱۱-۱). نقش نظام اداری در ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تأثیر آن در تحقق اهداف نظام‌های کلان جامعه به‌اندازه‌ای تعیین‌کننده است که بدون طراحی یک نظام اداری منطقی و کارآمد، دستیابی به اهداف مزبور عملی نیست (اکبری و دیگران، ۱۳۸۶). در واقع، نظام اداری به‌منزله بازوی اجرایی نظام سیاسی هر جامعه است که کارکردهای درست آن می‌تواند پویایی و بالندگی نظام، ضعف و عملکردهای نادرست آن موجب بدبینی، سلب مشروعیت و بعضاً فروپاشی نظام حاکم شود (امامعلی‌زاده، ۱۳۹۱). شناخت دقیق نظام اداری، اصول و مبانی جامعه و شرایط محیطی و داخلی حاکم بر آن می‌تواند ما را در تبیین اهداف مرحله‌ای و راهبردهای آن و نیز تدوین برنامه‌های اجرایی کمک کند و زمینه تحقق اصلاح نظام اداری را فراهم کند (مشبکی و جمالی، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۹).

۲-۱. تحول نظام اداری^۱

تحول اداری یعنی آماده‌سازی نظام اداری برای تحول، ایجاد بستر مناسب برای تحقق برنامه‌های تحول اداری، انجام اصلاحات ضروری به‌منظور پیراستن نظام اداری از عوامل بازدارنده (محمدزاده، ۱۳۷۴). تحول اداری فرایندهای متعددی همچون مشارکت عمومی کارکنان، اصلاح ساختارهای اداری، تناسب وظایف و اختیارات، توانمندسازی کارکنان و مدیران، پاسخگویی دولتمردان در مقابل شهروندان، نظارت بر نظام اداری و توسعه شیوه‌های اطلاعاتی و... را دنبال می‌کند. با این حال، علی‌رغم تلاش‌های فراوانی که در جهت تحول اداری صورت پذیرفته است، وضعیت و عملکرد ادارات از نظر مسئولان، کارمندان و درنهایت مردم مطلوب نیست (سلطانی، ۱۳۸۶). تحول اداری، استقرار فناوری نوین، تغییر بنیادی راهبردها، مهندسی مجدد فرایندها، بازسازی سازمان در چارچوب یک ساختار متفاوت، اقدام کلان به بهبود نوآوری‌های ادغام تملک، تغییر فرهنگ و نظایر آن در نظام اداری است (کاتر و کوهن، ۱۳۸۵: ۱۱). در تعریف دیگری، تحول اداری انجام اقداماتی برای اثربخش‌تر ساختن بوروکراسی از طریق شفافیت و پاسخگویی

به نیازها و درخواست‌های عموم است (نشکوا و کوستادینوا، ۲۰۱۲: ۳۲۴-۳۳۳).

۲-۲. وضعیت موجود نظام اداری ایران

بهره‌وری دولت در ایران بر اساس آمار و داده‌های موجود در وضعیت رضایت‌بخشی نیست. نتایج گزارش رشد بهره‌وری کل عوامل تولید که در سال ۲۰۰۳ از سوی سازمان بهره‌وری آسیایی انجام شده و به ترتیب رشد تولید ناخالص داخلی، رشد بهره‌وری کل عوامل و سهم رشد بهره‌وری کل عوامل از رشد تولید را در کشورهای شرکت‌کننده بررسی کرده است (قلی‌پور، ۱۳۹۲)، نشان می‌دهد سهم نیروی انسانی در فرایند بهره‌وری بسیار بالاست. اما به‌رغم تأکید در سیاستگذاری‌ها، عملکرد بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر نشان داده است که توان بالقوه نیروی کار در فرایند تولید استفاده نشده و رشد زیادی نداشته است.

مهم‌ترین و عمده‌ترین عوامل کاهش بهره‌وری منابع انسانی، نامتوازن بودن درآمد و هزینه نیروی کار است؛ یعنی همان عاملی که مهم‌ترین نقش را برای ایجاد انگیزه در نیروی کار ایفا می‌کند. مدیریت مشارکتی عامل دیگر در بهره‌وری است (قلی‌پور، ۶۱۸: ۱۳۹۴-۵۹۵). مرکز نوسازی و تحول اداری معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی در مهرماه سال ۱۳۸۷ در گزارش خود با عنوان «طرح استقرار نظام مدیریت بهره‌وری در استان‌ها» مسائل زیر را به‌عنوان مسائل اساسی کشور در زمینه بهره‌وری برمی‌شمارد:

- رانت‌های اقتصادی و وضعیت نامناسب برای افزایش رقابت‌پذیری در کشور؛
- برخوردار نبودن از نظام ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی بر مبنای عملکرد شاخص‌های بهره‌وری در بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی و در نتیجه نامناسب بودن موقعیت برای شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران؛
- ناامنی وضعیت برای سرمایه‌گذاری؛
- کارایی پایین در بهره‌وری از منابع و ثروت ملی؛
- نهادینه‌نشدن فرهنگ بهره‌وری؛
- وابستگی درآمد ارزی کشور به صادرات نفت خام؛
- ضعف نظام تولید آمار به‌منظور فراهم آوردن زمینه اطلاعاتی مناسب برای

محاسبه شاخص‌های بهره‌وری؛

در همین راستا ویژگی‌ها و خصوصیات نظام اداری در وضع موجود به صورت زیر تبیین شده بود که عبارتند از:

- بخشی‌نگر و درون‌گرا؛
- روزمره‌مدار و نزدیک‌بین؛
- تحول‌گریز و محافظه‌کار؛
- مشارکت‌ناپذیر، خودمحور و افزون‌طلب؛
- تجربه‌گرا، سنتی و دانش‌گریز؛
- بی‌نظم و ناهماهنگ؛
- مداخله‌گر، مجری، رقابت‌ناپذیر و دولت‌مدار؛
- تعهدپذیر و اخلاق‌گرا؛
- بالقوه توانمند و مستعد تحول (گزارش برنامه تحول در نظام اداری کشور، ۱۳۸۳: ۲۶).

۲-۳. جایگاه مطلوب و مورد انتظار نظام اداری جمهوری اسلامی ایران

در کشور ایران با ظهور انقلاب اسلامی، گام‌های اولیه تحولات در بخش دولتی و نظام اداری کشور توسط شورای انقلاب برداشته شد. با بروز جنگ تحمیلی، نظام دیوان‌سالاری ایران به ناچار به سمت تمرکز بیشتر رانده شد. این فرایند دخالتی، نظام بوروکراسی را به سمت تمرکزگرایی و گسترش سهم بودجه عمومی دولت سوق داد و هر روز سهم بودجه‌های عمرانی به نفع بودجه جاری گرایش پیدا می‌کرد. این گرایش افراطی ادامه یافت و انجام مأموریت‌های دولت را بیشتر کرد و عملکرد آن را با ناکارآمدی روبه‌رو ساخت و ضرورت تحول را در نظام دیوان‌سالاری از هر جهت ضروری‌تر نمود (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۹۱). هم‌زمان با این تحولات، تهیه سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و صدر آن، شرایط جدیدی را برای حرکت تحولی فراروی سیاستمداران، برنامه‌ریزان و مدیران قرار داد. ۱۰ برنامه تحول اداری با توجه به احکام قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برنامه توسعه پنجم، سیاست‌های کلی اصل ۴۴،

به‌ویژه سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی مقام معظم رهبری، بنیادی مستحکم‌تر از تحول سازمانی را در عرصه‌های اقتصادی و مدیریتی، ضروری نمود. در کنار همه برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین حاکم در کشور برای تحول و بهبود نظام اداری، یک رویکرد مناسب و اثربخش برای تعالی سازمانی، به‌کارگیری الگوهای تعالی سازمانی است. به‌منظور طراحی الگوی تعالی سازمانی، عوامل زمینه‌ای حاکم بر کشور در چهار حوزه زیر دسته‌بندی شده است:

- (۱) سیاست‌های کلی نظام اداری کشور؛
- (۲) برنامه‌های تحول نظام اداری کشور؛
- (۳) قانون مدیریت خدمات کشوری؛
- (۴) سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور (رونق، ۱۳۹۰: ۵).

۲-۴. دولت یکپارچه الکترونیک

دولتمردان برای ارائه خدمات با کیفیت بهتر که بر مشروعیت‌بخشی به دولت به‌عنوان اساسی‌ترین عامل بقای دولت و کسب اعتماد بیشتر مردم به دولت است، درصدد بهره‌مندی از فناوری ارتباطات و اطلاعات در فرایندهای دولت برآمدند که درنهایت منجر به ظهور شکل جدیدی از دولت با عنوان دولت الکترونیکی شد (قلی‌پور، ۱۳۸۷). دولت الکترونیک عبارت است از متحول‌کردن حکومت و فرایند کشورداری از طریق دسترس‌تر، کارآمدتر، پاسخگوکردن آن، ارائه اطلاعات و خدمات به شهروندان و سایر نهادهای دولتی با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (مکیتاش، ۲۰۱۴: ۴۱۹-۴۰۶).

۳. محورهای مطالعه خط‌مشی عمومی

مطالعات در زمینه خط‌مشی‌های عمومی بر محور دو زمینه اساسی انجام می‌گیرد:

(الف) تجزیه و تحلیل خط‌مشی: در این نگرش تأکید بر محتوای خط‌مشی‌ها و کیفیت خط‌مشی‌هایی است که از سوی نظام حکومتی برقرار می‌شود.

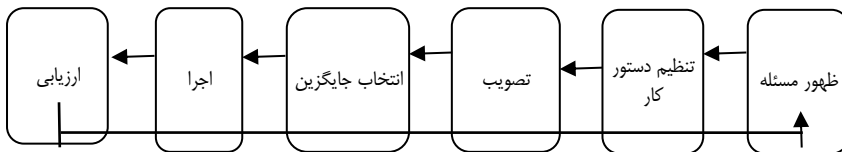
(ب) فرایند خط‌مشی: این نگرش بر فرایند تدوین، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌ها تأکید دارد و عناصر تأثیرگذار بر خط‌مشی‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد (الوانی و

صرافی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۱۹). البته در حال حاضر محور ارزیابی خط‌مشی را به‌تنهایی محور سوم در مطالعات خط‌مشی مطرح می‌کنند (دانایی‌فرد، ۱۳۹۲).

۳-۱. فرایند خط‌مشی

برخلاف تعدد در تعریف خط‌مشی، فرایند مربوط به آن از اجماع نسبی بین صاحب‌نظران برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که برای فرایند خط‌مشی، مراحل شش‌گانه‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهند. این اتفاق نظر تا جایی است که بریکلند نیز که نگاه سیستمی به فرایند خط‌مشی‌گذاری دارد و به‌نوبه خود دیدگاه بسیار متمایزی را مطرح می‌کند، در تبیین مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری همان سیر متداولی را مطرح می‌کند که سایر صاحب‌نظران بر آن اتفاق نظر دارند (بریکلند، ۲۰۱۵: ۲۶). کلیات فرایند خط‌مشی‌گذاری در شکل ۱ به نمایش درآمده است.

شکل ۱. مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری



بریکلند، ۲۰۱۵: ۲۶

۳-۲. خط‌مشی‌های فرهنگی^۱

خط‌مشی فرهنگی به معنای عام و عرفی، مجموعه‌ای از اهداف، مبانی، اصول، اولویت‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی را شامل می‌شود (اصول سیاست فرهنگی، ۱۳۷۱). اما واقعیت این است که تفکیک عرصه‌های مختلف خط‌مشی‌گذاری اگر ناممکن باشد، بسیار دشوار است. فرهنگ، بُعدی از ابعاد واقعیت اجتماعی است و خط‌مشی عمومی از آنجاکه به واقعیت‌های اجتماعی مربوط می‌شود دارای بعد فرهنگی است، اما وابسته به موضوعات مختلف این بعد فرهنگی می‌تواند پررنگ‌تر یا کم‌رنگ‌تر شود (خنیفر و آقداغی، ۱۳۹۴: ۴۵). سیاست‌گذاری فرهنگی

در یک جامعه دینی به آن دسته از اقدامات و تصمیمات حاکمیت اطلاق می‌شود که به دنبال فرهنگ جامعه یعنی تعالی باورها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد جامعه از طریق پیاده‌سازی آموزه‌های دینی است (باقری‌فرد، ۱۳۹۵: ۳۶). در تعریفی دیگر ادگار و سدگویک، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی‌شده‌ای معرفی می‌کنند که بر نوع عملکرد یک نهاد اجتماعی در امور فرهنگی استیلا دارد (ادگار و سدگویک به نقل از غلامرضا کاشی، ۱۳۸۲: ۵۴). ویژگی فرهنگی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، وجه تمایز آن با دیگر انقلاب‌های مشابه بوده و بر این اساس، سیاست‌گذاری فرهنگی (از مجموعه علوم سیاست‌گذاری) که یکی از شاخه‌های علوم سیاسی است (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۵).

۴. مستندسازی عناصر و ابعاد تحول نظام اداری

ضرورت اصلاح و ایجاد تحول در نظام اداری کشور به‌عنوان ابزار تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی از مواردی است که پس از انقلاب اسلامی مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. از این‌رو، با توجه به ادبیات گردآوری شده و مطالعه مدل‌های مختلف در قالب جدول ۱، مستندسازی عناصر و ابعاد تحول نظام اداری به‌قرار زیر صورت گرفته است.

جدول ۱. مستندسازی عناصر و ابعاد تحول نظام اداری

منبع	شاخص‌ها	ابعاد	تحول اداری
پیلای (۲۰۰۸)، راسچلدز (۲۰۱۱)	ویژگی‌های خاص فرهنگی	ابعاد فرهنگی و اجتماعی	از منظر ابعاد مؤثر
کریستنسن و لاگرید (۱۹۹۹)، آیون و موئرو (۲۰۰۸)	هنجارها و قوانین غالب		
ادونل و بویل (۲۰۰۸)، بروئر و همکاران (۲۰۱۳)، کیلیان و اکلاند (۲۰۰۸)، فدرستون (۲۰۱۴)	فرهنگ‌سازمانی و رفتار عوامل انسانی		
سرکار (۲۰۰۶)، صائبی و پسران قادر (۱۳۷۵)	اهتمام رهبری سیاسی	ابعاد سیاسی	
پولیت و سوما (۱۹۹۷)، الوانی و دیگران (۱۳۹۵)	فشار و پشتیبانی سیاسی		
وایتزمن و وایز (۲۰۰۶)، الوانی و دیگران (۱۳۹۵)	بوروکراسی دولتی		
بوئسن (۲۰۰۶)، بیات و رئیس‌بان (۱۳۹۴)	ساختار نظام اداری	ابعاد اداری	
سلطانی و همکاران (۱۳۹۳)، هارونا (۲۰۰۸)	فرهنگ نظام اداری		
فقیهی و همکاران (۱۳۹۰)، ترابنده و رفیع‌زاده (۱۳۹۵)	منابع انسانی		
کاروان و مارکلند (۲۰۰۶)، شهبای و همکاران (۱۳۹۵)	کمبود منابع مالی و اقتصادی	ابعاد اقتصادی	
فدرستون (۲۰۱۴)، منوریان (۱۳۹۴)	مدیریت مالی		
الوانی و همکاران (۱۳۹۳)، قلی‌پور (۱۳۹۴)	قیمت تمام‌شده بالای خدمات		

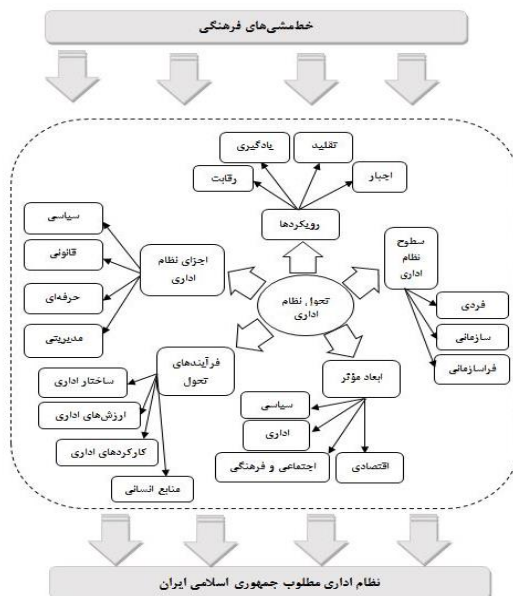
	اداری		
	برنامه‌ریزی	مدیریتی	از منظر اجزای نظام اداری
تودارو (۱۹۹۴)، جانستون و کلارک (۱۹۸۲)،	سازمان‌دهی		
الوانی و شریف‌زاده (۱۳۷۹)، وایت (۱۹۴۸)	نظارت و ارزیابی		
کریستوفلی (۲۰۱۰)، واکسین و بتمن (۲۰۰۹)	فناوری مدیریتی		
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۴)	مدیریت منابع انسانی		
آرمسترانگ (۲۰۰۸)، آزلکوان و پرکینز (۲۰۰۹)،	پاسخگویی		
هیوز (۱۳۸۰)، فرازمند (۲۰۰۱)	جامعه‌پذیری سیاسی	سیاسی	
دنهارت (۱۹۹۹)، عالم (۱۳۸۶)	حاکمیت کثرت‌گرا		
هدی (۲۰۰۱)، استو (۱۹۹۲)	ارتقای سلامت نظام اداری		
رابینسون (۲۰۰۴)، اولکان (۲۰۰۷)	توسعه مشارکت عمومی		
برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۲۰۰۳)، پوتنام (۲۰۰۰)	ایجاد اعتماد عمومی		
فرازمند (۲۰۰۹)، بورگن (۲۰۰۷)	دادرسی اداری	قانونی	
آرجیریادیس (۲۰۰۶)، روزنبوم و رینی (۲۰۱۰)	حاکمیت قانون		
هوپ (۲۰۰۹)، کرناگان (۲۰۰۰)	صیانت از حقوق مردم		
هدی (۲۰۰۱)، دنهارت (۲۰۰۰)	اخلاق حرفه‌ای	حرفه‌ای	
مارتینا (۲۰۰۹)، کایر (۲۰۰۷)	هم‌شکلی هنجاری		
جانسون و ویلیامز (۲۰۰۴)، راسل و استون (۲۰۰۰)	توجه به مسئولیت اجتماعی		
فیلیزوز و فیسنی (۲۰۱۱)، پوپ (۲۰۱۱)	شهروندمداری		
مورکوزی و شن (۲۰۰۵)، بویت (۲۰۰۵)	نگرشی - انگیزشی	فردی	
بارانی و همکاران (۱۳۹۶)،	شناختی - ادراکی		
میرسپاسی (۱۳۹۰)، شهبابی و همکاران (۱۳۹۵)	عوامل مرتبط با فرهنگ یادگیرنده		
سلطانی (۱۳۸۹)	عوامل مرتبط با فرهنگ انعطاف‌پذیری	سازمانی	از منظر سطوح نظام اداری
فرهی بوزنجانی (۱۳۹۲)، هافستد (۱۹۸۲)	عوامل مرتبط با فرهنگ مشارکتی		
سونن فیلد (۱۹۸۹)، هالریگل و سلوکوم (۱۹۹۶)	عوامل مرتبط با فرهنگ مأموریت‌گرا		
پیترز و واترمن (۱۹۸۲)، کوپین (۱۹۸۵)	عوامل مرتبط با فرهنگ بوروکراتیک		
هلریگل (۱۹۸۱)، چارلز هندی (۱۹۸۱)	عوامل مرتبط با فرهنگ ملی	فراسازمانی	
حاجی ملامیرزایی (۱۳۹۵)	عوامل مرتبط با فرهنگ نظام سیاسی		
محمدی و دیگران (۱۳۹۵)	عوامل رفتاری و زمینه‌ای نظام اداری		
شهبابی و همکاران (۱۳۹۵)	بهبود روابط و مناسبات اداری	ساختار اداری	
هفت برنامه تحول نظام اداری (۱۳۸۱)	چابک‌سازی و متناسب‌سازی		
دانایی‌فرد و الوانی (۱۳۹۰)، مولگان (۲۰۰۵)	انعطاف‌پذیری و عدم تمرکز اداری		
رهنورد (۱۳۹۰)، رابینز (۲۰۰۶)، مرتضوی و دیگران (۱۳۹۴)	وجدان کاری و انضباط اجتماعی	ارزش‌های اداری	از منظر فرآیندها
گزارش برنامه تحول در نظام اداری کشور (۱۳۸۱)	مسئولیت‌پذیری و قانون‌گرایی		
دنهارت (۲۰۰۷)، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور	ارزش‌های اسلامی و کرامت انسانی		
هفت برنامه تحول نظام اداری (۱۳۸۱)	سرمایه انسانی و اجتماعی		
ضیاء‌الدینی و اعظم‌پور (۱۳۹۳)، رهنورد (۱۳۹۰)	شایسته‌سالاری		
مرتضوی و همکاران (۱۳۹۴)، یوسفی و یعقوبی			

(۱۳۹۵)			
مگیر و پالمه (۲۰۰۵)، لینک و ترامولر (۲۰۰۰)	دولت الکترونیک	کارکردهای اداری	از منظر فرایندها
مرتضوی و مالکی (۱۳۹۰)، مرتضوی و دیگران (۱۳۹۴)	سلامت اداری و آگاهی‌بخشی		
دنهارت (۲۰۰۷)، طیبی (۱۳۹۰)، قلی‌پور (۱۳۹۲)	بهره‌وری و خدمات‌رسانی برتر		
قوام (۱۳۷۱)، اصغری و محسنی زنوزی (۱۳۹۳)	مشارکت عمومی کارکنان	حوزه انسانی	
مرتضوی و مالکی (۱۳۹۰)، دنیسی (۲۰۰۸)	مدیریت منابع انسانی		
گزارش برنامه راهبردی تحول نظام اداری (۱۳۸۹)	توانمندسازی کارکنان و مدیران		
رز (۱۹۹۱)، پاول و دی ماجیو (۱۹۹۱)	یادگیری دولت از سایر دولت‌ها	یادگیری	رویکرد دولت‌ها در اجرای تحول نظام اداری
درزئر (۲۰۰۱)، دراهوت و برایتویت (۲۰۰۰)	رقابت دولت با سایر دولت‌ها	رقابت	
شارمن و مارش (۲۰۰۹)	منشأ تحول نوعی اجبار	اجبار	
شارمن و مارش (۲۰۰۹)	کپی‌کردن مدل‌های خارجی	تقلید	

۵. مدل جامع تحول نظام اداری

با توجه به مطالعات صورت گرفته در ادبیات مرتبط با تحول نظام اداری که خلاصه آن در قالب جدول ۱ قابل مشاهده است. در این پژوهش دسته‌بندی را برای بررسی بهتر انجام دادیم و آن نگاه به تحول اداری از منظر اجزای نظام اداری، سطوح نظام اداری، رویکردها، ابعاد مؤثر و فرایندهای تحول است. بنابراین نمای کلی آن در قالب شکل (۲) به‌قرار زیر است.

شکل ۲. مدل نظری پژوهش



۶. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر برحسب هدف از نوع تحقیقات توسعه‌ای^۱ است. همچنین این پژوهش برحسب دستاورد یا نتیجه تحقیق از نوع کاربردی^۲ و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات توصیفی-پیمایشی^۳ محسوب می‌شود. جمع‌آوری داده‌ها نیز با روش ترکیبی کیفی صورت گرفته که جمع‌آوری داده‌های کیفی از طریق تحلیل محتوای متون و با کسب نظر خبرگان^۴ از طریق پرسشنامه^۵ گردآوری شده است. در بخش طراحی مدل با استفاده از روش دلفی، جامعه آماری به صورت زیر تعریف می‌گردد و این افراد در قالب دو هیئت تخصصی زیر طبقه‌بندی شدند:

۱. خبرگان علمی: اساتید هیئت علمی دانشگاه‌ها؛

۲. خبرگان سازمانی: اعضا و مدیران مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضا و مدیران شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارشناسان و مشاورین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مدیران کل کنونی و سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معیار انتخاب خبرگان در این تحقیق بدین صورت بود که درخصوص گروه اول از اساتید هیئت علمی دانشگاه‌ها رشته مدیریت (ترجیحاً دانشگاه‌های دولتی) و گروه دوم خبرگان متخصص با حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت و حداقل ۵ سال سابقه مدیریت و دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر استفاده شد. در پژوهش حاضر برای بخش کیفی (انتخاب افراد هیئت‌های تخصصی دلفی)، روش نمونه‌گیری شبکه‌ای^۶ (زنجیره‌ای یا گلوله برفی)^۷ لحاظ شده است. به این ترتیب، به صورت زنجیره‌ای ۲۰ نفر توسط هیئت خبرگان علمی و ۲۰ نفر توسط خبرگان

1. Research Development

2. Applied

3. Descriptive-Survey

4. Key Informants

5. Questionnaire

6. Sampling Network

7. Snowball Sampling

سازمانی معرفی شدند و در نهایت با کسر افراد انصراف داده شده، تعداد هیئت خبرگان علمی به ۱۴ نفر و تعداد هیئت خبرگان سازمانی به ۱۶ نفر رسید و فرم پرسشنامه در هر سه مرحله برای تمام این افراد از طریق ایمیل، ارسال شد.

۷. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این مرحله، ابتدا شاخص‌های منتج شده از مطالعات که در پنج بعد (اجزای نظام اداری، فرایندهای تحول، ابعاد مؤثر، سطوح نظام اداری و رویکردهای دولت) طی پرسشنامه‌ای بین ۳۰ نفر از اعضای دو گروه خبرگان هیئت علمی و سازمانی طی هماهنگی‌های قبلی لازم از طریق پست الکترونیک و حضوری قرار گرفت.

با توجه به انتخاب طیف لیکرت ۵ تایی (۱ تا ۵) برای سؤالات تشکیل دهنده متغیرهای تحقیق، باید مقادیر حاصل از نظرات پاسخگویان را مورد بررسی قرار داد تا این موضوع روشن شود که آیا میانگین پاسخ‌های ایشان به طور متوسط با ۳ (نمره به‌هنگار این مقدار است) تفاوت معناداری دارد یا خیر؟

پس از محاسبه میانگین پاسخ‌ها و انحراف معیار برای اطمینان از اینکه میانگین پاسخ‌ها به طور متوسط با امتیاز ۳ (نمره به‌هنگار این مقدار است) تفاوت معناداری دارد یا خیر؟، از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است که این آزمون، فرضیه مطرح شده در مورد میانگین جامعه در سطح خطای α را مورد بررسی قرار می‌دهد و برای تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر یک متغیر (ها) در وضعیت یا تعیین اعتبار یا عدم اعتبار مورد بررسی استفاده می‌شود.

شاخص‌هایی که میانگین بالاتر از ۳ دارند و هم‌چنین دارای مقدار آماره تی بزرگ‌تر از ۱/۹۶ می‌باشند (سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است) دارای اعتبار لازم برای باقی ماندن در پرسشنامه هستند و شاخص‌هایی که میانگین کمتر از ۳ داشته باشند یا دارای مقدار آماره تی کمتر از ۱/۹۶ باشند از پرسشنامه حذف و فاقد اعتبار لازم هستند. علاوه بر آزمون تی از دو شاخص سی.وی.آر (روایی محتوا) و شاخص تناسب (CVI) استفاده شده است.

اعتبار محتوا که به آن اعتبار منطقی^۱ نیز گفته می‌شود به این امر دلالت دارد

که آیا شیوه یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها به‌خوبی معرف همان محتوایی است که باید اندازه‌گیری شود. لاوشه^۱ یک روش پرکاربرد را برای سنجش اعتبار محتوا ابداع کرد و فرمولی برای آن ارائه داد که به آن نسبت اعتبار محتوا^۲ گفته می‌شود. در این روش میزان موافقت میان ارزیابان یا داوران درخصوص «مناسب یا اساسی بودن» یک گویه خاص اندازه‌گیری می‌شود.

$$CVR = \frac{N_e - N / 2}{N / 2}, CVI = \frac{N_e}{N}$$

فرمول لاوشه

CVI, CVR: نسبت اعتبار محتوا است؛ Ne: تعداد ارزیابان یا داورانی است که بیان می‌دارند گویه مورد نظر «اساسی یا سودمند» است؛ N: کل تعداد ارزیابان یا داوران است (میرزایی، ۱۳۹۰: ۳۲۸-۳۲۷). جمع‌بندی پاسخ‌های دور اول، دوم و سوم دلفی در جداول زیر گزارش شده است.

۷-۱. نتایج دور اول دلفی

جدول ۲. نتایج دور اول دلفی

روایی محتوایی		آزمون تی یک‌نمونه‌ای				مؤلفه‌ها	متغیرهای اصلی
CVR	CVI	Sig	t	انحراف معیار	میانگین		
%۶۰	%۸۰	.../۰	۶۵۳/۵	۴۷۹/۰	۳۳/۴	ابعاد فرهنگی و اجتماعی	ابعاد مؤثر
%۴۷	%۷۳	.../۰	۹۶۱/۴	۵۰۴/۰	۴۳/۴	ابعاد سیاسی	
%۵۳	%۷۷	...۳/۰	۴۷۸/۳	۴۹۰/۰	۶۳/۴	ابعاد اداری	
%۶۷	%۸۳	...۴/۰	۴۱۶/۳	۴۹۸/۰	۶۰/۴	ابعاد اقتصادی	اجزای نظام اداری
%۸۷	%۹۳	...۶/۰	۱۶۲/۳	۴۹۰/۰	۶۳/۴	مدیریتی	
%۸۷	%۹۳	۷۹۱/۰	۲۶۹/۰	۵۰۹/۰	۵۰/۴	سیاسی	
%۶۷	%۸۳	...۳/۰	۵۷۶/۳	۷۴۷/۰	۱۷/۴	قانونی	سطوح نظام اداری
%۸۷	%۹۳	...۳/۰	۴۷۸/۳	۵۰۷/۰	۴۷/۴	حرفه‌ای	
%۷۳	%۸۷	.../۰	۵۸۲/۵	۴۵۰/۰	۷۳/۴	فردی	
%۷۳	%۸۷	.../۰	۹۷۵/۵	۴۹۸/۰	۶۰/۴	سازمانی	فرآیندهای تحول
%۶۰	%۸۰	.../۰	۹۶۱/۴	۴۹۰/۰	۶۳/۴	فراسازمانی	
%۸۷	%۹۳	.../۰	.../۷	۴۷۹/۰	۳۳/۴	ساختار اداری	
%۷۳	%۸۷	.../۰	۳۲۵/۶	۴۷۹/۰	۳۳/۴	ارزش‌های اداری	رویکرد دولت‌ها در اجرای تحول نظام اداری
%۸۰	%۹۰	...۱/۰	۳۹۲/۴	۳۳۰/۰	۲۳/۴	حوزه انسانی	
%۷۳	%۸۷	.../۰	۱۹۶/۵	۴۷۹/۰	۳۳/۴	یادگیری	
%۷۳	%۸۷	.../۰	۵۶۸/۴	۷۱۲/۰	۱۰/۴	رقابت	نظام اداری
%۴۰	%۷۰	...۳۲/۰	۲۴۴/۲	۵۳۱/۰	۴۴/۳	اجبار	

1. Lawshe

2. Content Validity Ratio

در مرحله اول دلفی تعداد ۳۰ پرسشنامه بین خبرگان توزیع شده است، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای دور اول ۰/۸۴۴ شده است. در این مرحله شاخص‌هایی که دارای میانگین کمتر از ۳ اختیار کرده‌اند یا اینکه مقدار آماره تی برای آن‌ها درون بازه بحرانی شده بود (مقدار سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ شده است) از دور اول حذف می‌شوند و در دور دوم وارد نمی‌شوند. شاخص‌هایی که دارای مقدار میانگین بالاتر از ۳ و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بودند، باقی ماندند. برای باقی‌ماندن در دور دوم، علاوه بر آزمون تی از شاخص CVI و CVR نیز استفاده شده است. شاخص‌هایی که دارای CVR کمتر از ۳۳ درصد و CVI کمتر از ۷۰ درصد هستند، از دور اول حذف می‌شوند و در دور دوم وارد نمی‌شوند. شاخص‌هایی که در این مرحله باقی مانده‌اند برای دور دوم دلفی مجدداً آماده و در اختیار خبرگان قرار گذاشته می‌شود.

۷-۲. نتایج دور دوم دلفی

جدول ۳. نتایج دور دوم

متغیرهای اصلی	شاخص	آزمون تی یک‌نمونه‌ای			
		میانگین	انحراف معیار	t	Sig
ابعاد مؤثر	ابعاد فرهنگی و اجتماعی	۴۳/۴	۵۰۴/۰	۰۰۰/۱۵	۰۰۰/۰
	ابعاد سیاسی	۵۰/۴	۵۰۹/۰	۵۸۸/۱۵	۰۰۰/۰
	ابعاد اداری	۵۴/۴	۵۰۸/۰	۰۰۰/۱۶	۰۰۰/۰
	ابعاد اقتصادی	۵۰/۴	۵۰۹/۰	۵۸۸/۱۵	۰۰۰/۰
اجزای نظام اداری	مدیریتی	۵۴/۴	۵۰۸/۰	۰۰۰/۱۶	۰۰۰/۰
	سیاسی	۵۴/۴	۵۰۸/۰	۰۰۰/۱۶	۰۰۰/۰
	قانونی	۲۵/۴	۷۹۹/۰	۳۷۵/۸	۰۰۰/۰
	حرفه‌ای	۵۰/۴	۵۰۹/۰	۵۸۸/۱۵	۰۰۰/۰
سطوح نظام اداری	فردی	۶۴/۴	۴۸۸/۰	۸۱۶/۱۷	۰۰۰/۰
	سازمانی	۵۰/۴	۵۰۹/۰	۵۸۸/۱۵	۰۰۰/۰
	فراسازمانی	۵۷/۴	۵۰۴/۰	۵۰۰/۱۶	۰۰۰/۰
فرآیندهای تحول	ساختار اداری	۳۲/۴	۴۷۶/۰	۷۰۲/۱۴	۰۰۰/۰
	ارزش‌های اداری	۳۹/۴	۴۹۷/۰	۸۱۹/۱۴	۰۰۰/۰
	کارکردهای اداری	۵۰/۴	۵۰۹/۰	۵۸۸/۱۵	۰۰۰/۰
	حوزه انسانی	۲۹/۴	۴۶۰/۰	۷۸۹/۱۴	۰۰۰/۰
رویکرد دولت‌ها در اجرای تحول نظام اداری	یادگیری	۳۹/۴	۴۹۷/۰	۸۱۹/۱۴	۰۰۰/۰
	رقابت	۱۴/۴	۷۵۶/۰	۰۰۰/۸	۰۰۰/۰
	اجبار	۱۱/۳	۶۸۵/۰	۸۳۷/۰	۴۱۵/۰
	تقلید	۴۳/۴	۵۰۴/۰	۰۰۰/۱۵	۰۰۰/۰

در این مرحله تعداد ۳۰ پرسشنامه بین خبرگان توزیع شده است و پس از دو هفته پیگیری و حداقل سه بار مراجعه مجدد در نهایت ۲۸ پرسشنامه جمع‌آوری شده است. در این مرحله دو شاخص تقلید و کارکردهای اداری با نظر خبرگان دور اول به پرسشنامه اضافه شده است و مجدداً در اختیار خبرگان قرار گرفته است. برای باقی‌ماندن در مدل نهایی هر سه شرط آزمون تی، بالاتر بودن شاخص CVI از ۷۰ درصد و بیشتر بودن مقدار سی وی آر از ۳۷ درصد (برای نمونه ۲۸ نفری حداقل سی وی آر لازم است ۳۷٪ باشد) لازم است. در این مرحله، شاخص اجبار هیچ‌کدام از شروط لازم را برای باقی‌ماندن در دور سوم نداشته است. لازم است از فرایند کار کنار گذاشته شود، مابقی شاخص‌ها در دور دوم تأیید شده‌اند و به دور سوم وارد می‌شوند.

۳-۷. نتایج دور سوم دلفی

جدول ۴. نتایج دور سوم دلفی

روایی محتوایی		آزمون تی یک‌نمونه‌ای				شاخص	متغیرهای اصلی
CVR	CVI	Sig	t	انحراف معیار	میانگین		
%۷۹	%۸۹	.../۰	۷۱۷/۱۴	۴۸۸/۰	۳۶/۴	ابعاد فرهنگی و اجتماعی	ابعاد مؤثر
%۸۶	%۹۳	.../۰	۷۱۷/۱۴	۴۸۸/۰	۳۶/۴	ابعاد سیاسی	
%۷۹	%۸۹	.../۰	۲۵۶/۱۵	۵۰۸/۰	۴۶/۴	ابعاد اداری	
%۹۳	%۹۶	.../۰	.../۱۵	۵۰۴/۰	۴۳/۴	ابعاد اقتصادی	
%۵۷	%۷۹	.../۰	۲۵۶/۱۵	۵۰۸/۰	۴۶/۴	مدیریتی	اجزای نظام اداری
%۵۷	%۷۹	.../۰	۸۱۹/۱۴	۴۹۷/۰	۳۹/۴	سیاسی	
%۶۴	%۸۲	.../۰	۳۹۹/۸	۸۱۰/۰	۲۹/۴	قانونی	
%۷۱	%۸۶	.../۰	۸۱۶/۱۷	۴۸۸/۰	۶۴/۴	حرفه‌ای	
%۲۹	%۶۴	.../۰	.../۱۵	۵۰۴/۰	۴۳/۴	فردی	سطوح نظام اداری
%۴۳	%۷۱	.../۰	.../۱۵	۵۰۴/۰	۴۳/۴	سازمانی	
%۲۱	%۶۱	.../۰	۵۸۸/۱۵	۵۰۹/۰	۵۰/۴	فراسازمانی	
%۷۹	%۸۹	.../۰	۸۱۹/۱۴	۴۹۷/۰	۳۹/۴	ساختار اداری	فرایندهای تحول
%۸۶	%۹۳	.../۰	۸۱۹/۱۴	۴۹۷/۰	۳۹/۴	ارزش‌های اداری	
%۱۰۰	%۱۰۰	.../۰	۵۸۸/۱۵	۵۰۹/۰	۵۰/۴	کارکردهای اداری	
%۸۶	%۹۳	.../۰	۷۱۷/۱۴	۴۸۸/۰	۳۶/۴	حوزه انسانی	
%۱۰۰	%۱۰۰	.../۰	۷۰۲/۱۴	۴۷۶/۰	۳۲/۴	یادگیری	رویکرد دولت‌ها در اجرای تحول نظام اداری
%۷۱	%۸۶	.../۰	۰۷۴/۸	۷۷۲/۰	۱۸/۴	رقابت	
%۵۰	%۷۵	.../۰	.../۱۵	۵۰۴/۰	۴۳/۴	تقلید	

در این مرحله تعداد ۲۵ پرسشنامه بین خبرگان توزیع شده است و پس از ده روز

پیگیری و حداقل سه بار مراجعه مجدد، در نهایت ۲۳ پرسشنامه جمع‌آوری شده است. نتایج دور سوم دلفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، CVI، CVR و نتایج آزمون تی-تک‌نمونه‌ای در جدول ۴ نشان داده شده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای دور سوم ۰/۸۳۹ شده است. نتایج دور سوم نشان از معناداری بودن و معتبر بودن تمامی شاخص‌های باقیمانده است و در نتیجه می‌توان به دورهای سه‌گانه دلفی پایان داد.

۴-۷. بحث و نتیجه‌گیری نهایی دلفی

در پژوهش حاضر برای تعیین اتفاق نظر میان اعضای پانل، علاوه بر شاخص‌های مرکزی شامل میانگین، انحراف استاندارد، آزمون تی، CVI و CVR، از ضریب همابستگی کندال نیز استفاده شده است. ضریب کندال بین ۰ و ۱ متغیر است. اگر ضریب کندال صفر باشد، یعنی عدم توافق کامل و اگر یک باشد یعنی توافق کامل وجود دارد. نتایج دلفی نشان می‌دهد که اتفاق نظر اعضای پانل حاصل شده است و می‌توان به تکرار دورها پایان داد. با توجه به کم‌تر بودن مقدار سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ می‌توان گفت که ضریب توافقی کندال معنادار بوده است و در سطح اطمینان ۹۵ درصد اتفاق نظر بین خبرگان در هر سه مرحله وجود داشته است. افزایش مقدار ضریب کندال در هر مرحله نسبت به مرحله قبل نیز گواه این مطلب است. لازم به ذکر است هرچه ضریب توافقی کندال به یک نزدیک‌تر باشد، اتفاق نظر بین خبرگان بیشتر است.

جدول ۵. جمع‌بندی نهایی دلفی

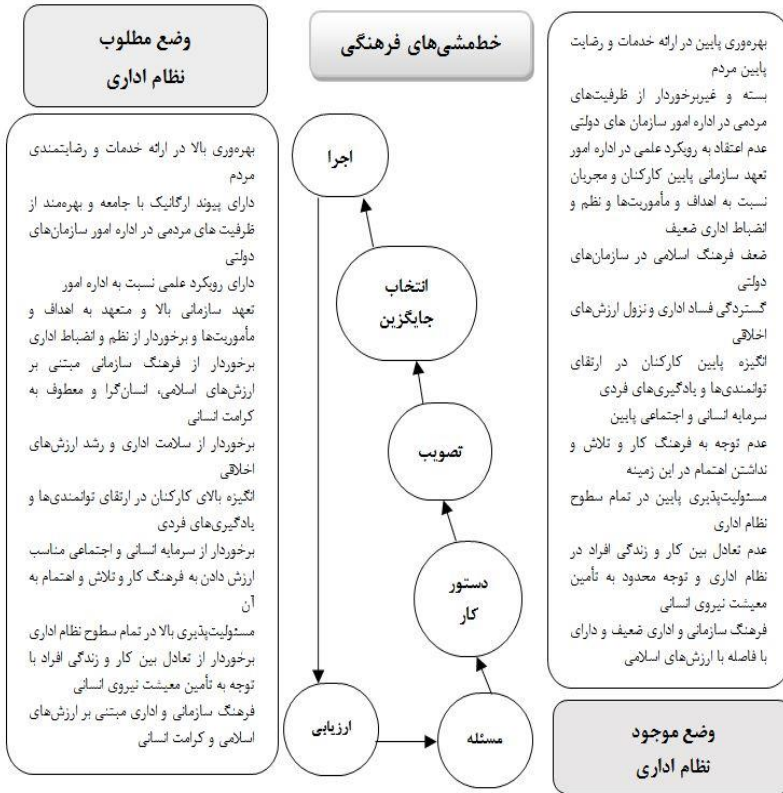
دور سوم دلفی	دور دوم دلفی	دور اول دلفی
Kendall's W=۰/۴۱۱ Chi-square=۴۴/۰۸۹ Sig=۰/۰۰۱ Alpha=۰/۸۳۹	Kendall's W=۰/۳۰۹ Chi-square=۳۱/۲۲۲ Sig=۰/۰۰۱ Alpha=۰/۸۱۱	Kendall's W=۰/۲۴۴ Chi-square=۱۹/۷۶۱ Sig=۰/۰۰۱ Alpha=۰/۸۴۴

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابعاد و شاخص‌های تحول نظام اداری از منظر خط‌مشی‌های فرهنگی به خوبی در بخش‌های ابعاد مؤثر بر تحول نظام اداری (فرهنگی، سیاسی،

اداری و اقتصادی)، اجزای نظام اداری (مدیریتی، سیاسی، قانونی و حرفه‌ای)، سطوح نظام اداری (فردی، سازمانی و فراسازمانی)، فرایندهای تحول (ساختار، ارزش‌ها، کارکردها و منابع انسانی) و رویکرد دولت‌ها در مواجهه با تحول (یادگیری، رقابت و تقلید) دسته‌بندی و احصاء شده است. در مفهوم تحول آمده است حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب. ضرورت ایجاد تحولی عمیق و فراگیر در شاکله نظام اداری جمهوری اسلامی ایران جهت نیل به عملکرد متعالی و حرکت در جهت تحقق سند چشم‌انداز نظام اسلامی از اهمیتی دوچندان برخوردار است و باید از این رهگذر بتوان شالوده فرهنگ قوی و سازنده‌ای را مبتنی بر آموزه‌های مکتب حیات‌بخش اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی پایه‌ریزی کرد و در یک فرایند منطقی، این فرهنگ را در تمامی سطوح سازمان نهادینه کرد. نکته مهم آن است که فرهنگ‌ها از بسیاری از تعاملات پیچیده میان افراد، حوادث و موقعیت‌های کلی نشئت گرفته است و بر تاریخ گذشته نیز تکیه دارد. برخوردار از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از سازمان‌های پویا، نوآور و خلاق، مستلزم داشتن ویژگی فرهنگی مثبت در بافت فرهنگ سازمانی منسجم است. بدیهی است دستیابی به این مهم در گرو شناخت واقعیت‌های موجود در تعاملات سازمانی است که از طریق شناخت و نهادینه‌سازی فرهنگ سازمانی و تجربه و تحلیل فرهنگ، امکان‌پذیر خواهد بود. فرهنگ سازمانی حاکم بر سازمان‌های دولتی، فرهنگی است که نه تنها نوآوری، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری، یادگیری و تغییر برنامه‌ریزی‌شده را تقویت نمی‌کند، بلکه خود مانعی بر سر راه برنامه‌های بهبود و تحول است. خط‌مشی‌های فرهنگی که در واقع همان خط‌مشی‌های عمومی در عرصه فرهنگ است، به‌خوبی می‌تواند ضمن اثرگذاری بر تحول نظام اداری باعث تسریع و تسهیل در آن نیز شود. بنابراین، یافته‌های پژوهش به‌عنوان مدل تحول نظام اداری ایران از منظر خط‌مشی‌های فرهنگی در قالب شکل ۲ قابل مشاهده است.

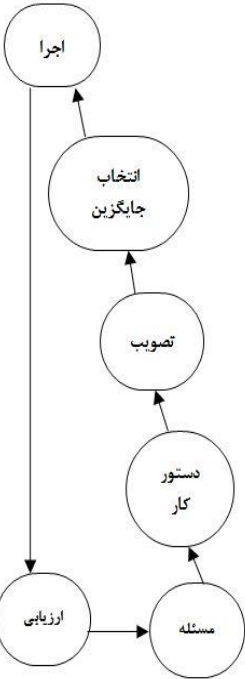
شکل ۳. نمای کلی تحول نظام اداری از منظر خط‌مشی‌های فرهنگی



**وضع مطلوب
نظام اداری**

بهره‌وری بالا در ارائه خدمات و رضایت‌مندی مردم
 دارای پیوند ارگانیک با جامعه و بهره‌مند از ظرفیت‌های مردمی در اداره امور سازمان‌های دولتی
 دارای رویکرد علمی نسبت به اداره امور
 تعهد سازمانی بالا و متعهد به اهداف و مأموریت‌ها و برخوردار از نظم و تضباط اداری
 برخوردار از فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، انسان‌گرا و معطوف به کرامت انسانی
 برخوردار از سلامت اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی
 انگیزه بالای کارکنان در ارتقای توانمندی‌ها و یادگیری‌های فردی
 برخوردار از سرمایه انسانی و اجتماعی مناسب
 ارزش دادن به فرهنگ کار و تلاش و اهتمام به آن
 مسئولیت‌پذیری بالا در تمام سطوح نظام اداری
 برخوردار از تعادل بین کار و زندگی افراد با توجه به تأمین معیشت نیروی انسانی
 فرهنگ سازمانی و اداری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و کرامت انسانی

خط‌مشی‌های فرهنگی



بهره‌وری پایین در ارائه خدمات و رضایت پایین مردم
 بسته و غیربرخوردار از ظرفیت‌های مردمی در اداره امور سازمان‌های دولتی
 عدم اعتقاد به رویکرد علمی در اداره امور
 تعهد سازمانی پایین کارکنان و معریان
 نسبت به اهداف و مأموریت‌ها و نظم و تضباط اداری ضعیف
 ضعف فرهنگ اسلامی در سازمان‌های دولتی
 گستردگی فساد اداری و نزول ارزش‌های اخلاقی
 انگیزه پایین کارکنان در ارتقای توانمندی‌ها و یادگیری‌های فردی
 سرمایه انسانی و اجتماعی پایین
 عدم توجه به فرهنگ کار و تلاش و نداشتن اهتمام در این زمینه
 مسئولیت‌پذیری پایین در تمام سطوح نظام اداری
 عدم تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری و توجه محدود به تأمین معیشت نیروی انسانی
 فرهنگ سازمانی و اداری ضعیف و دارای با فاصله با ارزش‌های اسلامی

**وضع موجود
نظام اداری**

منابع

- اسماعیلی، علیرضا و جلال درخشه (۱۳۹۶). «درآمدی بر سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، ۶۹-۹۰.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶)، سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: میزان.
- اصغری، رعنا و سیدجمال‌الدین محسنی زنوزی (۱۳۹۳). «نقش دولت در تحول نظام اداری کشور»، مجله اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵ و ۶، ۴۱-۵۴.
- اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱). مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۰-۱۳۶۳، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- بارانی، صمد، ابوالحسن فقیهی و رضا نجف‌بیگی (۱۳۹۶). «موانع تحول نظام اداری ایران: مطالعه‌ای در فرهنگ سازمانی»، پژوهش‌های مدیریت عمومی، شماره ۳۶، ۵-۳۰.
- باقری، محمدرضا و علی‌اصغر پورعزت (۱۳۹۲). «تدوین سیستم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی آینده‌نگر با استفاده از هم‌افزایی مدل‌ها»، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۲، ۱۳۵-۱۶۲.
- باقری‌فرد، محمدحسین (۱۳۹۵). طراحی الگوی اسلامی- ایرانی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ترابنده، محمدعلی و علاء‌الدین رفیع‌زاده (۱۳۹۵). «ارائه تکنیکی ترکیبی در بهبود نظام مدیریت عملکرد دستگاه‌های اجرایی ایران مبتنی بر نقشه راه اصلاح نظام اداری»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۲۷، ۱۰۵-۱۲۱.
- حسینی گل‌افشانی، سیداحمد و عبدالرحیم رحیمی (۱۳۹۰). «میزان اثربخشی طرح‌های برون‌سپاری دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان یک‌نهاد فرهنگی (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب)»، مدیریت فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۱، ۳۳-۴۳.
- خنیفر، حسین و میثم آقداغی (۱۳۹۴). «الگوی مفهومی سطوح تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی بر خط‌مشی‌گذاری فرهنگی اجتماعی»، معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره ۲۲، ۴۵-۶۰.
- دانایی‌فرد، حسن، سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۹۲). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، چاپ هشتم، تهران: صفار.
- رضایی، علی‌اکبر و نوریه شادالویی (۱۳۹۲). «بررسی تحول فرهنگی در سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور»، مدیریت فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳، ۲۳-۱.
- زاهدی، شمس‌السادات و احمد کاخکی (۱۳۹۱). «مدلی برای تبیین نقش مشارکت در بهبود بهره‌وری کارکنان بخش دولتی»، مدیریت دولتی، سال چهارم، شماره ۱۱، ۶۹-۹۰.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان‌هرندی و الهه حجازی (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم

- رفتاری، چاپ بیست‌وهفتم، تهران: آگه.
- سلطانی، محمدرضا، علی‌فرهی و محمدابراهیم جندقی (۱۳۹۳). «فرهنگ سازمانی «کرامت انسانی» تأملی بر فرهنگ نظام اداری جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات رفتار سازمانی*، سال سوم، شماره ۳، ۱۴۵-۱۱۳.
- شریف‌زاده، فتاح، میرعلی سیدنقوی، وجه‌اله قربانی‌زاده و محمدعلی مختاری (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی خط‌مشی‌های فرهنگی مراکز استانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران»، *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، شماره ۲۶، ۳۴-۱۵.
- صالحی‌امیری، سیدرضا و امیر عظیمی‌دولت‌آبادی (۱۳۸۷). *مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صالحی‌امیری، سیدرضا و نوریه شادالویی (۱۳۹۲). «عوامل تأثیرگذار بر سلامت نظام اداری در تحقق طرح تحول نظام اداری»، *مدیریت فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۱۹، ۱۱-۱.
- طباطبایی، سیداحمد (۱۳۹۱). آشنایی با ده برنامه تحول در نظام اداری (مبانی نظری، الگوی علمی و برنامه‌های اجرایی)، تهران: دانش‌نوین.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۲). *سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی (طرحی برای یک الگوی جانشین)*، تهران: باز.
- فرل، هدی (۱۳۸۶). «ترجمه غلامرضا معمارزاده و سیدمهدی الوانی، تهران: اندیشه‌های گوهریار».
- فقیهی، ابوالحسن، غلامرضا معمارزاده و مسعود احمدی (۱۳۹۰). «ارائه مدل تحول اداری در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران- با رویکرد بازآفرینی دولت»، *پژوهشگر (مدیریت)*، سال هشتم، شماره ۲۴، ۱۷-۱.
- قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۹۴). «چالش‌های بهره‌وری در دولت»، *مدیریت دولتی*، سال هفتم، شماره ۳، ۶۱۸-۵۹۵.
- کمیلی فرد، سیدمجتبی، رضا طهماسبی و مهدی حمزه‌پور (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل گام‌های نظام خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در انقلاب اسلامی ایران»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، شماره ۲۲، ۳۸-۲۳.
- کوهن، دان و جان کاتر (۱۳۸۵). *هشت خوان تحول*، ترجمه محمدابراهیم محجوب، تهران: فرا.
- محمدزاده، عباس (۱۳۷۴). *مدیریت توسعه*، تهران: سمت.
- محمدی، حامد و سیدمهدی الوانی، غلامرضا معمارزاده طهران و ناصر حمیدی (۱۳۹۵). «طراحی و تبیین الگوی اثربخش نظام اداری ایران»، *مدیریت دولتی*، سال هشتم، شماره ۴، ۶۱۶-۵۹۱.
- محمدی، حامد، سیدمهدی الوانی، غلامرضا معمارزاده طهران و ناصر حمیدی (۱۳۹۶). «تبیین الگوی اثربخش مدیریت دولتی با استفاده از منطق فازی»، *مدیریت توسعه*

و تحول، شماره ۲۸، ۱۰-۱.

مشبکی اصفهانی، اصغر و حسن جمالی (۱۳۸۹). «بهبود نظام اداری؛ به سمت

خصوصی سازی و عدم تمرکز»، تدبیر، شماره ۲۱۶.

مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدي بر نظریه های ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجاللی،

تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

میرسپاسی، ناصر و مسعود قهرمانی (۱۳۹۰). «ضرورت انطباق رویکرد تغییر بنیادین

(اجرای کلان و مبتنی بر نگرش سیستمی) به برنامه تحول در نظام اداری کشور

برای بهبود و ارتقاء قابلیت و توانمندی دولت»، آینده پژوهی مدیریت، سال

بیست و دوم، شماره ۸۸، ۲۲-۱.

نجف بیگی، رضا (۱۳۸۹). «خط مشی گذاری مدیریت فرهنگی در آموزش»، برگ فرهنگ،

شماره ۲۲، ۱۱۷-۱۰۶.

الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۷). تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران: سمت.

الوانی، سیدمهدی و اصغر صرافانی زاده (۱۳۸۰). «تحلیل عوامل مؤثر بر شکل گیری

خط مشی های عمومی در جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگوی بهینه»، مطالعات

مدیریت بهبود و تحول، شماره ۲۹ و ۳۰، ۱۴۲-۱۱۷.

Armstrong, M. (2008). Strategic human resource management: A guide to action, London: Kong page limited.

Belias, D. & Koustelios, A. (2014). "The impact of leadership and change management strategy on organizational culture", *European scientific Journal*, Vol.10, No.7, 457-470.

Birkland, A. T. (2015). *Introduction to the Policy Process*, M.E. Sharpe.

Christensen, T. & Lægreid, P. (1999). "New Public Management: Design, Resistance, or Transformation? A Study of How Modern Reforms Are Received in a Civil Service System", *Public Productivity & Management Review*, Vol.23, No.2, 169-193.

Cristofoli, D. & Ditill, A. & Liguori, M. & Sicilia, M. (2010). "Do environmental and task characteristics matter in the control of externalized local public services? Unveiling the relevance of party characteristics and citizens' Offstage Voice", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol.23, No.3, 350-372.

Denhardt, R. B. & Denhardt, J.V. (2000). "The New Public Service: Serving Rather than Steering", *Public Administration Review*, Vol.60, No.6, 549-559.

Eun G. Y. (2006). "Administrative system and culture in East Asia, Europe and the USA: a transformation of the administrative system through the

- mutual mixture of cultures in Korea”, *International Review of Administrative Sciences*, Vol.72, No.4, 1-18.
- Farazmand, A. (2002). “Globalization, Privatization and the Future of Modern Governance: A Critical Assessment”, *Public Finance and Management*, Vol.2, No.1.
- Featherstone, K. (2014). “Administrative Reform in Greece-A Report on a Keynote Policy Symposium of the Hellenic Observatory”, *LSE*, The Symposium was held at the London School of Economics and Political Science (LSE) on April 11.
- Gramberg, Be. (2000). “New Public Management in local government-victoria, Australia”, *The international Journal of Public Sector Management*, Vol.13, No.5, 476-492.
- Halchin, L. E. (2010). “Electronic Government: Government capability and terrorist resource”, *Government Information Quarterly*, Vol.21, No.4: 406-419.
- Haruna, P. F. (2008). “Culture, Development, and Public Administration in Africa”, *Administrative Theory & Praxis*, Vol.30, No.1.
- Heady, F. (2001). *Public administration: A comparative perspective*, New York: Marcel Dekker, Inc.
- Hofstede, G. (2005). *Cultures and organizations: Software of the mind*, New York: Mc Graw- Hill.
- Hughes, O. E. (2001). *Public management and administration an introduction*, Tehran: Morvarid publisher. (in persian)
- Johnson, R.W. & Miners, H. (2000). “Approaches to promoting good governance”, *Near East Bureau*, Democratic Institution support project.
- Killian, J. & Eklund, N. (2008). *Handbook of administrative reform :an international perspective*, CRC Press.
- Kumar, S. & S, Kant. (2005), “Bureaucracy and New Management Paradigms: Modeling Foresters’ Perceptions Regarding Community-based Forest Management in India”, *Forest Policy and Economics*, Vol.7, No.4: 651–669.
- Macintosh, A. & Smith, E. (2002). “Citizen Participation in public affairs”, *Springer-Verlag Berlin Heidelberg*: 256-263.
- Margo, R. A. & Finegan, T. A. (1996). “Compulsory schooling legislation and school attendance in turn-of-the century: a natural experiment

- approach”, *Economics Letters*, Vol.53, No.1, 103–110.
- Marsh, D. & Sharman, J. C. (2009). “Policy Diffusion and Policy transfer”, *Policy Studies Journal*, Vol. 30, No. 3.
- McGuigan, J. (2004). *Rethinking Cultural Policy*, Berkshire: Mc Grow Hill.
- Meghir, C. & Palme, M. (2005). “Educational reform, ability and parental background”, *American Economic Review*, Vol.95, No.1, 414–424.
- Meyer, H.D. (2000). “The New Managerialism in education management: corporatization or organizational learning”, *The Journal of educational administration*, Vol.40, No.6, 534-55.
- Neshkova, M. I. & Kostadinova, T. (2012). “The Effectiveness of Administrative Reform in New Democracies”, *Public Administration Review*, Vol.72, No.3, 324–333.
- Pollitt, C. & Hanney, S. & Packwood, T. & Rothwell, S. & Roberts, S. (1997). *Trajectories and options: An international perspective on the implementation of Finnish public management reforms*, Helsinki, Finland: Ministry of Finance.
- Raadschelders, J. C. (2011). *Public administration: The interdisciplinary study of government*, Oxford University Press.
- Riggs, W. F. (1976). *Development Administration Cite in Development Administration in Asia*, Edited by Edward W. Weidner, Durham North Carolina: Duke University Press.
- Rose, R. (1991). “What is Lesson-drawing?”, *Journal of public policy*, Vol.11, No.1, 3-30.
- Rosenbloom, D. & Rene, H. (2010). *Foundations of Public Administration*, Administrative Law, Public Administration review (PAR).
- Sarker, A. E. & Pathak R. D. (2003). “Public Enterprise Reform in Fiji Islands”, *Public Organization Review*, Vol.3, No.1, 55-75.
- Schlesinger, P. (2009). “The politics of cultural policy”, *Litteraria Pragensia: Studies in Literature & Culture*, Vol.19, No.38.
- Tamekou, R. (2018). “Reforming a state information: From Structural Adjustment Programs to Results-Based Management: Lessons from two decades of administrative reform in Cameroon”, *International Review of Administrative Sciences*, Vol.84, No.4, 493-516.
- Waxin, M. F. Bateman, R. (2009). *International Handbook of Public Management Reform*, Cheltenham: Edward Elgar Publishing, Inc.

تحلیل محتوای مقالات فصلنامه راهبرد

عباس آخوندی*

چکیده

فصلنامه راهبرد متعلق به پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام با محوریت موضوعات علوم سیاسی از زیرمجموعه علوم انسانی است که از زمستان ۱۳۸۸ موفق به اخذ مجوز علمی- پژوهشی شده است. هدف این پژوهش، بررسی و ارزیابی شکلی و محتوایی مقالات این مجله است. روش پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل محتواست و از رویکرد توصیفی- تحلیلی برای توصیف و ارزیابی محتوای مقالات جامعه هدف استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، ۳۸۸ مقاله منتشرشده در ۹ سال گذشته از شماره ۵۴ (بهار ۱۳۸۹) تا شماره ۸۹ (زمستان ۱۳۹۷) مجله راهبرد است و به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم، بررسی به صورت نظام‌دار و در قالب ۱۱ شاخص انجام شده است. نتایج موضوعی به دست آمده نشان می‌دهد مقالات در ۱۱ حوزه اصلی و ۴۰ موضوع جزء، قابل دسته‌بندی هستند که از این میان، موضوع علوم سیاسی با ۱۷ درصد، بیشترین مباحث مورد استفاده در این مقالات بوده‌اند. همچنین بیشترین فراوانی در زیر موضوعات به سیاست‌های خارجی با ۷ درصد اختصاص یافته است. همچنین میزان مشارکت پژوهشگران خوب ارزیابی شد، به گونه‌ای که ۸۰۰ نفر محقق در نگارش ۳۸۸ مقاله مشارکت داشته‌اند و در این میان، مشارکت دانشگاه‌های تهرانی بیشتر بوده است. همچنین بررسی مؤلفان مقاله‌ها نیز نشان می‌دهد مؤلفان با رتبه علمی دکتری، دانشجوی دکتری و همچنین استادیار بیشترین تعداد از نویسندگان را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی روش‌های پژوهشی نیز نشان داد مقالات توصیفی- تحلیلی، روش تحقیق مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی منابع و همچنین ابزار بررسی اسناد و تحلیل محتوا از فن‌های پر استقبال پژوهشگران این حوزه بوده است.

واژه‌های کلیدی: مقاله، تحلیل محتوا، راهبرد، علوم سیاسی، مجمع تشخیص مصلحت

نظام

* دکتری مدیریت بحران و عضو هیئت علمی پژوهشگاه شاخص پژوه

Ali.rezaakhoondi137930@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۶

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نودویک، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۹۶-۱۶۷

مقدمه

امروزه توسعه علمی نمونه‌ای از اقتدار ملی کشور و بستری برای توسعه در کلیه امور است. بالا بردن شناخت و معرفت جامعه در همه زمینه‌ها بیش‌ازپیش، نیازمند توسعه علمی است و برای تحقق توسعه علمی باید زمینه تولید علم را فراهم کرد. امروزه نقش تولید علم و انجام پژوهش از یک عامل فزاینده رفاه فراتر رفته و به تنها راه باقی ماندن در عرصه حیات و حضوری مؤثر در دنیای پر تکاپوی فناوری و پیشرفت مبدل شده است. به عبارت دیگر، پژوهش و تولید علم از نیازهای مسلم و اساسی هر جامعه‌ای می‌باشد (نوروززاده و رضایی، ۱۳۸۸: ۲).

یکی از عناصر اصلی و زیربنایی در تولید علمی و در نظام نهادی و سازمانی علم، مفهوم اجتماع علمی و وجود روابط و تعاملات فکری و تخصصی در بین اعضای آن است. ارتباط دانشجویان با اساتید خود یکی از عرصه‌های بااهمیت و تأثیرگذار تعامل دانشگاهی و مراکز علمی و پژوهشی معتبر بین‌المللی است. همچنین نشریات معتبر داخلی و خارجی نیز یکی دیگر از عرصه‌های بیان تحقیقات و بیان نتایج اجتماع علمی است (رازقی و قائدی، ۱۳۹۵: ۱). لذا توجه به اولویت‌های تحقیقاتی در راستای نیازهای واقعی کشور، یک ضرورت اساسی برای هدفمند کردن مجلات و نشریات علمی است.

به‌طور کلی نشریه‌ها علاوه بر این که استانداردهای کیفی وضع می‌کنند، با نمایش محورها و موضوع‌های پژوهشی، ماهیت و محدوده ایده‌ها را در جوامع علمی و تخصصی نیز مشخص می‌کنند (Sugimoto & Weingart, 2015: 13). بنابراین، تحلیل آنچه در نشریه‌های یک رشته علمی چاپ می‌شود، به ما برای

درک بهتر اهمیت، موضوعها و مسئولیت‌های آن رشته کمک می‌کند و می‌توانیم با نگاه به گذشته و تحلیل پژوهش‌های صورت گرفته در نشریه‌ها، مسیر مورد انتظار در آینده را نیز ترسیم کنیم. بررسی روندها به ما کمک می‌کند که ظهور و تداوم موضوعها، پارادایم‌ها و روش‌های به کار گرفته شده در طول زمان را شناسایی کرده و قوت‌ها و ضعف‌های هر یک را مشخص کنیم (Raadschelders&Lee, 2011: 27). همچنین می‌توان بیان کرد که تحلیل محتوای نشریه‌ها در حوزه مدیریت، دغدغه‌ها، مسئله‌ها و چالش‌های نظری، پژوهشی و تا حدی عملی پژوهشگران و دانشگاهیان این رشته را در کشور ما نشان می‌دهد (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳).

در این میان، یکی از مجلات مهم و تأثیرگذار حوزه علوم سیاسی کشور، مجله راهبرد است. مجله راهبرد زیر نظر پژوهشکده تحقیقات راهبردی به فعالیت در راستای اهداف مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌پردازد. این فصلنامه، یکی از مجلاتی است که پیرامون استراتژی‌های کلان در سطح کشور از سال ۱۳۷۱ تاکنون فعال است و بیش از هزار مقاله در حوزه‌های مختلف منتشر کرده و توانسته از زمستان ۱۳۸۸ موفق به اخذ مجوز علمی پژوهشی شود. فصلنامه راهبرد یک نشریه با داوری بسته و دوسو ناشناس و با دسترسی آزاد است که به منظور فراهم کردن محیط فکری برای پژوهشگران ملی و بین‌المللی با تمرکز بر مباحث اقتصادی، سیاسی، حقوقی، علم و فناوری، اجتماعی و فرهنگی، محیط‌زیست و روابط بین‌الملل پایه‌گذاری شده است. به استناد هدف مطرح شده در پایگاه اینترنتی مجله، این نشریه در پاسخ به پیشرفت‌های صورت گرفته در حوزه استراتژی‌های کلان انتشار یافته و هدف آن انتشار مقالات با کیفیتی است که یافته‌های مرتبط با موضوعات مهم استراتژیک کشور را گزارش دهند. همچنین بنا بر اعلام پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نشریه مورد نظر در زمره پر استنادترین (Q2) نشریات در بین مجلات فارسی حوزه علوم سیاسی کشور شناخته شده است، بنابراین تحلیل محتوای مقالات این نشریه می‌تواند حائز اهمیت فراوانی باشد.

هدف تحقیق حاضر، بررسی و ارزیابی شکلی و محتوایی مقالات فصلنامه

راهبرد است. در این پژوهش تلاش شده تا ضمن بررسی نقاط ضعف و قوت مجله، زمینه تقویت بیشتر آن در آتیه را فراهم آورد و در رفع نقاط ضعف آن اثرگذار باشد. لذا بر این اساس در این مقاله، ضمن توصیف دقیق از کمیت شاخص‌های مختلف، به نمایی کلی از فرایند حاکم بر مجله از سال ۱۳۸۹ تا پایان سال ۱۳۹۷ پرداخته می‌شود. در ادامه، علاوه بر مبانی نظری پژوهش و مروری بر پیشینه تحقیق، با استفاده از تحلیل محتوا به بررسی جامع مقالات این مجله می‌پردازیم و در پایان با توجه به مطالب به‌دست‌آمده، پیشنهادهایی برای بهبود این حوزه ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری

رشد روزافزون انتشارات علمی در چند قرن اخیر، به‌کارگیری روش‌ها، فنون و رویکردهایی را برای بررسی روند رشد و توسعه علمی اجتناب‌ناپذیر ساخته است. با رواج روش‌شناسی اثبات‌گرایی^۱، رویکرد کمی برای سنجیدن میزان تولید اطلاعات علمی در حیطه‌های گوناگون علم مطرح شد و مباحثی مانند علم‌سنجی مورد توجه قرار گرفت (زندى روان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). علم‌سنجی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که به دلیل گستردگی دامنه خود، طیف وسیعی از موضوعات را بررسی می‌کند و به‌عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های بررسی کلی پژوهش‌های علمی مطرح است (حمدی‌پور و سعادت‌راد، ۱۳۹۷: ۵). در حال حاضر علم‌سنجی و حوزه‌های سنجشی وابسته، به‌عنوان یک گرایش مستقل در حال به ثمر نشستن بوده و تا حدودی هویت اجتماعی-شناختی خود را تکامل بخشیده است. به‌عبارت‌دیگر، پژوهشگران و حرفه‌مندان این حوزه، جامعه مستقلى تشکیل داده‌اند که اتصال حلقه‌های آن از استحکام قابل قبولی برخوردار است (Milejevic & Leydesdorff, 2013: 150). با استفاده از جامعه‌شناسی علم می‌توان بیش مناسبی از تعاریف، مرزبندی‌ها و پژوهش‌های یک حوزه علمی ارائه کرد؛ به‌طوری‌که بر اساس مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه ساخت اجتماعی دانش در

جامعه‌شناسی علم می‌توان مفاهیم و پارادایم‌های مهم حاکم بر ساختار یک حوزه را مورد بررسی و شناسایی قرار داد (Kim, 2012: 41).

علم‌سنجی، یک حوزه پژوهشی است که به بررسی علمی اطلاعات مربوط به مطالعات و پژوهش‌های یک موضوع یا نشریه، از طریق بررسی کیفی مقاله‌های منتشرشده در آن حوزه می‌پردازد و اغلب از اطلاعات کتاب‌سنجی پژوهش‌های منتشر شده نیز بهره می‌برد (عرفان‌منش و مروتی اردکانی، ۱۳۹۵: ۷۲). با استفاده از رویکرد علم‌شناسی در بررسی و مطالعه یک نشریه، می‌توان تغییرات آن نشریه را در گذر زمان، بر اساس پژوهشگران آن حوزه، ارتباط با سایر علوم و موضوعات و محورهای پژوهش‌شده، شناسایی و تحلیل کرد. ارزش روش یادشده در این است که بدون سوگیری می‌توان موضوع و نویسندگان هر مقاله را با استفاده از آن بررسی کرد (Ni, 2017: 7).

هدف از علم‌سنجی، ارزشیابی آخرین پیشرفت‌های انجام‌گرفته در فعالیت‌های پژوهشی در هر گرایش علمی و عوامل مؤثر در رشد آن است. علم‌سنجی می‌تواند عنصری مفید و کارآمد برای مسئولان و برنامه‌ریزان باشد تا مدیریت منابع مالی و انسانی با بالاترین کارایی انجام پذیرد. علم‌سنجی پس از بررسی متغیرهایی با ارائه ترکیبی مناسب از شاخص‌های مبتنی بر آن‌ها، به تبیین روند تولید علم و بازدهی پژوهش‌های علمی می‌پردازد (خاصه و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۵). از مهم‌ترین کاربردهای علم‌سنجی می‌توان به مطالعه کمی جریان علم برای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و ارزیابی علمی و پژوهشی و مطالعه تاریخ علم از طریق ترسیم ساختار آن در رشته‌های تخصصی اشاره کرد. ترسیم ساختار علم، یکی از خروجی‌هایی است که علم‌سنجی در دسترس قرار می‌دهد. از طریق آن می‌توان منابع و مسیر جریان دانش و محدودیت‌های دانش را مشخص کرد و با در نظر گرفتن حوزه‌های اصلی آن دانش، اطلاعات لازم را در مورد هر زیر حوزه در اختیار مدیران قرار داد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳؛ بروان و همکاران، ۱۳۷۴: ۷۳).

۲. پیشینه پژوهش

در جدول ۱، خلاصه پژوهش‌های مرتبط با این تحقیق اشاره شده است. در حوزه علوم سیاسی، تعدادی پژوهش با تکیه بر روش تحلیل محتوا به صورت موردی صورت گرفته است که عموماً یک یا دو شاخص را مدنظر قرار داده‌اند.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

منبع	نتایج
Gercic et al (2017)	تحلیل محتوا از فعالیت‌های فیس‌بوک در زمینه اتحادیه اروپا انجام شده است، پژوهشگران معتقدند که شبکه‌های اجتماعی به دلیل امکان برقراری ارتباط دوسویه میان شهروندان به یک ابزار قدرتمند سیاسی در دست قدرتمندان تبدیل شده است و نتایج نشان داد که سیاستمداران برای تولید، پروفایل‌های فردی خود را توسعه داده‌اند. همچنین تجزیه و تحلیل تطبیقی که بین وزرای اتحادیه اروپا انجام شد نشان داد در رفتار آنلاین آن‌ها در فضای مجازی، اختلافات غیرمنتظره‌ای وجود دارد و در انتها مقاله مربوطه مدلی برای پیش‌بینی رفتار سیاسی آنلاین پیشنهاد داده است.
Wesley (2010)	در مقاله‌ای روش تحلیل محتوای اسناد سیاسی در تحقیقات سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است و مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها برای مطالعه دقیق و تحلیل محتوای اسناد سیاسی را ارائه کرده‌اند. برای این منظور، اسنادی را از ۱۰ استان کشور کانادا در طول ۴ دهه گذشته گردآوری کردند. نتایج کار آنان نشان داد برای آن‌که یافته‌های پژوهشی در زمینه علوم سیاسی از قابلیت اعتماد و اطمینان برخوردار باشد، باید استانداردهای مشابه رعایت شوند.
طیعی ابوالحسنی و روحانی‌راد (۱۳۹۶)	در مقاله‌ای به بررسی ابزارهای استراتژی معرفی شده در مجلات شاخص بین‌المللی حوزه استراتژیک که در طی ۲۵ سال اخیر منتشر شده است، پرداخته‌اند. نخست با نگاهی به مبانی مدیریت استراتژیک، به طبقه‌بندی ابزارهای استراتژی پرداخته شد و سپس این ابزارها همراه با تحلیل جامع در قالب جدولی یکپارچه مطرح شد.
دلوری (۱۳۹۲)	در مقاله‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت علمی رساله‌های دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران سعی کرده‌اند تا گزارشی از ویژگی‌ها و وضعیت علمی رساله‌های مورد تحقیق ارائه دهند.
حاجی یوسفی و طالبی (۱۳۹۰)	این دو پژوهشگر در تحقیق خود با عنوان مسئله و روش پژوهش در پایان‌نامه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، به بررسی مسئله تحقیق و روش تحقیق به کار برده شده در ۳۴۳ عنوان پایان‌نامه تأیید شده در این دانشگاه پرداخته‌اند و به موضوع تحقیق و روش تحقیق در این پایان‌نامه‌ها پرداختند.
مقصودی (۱۳۸۵)	به بررسی و توزیع موضوعی تعداد ۷۰۰ پایان‌نامه به صورت تصادفی بین سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۵ در چندین دانشگاه و پژوهشکده در تهران پرداخته است.
افتخاری (۱۳۸۵)	در مقاله‌ای با عنوان بررسی روش‌شناسی پایان‌نامه‌های دوره دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران، درصد نقد و ارزیابی اصول روش پژوهش علمی و چگونگی کاربست آن در این پایان‌نامه‌ها بودند.

از آنجایی که تاکنون پژوهش خاصی در زمینه مقالات تألیفی در مجله‌های علمی-پژوهشی در حوزه علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل محتوا با در نظر گرفتن شاخص‌های یازده‌گانه صورت نگرفته است. موضوع مقاله حاضر بکر است و

بررسی شاخص‌های یازده‌گانه از ویژگی‌های خاص این مقاله است که آن را از نظر کمیت و کیفیت شاخص‌های مورد بررسی، از دیگر آثار منتشره در حوزه علوم سیاسی متمایز می‌کند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل محتواست و از رویکرد توصیفی-تحلیلی برای توصیف و ارزیابی محتوای مقالات جامعه هدف استفاده شده است. روش تحلیل محتوا به‌طور گسترده‌ای در زمینه علوم سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و شامل بررسی محتوای سیاسی در رسانه‌های خبری، سخنرانی‌ها، تبلیغات و کمپین‌ها و اخیراً رسانه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و همچنین مقالات این حوزه است (Neuendorf & Kumar, 2015: 1). بنابراین، این روش از جمله روش‌های مهم برای تحقیق در حوزه ارتباطات سیاسی محسوب می‌شود. اگرچه روش‌های دیگری نیز برای درک متون سیاسی وجود دارد، اما تحلیل محتوا وسیله‌ای مناسب‌تر و ضروری برای اندازه‌گیری تمامی ابعاد محتوای پیام‌ها است. پژوهشگران علوم سیاسی به‌ویژه افرادی که در زمینه ارتباطات جمعی مطالعاتی را انجام می‌دهند، از این روش به‌عنوان اساس تحقیق در حوزه ارتباطات یاد می‌کنند (Benoit Ohio, 2010: 1).

در مورد اعتبار تحقیق نیز باید گفت، برای بررسی روایی پژوهش حاضر، هر یک از شاخص‌های مورد نظر در مقاله توسط محققان مورد بررسی قرار گرفته و در هر مورد اختلاف مورد بررسی و بازبینی مجدد قرار گرفته است. از سوی دیگر، در بحث روش‌شناسی، تعدد پژوهش با روش ثابت در موضوعاتی که مورد تأیید مجامع علمی قرار گرفته باشد، تأییدکننده پژوهش است.

جامعه آماری این تحقیق، ۳۸۸ مقاله منتشر شده در ۹ سال گذشته از شماره ۵۴ (بهار ۱۳۸۹) تا شماره ۸۹ (زمستان ۱۳۹۷) مجله راهبرد است که به‌منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم، بررسی به‌صورت نظام‌دار و با کمک از آیین‌نامه چاپ مجلات علمی و پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است. در این پژوهش، نمونه‌گیری انجام نشده و تمامی جامعه به‌صورت

سرشماری مورد بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است علت انتخاب از بازه شماره ۵۴ مجله تاکنون، به علت زمان آغاز مجوز علمی پژوهشی به مجله است.

شایان ذکر است کمیسیون^۱ نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به کمک سامانه ارزیابی نشریات علمی خود در راستای رتبه‌بندی و ارتقای نشریات علمی کشور، شاخص‌هایی را برای ارزیابی نشریات علمی تعریف کرده است. شاخص‌ها در دو دست ظاهری و محتوایی قرار دارند که شاخص‌های ظاهری عبارتند از: انتشار به موقع، نمایه‌سازی در پایگاه‌های اطلاعات علمی، سایت و نرم‌افزار استاندارد، تکمیل اطلاعات در سامانه ارزیابی نشریات و همچنین شاخص‌های محتوایی و علمی نیز عبارتند از: داوری علمی، رعایت آیین نگارش و استانداردهای شکلی نشریه. هرچند، ارزیابی سال ۱۳۹۳ این گروه صرفاً بر اساس شاخص‌های ظاهری بوده و طبق اطلاعات سایت این سامانه، قرار است در سال‌های آینده، شاخص‌های محتوایی و علمی نیز مورد استفاده قرار بگیرند (سامانه ارزیابی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۶). ارائه نتایج ارزیابی سایت MSRT وزارت علوم (سامانه رتبه‌بندی نشریات کشور) برای مجله راهبرد در سال ۱۳۹۴ نمره ۷۲ با درجه B و در سال ۱۳۹۷ نمره ۸۱ با درجه A است. صرف‌نظر از ارزیابی اشاره شده، تلاش می‌شود در این مقاله با استفاده از شاخص‌های سامانه ارزیابی نشریات علمی و مقالات مشابه این حوزه، ارزیابی‌ها در قالب ۱۱ شاخص تعیین شود. ضمن این‌که برای تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق نیز، از آمار توصیفی، درصدهای لازم و شکل‌های گرافیکی در قالب جداول و نمودار استفاده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش با توجه به اطلاعات موجود و در دسترس، به بررسی یافته‌ها در قالب ۱۱ شاخص مشخص پرداخته می‌شود. لازم به توضیح است که ممکن است آمار برخی بخش‌ها کمتر از ۳۸۸ مقاله باشد که علت آن عدم در دسترس بودن

اطلاعات آن بخش است.

۴-۱. سهم موضوعی مقالات

با بررسی عناوین مقالات و کلیدواژگان به کاربرده شده در مجموعه مقاله‌های چاپ شده در نشریه مورد مطالعه، نتایج حکایت از آن دارد که به طور کلی مقالات را می‌توان در ۱۱ حوزه اصلی و ۴۰ موضوع جزء دسته‌بندی کرد. حوزه‌های اصلی عبارتند از: علم و فناوری، علوم سیاسی، علوم نظامی، فقهی و حقوقی، آینده‌نگری، علوم اقتصادی، فرهنگی، نظام حکمرانی، ارزیابی، انرژی، مسائل کلان. در جدول زیر دسته‌بندی مقالات به صورت کامل اشاره شده است.

جدول ۲. دسته‌بندی مقالات بر اساس موضوعات کلان و جزء

حوزه اصلی	موضوعات جزء	فراوانی	درصد فراوانی
علم و فناوری	روش تحقیق	۱۳	۲٪
	نظریه‌پردازی	۷	۱٪
	فناوری	۱۳	۲٪
	علم	۱۱	۲٪
	آموزش	۵	۱٪
	فلسفه	۱۰	۲٪
		۵۹	۱۱٪
علوم سیاسی	سیاست‌های خارجی	۳۹	۷٪
	روابط بین‌المللی	۲۲	۴٪
	سیاست	۳۱	۶٪
	مشارکت سیاسی	۴	۱٪
		۹۶	۱۷٪
علوم نظامی	امنیت	۳۲	۶٪
	جنگ	۲۰	۴٪
	تروریسم	۴	۱٪
	تحریم	۶	۱٪
		۶۲	۱۱٪
فقهی و حقوقی	فقهی	۱۲	۲٪
	حقوق	۳۲	۶٪
	حقوق بین‌الملل	۲۴	۴٪
		۶۸	۱۲٪
آینده‌نگری	برنامه توسعه	۲	۰٪
	چشم‌انداز ایران	۱۴	۳٪
	آینده‌پژوهی	۱۵	۳٪

۴٪	۲۱	توسعه	
۹٪	۵۲		
۳٪	۱۵	اقتصاد	علوم اقتصادی
۱٪	۵	اقتصاد مقاومتی	
۳٪	۱۹	مباحث مالی و اقتصادی	
۳٪	۱۵	اشتغال	
۱۰٪	۵۴		
۱٪	۸	سرمایه انسانی	فرهنگی
۳٪	۱۵	سرمایه اجتماعی	
۱٪	۴	اخلاق	
۳٪	۱۷	فرهنگ	
۱٪	۷	هویت	
۹٪	۵۱		
۳٪	۱۶	حکمرانی	نظام حکمرانی
۲٪	۱۳	سیاست‌گذاری	
۲٪	۱۳	قانون	
۸٪	۴۲		
۲٪	۱۰	ارزیابی عملکرد	ارزیابی
۱٪	۶	فساد	
۳٪	۱۶		
۲٪	۹	انرژی	انرژی
۲٪	۱۳	انرژی هسته‌ای	
۲٪	۱۳	نفت و گاز	
۶٪	۳۵		
۱٪	۳	جهانی‌شدن	مسائل کلان
۴٪	۲۲	محیط‌زیست	
۵٪	۲۵		

با توجه به جدول ۲، سهم موضوعی مقالات از ۳۸۸ مقاله مورد بررسی به ترتیب به موضوع علوم سیاسی (۱۷٪)، فقهی و حقوقی (۱۲٪)، علوم نظامی (۱۱٪)، علم و فناوری (۱۱٪) و علوم اقتصادی (۱۰٪) اختصاص یافته است. همچنین بیشترین فراوانی در زیر موضوعات به سیاست‌های خارجی (۷٪)، امنیت (۶٪)، حقوق (۶٪)، سیاست (۶٪)، حقوق بین‌الملل (۴٪)، روابط بین‌الملل (۴٪)، محیط‌زیست (۴٪)، توسعه (۴٪) و جنگ (۴٪) اختصاص یافته است. به‌طورکلی به نظر می‌رسد پراکندگی سهم موضوعی مقالات بر روی طیف ۳۸۸ مقاله مورد بررسی از پراکندگی نسبتاً یکسانی برخوردار است. لازم به توضیح است که در برخی موارد، مقالات شامل دو زیر موضوع بوده‌اند و با ملاک قراردادن هر دو موضوع پیرامون

یک مقاله، جمع کل تعداد موضوعات ۵۶۰ مورد شده است که بیش از تعداد مقالات مورد بررسی (۳۸۸ مورد) می‌باشد.

۴-۲. مشارکت نهادهای علمی

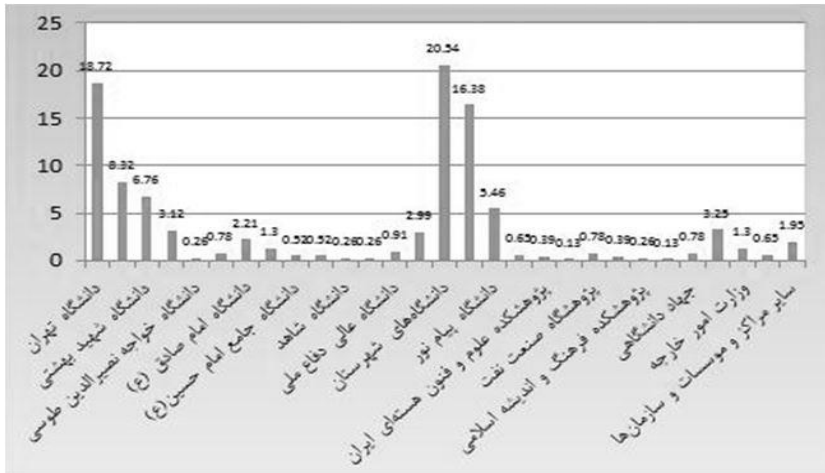
در زمینه مشارکت نهادهای علمی و صنعتی؛ نهاد علمی مربوط به هر محقق مورد بررسی قرار گرفته است (با احتساب تمامی نویسندگان) تا میزان مشارکت هر یک از نهادهای کشور در مجله مشخص شود. در مجموع، ۸۰۰ نهاد کشور در قالب دانشگاه‌ها مشارکت داشته‌اند که اطلاعات ۷۶۹ مورد از نهادها در دست بوده است. در ادامه کلیه نهادهای حاضر در مقالات مجله، شناسایی و معرفی می‌شود. از میان دانشگاه‌های استان تهران، دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه الزهراء، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه شاهد، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه عالی دفاع ملی و سایر دانشگاه‌های استان تهران مشارکت داشته‌اند. تعدادی دانشگاه نیز از سایر استان‌ها در مقالات مجله مورد نظر مشارکت داشته‌اند که شامل: دانشگاه ایلام، اصفهان، سمنان، قم، گیلان، محقق اردبیلی، مازندران و... همچنین دانشگاه آزاد اسلامی (واحدهای مختلف تابعه)، دانشگاه پیام نور و مؤسسات، مراکز، سازمان‌ها، پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها به‌عنوان دیگر نهادهای دانشگاهی شرکت‌کننده، به ارائه مقاله پرداخته‌اند.

همان‌طور که در جدول ۳ نیز مشخص شده است، از ۷۶۹ نهاد مشارکت‌کننده که اطلاعات آن‌ها موجود و در مقالات ذکر شده بود، تعداد ۱۵۸ مورد یعنی ۲۰/۵۴ درصد از کل مقالات را دانشگاه‌های شهرستان‌ها به خود اختصاص داده است و پس از آن ۱۴۴ مورد یعنی ۱۸/۷۲ درصد نیز مربوط به دانشگاه تهران است و دانشگاه آزاد اسلامی (واحدهای مختلف) با میزان مشارکت ۱۲۶ مورد یعنی ۱۶/۳۸ درصد از مقالات را به خود اختصاص داده‌اند. در انتها دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه پیام نور بیشترین میزان مشارکت را داشته‌اند. نتایج این بخش در جدول ۳ و شکل ۱ ارائه شده است.

جدول ۳. میزان مشارکت نهادهای علمی و صنعتی

نوع	نهادهای و مؤسسات علمی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
دانشگاهها	دانشگاه تهران	۱۴۴	۱۸/۷۲	۱۸/۷۲
	دانشگاه علامه طباطبائی	۶۴	۸/۳۲	۲۷/۰۴
	دانشگاه شهید بهشتی	۵۲	۶/۷۶	۳۳/۸۱
	دانشگاه تربیت مدرس	۲۴	۳/۱۲	۳۶/۹۳
	دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی	۲	۰/۲۶	۳۷/۱۹
	دانشگاه الزهرا	۶	۰/۷۸	۳۷/۹۷
	دانشگاه امام صادق (ع)	۱۷	۲/۲۱	۴۰/۱۸
	دانشگاه خوارزمی	۱۰	۱/۳۰	۴۱/۴۸
	دانشگاه جامع امام حسین (ع)	۴	۰/۵۲	۴۲/۰۰
	دانشگاه علم و صنعت	۴	۰/۵۲	۴۲/۵۲
	دانشگاه شاهد	۲	۰/۲۶	۴۲/۷۸
	دانشگاه صنعتی شریف	۲	۰/۲۶	۴۳/۰۴
	دانشگاه عالی دفاع ملی	۷	۰/۹۱	۴۳/۹۵
	سایر دانشگاه‌های تهران	۲۳	۲/۹۹	۴۶/۹۴
	دانشگاه‌های شهرستان	۱۵۸	۲۰/۵۴	۶۷/۴۹
	پژوهشکده	دانشگاه آزاد اسلامی (واحدهای مختلف)	۱۲۶	۱۶/۳۸
دانشگاه پیام نور		۴۲	۵/۴۶	۸۹/۳۳
دانشگاه‌های خارج از کشور		۵	۰/۶۵	۸۹/۹۸
پژوهشکده علوم و فنون هسته‌ای ایران		۳	۰/۳۹	۹۰/۳۷
پژوهشکده مطالعات راهبردی		۱	۰/۱۳	۹۰/۵۰
پژوهشکده صنعت نفت		۶	۰/۷۸	۹۱/۲۸
سازمان	پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	۳	۰/۳۹	۹۱/۶۷
	پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی	۲	۰/۲۶	۹۱/۹۳
	حوزه علمیه قم	۱	۰/۱۳	۹۲/۰۶
	جهاد دانشگاهی	۶	۰/۷۸	۹۲/۸۴
	مرکز تحقیقات استراتژیک	۲۵	۳/۲۵	۹۶/۰۹
	وزارت امور خارجه	۱۰	۱/۳۰	۹۷/۳۹
	موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی	۵	۰/۶۵	۹۸/۰۴
سایر مراکز و مؤسسات و سازمان‌ها	۱۵	۱/۹۵	۱۰۰	
	کل	۷۶۹		۱۰۰

شکل ۱. میزان مشارکت نهادهای علمی برحسب درصد



۳-۴. رتبه علمی مؤلفان

رتبه‌های علمی ۸۰۰ نویسنده مقالات (با احتساب تمامی نویسندگان) شامل اعضای هیئت علمی استاد، دانشیار، استادیار و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دوره دکتری و دوره کارشناسی ارشد، مربیان و آن دسته از اعضای هیئت علمی که رتبه ایشان در مقالات ذکر نشده را مورد بررسی قرار داده که در جدول ۴ بررسی این شاخص در ۱۶۳ مقاله اشاره شده است. همچنین برخی نویسندگان، سمت‌های سازمانی خود را ذکر کرده‌اند و در برخی موارد (به تعداد ۷ مورد) نیز رتبه علمی نویسندگان ذکر نشده است. به همین دلیل اطلاعات ۷۹۳ مؤلف مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۴. رتبه علمی مؤلفان

رتبه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
استاد	۶۲	۷/۸۱	۷/۸۱
دانشیار	۱۲۳	۱۵/۵۱	۲۳/۳۲
استادیار	۲۱۲	۲۶/۷۳	۵۰/۰۶
دکتری، فرا دکتری و دانشجوی دکتری	۲۱۴	۲۶/۹۸	۷۷/۰۴
کارشناس ارشد و دانشجوی کارشناسی ارشد	۱۱۴	۱۴/۳۷	۹۱/۴۲
عضو هیئت علمی	۴۷	۵/۹۲	۹۷/۳۵
رئیس	۵	۰/۶۳	۹۷/۹۸
مدیرکل	۱	۰/۱۲	۹۸/۱۰
سمت‌های سازمانی			

۹۸/۲۳	۰/۱۲	۱	مشاور
۹۹/۳۶	۱/۱۳	۹	پژوهشگر
۹۹/۶۲	۰/۲۵	۲	عضو پژوهشکده
۹۹/۷۴	۰/۱۲	۱	مدرس
۹۹/۸۷	۰/۱۲	۱	مری
۱۰۰	۰/۱۲	۱	دادیار
۱۰۰	۷۹۳	کل	

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که رتبه علمی به ترتیب شامل ۷/۸۱ درصد استاد، ۱۵/۵۱ درصد دانشیار، ۲۶/۷۳ درصد استادیار، ۲۶/۹۸ درصد فارغ‌التحصیلان دکتری و دانشجویان دوره دکتری و ۱۴/۳۷ درصد فارغ‌التحصیلان ارشد و دانشجویان دوره ارشد بوده است. ضمن این که در ۷ مورد از مقالات، رتبه علمی اعضای هیئت علمی ذکر نشده است و در مجموع نیز ۲/۶۴ درصد نیز به مشارکت افراد با سمت‌های سازمانی اختصاص داشته است. بیشترین سهم از مقالات را نویسندگان با رتبه‌های علمی دکتری/ دانشجوی دکتری، استادیار، دانشیار و کارشناس ارشد/ دانشجوی کارشناسی ارشد دارا بوده‌اند و بعداز آن مؤلفان با رتبه استاد مشارکت داشته‌اند.

۴-۴. تعداد نویسندگان مقالات

نتایج پژوهش نشان می‌دهد در مجموع، ۸۰۰ نفر محقق در نگارش ۳۸۸ مقاله مشارکت داشته‌اند که سهم هر مقاله تقریباً ۲ نفر بوده است. اطلاعات مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که بیشترین مقالات چاپ شده در مجله، با ۴۶/۳۹ درصد مربوط به نویسندگان دو نفره، ۲۸/۳۵ درصد مربوط به نویسندگان یک نفره، ۱۷/۲۶ درصد مربوط به نویسندگان سه نفره و ۶/۷۰ درصد مربوط به نویسندگان چهار نفره و تنها ۱/۲۸ درصد مربوط به نویسندگان مشترک پنج نفره است. با توجه به آمار جدول، تعداد مقالاتی که به صورت گروهی نوشته شده است، کمتر از مقالات یک و دو نفره است که به نظر می‌رسد کار گروهی پژوهشگران کم می‌باشد و مورد استقبال کمتری است. اما با این حال روند انجام کارهای مشترک و گروهی در سال‌های اخیر بیشتر بوده و نسبت به سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ رو به رشد است.

جدول ۵. تعداد نویسندگان مقالات

تعداد نویسنده	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۱ نفر	۱۱۰	۲۸/۳۵	۲۸/۳۵
۲ نفر	۱۸۰	۴۶/۳۹	۷۴/۷۴
۳ نفر	۶۷	۱۷/۲۶	۹۲/۰۱
۴ نفر	۲۶	۶/۷۰	۹۸/۷۱
۵ نفر	۵	۱/۲۸	۱۰۰
کل	۳۸۸	۱۰۰	

۴-۵. روش‌های مورد استفاده

طبقه‌بندی روش‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارت است از: روش‌های توصیفی - کاربردی، توصیفی - تحلیلی، موردی، مطالعه تطبیقی و تجربی می‌باشد. بر اساس جدول ۶، ۶۸/۰۴ درصد از مقالات توصیفی - تحلیلی، ۲۱/۶۴ درصد از توصیفی - کاربردی، ۵/۱۵ درصد از مطالعه تطبیقی، ۴/۸۹ درصد از موردی استفاده شده است. بنابراین، همان‌طور که مشاهده می‌شود و از بررسی کیفی روش‌های تحقیق استفاده شده در مقالات مشخص است، به نظر در کل از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده است که البته پرکاربردترین روش در حوزه علوم سیاسی است.

جدول ۶. روش‌های مورد استفاده در نگارش مقالات

روش	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
توصیفی-کاربردی	۸۴	۲۱/۶۴	۲۱/۶۴
توصیفی-تحلیلی	۲۶۴	۶۸/۰۴	۸۹/۶۹
موردی	۱۹	۴/۸۹	۹۴/۵۸
مطالعه تطبیقی	۲۰	۵/۱۵	۹۹/۷۴
تجربی	۰	۰	۹۹/۷۴
سایر	۱	۰/۲۵	۱۰۰
کل	۳۸۸	۱۰۰	

مطلب مهم دیگر در این زمینه، نوع روش تحقیق است. از نظر ماهیت تحقیق، همچنان که در جدول ۷ نشان داده شده است از بین ۳۸۸ مقاله بررسی شده، ۷۶/۰۳ درصد از آن‌ها به روش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع، ۱۱/۵۹ درصد به روش کمی، ۶/۴۴ درصد به روش تحقیق آمیخته (ترکیبی) و ۵/۹۲ درصد آن‌ها نیز با استفاده از کیفی و تحقیقات پیشین انجام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد

که به دلیل توصیفی-تحلیلی بودن تحقیقات، معمولاً پژوهشگران به بررسی منابع کتابخانه‌ای بیشتر رغبت نشان می‌دهند، چرا که در سیاست‌گذاری‌های مجله راهبرد، بر تحقیقات توصیفی تحلیلی بیشتر تأکید می‌شود. به نظر در سال‌های اخیر جهت‌گیری مجله مورد نظر به پذیرش و اولویت‌دادن به مقالاتی که از روش‌های کمی استفاده می‌کنند، نیز توجه بیشتری کرده است.

جدول ۷. فراوانی مقالات چاپ شده از نظر روش تحقیق

روش تحقیق	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کمی	۴۵	۱۱/۵۹	۱۱/۵۹
کیفی	۲۳	۵/۹۲	۱۷/۵۲
آمیخته (ترکیبی)	۲۵	۶/۴۴	۲۳/۹۶
مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع	۲۹۵	۷۶/۰۳	۱۰۰
کل	۳۸۸	۱۰۰	

همچنین در این پژوهش، ابزارهای تحقیق نیز مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۸ نشان می‌دهد که ۱۰/۳۰ درصد پژوهش‌ها برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه، ۴/۳۸ درصد از مصاحبه، ۴/۸۹ درصد از روش تحقیق آمیخته (یعنی ترکیبی از پرسشنامه و مصاحبه) و ۸۰/۴۱ درصد نیز بر پایه استفاده از اسناد، شواهد و تحلیل محتوا انجام شده است که بیشترین ابزار مورد استفاده و مورد توجه پژوهشگران حوزه علوم سیاسی بوده است.

جدول ۸. فراوانی مقالات چاپ شده از نظر منبع داده و ابزار تحقیق

روش تحقیق	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
پرسشنامه	۴۰	۱۰/۳۰	۱۰/۳۰
مصاحبه	۱۷	۴/۳۸	۱۴/۶۹
ترکیبی	۱۹	۴/۸۹	۱۹/۵۸
بررسی اسناد و تحلیل محتوا	۳۱۲	۸۰/۴۱	۱۰۰
کل	۳۸۸	۱۰۰	

همچنین وضعیت سطح تحلیل نیز نشان می‌دهد که کشور یا ملی با ۱۶۸ مورد و به عبارتی ۴۳/۲۹ درصد بالاترین میزان سطح تحلیل در مطالعات بوده است. ۱۵/۹۷ درصد مطالعات در سطح کلان و ۱۴/۹۴ درصد (۵۸ مورد) مطالعات در سطح شرکت یا سازمان بوده است. بعد از آن، فرد یا افراد با ۱۴/۹۴ درصد و نظریه یا

رویکرد با ۱۳/۹۱ درصد قرار دارد و سطح صنعت با ۲/۰۶ درصد کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها در سطح تحلیل کشور و مرتبط با مباحث استراتژیک و کلان کشور بوده است. جدول ۹، نشان‌دهنده وضعیت مقالات از نظر سطح تحلیل می‌باشد.

جدول ۹. فراوانی مقالات چاپ شده از نظر سطح تحلیل

روش تحقیق	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
فرد/ افراد	۵۸	۱۴/۹۴	۱۴/۹۴
شرکت/ سازمان	۳۸	۹/۷۹	۲۴/۷۴
صنعت	۸	۲/۰۶	۲۶/۸۰
کشور/ ملی	۱۶۸	۴۳/۲۹	۷۰/۱۰
نظریه/ رویکرد	۵۴	۱۳/۹۱	۸۴/۰۲
سطح کلان (بین‌المللی)	۶۲	۱۵/۹۷	۱۰۰
کل	۳۸۸	۱۰۰	

همچنین وضعیت حوزه مورد مطالعه تحقیقات در جدول ۱۰ ارائه شده است که نشان می‌دهد حوزه خدمات، جذابیت بیشتری برای کارهای پژوهشی پژوهشگران داشته است.

جدول ۱۰. فراوانی مقالات چاپ شده از نظر حوزه مورد مطالعه

روش تحقیق	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
صنعت	۵۴	۱۳/۹۱	۱۳/۹۱
کشاورزی	۱۲	۳/۰۹	۱۷/۰۱
خدمات	۲۱۰	۵۴/۱۲	۷۱/۱۳
ترکیبی	۵۳	۱۳/۶۵	۸۴/۷۹
نظریه/ رویکرد	۵۹	۱۵/۲۰	۱۰۰
کل	۳۸۸	۱۰۰	

ضمن این که به‌طور کلی طبقه‌بندی مشخصی از روش‌های مورد استفاده جهت تجزیه و تحلیل آماری مقالات مجله مورد نظر نمی‌توان در نظر گرفت. با این حال، با توجه به جدول ۱۱، تحلیل تبیینی به‌صورت مروری که جزء روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد، از بیشترین میزان استفاده در بین مقالات مربوطه برخوردار بوده است و پس از آن، تحلیل محتوا، معادلات ساختاری، محاسبات اقتصادی و تحلیل گفتمان قرار دارد.

جدول ۱۱. روش تجزیه و تحلیل آماری

تعداد مقالات مورد استفاده از روش	روش تجزیه و تحلیل آماری
۲۹	معادلات ساختاری
۷	رگرسیون
۲	تحلیل عاملی
۲	آزمون تی
۲	AHP
۳	روش فرآیند تحلیل
۳	روش دلفی
۵۸	تحلیل محتوا
۶	نظریه داده بنیاد
۳	تحلیل مضمون (تم)
۲۰۰	مروری (مقایسه‌ای، تبیینی، مقطعی، تمثیلی، انتقادی و...)
۶	تحلیل سوات
۱۲	تحلیل گفتمان
۷	تحلیل راهبردی
۳	آینده پژوهی
۲	تحلیل ثانویه
۳	پدیدارشناسی
۱۶	محاسبات اقتصادی
۲	تحلیل اهمیت/ عملکرد
۲	تحلیل تاپسیس
۳	تحلیل استنباطی
۵	تصمیم‌گیری چندمعیاره
۱۲	سایر (شامل همبستگی، تحلیل شبکه‌ای، تحلیل مقطعی، مقایسه الگوها، تحلیل اسنادی، تحلیل جامعه‌شناختی سیاسی، تحلیل برحسب مدل، مورد پژوهی، استدلال منطقی، تحلیل اجرا، معادلات ساختاری تفسیری، نظریه بازی‌ها) - هر کدام، ۱ مورد

۴-۶. مشارکت گروه‌های علمی - تخصصی

مجله راهبرد با توجه به آن که بیشتر در زمینه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل گرایش دارد، انتظار می‌رود مشارکت گروه‌های علمی در مجلات این رشته در حوزه سیاست و حقوق و اقتصاد بیشتر باشد. در این بحث به بررسی مشارکت گروه‌های تخصصی نویسندگان مقالات به‌عنوان معرف رشته‌های مختلف علمی - تخصصی پرداخته شد.

جدول ۱۲. میزان مشارکت گروه‌های علمی - تخصصی

طبقه‌بندی رشته	گرایش	فراوانی (با احتساب تمامی نویسندگان)	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
مدیریت	۱. مدیریت استراتژیک و راهبردی	۳	۰/۳۷	۰/۳۷
	۲. سایر رشته و گرایش‌های مدیریت	۶۹	۸/۶۲	۹
اقتصاد	۱. علوم اقتصاد	۳۱	۳/۸۷	۱۲/۸۷
	۲. اقتصاد نفت و گاز	۳	۰/۳۷	۱۳/۲۵
	۳. توسعه اقتصادی	۳	۰/۳۷	۱۳/۶۲
سیاست	۱. علوم سیاسی	۱۲۸	۱۶	۲۹/۶۲
	۲. سیاست‌گذاری	۱۱	۱/۳۷	۳۱
	۳. مطالعات امنیت ملی	۲	۰/۲۵	۳۱/۲۵
	۴. مطالعات جهان	۱	۰/۱۲	۳۱/۳۷
	۵. مطالعات منطقه‌ای	۹	۱/۱۲	۳۲/۵
حقوق	۱. حقوق	۳۱	۳/۸۷	۳۶/۳۷
	۲. حقوق بین‌الملل	۱۵	۱/۸۷	۳۸/۲۵
	۳. تجارت بین‌الملل	۱	۰/۱۲	۳۸/۳۷
	۴. حقوق تجارت	۱	۰/۱۲	۳۸/۵
	۵. حقوق جزا و جرم‌شناسی	۱۰	۱/۲۵	۳۹/۷۵
	۶. حقوق عمومی	۹	۱/۱۲	۴۰/۸۷
	۷. حقوق خصوصی	۵	۰/۶۲	۴۱/۵
	۸. حقوق کیفری	۱	۰/۱۲	۴۱/۶۲
	۹. روابط بین‌الملل	۵۱	۶/۳۷	۴۸
	۱۰. فقه و حقوق	۲	۰/۲۵	۴۸/۲۵
محیط‌زیست	۱. محیط‌زیست	۱۲	۱/۵	۴۹/۷۵
	۲. کشاورزی	۳	۰/۳۷	۵۰/۱۲
	۳. جغرافیا	۱۳	۱/۶۲	۵۱/۷۵
سایر رشته‌های علوم فنی، انسانی و اجتماعی	از جمله: مهندسی صنایع، عمران، ادبیات، پرستاری، ارتباطات، فلسفه و...	۸۲	۱۰/۲۵	۶۲
ذکر نشده	-	۳۰۴	۳۸	۱۰۰
	جمع کل		۸۰۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۱۲ نشان داده شده است، مشارکت گروه‌های مختلف زیاد است.

۴-۷. تفکیک مقالات بر حسب منابع استخراجی

در این بخش به بررسی جزئی و کلی آن دسته از مقالاتی پرداخته شده است که

حاصل استخراج از دیگر زمینه‌های علمی - پژوهشی قبلی از قبیل «پایان‌نامه کارشناسی»، «رساله دکترا»، «سخنرانی در همایش»، «پروژه کلاسی»، «ترجمه» و «طرح پژوهشی» بوده است. با بررسی مقالات چاپ‌شده مشخص گردید که کمتر مقاله‌ای نوع منبع استخراجی خود را به خوبی مشخص کرده بود. پیشنهاد می‌شود مجله در مقالات آتی خود، از نویسندگان بخواهد منبع استخراجی پژوهش خود را نیز به روشنی مشخص کنند. همچنین بررسی مقالات نشان داده که ظاهراً مشخص کردن نوع منبع استخراجی از سال ۱۳۹۵ به بعد مورد توجه مجله قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده طی ۳ سال اخیر (۹۵-۹۶-۹۷)، ۸ مورد مقاله مستخرج از رساله، ۱ مورد پایان‌نامه، ۱ مورد گزارش و ۱ مورد نیز طرح پژوهشی بوده است.

۴-۸. منابع و مآخذ

منابع و مآخذ مورد استفاده در مقالات شامل مقالات فارسی، عربی و لاتین هستند. در مقالات مورد بررسی، در مجموع از ۱۳۴۴۸ منبع در انجام پژوهش استفاده شده است که از این تعداد ۶۲۲۱ منبع یعنی ۴۶ درصد از منابع فارسی و ۷۰۱۲ منبع یعنی ۵۲ درصد از منابع لاتین می‌باشند و تعداد ۲۱۵ منبع به عبارتی ۲ درصد از منابع عربی استفاده شده است. میانگین منابع مورد استفاده برای ۳۸۸ مقاله برابر با ۳۴/۵ منبع برای هر مقاله می‌باشد که رقم رضایت‌بخش خوبی در استفاده از منابع است. میانگین منابع لاتین مورد استفاده در هر مقاله برابر با ۱۸ منبع می‌باشد و این رقم برای منابع فارسی معادل ۱۶ منبع برای هر مقاله است و به طور کلی، بررسی نشان می‌دهد متوسط تعداد منابع برای مقالات خوب است. جدول ۱۳ نشان‌دهنده وضعیت مقالات از نظر منابع و مآخذ می‌باشد.

جدول ۱۳. وضعیت منابع و مآخذ در مقالات چاپ شده

شاخص	منابع فارسی مقالات	منابع عربی مقالات	منابع لاتین مقالات	کل مقالات
تعداد	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸
میانگین	۱۶	۰/۵	۱۸	۳۴/۵

درصد	۴۶	۲	۵۲	۱۰۰
حداقل	۰	۰	۰	۰
حداکثر	۹۷	۴۳	۸۳	۱۰۴
جمع منابع	۶۲۲۱	۲۱۵	۷۰۱۲	۱۳۴۴۸

۴-۹. مدت زمان پذیرش مقالات

این شاخص به بررسی مدت زمان اختصاص داده شده از طرف مجله برای بررسی مقالات یعنی از زمان دریافت مقالات تا پذیرش آن‌ها جهت چاپ در مجله می‌پردازد. بررسی این موضوع از جهت فرایند داوری و سازمان مجله برای پیگیری مقالات، دارای اهمیت است و نقش مؤثری در میزان رضایت متقاضیان چاپ از مجله می‌باشد. این زمان‌ها در سال‌های مختلف، متفاوت بوده است. زودترین زمان برای پذیرش مقالات ۲۰ روز و دیرترین مدت زمان حدود ۵۷۵ روز (بیش از یک سال) بوده است. در کل میانگین مدت زمان لازم برای دریافت و چاپ مقالات ۱۵۱ روز (حدود ۵ ماه) برای هر مقاله است.

جدول ۱۴. وضعیت مدت زمان پذیرش مقالات

سال عنوان	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	کل
زودترین اعلام نظر نهایی (روز)	۱۵	۲۰	۶۸	۸۵	۵۲	۵۱	۸۶	۵۴	۸۶	۲۰
دیرترین اعلام نظر نهایی (روز)	۱۵۲	۴۳۷	۳۱۲	۲۴۶	۲۹۱	۲۶۷	۵۷۵	۲۱۸	۴۷۰	۵۷۵
میانگین مدت زمان اعلام نظر نهایی (روز)	۷۲	۱۸۵	۱۶۴	۱۵۳	۱۵۴	۱۳۷	۲۱۷	۱۳۵	۱۴۹	۱۵۱
ذکر نشده	۰	۱	۱	۰	۱۲	۰	۰	۰	۱	۱۵
جمع تعداد مقالات	۵۳	۴۴	۴۶	۴۴	۴۰	۴۱	۴۹	۴۰	۳۱	۳۸۸

۴-۱۰. وضعیت ظاهری مقالات

یکی از شاخص‌های مورد ارزیابی دیگر، وضعیت ظاهری مقالات بود. همان‌طور که جدول ۱۵ نشان می‌دهد، کمترین تعداد صفحه مقالات ۱۰ و بیشترین ۶۰ صفحه بود که به طور میانگین هر مقاله دارای حدود ۲۶ صفحه حجم است. همچنین در مجموعه مقالات چاپ شده، مقالاتی بودند که هیچ عکس یا نموداری

به کار نبرده بودند و می‌توان گفت به طور میانگین هر مقاله، دارای حدود ۲ جدول و ۱ عکس است.

جدول ۱۵. وضعیت ظاهری مقالات چاپ شده

شاخص	صفحه	جدول	عکس و نمودار
تعداد جمعی	۱۰۲۹۰	۸۹۱	۶۰۸
میانگین	۲۶	۲	۱
حداقل	۱۰	۰	۰
حداکثر	۶۰	۲۶	۱۹

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد از روش علم‌سنجی به عنوان یکی از رایج‌ترین روش‌های ارزیابی فعالیت‌های علمی کمک گرفته شود. به دنبال مطرح شدن این علم، دانشمندان برجسته، مقالات علمی را به عنوان ملاکی برای مقایسه تولید علمی کشورهای مختلف به کار گرفتند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸). هدف تحقیق حاضر، بررسی و ارزیابی شکلی و محتوایی مقالات مجله راهبرد سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ است که در ادامه به نتایج اشاره می‌شود.

سه‌م موضوعی مقالات از ۳۸۸ مقاله مورد بررسی به ترتیب به موضوع علوم سیاسی (۱۷٪)، فقهی و حقوقی (۱۲٪)، علوم نظامی (۱۱٪)، علم و فناوری (۱۱٪)، و علوم اقتصادی (۱۰٪) اختصاص یافته است. همچنین بیشترین فراوانی در زیر موضوعات به سیاست‌های خارجی (۷٪)، امنیت (۶٪)، حقوق (۶٪)، سیاست (۶٪)، حقوق بین‌الملل (۴٪)، روابط بین‌الملل (۴٪)، محیط‌زیست (۴٪)، توسعه (۴٪) و جنگ (۴٪) اختصاص یافته است. به طور کلی، به نظر می‌رسد پراکندگی سه‌م موضوعی مقالات بر روی طیف ۳۸۸ مقاله مورد بررسی از پراکندگی نسبتاً یکسانی برخوردار است. همچنین موضوع ارزیابی که دارای زیر موضوعات ارزیابی عملکرد و فساد بوده است، در کنار زیر موضوعات دیگر همچون نظریه‌پردازی، مشارکت سیاسی و برنامه توسعه کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است که پیشنهاد می‌شود در صورت صلاح‌دید مجله، بیشتر مورد توجه قرار گیرد. همچنین گرایش‌ها و تمایلات نویسندگان و محققان دانشگاهی در ایران به

موضوعات و مقوله‌های مختلف در زمینه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل یکسان نبوده و موضوعاتی همچون روان‌شناسی سیاسی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، سیاست‌گذاری عمومی، تعاملات فرهنگی بین‌المللی و غیره از مرکز توجه پژوهشگران دورتر مانده است. لذا با توجه به اینکه چنین موضوعاتی لزوماً کم‌اهمیت نیستند و می‌توانند در تدوین خط‌مشی و طراحی سیاست‌های کلی در حوزه‌های نظری و عملی مؤثر باشند، لزوم اتخاذ تدابیری جهت سوق‌دادن توجه بیشتر محققان و پژوهشگران دانشگاهی به این مقولات احساس می‌شود. سهم مشارکت دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزشی و پژوهشی از نظر تعداد مقالات به چاپ رسانده که در این مورد محل خدمت تمامی نویسندگان مقالات در نظر گرفته شده است. از ۷۶۹ نهاد مشارکت‌کننده که اطلاعات آن‌ها موجود و در مقالات ذکر شده بود، تعداد ۱۵۸ مورد یعنی ۲۰/۵۴ درصد از کل مقالات را دانشگاه‌های شهرستان‌ها به خود اختصاص داده است و پس از آن ۱۴۴ مورد یعنی ۱۸/۷۲ درصد نیز مربوط به دانشگاه تهران است.

رتبه علمی مؤلفان، به ترتیب شامل رتبه علمی استاد، دانشیار، استادیار، مربی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دوره دکتری و کارشناسی ارشد است. در شاخص «رتبه علمی مؤلفان» مشارکت استادیاران و فارغ‌التحصیلان/ دانشجویان دکتری با اختلاف بسیار کمی حدوداً ۲۷ درصد است و تنها ۷ درصد از مقالات به استادان اختصاص یافته است. در مورد شاخص «تعداد نویسندگان» نیز باید گفت یافته‌های پژوهش نشان داده که در مجموع، ۸۰۰ نفر پژوهشگر در نگارش ۳۸۸ مقاله نشریه مشارکت داشته‌اند که سهم هر مقاله تقریباً ۲ نفر بوده است و بیشترین مقالات چاپ‌شده در مجله، با ۴۶/۳۹ درصد مربوط به مقالات ۲ نفره بوده و تنها نزدیک به ۱ درصد از مقالات توسط ۵ نفر نوشته شده است. این یافته حاکی از آن است که میزان مشارکت گروهی در تألیف مقالات در این رشته مطالعاتی چندان مطلوب نیست، هر چند در سال‌های اخیر شواهد نشان می‌دهد که کار گروهی پژوهشگران در وضعیت رو به بهبودی قرار دارد و نسبت به سال‌های اولیه روند رو به رشدی داشته است.

بخش دیگر یافته‌ها مربوط به نتایج بخش روش‌ها و فن‌های مورد استفاده بود که شامل روش‌های مورد استفاده در نگارش مقالات (توصیفی - کاربردی، توصیفی - تحلیلی، موردی، مطالعه تطبیقی، تجربی، سایر)؛ روش تحقیق (کمی، کیفی، آمیخته (ترکیبی)، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع)؛ ابزارهای تحقیق (پرسشنامه، مصاحبه، ترکیبی، بررسی اسناد و تحلیل محتوا)؛ سطح تحلیل (فرد/ افراد، شرکت/ سازمان، صنعت، کشور/ ملی، نظریه/ رویکرد، سطح کلان (بین‌الملل))؛ حوزه مورد مطالعه تحقیقات (صنعت، کشاورزی، خدمات) و روش تجزیه و تحلیل آماری است. در این بخش، مشاهده شده است که ۶۸/۰۴ درصد از مقالات توصیفی - تحلیلی است. مطلب مهم دیگر در این زمینه، نوع روش تحقیق است. از نظر ماهیت تحقیق، ۷۶/۰۳ درصد آن‌ها به روش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع انجام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به دلیل تبیینی‌بودن پژوهش‌های علوم سیاسی، معمولاً پژوهشگران به این نوع از تحقیقات بیشتر گرایش دارند. از نظر داوری و بهره‌مندی از امتیاز بالاتر در چاپ مقالات در مجلات علمی پژوهشی حوزه سیاست و روابط بین‌الملل، بر روش تحلیلی و استدلالی بیشتر تأکید می‌شود. لازم است مجله مورد نظر به پذیرش و اولویت‌دادن به مقالاتی که از روش‌های کمی و آمیخته نیز استفاده می‌کنند، توأم با توجه به روش‌های کتابخانه‌ای توجه بیشتری نماید. بررسی ابزارهای تحقیق نیز نشان می‌دهد که در ۸۰/۴۱ درصد از پژوهش‌ها برای گردآوری داده‌ها از بررسی اسناد و تحلیل محتوا استفاده شده است. اطلاعات بیانگر آن است که به دلیل بار علمی و علاقه بیشتر پژوهشگران حوزه علوم سیاسی، این ابزار به‌عنوان پراستفاده‌ترین ابزار در بین پژوهشگران بوده است. با توجه به ماهیت، پیچیدگی و تنوع پدیده‌های مورد مطالعه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، بهتر است که از پافشاری بر یک یا چند روش پژوهش محدود (مروری و تبیینی) اجتناب شود یا حداقل سایر روش‌های پژوهش کمی و کیفی نیز مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که اکثر موضوعات در سطح کلان مورد بررسی قرار می‌گیرند، نیاز است تا استفاده از روش‌های ترکیبی بر پایه مشاهدات تجربی نیز در تحقیقات مورد استفاده قرار

گیرد. همچنین بررسی وضعیت سطح تحلیل نیز نشان می‌دهد که کشور یا ملی با ۴۳/۲۹ درصد، بالاترین میزان سطح تحلیل در مطالعات بوده است و این موضوع بیانگر آن است که در موضوعات متناسب با سیاست و بین‌الملل در این مجله، بیشتر پژوهش‌ها در سطح تحلیل کشور و همچنین سطوح فراملی است و احتمالاً استادیاران و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دکتری بوده است و بیشترین حوزه مورد مطالعه پژوهش‌ها نیز مربوط به حوزه خدمات است که بیانگر جذابیت بیشتر این حوزه نسبت به صنعت برای کارهای پژوهشی محققان است. همچنین بر اساس آمارها، فن مرور و تبیین و پس از آن فن تحلیل محتوا بیشترین کاربرد را داشته است.

شاخص مربوط به «مشارکت گروه‌های علمی تخصصی» نشان‌دهنده فعالیت بیشتر گروه‌های شرکت‌کننده با رشته تحصیلی علوم سیاسی با ۱۶ درصد و پس از آن رشته تحصیلی روابط بین‌الملل با ۶/۳۷ درصد، رشته حقوق و اقتصاد با ۳/۸۷ درصد مشارکت بیشتری داشتند. در برخی موارد دیده شده که رشته‌های نامرتبلی همچون فلسفه، ادبیات، پرستاری، آمار و صنایع نیز به انتشار مقاله در این زمینه اقدام کرده‌اند و همچنین بررسی‌ها حاکی از آن است که رشته‌های مدیریت دولتی، بازرگانی، صنعتی، راهبردی و مدیریت آموزشی از پتانسیل خوبی برای انتشار مقاله در حوزه علوم سیاسی برخوردارند. لذا باید تدابیری نسبت به مشارکت و همکاری پژوهشگران این حوزه اتخاذ شود، چه بسا با مشارکت بیشتر پژوهشگران حوزه راهبرد، سطح کیفیت پژوهش‌ها افزایش چشمگیری داشته باشد. ضمن این‌که با بررسی مقالات چاپ شده مشخص گردید که کمتر مقاله‌ای نوع منبع استخراجی خود را به خوبی مشخص کرده بود. هرچند می‌توان حدس زد که بسیاری از مقاله‌ها، مستخرج از رساله و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی باشد و پیشنهاد می‌شود مجله در مقالات آتی خود، از نویسندگان بخواهد منبع استخراجی پژوهش خود را نیز به روشنی مشخص کنند.

شاخص «منابع و مآخذ» نیز نشان می‌دهد در مجموع ۱۳۴۴۸ منبع در انجام پژوهش استفاده شده است و این منابع استفاده‌شده از منابع فارسی، لاتین و عربی

بوده است که میانگین منابع مورد استفاده برای ۳۸۸ مقاله برابر با ۳۴ منبع برای هر مقاله می‌باشد و همچنین میانگین منابع فارسی مورد استفاده در هر مقاله برابر با ۱۶ و برای منابع لاتین معادل ۱۸ منبع برای هر مقاله است. به نظر می‌رسد تعداد منابع برای مقالات، خوب و مناسب می‌باشد؛ اما منابع دیگر به زبان‌های فرانسه، آلمانی، روسی و... سهم بسیار ناچیزی (تقریباً صفر) در شکل‌دهی به محتوای مقالات مورد بررسی داشته‌اند. با توجه به این واقعیت که خصوصاً در انجام بعضی پژوهش‌ها همچون مطالعات منطقه‌ای که توجه محققان حوزه روابط بین‌الملل را به خود جلب کرده است، آگاهی و استفاده از نتایج تحقیقات بومی کشورها و مناطق جغرافیایی دیگر نیازمند به کارگیری زبان بومی و ملی آن کشور است، این سهم ناچیز (بهره‌گیری از منابع به زبان‌های فرانسه، آلمانی، روسی و...) نقیصه‌ای مهم محسوب می‌شود. مدت زمان پذیرش مقالات، نشان دهنده مدت زمانی است که مجله از زمان دریافت مقاله تا پذیرش آن‌ها جهت چاپ در مجله به هر یک از مقالات اختصاص داده است. در مجله مذکور، زمان‌ها در سال‌های مختلف متفاوت بوده است؛ اما در عین حال، این تفاوت چشمگیر نیست. نکته اساسی این است که در سال‌های اخیر، روند زمان پذیرش مقالات افزایش یافته است. میانگین زودترین زمان برای پذیرش مقالات کمتر از یک ماه و دیرترین زمان، حدوداً ۲۰ ماه است که به نظر منطقی و معقول است، اما پیشنهاد می‌شود مدت زمان پذیرش مقالات کاهش یابد. در نهایت، وضعیت ظاهری مقالات یکی از شاخص‌های مورد ارزیابی دیگر، وضعیت ظاهری مقالات برحسب تعداد صفحه، تعداد جدول، تعداد عکس و نمودار است. این شاخص نیز نشان می‌دهد به‌طور میانگین هر مقاله دارای حدود ۲۶ صفحه حجم بوده و همچنین در مجموعه مقالات چاپ شده، مقالاتی بودند که هیچ جدول یا عکسی به کار نبرده بودند و می‌توان گفت به‌طور میانگین هر مقاله، دارای حدود ۲ جدول و ۱ عکس است.

در مجموع با بررسی اجمالی که بر نتایج ۱۱ شاخص مورد ارزیابی انجام شده است، به نظر می‌رسد مجله در وضعیت مناسبی قرار دارد و از معدود مجلاتی است که در سطح کشور به‌طور تخصصی بر موضوع سیاست‌های خارجی و روابط

بین‌الملل در کنار دیگر مباحث مهم کشور، متمرکز است. بررسی مقاله‌های منتشرشده، بیانگر آن است که مقاله‌ها با اهداف مجله سازگارند. با توجه به طبقه‌بندی مقالات مجله و تحلیل روش‌شناختی آن‌ها می‌توان ادعا کرد که عمده تحقیقات تحلیلی هستند. در پایان پیشنهاد می‌شود مجله ضمن توجه به پیشنهادهای موردی بخش‌های قبل، جهت ترغیب و تشویق پژوهشگران؛ تجلیلی از محققان برتر صورت دهد تا میزان مشارکت و غنای آثار بیشتر شود. همچنین لازم است پژوهشگران و نویسندگان حوزه علوم سیاسی نیز از نیازهای پژوهشی در این حوزه آگاه باشند و علاوه بر شناسایی مشکلات و محدودیت‌های موجود و روندهای گذشته، رویکردی آینده‌نگر داشته باشند و فرصت‌های جدید را در دستور کار خود قرار دهند. بنابراین مسئله محوربودن مقالات در راستای پاسخگویی به مسائل مهم و استراتژیک کشور، از دیگر نکاتی است که یافته‌های پژوهش حاضر بر آنها اصرار دارند.

منابع

- اکبری، مرتضی، فاطمه دلبری راغب، عاطفه ذوالفقاری، ابوالفضل کلانکی و سمیرا رازی (۱۳۹۴). «ترسیم نقشه دانش کارآفرینی بر مبنای مقالات علمی و پژوهشی در ایران»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان، ۱۱۱۲-۱۰۹۱.
- ایمانی، حسین، عبدالله زاده، امیرحسین و علی اصغر پورعزت (۱۳۹۷). «تحلیل محتوای پژوهش‌های فصلنامه مدیریت دولتی دانشگاه تهران»، *مدیریت دولتی*، سال دهم، شماره ۳، ۴۱۴-۳۸۷.
- بروان، تیبور، ولفگانگ گلنزل و شویرت آندریاس (۱۳۷۴). «شاخص‌های علم‌سنجی، ارزیابی تطبیقی فعالیت‌های انتشاراتی و اثرگذاری ارجاعات ۳۲ کشور»، ترجمه محمداسماعیل ریاحی، *رهیافت*، شماره ۸، ۸۰-۷۰.
- حاجی پور، بهمن، طیبی، سیدامیرحسین ابوالحسنی و زهرا عزیزیان کلخوران (۱۳۹۵). «تحلیل محتوای حوزه مدیریت راهبردی (مطالعه موردی: فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی)»، *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، سال بیست و دوم، شماره ۶۲، ۴۷-۱۳.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و معصومه طالبی (۱۳۹۰). «مسئله و روش پژوهش در پایان‌نامه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۶، ۲۱۶-۱۹۹.
- حمدی پور، افشین و افسانه سعادت‌راد (۱۳۹۷). «مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی حوزه کارآفرینی و ترسیم ساختار علمی آن در پایگاه Web of science طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۷»، *دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و کسب‌وکار*، تبریز، ۲۰-۱.
- خاصه، علی‌اکبر، شعله زکیانی و فرامرز سهیلی (۱۳۹۷). «تحلیل پژوهش‌های ایران در حوزه سرطان: مطالعه علم‌سنجی»، *پیاورد سلامت (دانشگاه علوم پزشکی تهران)*، سال دوم، شماره ۳، ۱۷۴-۱۶۱.
- دلآوری، ابوالفضل (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر کیفیت علمی رساله‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران»، *همایش وضعیت پژوهش در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران (سومین همایش انجمن علوم سیاسی ایران)*.
- رازقی، نادر و مریم قانیدی (۱۳۹۵). «تبیین عوامل مؤثر بر تولید علمی»، *پژوهشنامه*

- مدیریت اجرایی، سال هشتم، شماره ۱۶، ۸۶-۶۳.
- رضایی، نسا، مرتضی اکبری و حمید پاداش (۱۳۹۶). «ترسیم نقشه دانش نوآوری ایران براساس مقالات علمی و پژوهشی و پایان‌نامه‌های فارسی»، توسعه کارآفرینی، سال دهم، شماره ۳، ۴۵۶-۴۳۷.
- زندى روان، نرگس، محمدرضا داورپناه و رحمت‌الله فتاحی (۱۳۹۳). «نقشه تولید علم ایران بر اساس مقاله‌های نمایه‌شده در SCI-E»، پژوهش‌های نظری و کاربردی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، شماره ۷، ۲۶-۵.
- طییبی ابوالحسنی، سیدامیرحسین و شاهین روحانی‌راد (۱۳۹۶). «مروری بر ابزارهای استراتژی منتشرشده در مجلات مهم طی ۲۵ سال اخیر»، سیاست‌نامه علم و فناوری، سال هفتم، شماره ۱، ۷۷-۵۵.
- عرفان‌منش، محمدامین و مرضیه مروتی اردکانی (۱۳۹۵). «مطالعه علم‌سنجی و تحلیل شبکه‌های همکاری علمی در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی»، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال هشتم، شماره ۴، ۷۷-۵۵.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۵). «بررسی توصیفی عناوین پایان‌نامه‌های رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۵، ۱۵۲-۱۴۳.
- نوروززاده، رضا و ندا رضایی (۱۳۸۸). «توسعه علمی در جمهوری اسلامی ایران؛ ابعاد، موانع و راهکارها» در چالش‌های تولید علم (۲)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- Benoit, W. L. (2010). Content analysis in political communication, In *Sourcebook for political communication research* (pp. 290-302), Routledge.
- Grčić, K. Babac, M. B. & Podobnik, V. (2017). "Generating politician profiles based on content analysis of social network datasets", *Journal of Universal Computer Science*, Vol.23, No.3, 236-255.
- Kim, A. C. H. (2012). Knowledge structure in sport management: bibliometric and social network analyses (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Milejevic, S. & Leydesdorff, L. (2013). "Information Metrics (iMetrics): a research specialty with a sociocognitive identity?", *Scientometrics*, Vol.95, No.1, 141-157.
- Neuendorf, K. A. & Kumar, A. (2015). Content analysis. *The International Encyclopedia of Political Communication*, 1-10.
- Ni, C. Sugimoto, C. R. & Robbin, A. (2017). "Examining the evolution of the field of public administration through a bibliometric analysis of public

administration review”, *Public Administration Review*, Vol.77, No.4, 496-509.

Raadschelders, J. C. & Lee, K. H. (2011). “Trends in the study of public administration. Empirical and qualitative observations from *Public Administration Review*, 2000–2009”, *Public Administration Review*, Vol.71, No.1, 19-33.

Sugimoto, C. R. & Weingart, S. (2015). “The kaleidoscope of disciplinarity”, *Journal of Documentation*, Vol.71, No.4, 775-794.

Wesley, J. J. (2010, April). Qualitative document analysis in political science, In *T2PP Workshop* (pp. 9-10), Amsterdam: Vrije Universiteit.

تحلیل زنجیره تأمین زیست‌توده زباله با بهره‌گیری از نقشه‌های شناختی فازی

مریم امانی*

احمد رضا قاسمی**

علی رجب‌زاده قطری***

عادل آذر****

چکیده

نظر به افزایش تقاضای انرژی‌های تجدیدپذیر، زیست‌توده را می‌توان به‌عنوان منبع کلیدی انرژی‌های تجدیدپذیر دانست. زیست‌توده زباله در سطح جهانی به دلیل سیاست‌های مدیریت زباله و حفظ محیط‌زیست بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. این منابع دارای پتانسیل زیادی برای تولید برق هستند هدف تبدیل آن‌ها به انرژی برق، مدیریت زباله‌ها و حفظ محیط‌زیست است، لذا زنجیره تأمین نقش مهمی را در فراهم‌آوری مؤثر و کارآمد منابع زیست‌توده زباله برای تولید انرژی ایفا می‌کند. در این پژوهش، در گام نخست با مصاحبه از خبرگان اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران شناسایی شد. با استفاده از روش نقشه‌شناختی فازی ابتدا روابط علی بین اجزای زنجیره بررسی و سپس به سناریوهای مختلف اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در جهت تولید انرژی پرداخته شد. نتایج روابط علی نقشه‌شناختی فازی نشان داد که تولید زیست‌توده زباله، پیش‌پردازش (تفکیک)، ذخیره‌سازی در محل دفن و حمل‌ونقل اولیه به ترتیب دارای درجه خروجی ۵،۵، ۳،۰۸، ۲،۹۷ و ۲،۸۶ هستند. در بررسی سناریوهای

* دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم، ایران

Amani.maryam@ut.ac.ir

** استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم، ایران

Ghasemiamad@ut.ac.ir

(نویسنده مسئول)

*** دانشیار گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Alirajabzadeh@modares.ac.ir

**** استاد گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Aazar@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۵

فصلنامه راهبرد، سال بیست و هفتم، شماره نودویک، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۲۴-۱۹۷

مختلف، نتایج نشان داد با افزایش میزان تأثیر تولید زیست‌توده زباله میزان تأثیر سایر اجزای زنجیره در جهت تولید انرژی نیز افزایش می‌یابد. ولی با افزایش میزان تأثیر حمل‌ونقل اولیه، ذخیره‌سازی در محل دفن میزان تأثیر سایر اجزا به همان نسبت کاهش می‌یابد تا جایی که رابطه تأثیرگذاری آن‌ها منفی می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که تولید زیست‌توده زباله نسبت به سایر اجزای زنجیره تأمین تأثیرگذارتر و دارای اهمیت بیشتری برای تولید انرژی هست.

واژه‌های کلیدی: انرژی‌های تجدیدپذیر، زیست‌توده زباله، زنجیره تأمین، تولید انرژی، نقشه‌شناختی فازی

مقدمه

توسعه علم و فن‌آوری در جهان، آسایش و رفاه زندگی بشر را به دنبال دارد، اما باعث بروز مشکلاتی شامل آلودگی محیط‌زیست، تغییرات گسترده آب و هوایی در زمین و غیره برای انسان‌ها شده است. سوخت‌های فسیلی، آلودگی‌های زیست‌محیطی بی‌شماری را ایجاد می‌کنند. سوختن این نوع سوخت‌ها باعث وارد شدن گازهای سمی به محیط می‌شود که تنفس انسان را دچار مشکل و محیط‌زیست را آلوده می‌کند. از این‌رو، جایگزینی انرژی‌های پاک نظیر انرژی خورشیدی، بادی، زمین‌گرمایی، زیست‌توده ۱ و غیره به جای انرژی‌های حاصل از سوخت‌های فسیلی، از آلودگی‌های زیست‌محیطی و مخاطرات ناشی از آن می‌کاهد (Raychaudhuri & Kumar chosh, 2016: 915). همچنین پایان‌پذیر بودن سوخت‌های فسیلی، توسعه پایدار و ایجاد امنیت انرژی باعث شده است تا به گسترش استفاده از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر و افزایش سهم آن‌ها در سبد انرژی جهان توجه بیشتری شود (Paluo et al, 2015:245).

در سال ۲۰۰۵، ۱۳،۳ درصد انرژی اولیه جهان از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین شده است که سهم هر یک از منابع انرژی تجدیدپذیر، انرژی زیست‌توده ۷۹/۷ درصد انرژی برق‌آبی حدود ۱۶/۵ درصد، انرژی زمین‌گرمایی ۳/۱ درصد، انرژی خورشیدی ۰،۰۹ درصد، انرژی بادی ۰،۴۸ درصد و انرژی جزر و مد ناچیز بوده است (Ren, 2005: 8).

از این‌رو، زیست‌توده نقشی بی‌بدیل در تولید انرژی دارد. زیست‌توده یکی از

منابع انرژی تجدیدپذیر از بین منابع زیست‌توده است. زیست‌توده زباله به‌طور فعال در سطح جهانی به دلیل سیاست‌های مدیریت زباله و حفظ محیط‌زیست بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. هزینه زیاد عملیات تدارکات زیست‌توده زباله برای تولید انرژی و تقاضای رو به رشد زیست‌توده زباله و افزایش پیچیدگی زنجیره تأمین زیست‌توده زباله، نیاز به رویکردهای مدیریت زنجیره تأمین زیست‌توده زباله را نشان می‌دهد (Lakovou et al, 1860 2010)؛ بنابراین زنجیره تأمین، نقش مهمی را در فراهم‌آوری مؤثر و کارآمد منابع زیست‌توده برای تولید انرژی ایفا می‌کند (Mafakheri & Nasiri, 2014: 117).

بر مبنای نتایج علمی و عملی یکی از پروژه‌های اجراشده در سازمان انرژی‌های نو ایران مبنی بر پتانسیل‌سنجی زباله‌های شهری در شهرهای با جمعیت بیش از ۲۵۰ هزار نفر در کشور، بر مبنای سرانه سال ۱۳۸۵، پتانسیل تولید برق از زباله‌های ۳۰ شهر در ایران، برابر با ۶۸۷ مگاوات مبتنی بر فناوری زباله‌سوزی، هضم بی‌هوازی و روش گازی‌سازی قابل استحصال است (گزارش پتانسیل‌سنجی انرژی‌های تجدیدپذیر، سایت ساتبا، ۱۳۹۷). طبق آمار آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) که در سال ۲۰۱۶ منتشر شده است، سهم انرژی تولیدشده از منابع مختلف انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور ایران نسبت به سایر کشورهای جهان ۱٫۷ درصد است که از این ۱/۷ درصد انرژی تجدیدپذیر تولیدشده حدوداً ۵ درصد آن به‌صورت انرژی الکتریکی تولید شده است (سایت آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۱۷). طی گزارش بیان‌شده دفتر زیست‌توده سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق تاکنون برق تولیدی از زباله خیلی کم است، لذا کشور ایران تاکنون نتوانسته است از ظرفیت موجود زیست‌توده زباله در جهت تولید انرژی برق استفاده کند.

با توجه به اهمیت مدیریت زنجیره تأمین زیست‌توده زباله جهت افزایش کارآمدی تولید انرژی از زیست‌توده زباله این تحقیق سعی بر آن دارد تا ابتدا اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله را در جهت تولید انرژی پاک شناسایی کند

و اهمیت و تأثیرات علی بین اجزای زنجیره تأمین زیست توده زباله را به دست آورد. سپس به بررسی سناریوهای زنجیره تأمین زیست توده زباله در راستای تولید انرژی پاک پرداخت. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

(۱) اجزای زنجیره تأمین زیست توده زباله در راستای تولید انرژی پاک در ایران چه هستند؟

(۲) اهمیت نسبی اجزای زنجیره تأمین زیست توده زباله در راستای تولید انرژی پاک در ایران چگونه است؟

(۳) تأثیرات علی بین اجزای زنجیره تأمین زیست توده زباله در راستای تولید انرژی پاک در ایران چگونه است؟

(۴) سناریوهای اجزای زنجیره تأمین زیست توده زباله در راستای تولید انرژی پاک در ایران چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

عبدول قانی^۱ و همکاران در سال ۲۰۱۸ با استفاده از مدل برنامه‌ریزی خطی برای شبکه زنجیره تأمین بقایای زیست توده محصولات کشاورزی مدلی ارائه دادند که با در نظر گرفتن هزینه زیاد حمل و نقل، سود کشاورزان حداکثر شود. از آنجاکه بقایای محصولات کشاورزی دارای هزینه حمل و نقل بالایی هستند و کشاورزان این بقایا را بعد از برداشت محصول خود در زمین کشاورزی خود می‌سوزانند تا هزینه حمل و نقل زیادی برای جابه‌جایی این بقایا پرداخت نکنند. یک مطالعه موردی برای اعتبارسنجی مدل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد حمل و نقل بقایای ذرت باعث کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود (Abdul Ghani et al, 2018: 39).

دلاپورته^۲ و همکاران تحقیقی با عنوان «تأثیر ساختار زنجیره تأمین زیست توده و قیمت زیست توده بر روی تأمین مواد اولیه انرژی زیستی» در سال ۲۰۱۸ انجام دادند. در این تحقیق سیاست‌های تولید انرژی زیستی با استفاده از مدل یکپارچه

1. Abdul Ghani

2. De Laporte

اقتصادی، بیوفیزیکی و مکان‌یابی با توجه به قیمت مختلف زیست‌توده و ساختار زنجیره تأمین زیست‌توده ارزیابی شد. در مدل مکان‌یابی سه سناریو (۱) حمل مستقیم زیست‌توده از مزرعه به ایستگاه تولید نانوتیک؛ (۲) تجمع و ذخیره‌سازی زیست‌توده‌ها در مزرعه و سپس حمل به ایستگاه بندر روتردام؛ (۳) حمل زیست‌توده‌های جمع‌شده به بندر انتاریو با توجه به قیمت زیست‌توده در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که عرضه زیست‌توده تحت تأثیر ساختار زنجیره تأمین و قیمت زیست‌توده است و زمانی که ذخیره‌سازی زیست‌توده در زمین انجام می‌گردد، هزینه حمل و نقل کمتر می‌شود (De Laporte et al, 1053: 2018).

هسیون لیم و هونگ لام^۱ (۲۰۱۶) اثرات نامطلوب زیست‌محیطی و امنیتی سوخت‌های فسیلی را عامل توجه به منابع انرژی پایدار همچون زیست‌توده می‌دانند. با این حال، زیست‌توده دارای هزینه حمل و نقل بالایی است و این محدودیت شرایط فناوری‌های زیست‌توده را متفاوت می‌کند. در این پژوهش، نویسندگان روش جدیدی به نام تحلیل چرخه عمر اجزای زیست‌توده^۲ برای بررسی ویژگی‌های اجزای زیست‌توده در مراحل تولید و کاربرد آن استفاده کردند. نتایج این پژوهش پس از استفاده از روش چرخه عمر اجزای زیست‌توده، بهبود چشمگیر زنجیره تأمین زیست‌توده موجود را نشان داد (Hsion lim & Hong lam, 2016: 733).

مورات یازان^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «طراحی زنجیره تأمین پایدار زیست‌توده نسل دوم» به مقایسه طراحی‌های مختلف عملکرد زنجیره تأمین زیست‌توده نسل دوم با تمرکز بر واحدهای صنعتی آذرکافت (پیرولیز) و مجموعه‌های متمرکز در مقابل غیرمتمرکز زیست‌توده از لحاظ پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی پرداخته‌اند. در این پژوهش، سناریوهای آذرکافت در مقایسه با سناریوهای ارتقای سوخت و تولید الکتریسیته بررسی شده‌اند. بدین منظور چهار

1. Hsion lim & Hong lam

2. Biomass Element Life Cycle Analysis

3. Murat yazan

سناریو شناسایی و مقایسه شده‌اند. نتایج نشان داد که پردازش زیست‌توده نسل دوم هزینه‌بر بوده و روغن پالایش شده ۶۵ درصد گران‌تر از نمونه‌های فسیلی است. از لحاظ معیارهای اقتصادی و زیست‌محیطی، واحد سیار عملکرد بهتری از واحدهای ثابت نشان دادند. نسبت خروجی به ورودی انرژی بین ۶,۹۹ و ۷,۵۴ قرار داشته و انتشار کربن دی‌اکسید بین ۹۶ و ۱۳۸ کیلوگرم به ازای هر تن روغن پالایش شده است (Murat yazan et al, 2016: 173).

پاولو^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیق خود با عنوان «مدل‌سازی کاربردی عملکرد زنجیره تأمین زیست‌توده سبز»، سه نوع سیستم زنجیره تأمین را از نظر برداشت زیست‌توده در مکان اولیه، جمع‌آوری کل زیست‌توده در مکان اولیه، بارگیری زیست‌توده از مکان اولیه و حمل و نقل، تخلیه زیست‌توده در شرایط متفاوت با توجه به هزینه کل مورد بررسی قرار دادند. مدل کاربردی فعالیت‌ها، اقدامات، فرایندها و عملیات تولید و اجرا توسط نرم‌افزار ExtendSim شبیه‌سازی شده است. مدل ارائه‌شده در این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک سیستم پشتیبانی جهت شناسایی موانع با بررسی و آزمایش گزینه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد و این باعث می‌شود سیستم بر مبنای هزینه کل عملیات یا زمان کل عملیات بهینه‌سازی شود (Pavlou et al, 2016: 29).

شقایق آقایی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود به طراحی زنجیره تأمین زیست‌توده زیستی با هدف کمینه‌سازی هزینه‌های حمل و نقل پرداخت و زنجیره تأمین سوخت زیستی از برداشت زیست‌توده تا تحویل به مشتری را مورد بررسی قرار داد. مدل ارائه‌شده در دو حالت قطعیت و تحت عدم قطعیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج جواب‌های بهینه برای هر دو مدل نشان داد، پالایشگاه بهتر است در مکانی احداث شود که فاصله کمتری با مکان‌های برداشت داشته باشد. همچنین زیست‌توده‌ای بیشتر مورد مصرف قرار می‌گیرد که هزینه اولیه کمتری به زنجیره اعمال کند (آقایی، ۱۳۹۵).

پریسا مصطفی‌زاده (۱۳۹۴) پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «توسعه مدل

ریاضی برای شبکه زنجیره تأمین هیدروژن با استفاده از زیست‌توده‌ها با توجه به مسائل زیست‌محیطی» را در دانشگاه تهران انجام داده است. در این تحقیق به مسئله بهینه‌سازی تصمیمات در سطح زنجیره تأمین هیدروژن پرداخته شده است. زنجیره تأمین مذکور چهارسطحی شامل سطوح تأمین مواد اولیه (زباله‌های شهری و بقایای کشاورزی)، تولید هیدروژن، انبارش و تقاضا است. بهینه‌سازی در این تحقیق به منظور کمینه‌سازی میزان آلاینده‌های زنجیره تأمین و هزینه کل زنجیره است. نتایج نشان داد قرارداد هدف کمینه‌سازی میزان آلاینده‌ها در اولویت اول، منجر به طراحی و مدیریت زنجیره تأمین مذکور به گونه‌ای می‌شود که سیاستگذار با صرف هزینه بیشتر، درصدد کاهش آلاینده‌های فرایند تأمین تا مصرف هیدروژن برمی‌آید (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱).

هندالیان‌پور (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود به توسعه مدل ریاضی برای شبکه زنجیره تأمین سبز تحت شرایط عدم قطعیت جهت استفاده از زیست‌توده‌ها پرداخت. مدل اول برای انتخاب بهترین مکان جهت احداث پالایشگاه ارائه شد و نتایج نشان داد که این مدل در مقایسه با مدل‌های پیشین دارای خطای کمتری است (هندالیان‌پور، ۱۳۹۳: ۱).

جدول ۱. خلاصه تحقیقات انجام‌شده در حوزه زنجیره تأمین زیست‌توده

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	عنوان پژوهش	مؤلفه‌های بکار گرفته‌شده در پژوهش
۱	Abdol Ghani et al	۲۰۱۸	طراحی شبکه زنجیره تأمین زیست‌توده با بقایای زیست‌توده	برداشت، حمل‌ونقل، ذخیره‌سازی، نیروگاه
۲	De Laporte et al	۲۰۱۶	تأثیر ساختار زنجیره تأمین زیست‌توده و قیمت زیست‌توده بر روی تأمین مواد اولیه انرژی زیستی	حمل‌ونقل، برداشت، نیروگاه، پیش‌پردازش، ذخیره‌سازی
۳	Hsion Lim & Loong Lam	۲۰۱۶	بهینه‌سازی زنجیره تأمین زیست‌توده از طریق تجزیه و تحلیل اجزای چرخه عمر زیست‌توده	برداشت، حمل‌ونقل، نیروگاه
۴	Murat Yazan et al	۲۰۱۶	طراحی زنجیره تأمین پایدار زیست‌توده نسل دوم	برداشت زیست‌توده، پیش‌پردازش، پردازش، حمل‌ونقل
۵	De Meyer et al	۲۰۱۶	توجه به بازسازی و رشد زیست‌توده با استفاده از بهینه‌سازی زنجیره تأمین زیست‌توده	برداشت، ذخیره‌سازی، پیش‌پردازش، حمل‌ونقل، تبدیل انرژی
۶	Pavlo et al	۲۰۱۶	مدل‌سازی کاربردی عملکرد زنجیره تأمین زیست‌توده سبز	برداشت، حمل‌ونقل، پیش‌پردازش، ذخیره‌سازی، نیروگاه
۷	Paulo et al	۲۰۱۵	بهینه‌سازی زنجیره تأمین باقی‌مانده زیست‌توده	برداشت، حمل‌ونقل، ذخیره‌سازی

نیروگاه	جنگلی برای تولید انرژی زیستی			
برداشت زیست‌توده، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل، پیش‌پردازش، نیروگاه.	الگوریتم بازگشتی DEA برای طراحی بهینه شبکه زنجیره تأمین زیست‌توده	۲۰۱۴	Grigoroudis et al	۸
برداشت زیست‌توده، حمل‌ونقل زیست‌توده، ذخیره زیست‌توده	توسعه یک مدل شبیه‌سازی زنجیره تأمین برای تولید انرژی سوختی	۲۰۱۲	Zhang et al	۹
برداشت زیست‌توده، حمل‌ونقل، نیروگاه	طراحی بهینه و تجزیه‌وتحلیل حساسیت از شبکه زنجیره تأمین زیست‌توده برای سوخت‌های زیستی تحت عدم اطمینان	۲۰۱۱	Kim et al	۱۰
جمع‌آوری زیست‌توده زباله، حمل‌ونقل، ذخیره‌سازی، پیش‌پردازش، تبدیل انرژی	مدیریت زنجیره تأمین زیست‌توده زباله	۲۰۱۰	Lakovou et al	۱۱

منبع: یافته‌های پژوهش

در تحقیقات انجام‌شده در زمینه زنجیره تأمین زیست‌توده بیشتر به تعریف فعالیت‌ها و اجزای این زنجیره، مدل‌سازی ریاضی عملکرد زنجیره تأمین زیست‌توده در برخی از منابع زیست‌توده جهت کاهش هزینه‌ها، شبیه‌سازی عملکرد زنجیره تأمین زیست‌توده برای تولید انرژی که برای انتخاب مکان مناسب تسهیلات و کاهش هزینه بوده، پرداخته شده است. هدف اکثریت تحقیقات انجام‌شده در زمینه زنجیره تأمین زیست‌توده بهینه‌سازی این زنجیره جهت کاهش هزینه حمل‌ونقل از محل برداشت زیست‌توده تا تبدیل آن به انرژی است و تاکنون تحقیقی انجام نشده است که به روابط علی بین اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده پرداخته باشد و سناریوهای مختلف اجزای این زنجیره را با نقشه‌شناختی فازی بررسی کرده باشد. با توجه به اهمیت زنجیره تأمین زیست‌توده زباله این خلأ پژوهشی در ایران به چشم می‌خورد، لذا در این پژوهش سعی بر آن است تا زنجیره تأمین زیست‌توده زباله بومی برای کشور ایران ارائه شود. سپس با نقشه‌شناختی فازی می‌توان روابط علی بین اجزای زنجیره و سناریوهای مختلف بر عملکرد زنجیره تأمین را بررسی کرد.

۲. مبانی نظری پژوهش

انرژی‌های تجدیدپذیر: انرژی تجدیدپذیر، انرژی است که منبع تولید آن، برخلاف انرژی‌های تجدیدناپذیر (فسیلی) قابلیت آن را دارد که توسط طبیعت در یک بازه زمانی کوتاه دوباره به وجود آید و پس از مصرف به‌راحتی جایگزین شوند؛ مانند

انرژی خورشیدی، انرژی باد، زمین گرمایی، زیست‌توده، جزر و مد (احمدپور، ۱۳۹۳: ۴).

زیست‌توده: زیست‌توده یکی از منابع مهم انرژی‌های تجدیدپذیر است و به هر موجود زنده که قابلیت رشد و نمو داشته و بر مبنای قانون طبیعی تقسیم شود، اطلاق می‌گردد که شامل جنگل‌ها، اجزای گیاهان، برگ‌ها، موجودات زنده اقیانوس‌ها، زائدهات حیوانی پسماندهای شهری و غذایی می‌شوند. این مواد قابلیت ذخیره انرژی در خود را دارا است. در واقع، در خلال پدیده فتوسنتز دی‌اکسیدکربن از طریق آب‌وخاک و هوا توسط انرژی خورشیدی در گیاهان ذخیره می‌شود و باعث رشد و نمو آن‌ها می‌گردد، این انرژی خورشیدی در مواقع مصرف قابلیت تبدیل به انرژی را دارا است. زیست‌توده قابلیت تولید برق، حرارت، سوخت‌های مایع، سوخت‌های گازی و انواع کاربردهای مفید شیمیایی را دارا است (Critchlow & Leroi, 2012).

زیست‌توده زباله: به باقی‌مانده‌ها و پس‌مانده‌های ناشی از فعالیت‌های موجود زنده به‌خصوص انسان که به‌صورت جامد، مایع و گاز خواسته یا ناخواسته توسط آن تولید و دور ریخته می‌شود و از نظر آن زائد تلقی می‌شود؛ مانند زباله‌های شهری، زباله‌های صنعتی و غیره. (Lakovou et al, 1862: 2010).

زنجیره تأمین: زنجیره تأمین شبکه‌ای از سازمان‌های درگیر که طی فرایندها و فعالیت‌های مختلف ارزشی را در قالب یک کالا یا خدمات به مشتری ارائه می‌دهند، است. در تعریفی دیگر، زنجیره تأمین به‌عنوان مجموعه‌ای فرایند یکپارچه در قالب اجزا مختلف کسب‌وکار شامل (تأمین‌کننده، تولیدکننده، توزیع‌کننده، خرده‌فروش) است که با یکدیگر در جهت دریافت مواد خام، تبدیل مواد خام به محصولات نهایی و تحویل محصولات نهایی به خرده‌فروش کار می‌کنند.

به‌طورکلی زنجیره تأمین شامل دو یا تعداد بیشتری سازمان‌های مجزا است که از طریق جریان مواد، اطلاعات و جریان مالی به یکدیگر متصل هستند.

1. Biomass

2. Supply chain

سازمان‌های درگیر در یک زنجیره تأمین ممکن است مواد اولیه را تهیه کرده یا محصولات میانی یا محصولات نهایی را تولید کنند (Shapiro, 2007).

زنجیره تأمین زیست‌توده: مدیریت زنجیره تأمین نقش مهمی در مدیریت تولید انرژی زیستی ایفا می‌کند. مدیریت زنجیره تأمین زیست‌توده به‌عنوان مدیریت یکپارچه تولید انرژی زیستی از کشت زیست‌توده تا تولید انرژی زیستی را شامل می‌شود که دارای چهار جز اصلی کشت و برداشت، انتقال، ذخیره‌سازی و پیش‌پردازش است (Grigoroudis et al, 2014: 115).

نگاشت شناختی فازی: نقشه‌شناختی یا همان مدل‌های گرافیکی علت و معلول توسط رابرت اسکورد^۱ (۱۹۷۶) در حوزه علوم سیاسی معرفی شد. کوسکو^۲ (۱۹۸۶) برای نخستین بار ابزارهای فازی را برای ترسیم این مدل‌ها مورد استفاده قرار داد و مدل‌های نقشه‌شناختی فازی را برای نخستین بار مطرح کرد. نقشه‌های شناختی فازی، روش‌های ترکیبی هستند که از لحاظ بعضی مفاهیم بین سیستم‌های فازی و شبکه‌های عصبی قرار دارند. آن‌ها دانش را از حالت نمادین و وضعیت‌های مرتبط به آن مانند فرایندها، خط‌مشی‌ها و رخدادها در حالت قابل قیاس بیان می‌کنند. مشخصه اصلی این مدل‌گرافی هدایت شده است که با استفاده از آن فرایند نتیجه‌گیری و بررسی روابط علت و معلولی میان برخی عوامل نمایش داده می‌شود. ایجاد یک مدل شناختی نیازمند ورودی‌هایی است که از تجارب و دانش افراد خبره در موضوع مورد نظر به دست می‌آید (قاسمی و قبادیان، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

۳. روش‌شناسی پژوهش

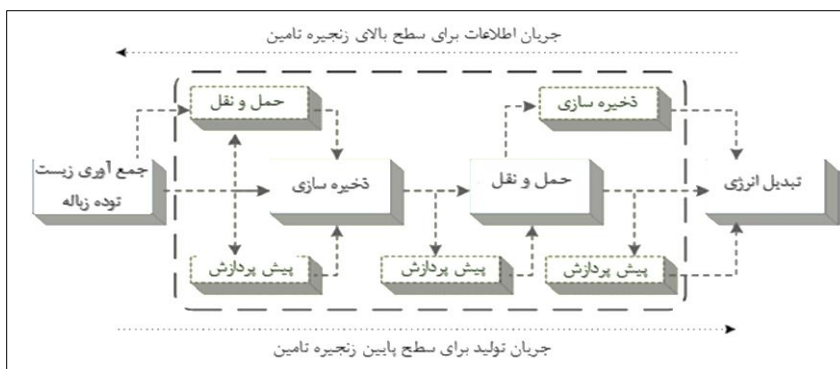
بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که منابع انرژی تجدیدپذیر نقش مهمی در استراتژی‌های فعلی جهان برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و جایگزینی بخشی از سوخت‌های فسیلی ایفا می‌کنند. جمع‌آوری زیست‌توده زباله از محل برداشت تا تولید آن به انرژی، دارای پیچیدگی زیاد و هزینه تدارکات بالا است. کارایی زنجیره تأمین زیست‌توده در زمینه اقتصادی برای تولید انرژی مهم هست.

1. Robert exlord

2. Kosko

در تحقیقات پیشین، حوزه زنجیره تأمین زیست‌توده و زیست‌توده زباله، فعالیت‌های جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و تبدیل انرژی به‌عنوان اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله بیان شده است.

شکل ۱. زنجیره تأمین زیست‌توده زباله



Lakovou et al, 1862: 2010

زنجیره تأمین زیست‌توده، یک زنجیره تأمین کلی برای تمامی مناطق جهان نیست. زنجیره تأمین زیست‌توده به‌صورت بومی است.

تحقیق حاضر از نوع هدف توسعه‌ای- کاربردی و از نظر روش توصیفی- تحلیلی است. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی به وضعیت کنونی پدیده می‌پردازد یا موضوعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. پژوهشگر علاوه‌بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مبانی نظری تحقیق فراهم می‌شود، سپس به بررسی روابط ابعاد مسئله تحقیق و نتیجه‌گیری می‌پردازد (کرمخانی و علی‌مدد، ۱۳۹۶). در این پژوهش با مرور پیشینه و مبانی نظری ابعاد مسئله تحقیق که اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله است، شناسایی شد و با مصاحبه از خبرگان حوزه زیست‌توده که تعداد ۴ نفر بودند؛ اجزای نهایی زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران شناسایی و مورد تأیید قرار گرفت. سپس برای بررسی روابط بین اجزای

زنجیره تأمین، پرسشنامه نقشه‌شناختی فازی طراحی و بین ۷ نفر از خبرگان توزیع و جمع‌آوری شد. در پایان، داده‌های جمع‌آوری شده برای محاسبه تأثیرات علی و بررسی سناریوهای مختلف با نرم‌افزار Mental Modeler مورد تحلیل قرار گرفت. این نرم‌افزار یک نرم‌افزار مدل‌سازی است که به افراد و جوامع کمک می‌کند تا دانش خود را در یک فرمت استاندارد برای تجزیه و تحلیل سناریوهای مختلف مورد استفاده قرار دهند. مدل‌سازی در این نرم‌افزار دارای سه گام است. گام نخست، تعریف اجزای مهم سیستم مورد مطالعه؛ گام دوم، تعریف روابط بین این اجزا و گام سوم اجرای سناریوهای "What if" برای تعیین چگونگی عکس‌العمل سیستم تحت دامنه‌ای از تغییرات ممکن است (Mental Modeler, 2018).

شکل ۲. مراحل انجام پژوهش



جدول ۲. مشخصات خبرگان

ردیف	سمت	سن	جنسیت	تجربه (سال)	رشته تحصیلی (مقطع)
۱	مدیر دفتر توسعه فناوری ساتبا	۴۵	مرد	۱۸ سال	شیمی (دکتر)
۲	مدیر گروه تحقیقات ساتبا	۴۸	مرد	۱۵ سال	شیمی (کارشناسی ارشد)
۳	مدیر بخش ساوه	۳۸	مرد	۸ سال	شیمی (کارشناسی ارشد)
۴	مدیر دفتر زیست‌توده ساتبا	۵۰	مرد	۲۰ سال	محیط‌زیست (کارشناسی ارشد)

منبع: سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری برق ایران

مدل نقشه‌شناختی فازی یک نمودار علت و معلول است که نمایشگر روابط بین اجزای اساسی در نظام‌های پیچیده است. یک مدل FCM از یک‌سری گره‌ها یا مفاهیم تشکیل شده است که به‌وسیله کمان‌های وزن‌دار با یکدیگر ارتباط داخلی دارند. هر ارتباط داخلی میان دو گره دارای وزنی است که معادل نیرو و رابطه علت و معلولی میان آن دو گره است. یک نقشه‌شناختی با فنون مختلف شامل استفاده از پرسشنامه‌ها برای استخراج نظرات خبرگان و ترسیم متغیرها و روابط، بررسی از تحلیل محتوا برای کشف روابط در متون نوشتاری، استفاده از داده‌های کمی و فرایند مصاحبه عمیق با افراد مختلف و خبرگان می‌تواند به تصویر کشیده شود.

گام‌های FCM به شرح زیر است:

گام اول: تهیه ماتریس اولیه عوامل؛

گام دوم: تنظیم ماتریس فازی شده عوامل؛

گام سوم: ایجاد ماتریس قدرت ارتباط؛

گام چهارم: تهیه ماتریس نهایی عوامل (قاسمی و قبادیان، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

۴. نتایج مرور ادبیات تحقیق و شناسایی اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله

در این مرحله با مطالعه مقالات و پایان‌نامه‌های حوزه زنجیره تأمین زیست‌توده و زیست‌توده زباله اجزای زنجیره تأمین شامل: جمع‌آوری زیست‌توده، حمل‌ونقل زیست‌توده، ذخیره‌سازی زیست‌توده، پیش‌پردازش و تبدیل انرژی شناسایی شد. در بخش پیشینه پژوهش جدول ۱ آورده شده است.

۴-۱. نتایج مصاحبه با خبرگان در جهت شناسایی اجزای زنجیره تأمین

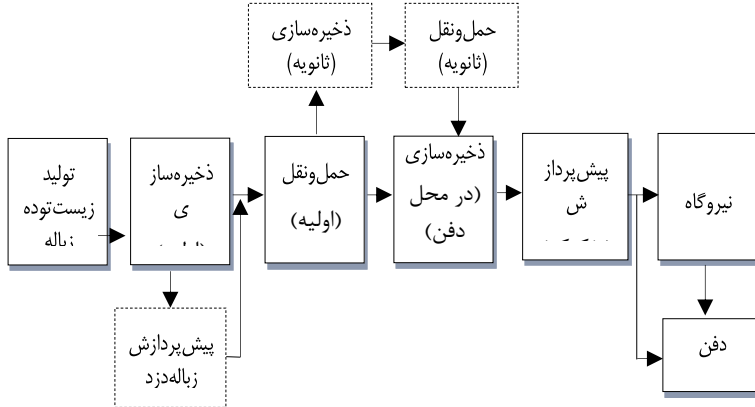
زیست‌توده زباله در ایران

جهت تعیین شاخص‌ها و معیارها می‌توان از انواع مختلفی از داده‌های کیفی نظیر گفتگو، مشاهده، مصاحبه، گزارش عمومی، یادداشت‌های روزانه پاسخ‌دهندگان و تعاملات و تفکرات خود پژوهشگر استفاده کرد. روش جمع‌آوری اطلاعات در این مرحله تحقیق، روش مصاحبه است. مصاحبه فرایندی برای کسب اطلاعات است و مصاحبه‌شونده به‌صورت شفاهی به پرسش‌های مصاحبه‌کننده پاسخ

می‌دهد و این نوعی تبادل اجتماعی دوسویه است. در ابتدا مصاحبه از خبره‌ها، پژوهشگر هدف از انجام تحقیق را بیان و با ایجاد روابط صمیمی و جلب اعتماد خبره‌ها زمینه را برای انجام مصاحبه بهتر فراهم کرد. ابتدا مصاحبه به صورت انفرادی از خبره‌ها انجام شد. پرسش‌های اصلی مصاحبه شامل: (۱) لطفاً موقعیت کاری و فعالیت خود را در سازمان به اختصار بیان کنید. (۲) برای تولید انرژی برق از زیست‌توده زباله به نظر شما چه فعالیت‌هایی انجام می‌شود. (۳) نحوه انجام هر یک از فعالیت‌های مورد نیاز برای جمع‌آوری زیست‌توده زباله تا نیروگاه چگونه است. پژوهشگر در طول مصاحبه، کنترل را در دست داشته و پس از پایان توضیحات مشارکت‌کننده یک بار مطالب بیان‌شده توسط او و برداشت خود را از آن بیان می‌کرد تا پس از تأیید مصاحبه‌شونده از صحت مطالب بیان‌شده اطمینان پیدا کند. پس از پایان مصاحبه انفرادی، پژوهشگر تمامی نظرات خبرگان را باهم جمع‌کرد، سپس یک جلسه گروهی با چهار خبره تشکیل داد. تمامی اجزای زنجیره تأمینی که خبرگان بیان کردند و اجزایی که با پیشینه پژوهش به دست آمده بود را برای خبرگان بیان کرد. از خبرگان خواسته شد با همفکری و بیان نظراتشان فعالیت‌ها و اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله از تولید آن تا رسیدن به نیروگاه جهت تولید انرژی برق را با توجه به مصاحبه‌های قبلی و پیشینه پژوهش برای کشور شناسایی کنند. این جلسه زمانی به پایان رسید که تمامی خبرگان به یک اشباع نظری دست یافتند. بعد از این مرحله یک جلسه گروهی دیگری تشکیل شد. هدف در آن جلسه مشخص کردن ترتیب فعالیت‌ها و اجزای زنجیره تأمین تا تولید انرژی بود. در این جلسه نیز اتمام جلسه با توجه به اشباع نظر خبرگان بود. خبرگان تولید زیست‌توده زباله، ذخیره‌سازی اولیه زیست‌توده زباله، پیش‌پردازش اولیه زیست‌توده زباله توسط زباله‌دزدها، حمل و نقل زیست‌توده زباله، ذخیره‌سازی ثانویه، حمل و نقل ثانویه، ذخیره‌سازی در محل دفن، پیش‌پردازش یعنی تفکیک زباله‌ها، نیروگاه و محل دفن را به عنوان اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران بیان کردند و زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران به صورت شکل زیر ترسیم شد. این مدل نسبت به مدل‌های گذشته زنجیره تأمین زیست‌توده زباله

توسعه یافته است و شکل بومی زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران هست.

شکل ۳. مدل زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران



همان‌طور که در شکل مدل زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران مشخص شده است، پیش‌پردازش اولیه توسط زباله‌دزدها، ذخیره‌سازی ثانویه و حمل‌ونقل ثانویه به‌صورت خط‌چین نمایش داده شده است؛ زیرا این اجزا ممکن است بعضی مواقع در زنجیره حضور داشته باشند و بعضی مواقع نیازی به ذخیره‌سازی ثانویه یا حمل‌ونقل ثانویه در زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران نباشد.

۴-۲. تهیه پرسشنامه نگاشت‌شناختی

در این مرحله، پرسشنامه نگاشت‌شناختی طراحی و به ۷ نفر خبره در این حوزه توزیع شد. این پرسشنامه دارای یک ماتریس 10×10 است و از خبرگان خواسته شده است دوبه‌دو اجزا را از نظر تأثیرگذاری مطابق مفاهیم ارزش‌گذاری زیر بررسی کنند.

- عدم تأثیر ...
- تأثیر کم...۲،۰
- تأثیر متوسط...۴،۰
- تأثیر زیاد...۸،۰
- تأثیر خیلی زیاد...۱۰

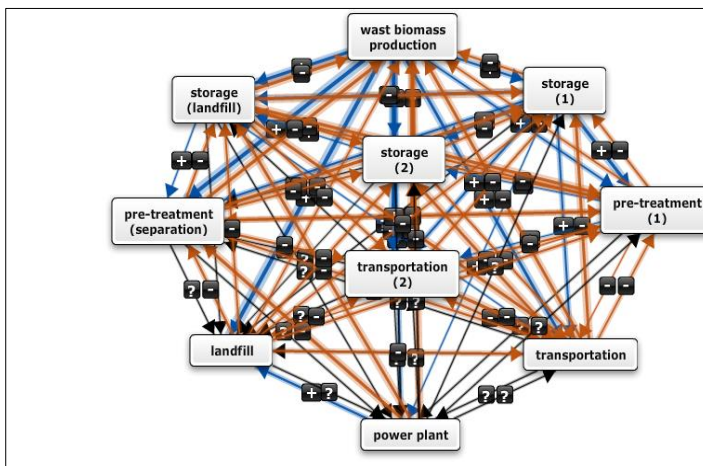
رابطه معکوس... (مقادیر منفی)

از آنجاکه پرسشنامه نگاشت‌شناختی به صورت دوه‌دو و مقایسات زوجی است، نیاز به بررسی پایایی ندارد و روایی محتوایی آن از نظر خبرگان تأیید شد.

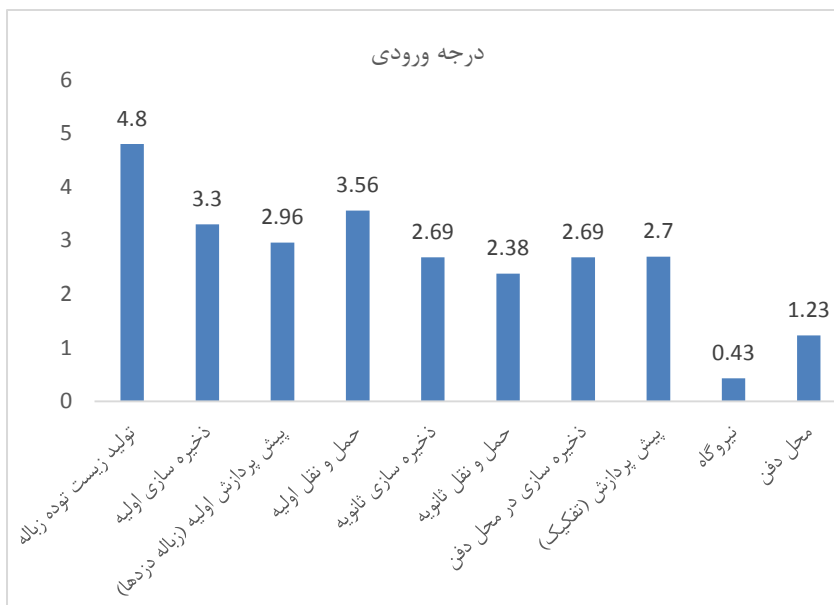
۳-۴. نتایج تعیین روابط علی اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران با استفاده از نقشه‌شناختی فازی

در این مرحله داده‌های پرسشنامه نگاشت‌شناختی جمع‌آوری و سپس داده‌ها وارد نرم‌افزار Mental Modeler شد. ابتدا در نرم‌افزار اجزای زنجیره تأمین تعریف و در بخش ماتریس اجزای زنجیره، میانگین داده‌های پرسشنامه خبرگان در پرسشنامه نگاشت وارد شد. سپس نرم‌افزار روابط علی بین اجزای زنجیره تأمین و میزان درجه ورودی و خروجی را مشخص کرد. میزان درجه ورودی یعنی میزان تأثیرپذیری (فلش‌هایی که به آن وارد می‌شود) هر یک از اجزا، نسبت به سایر اجزا است. میزان درجه خروجی یعنی میزان تأثیرگذاری (فلش‌هایی که از آن خارج می‌شود) اجزای زنجیره تأمین نسبت به سایر اجزای زنجیره و درجه مرکزیت شدت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اجزا را مشخص می‌کند. شکل ۴ روابط علی بین اجزای زنجیره و شکل ۵، ۶ و ۷ درجه ورودی، درجه خروجی و مرکزیت هر یک از اجزا را نشان می‌دهد.

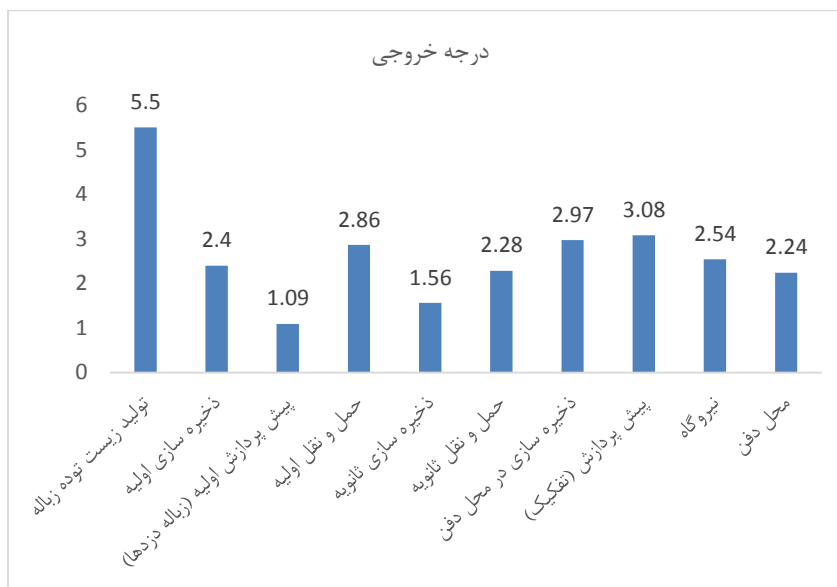
شکل ۴. نمودار روابط علی بین اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران



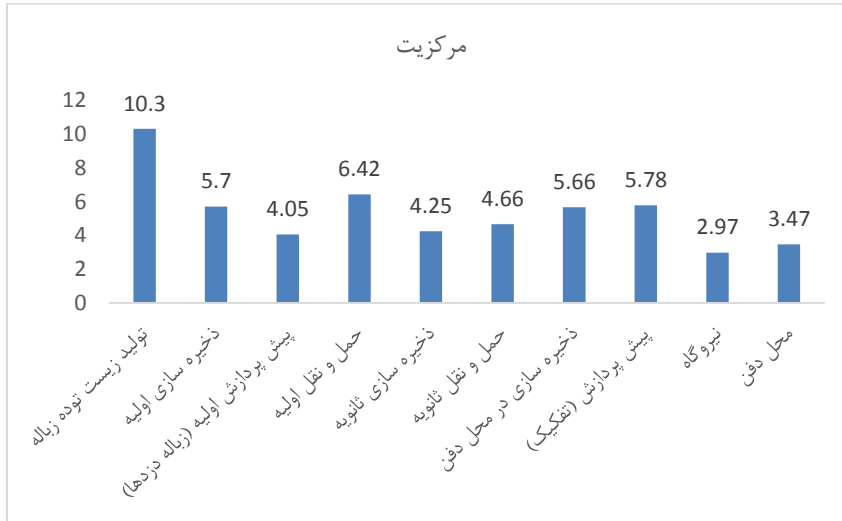
شکل ۵. نمودار میزان درجه ورودی اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران



شکل ۶. نمودار میزان درجه خروجی اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران



شکل ۷. نمودار میزان مرکزیت اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران



همان‌طور که از نمودار درجه خروجی مشخص است، اجزای تولید زیست‌توده زباله، پیش‌پردازش (تفکیک)، ذخیره‌سازی در محل دفن، حمل و نقل اولیه و ذخیره‌سازی اولیه دارای درجه خروجی بیشتری نسبت به بقیه اجزا هستند. در جدول زیر میزان درجه ورودی، درجه خروجی و مرکزیت اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله آورده شده است.

جدول ۳. درجه ورودی، درجه خروجی و مرکزیت اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران

ردیف	اجزای زنجیره تأمین	درجه ورودی	درجه خروجی	مرکزیت
۱	تولید زیست‌توده زباله	۴٫۸	۵٫۵	۱۰٫۳
۲	ذخیره‌سازی اولیه	۳٫۳	۲٫۴	۵٫۷
۳	پیش‌پردازش (زباله‌دزدها)	۲٫۹۶	۱٫۰۹	۴٫۰۵
۴	حمل و نقل اولیه	۳٫۵۶	۲٫۸۶	۶٫۴۲
۵	ذخیره‌سازی ثانویه	۲٫۶۹	۱٫۵۶	۴٫۲۵
۶	حمل و نقل ثانویه	۲٫۳۸	۲٫۲۸	۴٫۶۶
۷	ذخیره‌سازی در محل دفن	۲٫۶۹	۲٫۹۷	۵٫۶۶
۸	پیش‌پردازش (تفکیک زباله‌ها)	۲٫۷	۳٫۰۸	۵٫۷۸
۹	نیروگاه	۰٫۴۳	۲٫۵۴	۲٫۹۷
۱۰	محل دفن (دفن زباله)	۱٫۲۳	۲٫۲۴	۳٫۴۷

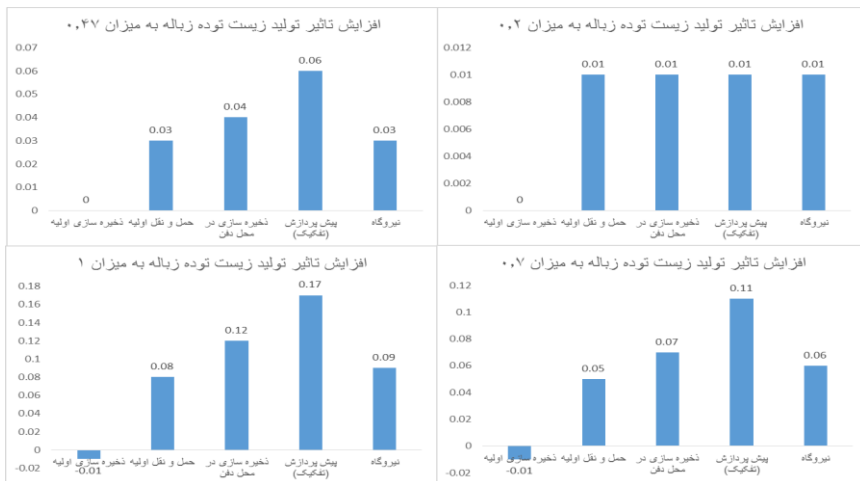
منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. نتایج بررسی سناریوهای مختلف زنجیره تأمین زیست‌توده زباله در ایران در این مرحله برای بررسی سناریو اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله، اجزایی که دارای درجه خروجی بیشتری هستند، در نظر گرفته می‌شود. در صورت افزایش و کاهش میزان اثرگذاری و تأثیرپذیری اجزا چه تغییراتی برای سایر اجزای اتفاق می‌افتد. در بررسی سناریو تولید زیست‌توده زباله، ذخیره‌سازی اولیه، حمل‌ونقل اولیه، ذخیره‌سازی در محل دفن، پیش‌پردازش (تفکیک زباله‌ها) و نیروگاه در نظر گرفته شده است.

۴-۴-۱. سناریوهای افزایش تأثیر تولید زیست‌توده زباله

در نرم‌افزار Mental Modeler سناریو what if انجام می‌شود؛ یعنی در صورت تغییر یک جز از سیستم، واکنش و عکس‌العمل سایر اجزای سیستم به چه صورت است. در این قسمت میزان تأثیر تولید زیست‌توده زباله افزایش یافته است تا واکنش و عکس‌العمل سایر اجزا نسبت به این تغییر در زنجیره تأمین بررسی شود.

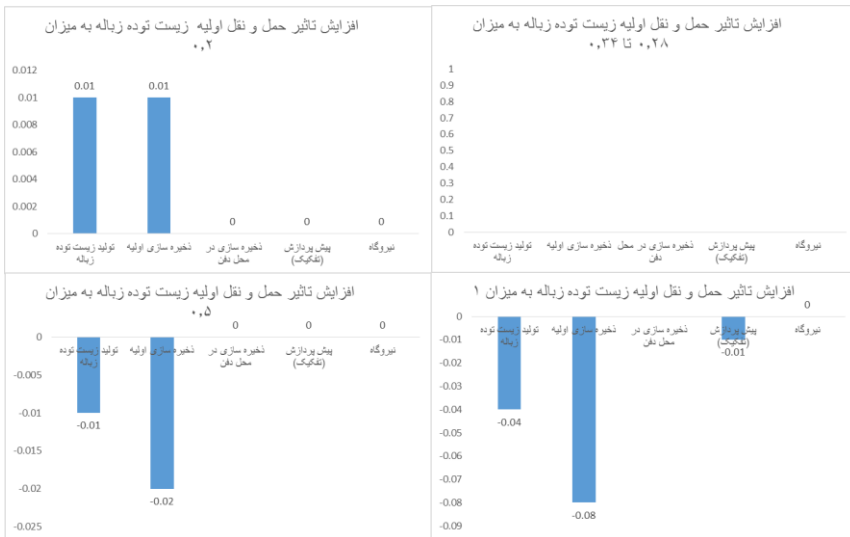
شکل ۸. افزایش تأثیر تولید زیست‌توده زباله در زنجیره تأمین



با توجه به خروجی نرم‌افزار برای افزایش میزان تأثیر تولید زیست‌توده زباله در زنجیره تأمین مشاهده می‌شود که تا میزان ۰,۴۷، تغییری در میزان تأثیر ذخیره‌سازی اولیه در زنجیره تأمین ایجاد نمی‌شود، ولی میزان تأثیر حمل‌ونقل

اولیه، ذخیره‌سازی در محل دفن، پیش‌پردازش (تفکیک) و نیروگاه نیز در زنجیره تأمین افزایش می‌یابد. هر چه میزان تأثیر تولید زیست‌توده زباله در زنجیره تأمین افزایش می‌یابد، میزان تأثیرگذاری آن در زنجیره تأمین معکوس می‌شود و سایر اجزا به همان روند گذشته در حال افزایش هستند.

شکل ۹. افزایش تأثیر حمل‌ونقل اولیه زیست‌توده زباله در زنجیره تأمین



۴-۲- سناریو افزایش تأثیر حمل‌ونقل اولیه

با توجه به خروجی نرم‌افزار برای افزایش میزان تأثیر حمل‌ونقل اولیه زیست‌توده زباله در زنجیره تأمین مشاهده می‌شود که تا میزان ۰,۵، تغییری در میزان تأثیر ذخیره‌سازی در محل دفن، پیش‌پردازش (تفکیک) و نیروگاه در زنجیره تأمین ایجاد نمی‌شود، ولی میزان تأثیر تولید زیست‌توده زباله و ذخیره‌سازی اولیه ابتدا افزایش می‌یابد. همان‌طور که در شکل مشخص است، هرچه میزان تأثیر افزایش می‌یابد، تأثیر تولید زیست‌توده زباله و ذخیره‌سازی اولیه معکوس می‌شود؛ یعنی تأثیرپذیر می‌شوند و اگر میزان تأثیر حمل‌ونقل اولیه بیش از ۰,۵ افزایش یابد بر مرحله پیش‌پردازش (تفکیک) تأثیر گذاشته و تأثیر آن معکوس می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان بیان کرد که افزایش میزان تأثیر حمل‌ونقل اولیه باعث می‌شود

تولید زیست توده زباله، ذخیره سازی اولیه و تفکیک زیست توده زباله در زنجیره تأمین، تأثیر پذیر شوند.

۳-۴-۴. سناریو افزایش تأثیر ذخیره سازی در محل دفن

هر چه میزان تأثیر ذخیره سازی در محل دفن افزایش یابد، تأثیر تولید زیست توده زباله، ذخیره سازی اولیه و حمل و نقل اولیه به نسبت افزایش ذخیره سازی در محل دفن کاهش می یابد؛ به گونه ای که افزایش بیشتر از ۰,۵ باعث می شود اجزای دیگر تأثیر پذیر شوند و تأثیر آن ها معکوس گردد.

شکل ۱۰. افزایش تأثیر ذخیره سازی در محل دفن زنجیره تأمین



۴-۴-۴. سناریو افزایش تأثیر پیش پردازش (تفکیک) زیست توده زباله

هر چه میزان تأثیر تفکیک زیست توده زباله افزایش داده می شود، تأثیر تولید زیست توده زباله، ذخیره سازی اولیه و حمل و نقل اولیه و ذخیره سازی در محل دفن به نسبت افزایش تفکیک کاهش می یابد؛ به گونه ای که افزایش بیشتر از ۰,۵ باعث می شود اجزای دیگر تأثیر پذیر شوند و تأثیر آن ها معکوس گردد.

شکل ۱۱. افزایش تأثیر پیش‌پردازش (تفکیک) زیست‌توده زباله در زنجیره تأمین



سناریوهای مختلف برای تولید زیست‌توده زباله، حمل‌ونقل اولیه و ذخیره‌سازی در محل دفن به‌صورت نمودار در این پژوهش نشان داده شد و سایر اجزای دیگر نیز سناریوهای آن بررسی گردید. با توجه به خروجی نرم‌افزار مشاهده می‌شود که افزایش زیاد در میزان تأثیرگذاری هر یک از اجزای زنجیره تأمین به‌غیراز تولید زیست‌توده زباله تا یک‌میزانی باعث افزایش تأثیر سایر اجزای زنجیره تأمین می‌شود و هرچه این میزان تأثیرگذاری افزایش داده می‌شود، تأثیرگذاری سایر اجزا در زنجیره تأمین، کاهش می‌یابد و سایر اجزا تأثیرپذیر می‌شوند.

افزایش تأثیر تولید زیست‌توده زباله باعث افزایش تأثیر سایر اجزای زنجیره تأمین می‌شود. وقتی میزان افزایش آن از ۰,۷ بیشتر می‌شود، ذخیره‌سازی اولیه تأثیرپذیر می‌گردد و تأثیر آن منفی می‌شود. این نشان می‌دهد که افزایش تأثیر تولید زیست‌توده زباله در زنجیره تأمین باعث کاهش تأثیر ذخیره‌سازی اولیه می‌شود و تا حدی که ممکن است، دیگر نیاز به ذخیره‌سازی اولیه در زنجیره کاهش نیست؛ زیرا با افزایش تأثیر تولید زیست‌توده زباله بقیه اجزا نیز تأثیر آن‌ها افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

نتایج مصاحبه با خبرگان حوزه زیست‌توده نشان داد که زنجیره تأمین زیست‌توده

زباله شامل اجزای تولید زیست‌توده زباله، ذخیره‌سازی اولیه، پیش‌پردازش اولیه، حمل‌ونقل اولیه، ذخیره‌سازی ثانویه، حمل‌ونقل ثانویه، ذخیره‌سازی در محل دفن، پیش‌پردازش (تفکیک)، نیروگاه و محل دفن است. زنجیره تأمین زیست‌توده زباله یک زنجیره تأمین پویاست و با توجه به میزان تولید زباله و نحوه حمل‌ونقل اولیه ممکن است در بعضی مواقع نیازی به ذخیره‌سازی ثانویه زیست‌توده زباله و حمل‌ونقل ثانویه نباشد، چراکه این خود باعث افزایش هزینه زنجیره تأمین می‌شود. برای بررسی روابط علی بین اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله و این‌که مشخص شود کدامیک از اجزا دارای تأثیر بیشتری در زنجیره تأمین هستند در این پژوهش از مدل نگاشت‌شناختی استفاده شد. نتایج این مرحله نشان داد که تولید زیست‌توده زباله، ذخیره‌سازی اولیه، حمل‌ونقل اولیه، ذخیره‌سازی در محل دفن، تفکیک و نیروگاه به ترتیب دارای درجه خروجی ۵٫۵، ۲٫۴، ۲٫۸۶، ۲٫۹۷، ۳٫۰۸ و ۲٫۵۴ هستند و این نشان‌دهنده اهمیت بیشتر این اجزا در زنجیره تأمین زیست‌توده زباله است.

در بخش سناریونویسی، نتایج نشان داد افزایش تولید زیست‌توده زباله ابتدا باعث افزایش میزان تأثیر سایر اجزا در زنجیره تأمین می‌شود و وقتی میزان تأثیر تولید زیست‌توده زباله به مقدار زیادی افزایش می‌یابد، میزان تأثیرگذاری ذخیره‌سازی اولیه در زنجیره تأمین کاهش می‌یابد. این نشان می‌دهد وقتی تأثیر تولید زیست‌توده زباله افزایش می‌یابد نیازی به ذخیره‌سازی اولیه نیست و از اهمیت آن در زنجیره کاسته می‌شود. نتایج بررسی افزایش میزان تأثیر اجزای حمل‌ونقل اولیه و ذخیره‌سازی در محل دفن نشان داد که با افزایش میزان تأثیر هر یک از آنها، میزان تأثیرگذاری سایر اجزای زنجیره تأمین کاهش یافته و به سمت تأثیرپذیری می‌روند.

این نتایج نشان می‌دهد که در بین اجزای زنجیره تأمین زیست‌توده زباله، تولید زیست‌توده زباله نقش مهمی را در زنجیره تأمین ایفا می‌کند و سایر اجزای زنجیره به تولید زیست‌توده زباله وابسته هستند و این بخش تأثیرگذارترین بخش در زنجیره تأمین زیست‌توده زباله است. بنابراین به سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر

و بهره‌وری ایران پیشنهاد می‌شود بر روی بخش تولید زیست‌توده زباله برنامه‌ریزی و تمرکز بیشتر کند تا بتواند تولید انرژی از زیست‌توده زباله را افزایش دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری در حوزه بازیافت و اهمیت‌دادن به زنجیره تأمین زیست‌توده در راستای تولید انرژی کشور انجام شود و محققان داخل کشور نیز همان‌طور که مطالعات کشورهای دیگر در این حوزه بیشتر است و این تحقیقات از سال ۲۰۱۵ رو به افزایش است، تحقیقات خود را به این حوزه که واقعاً خلأ پژوهشی دارد، سوق دهند تا با ارائه راهکارهای آن‌ها بتوان سهم تولید این منبع را با توجه به این‌که کشور ایران دارای پتانسیل‌های زیادی است؛ افزایش داد. همچنین بخش‌های سازمانی که متولی انرژی تجدیدپذیر هستند، زیرساخت‌های لازم در این حوزه را با توجه به دانش جهانی افزایش دهند.

منابع

- احمدپور، امین (۱۳۹۳). «معرفی انواع انرژی‌های تجدیدپذیر و بررسی مزایای استفاده از آن»، ششمین همایش علمی تخصصی انرژی‌های تجدیدپذیر، پاک و کارآمد، تهران: شرکت هم‌اندیشان انرژی کیمیا.
- سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (۱۳۹۷). گزارش پتانسیل سنجی انرژی‌های تجدیدپذیر، قابل دسترس در: <http://www.satba.gov.ir>
- قاسمی، احمدرضا و محمدرضا قبادیان (۱۳۹۴). «تدوین و رتبه‌بندی سناریوهای صنعت برق ایران با بهره‌گیری از نقشه‌شناختی فازی و تحلیل سناریو»، مدیریت و توسعه فناوری، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۴-۱۰۱.
- قاسمی، احمدرضا، محمدعلی رعیت‌پیشه و جواد عزیزی (۱۳۹۴). زنجیره تأمین پایدار، تهران: نگاه دانش.
- کرمخانی، جواد و زهرا علی‌مدد (۱۳۹۶). روش تحقیق و پروپوزال نویسی، تهران: نگارستان غرب.
- مصطفی‌زاده، پریسا (۱۳۹۴). «توسعه مدلی ریاضی برای شبکه زنجیره تولید/تأمین هیدروژن با استفاده از زیست‌توده‌ها با توجه به مسائل محیط زیستی»، پایان‌نامه درجه کارشناسی ارشد، دانشکده مهندسی دانشگاه تهران.
- هندالیان‌پور، ایاد (۱۳۹۳). «توسعه مدل ریاضی برای شبکه زنجیره تأمین سبز تحت شرایط عدم قطعیت جهت استفاده از زیست‌توده‌ها»، پایان‌نامه درجه کارشناسی ارشد، پردیس البرز دانشگاه تهران.
- Critchlow, J. & Leroi, A. (2012). *Making biomass part of your energy mix*, London: Bain and Company.
- De Laporte, A. V. Weersink, A. J. & McKenney, D. W. (2016). "Effects of supply chain structure and biomass prices on bioenergy feedstock supply", *Applied energy*, Vol.183, 1053-1064.
- De Meyer, A. Cattrysse, D. & Van Orshoven, J. (2016). "Considering biomass growth and regeneration in the optimisation of biomass supply chains", *Renewable energy*, Vol.87, 990-1002.

- Ghani, N. M. A. M. A. Vogiatzis, C. & Szmerkovsky, J. (2018). "Biomass feedstock supply chain network design with biomass conversion incentives", *Energy policy*, Vol.116, 39-49.
- Grigoroudis, E. Petridis, K. & Arabatzis, G. (2014). "RDEA: A recursive DEA based algorithm for the optimal design of biomass supply chain networks", *Renewable Energy*, Vol.71, 113-122.
- Iakovou, E. Karagiannidis, A. Vlachos, D. Toka, A. & Malamakis, A. (2010). "Waste biomass-to-energy supply chain management: a critical synthesis", *Waste management*, Vol.30, No.10, 1860-1870.
- International Energy Agency (2016). *Statistics and data/ country Iran*, <https://www.iea.org>.
- Kim, J. Reaff, M. Leeb, J. (2011). "Optimal design and global sensitivity analysis of biomass supply chain networks for biofuels under uncertainty", *Computers and Chemical Engineering*, Vol.35: 1738-1751.
- Lim, C. H. & Lam, H. L. (2016). Biomass supply chain optimisation via novel biomass element life cycle analysis (BELCA), *Applied Energy*, Vol.161, 733-745.
- Mafakheri, F. Nasiri, F. (2014). "Modeling of biomass- to- energy supply chain operations: applications", *challenges and research directions. Energy policy*, Vol.67: 116-126.
- Mental Modeler- Fuzzy Logic Cognitive Mapping, home (2019). <http://www.mentalmodeler.org/>.
- Paulo, H. Azcue, X. Barbosa-Póvoa, A. P. & Relvas, S. (2015). "Supply chain optimization of residual forestry biomass for bioenergy production: the case study of Portugal", *Biomass and Bioenergy*, Vol.83, 245-256.
- Pavlou, D. Orfanou, A. Busato, P. Berruto, R. Sørensen, C. & Bochtis, D. (2016). "Functional modeling for green biomass supply chains", *Computers and Electronics in Agriculture*, Vol.122, 29-40.
- Raychaudhuri, A. & Ghosh, S. K. (2016). "Biomass Supply Chain in Asian and European Countries", *Procedia Environmental Sciences*, Vol.35, 914-924.
- Renewables (2005). *Global Status Report (Full Report, EN)*, <http://www.ren21.net>.
- Shapiro, f. (2007). *Modeling supply chain*, Business & Economics, 618 pages.

- Yazan, D. M. van Duren, I. Mes, M. Kersten, S. Clancy, J. & Zijm, H. (2016). “Design of sustainable second-generation biomass supply chains”, *Biomass and bioenergy*, Vol.94, 173-186.
- Zhang, F. Johnson, D. M. & Johnson, M. A. (2012). “Development of a simulation model of biomass supply chain for biofuel production”, *Renewable Energy*, Vol.44, 380-391.